

حضرت مهدی

فروغ تابان ولایت

محمد محمدی اشتهاردی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت

نویسنده:

محمد محمدی اشتهاردی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی اشتهاردی محمد، ۱۳۲۳-

عنوان و نام پدیدآور : حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت/ تالیف محمد محمدی اشتهاردی

وضعیت ویراست : [ویراست ؟].

مشخصات نشر : قم مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری : ۲۷۷ ص.

شابک : ۱۰۰۰۰ریال ۹۶۴-۶۷۰۵-۲۳-۵ : ؛ ۱۰۰۰۰ریـال (چاپ دوازدهم) ؛ ۱۰۰۰۰ریال(چاپ سیزدهم) ؛ ۲۱۰۰۰ریال چاپ چهاردهم ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۰۵-۲۳-۴ ؛ ۲۸۰۰۰ریال (چاپ پانزدهم)

یادداشت : چاپ دوازدهم: تابستان ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ سیزدهم: تابستان ۱۳۸۵.

یادداشت : چاپ چهاردهم: تابستان۱۳۸۶.

یادداشت : چاپ پانزدهم: پاییز ۱۳۸۷.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- سرگذشتنامه

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. -- غیبت

موضوع : مهدویت

موضوع : مهدویت-- انتظار

رده بندی کنگره : BP۵۱/م ۳۳ح ۶ ۱۳۸۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : م ۸۳-۷۹۶۶

اشاره

پیشگفتار

بسم اللَّه الرحمن الرحیم

امام قائم - عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف - امید انسانها

هدایت و رهبری مردم از گمراهی به راه سعادت، همیشه در تاریخ انسان ها بوده، و با به وجود آمدن انسان ها، خداوند پیامبرانی را برای هدایت آنها گسیل داشت، تا این راه ۱۲۴۰۰۰ پیامبر آمدند که اولین آنها حضرت آدم و آخرین آنها پیامبر اسلام حضرت محمّد - صلوات اللَّه علیهم اجمعین - بود(۱).

اینها تمام توان و تلاش و کوشش خود را برای هدایت و رهبری مردم صرف کردند، ولی هیچ یک در زمان حیات خود به نتیجه نهایی و مطلوب و حکومت دلخواه نرسیدند، و نوعاً قلمرو و رهبری آنها در نقطه محدودی بود و موفّق به تشکیل حکومت جهانی نشدند (با توجه به اینکه اصلاح کامل در سایه حکومت مصلح جهانی صورت خواهد گرفت)، امید همه این بود که این راه ادامه یابد و در همه مردم جهان این زمینه به وجود آید و حکومت جهانی قائم علیه السلام برقرار گردد، تا همه پیامبران و مستضعفان به آرزو و امید خود که یک حکومتِ درخشان پر از صفا وصمیمیت است، نایل گردند. و این امید همچنان ادامه دارد، و پیامبر اسلام و ائمّه اطهار علیهم السلام هیچ یك با آن همه تلاش به حکومت دلخواه اسلامی نرسیدند و همواره و کراراً فرمودند:

۱- ۱. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۷۶.

«اگر از دنیا یک روز هم بماند خداوند آن روز را طولانی می کند تا حکومت قائم علیه السلام برقرار شود»(۱).

و آن مهدی موعود علیه السلام است که به این امر مهم جامه عمل می پوشاند و به تعبیر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی قدس سره :

«من نمی توانم اسم رهبر روی ایشان (قائم علیه السلام) بگذارم، بلکه بزرگ تر از این است. نمی توانم بگویم که اوّل شخص است، برای اینکه دومی در کار نیست. ایشان را ما نمی توانیم با هیچ تعبیری تعبیر کنیم اِلّا همین که "مهدی موعود" است، آن کسی که خداوند او را ذخیره کرده است برای بشر»(۲).

جمله «بقیه اللّه» که از القاب معروف آن حضرت است، حاکی از این است که خداوند او را ذخیره کرده، تا همه مظلومان و پیامبران و طرفداران توحید و حق را در کل جهان به آرزو و امیدشان برساند. (درباره ویژگی های این حکومتِ سراسر صفا در ظاهر و باطن، بعداً سخن خواهیم گفت).

در اینجا برای تکمیل مطلب فوق به سه روایت ذیل توجه کنید:

* یکی از یاران امام صادق علیه السلام می گوید: «به محضر مبارک امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: آیا شما صاحب ما هستید؟. فرمودند: آیا من صاحب شما هستم؟! سپس پوست بازوی خود را گرفت و کشید و فرمود: من پیر سالخورده ام، امّا صاحب شما جوان است(۳)».

تعبیر «صاحب» در مورد امام قائم علیه السلام حکایت از حکومت سراسری و همه جانبه او می کند که مسلمانان جهان باید در انتظارش باشند و برای به دست آوردن آن بکوشند.

۱- ۲. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۵۱، که حکومت دلخواه همه پیامبران است.

۲- ۳. سخنان امام در نیمه شعبان ۱۳۶۰ در حسینیه جماران.

۳- ۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

* دِعْبِل شاعر آزاده و متعهّد عصر امام رضا علیه السلام به حضور آن حضرت رسید و شعرهای پرمغز و جان داری در مدح اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خواند، حضرت رضا علیه السلام در پایان به او فرمود: این دو شعر را نیز بر شعرهای خود بیفزا. یکی از این دو شعر این است:

إِلَی الحَشْرِ حَتّی یَبْعَثَ اللَّهُ قآئِماً

یُفَرِّجُ عَنَّا الهَمَّ وَالکُرُباتِ؛

این قبرها یا این غم ها و نابسامانی ها هم چنان ادامه دارد تا خداوند حضرت قائم علیه السلام را برانگیزد، تا او اندوه و نابسامانی ها را از ما رفع کند و ما را شاد نماید»(۱).

* امام صادق علیه السلام به یکی از یاران فرمود:

«تفسیر آیه «فَاصْبِرْ عَلی مَا یَقُولُونَ»؛(۲) به آنچه مخالفان می گویند استقامت کن. این است که: ای محمّد در برابر مخالفان ایستادگی کن که من به دست مردی از نسل تو که او را بر خون ستمگران مسلّط می کنم، از آنها انتقام می گیرم»(۳).

با توجّه به گفتار بعضی از پیامبران که در کتب آسمانی تورات و انجیل و... آمده و از گفتار ائمّه علیهم السلام و... چنین به دست می آوریم که امام قائم علیه السلام امید همه در طول تاریخ و همه جهان است، البته باید توجّه کرد که انسان ها به چنین امید بزرگی نخواهند رسید مگر با کوشش و تلاش و جهاد و آگاهی و مبارزه و امر به معروف ونهی از منکر، چنان که خود امامان علیهم السلام بارها این مطلب را تذکّر داده اند، و در لا به لای این کتاب به آن اشاره خواهد شد، و گرنه با دست روی دست گذاشتن کاری ساخته نیست.

ص:۱۱

۱- ۵. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۸ و عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲- ۶. سوره طه، آیه ۱۳۰.

۳- ۷. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۲۸ - روایت دیگری نظیر این روایت در ص ۶۳ کتاب اثبات الهداه آمده است.

این مقدمه را با ذکر حدیث شریف زیر پایان می برم:

به نقل از امام صادق علیه السلام، پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«قائم علیه السلام از فرزندان من، همنام و هم کیش من است، سیمای او سیمای من و روش او روش من است، مردم را بر اطاعت از من، اسلام و خدا بخواند و وادارد، و آنها را به کتاب خدا (قرآن) دعوت نماید. هر کس از فرمان او سرپیچی کند از من سرپیچی نموده است، هر کس او را غیبت نماید و انکار کند مرا انکار کرده است، و هر کس او را دروغ پندارد مرا دروغ پنداشته است، و هرکس او را تصدیق کند مرا تصدیق کرده است، شکایت آنها را که در مورد او مرا تکذیب کنند و سخن مرا در مورد او رد نمایند و امّت مرا گمراه کنند به سوی خدا می برم و بزودی ستمکاران بدانند به کجا بازگشت می کنند»(۱).

خدا را شکر که خداوند بر این بنده عاصی منّت گذاشت و توفیق عنایت نمود تا این بضاعت مختصر را به علاقه مندان تقدیم کنم، امید آنکه خداوند توفیق آن را دهد که همه در صف یاران مخلص حضرت قائم علیه السلام باشیم.

ای امید همه، در کلّ جهان و تاریخ، و ای منتقم مظلومان و خونِ جوشان و پاک امام حسین علیه السلام و ای ذخیره و بقیّه و آخرین نشانه مردان بزرگ خدا، این کتاب و این هدیه ناقابل را که همچون ران ملخی از مور در پیشگاه باعظمت حضرت سلیمان علیه السلام است، از حقیر عاصی بپذیر.

محمّد محمّدی اشتهاردی

حوزه علمیه قم - تابستان ۱۳۷۶ ه ش

۱- ۸. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۵۲.

فصل اوّل پدر، مادر و ولادت امام زمان علیه السلام

اشاره

پدر بزرگوار امام زمان علیه السلام حضرت امام حسن عسکری علیه السلام امام یازدهم شیعیان است، بنا به نقل شیخ مفید، امام حسن عسکری علیه السلام در مدینه در ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ متولد شد و در سال ۲۶۰ در سن ۲۸ سالگی در منزل شخصی خود در سامرّاء به شهادت رسید(۱).

مادر بزرگوار امام زمان علیه السلام ملیکه است که از طرف پدر، دختر یشوعا فرزند امپراطور روم شرقی بود، و از طرف مادر نوه شمعون از یاران مخصوص حضرت عیسی علیه السلام و وصی او به شمار می رفت. او با اینکه در کاخ می زیست و با خاندان امپراطوری زندگی می کرد، امّا آن چنان پاك و باعفّت بود که گویی شباهت به خانواده خود ندارد، بلکه به مادر و خانواده مادری کشیده و زندگی اش همچون زندگی شمعون، مریم و عیسی علیه السلام از صفا و معنویت وپاکی خاصّی برخوردار بود، از این رو دوست داشت با یک خانواده پاك و خداپرست وصلت کند، و خداوند او را به طور عجیب - که در داستان ماجرای اسارت او و

۱- ۹. ارشاد شیخ مفید رحمه الله، ص ۳۰۶.

خریـداری از جانب امام هادی علیه السـلام برای امام حسن عسـکری علیه السـلام در تاریـخ آمده است - به خواسـته و هدفش رسانید.

ملیکه (نرجس خـاتون علیهـا السـلام) به خـانه امـام حسن عسـکری علیه السـلام وارد شـد، امام هادی علیه السـلام به خواهرش حکیمه فرمـود: او را به خـانه ببـر و دسـتورات اسـلامی را به او بیـاموز، او همسـر فرزنـدم حسن علیه السـلام و مـادر مهـدی آل محمّدعلیهم السلام خواهد بود، آن گاه به نرجس علیها السلام رو کرده وفرمود:

«مژده بـاد تو را به فرزنـدی که سراسـر جهـان را با نور حکومتش پر از عـدالت و دادگری کنـد، پس از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد».

آری این چنین دختر پاك و دانا، آلودگی کاخ شاهان را رها کرد و در خطّ جـدّ مادری اش، شـمعون قرارگرفت وسـرانجام به سعادت عظمای همسـری امام حسن عسـکری علیه السلام درآمد و لیاقت پرافتخار مادری حضرت قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - را پیدا کرد.

او نام های دیگر مانند ریحانه، صـقیل و سوسن نیز دارد و خواهر امام هادی علیه السلام حکیمه او را به عنوان سیّده (خانم) می خوانـد. این بـانوی باسـعادت در سال ۲۶۱ هجری، و به روایـتی قبـل از شـهادت امـام عسـکری علیه السـلام از دنیـا رفت و قـبر شریفش در سامرّاء، کنار قبر منوّر امام عسکری علیه السلام قرار گرفته است(۱).

امـام قـائم - عجّـل اللّه تعـالی فرجه الشـریف - از همین خانـدان پـاك در شب جمعه نیمه شـعبان سـال ۲۵۵ هجری، در زمـان حکومت معتمد عباسی

۱- ۱۰. ریاحین الشّریعه، ج ۳، ص ۲۵.

در سامرّاء متولّد شد و هنگام شهادت پدر، پنج ساله بود(۱). تولّد آن حضرت را جز عدّه ای خاص نمی دانستند و برای نوع مردم مخفی بود، تا مبادا مورد گزند طاغوتیان غاصب و ستمگر زمان قرار گیرد.

حکیمه خاتون عمّه امام حسن عسکری علیه السلام گوید: روز پنج شنبه نیمه شعبان به منزل برادرم رفتم. هنگام مراجعت، امام عسکری علیه السلام فرمود: امشب را نزد ما باش، امشب فرزندی متولّد می شود که خداوند، زمین را به علم و ایمان و هدایت او زنده گرداند.

بالاخره ماندم، صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون علیها السلام پدید آمد، او را در بر گرفتم، امام علیه السلام فرمود: سوره قدر را بر او بخوان، مشغول خواندن سوره قدر شدم، شنیدم آن کودک در رَحِم مادر در خواندن سوره با من همراهی می کند، در این موقع پرده ای بین من و آنها افکنده شد، دیگر نرجس علیها السلام را نمی دیدم، از آنجا سراسیمه دور شدم. امام عسکری علیه السلام فرمود: برگرد، برگشتم در نرجس علیها السلام نوری مشاهده کردم که دیده ام را خیره کرد و امام زمان علیه السلام را دیدم رو به قبله به سجده افتاده، سپس دستش را بلند کرد و می گفت: گواهی می دهم به یکتایی خدا، و اینکه جدّم رسول خدا صلی الله علیه وآله است، و پدرم امیر مؤمنان علیه السلام وصیّ رسول خدا صلی الله علیه وآله است، بعد یک یک امامان را شمرده تا به خود رسید.

او را به نزد پدر بردم، امام عسکری علیه السلام تا او را دید، به دست گرفت

---

۱ - ۱۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۳۷ - المجالس السنیه، ج ۵، ص ۶۷۸ - مرحوم شهید در کتاب دروس نیز همین عقیده را دارد {اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۶۲}.

و پس از خواندن آیاتی از قرآن و انجیل و تورات و زبور، این آیه را تلاوت فرمود:

«وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِینَ * وَنُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الأَرْضِ وَنُرِیَ فِرْعَوْنَ وَهامانَ وَجُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یَحْذَرُونَ»؛ اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین، نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم، حکومتشان را پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریان آنها آنچه را بیم داشتند از این گروه نشان دهیم(1).

نمونه کامل و گسترده مفهوم آیه مذکور، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله امام قائم علیه السلام است.

سخنی درباره نیمه شعبان

شیخ حرّ عاملی رحمه الله از بزرگان اصحاب نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

«شبی که حضرت قائم علیه السلام در آن متولّد شد، هیچ نوزادی در آن شب متولّد نمی شود مگر اینکه مؤمن خواهد شد، واگر در سرزمین کفر متولد گردد، خداوند او را به برکت امام مهدی علیه السلام به سوی ایمان منتقل می سازد»

۱- ۱۲. سوره قصص، آیه ۵ و ۶ - شرح بیشتر این مطلب در کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۰۵ و ۴۰۶ آمده است و اضافه شده که: امام قائم وقتی متولد شد، پاک بود و هیچ گونه آلودگی نداشت و در بازوی راستش این آیه نوشته شده بود: «جاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْباطِلُ اِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً؛ حق آمد و باطل نابود شد، حتماً باطل نابود شدنی است».

.(۱)

در نیمه شعبان زیارت امام حسین علیه السلام و همچنین زیارت امام زمان علیه السلام مستحب است، امام صادق علیه السلام فرمود:

«شب نیمه شعبان بهترین شب بعد از شب قدر است و خواندن دو رکعت نماز در شب نیمه شعبان بعد از نماز عشا مستحب است، در رکعت اول بعد از حمد، سوره کافرون و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره توحید خوانده شود»(۲).

غسل و شب زنده داری و عبادت در این شب فضایل بسیار دارد، این شب در نزد خدا چنین مقامی دارد که ولادت باسعادت امام زمان علیه السلام در سحرگاه این شب واقع شده وبر عظمت و رونق آن افزوده است. ضمناً رواياتی آمده که نیمه شعبان همان شب قدر و تقسیم ارزاق و عمرها است، ودر بعضی از این روایات است: شب نیمه شعبان شب امامان علیهم السلام و شب قدر شب رسول خداصلی الله علیه وآله است.

از جمله فضایل این شب اینکه، از شبهای مخصوص زیارت امام حسین علیه السلام است که صد هزار پیامبر - صلوات اللّه علیهم اجمعین - آن حضرت را در این شب زیارت می کنند. از نمازهای مستحبّی که در این شب وارد شده دو رکعت نماز است که در هر رکعت بعد از حمد، صد بار سوره توحید خوانده می شود.

نقل شده که رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«شب نیمه شعبان در خواب دیدم جبرئیل بر من نازل شد و فرمود: ای محمّد! در چنین شبی خوابیده ای؟ گفتم: این شب

۱- ۱۳. توضیح المقاصد شیخ بهائی، ص ۵۳۳.

۲- ۱۴. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۶۲.

چه شبی است؟ فرمود: شب نیمه شعبان است برخیز! مرا بلند کرد و به بقیع برد.

و سپس فرمود: سرت را بلند کن، زیرا در این شب ها درهای رحمت خدا در آسمان به روی بندگان باز است. همچنین درِ رضوان، درِ آمرزش، درِ فضل، درِ توبه، درِ نعمت، درِ وجود و سخاوت، درِ احسان باز است، خداوند به عدد پشم ها و موهای چرندگان در این شب گنه کاران را آزاد می کند، پایان عمرها در این شب تعیین می گردد، رزق های یک سال دراین شب تقسیم می شود وحوادث یک سال در این شب معیّن می گردد.

ای محمّد! کسی که این شب را با تکبیر و تسبیح و تهلیل و دعا و نماز و قرائت قرآن و اطاعت و خضوع و استغفار به سر برد، بهشت منزل و سرای اوست و خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد...

ای محمّد! این شب را احیا بدار و به امّت خود دستور بده آنها نیز این شب را احیا بدارند، و با این عمل به سوی خدا تقرّب جویند، چرا که این شب شب شریفی است».

از اعمال این شب، خواندن دعای کمیل در سجده است، روایت شده که کمیل گوید: دیدم علی علیه السلام این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواندند.

در مورد زیارت امام حسین علیه السلام در این شب بخصوص در صورت

امکان در کنار قبرش، آمده: هر کس بشناسد امام حسین علیه السلام را و شهادت او و هدف شهادتش را که موجب نجات امّت گردید و وسیله و راه گشایی برای رسیدن به فوز عظیم شد، (خلاصه اینکه عبادتش در این شب از روی توجّه و علاقه و معرفت خاص باشد) آن گونه خویشتن را در برابر خدا خاضع نموده که شایستگی آن را دارا باشد و نیز از خدا خواسته های شرعی اش را تقاضا کند»(۱).

نام و کنیه امام زمان علیه السلام

امام زمان علیه السلام هنگام تولّد تا وقتی که پدرش به شهادت رسید، (از سال ۲۵۵ - ۲۶۰ هجری) مخفی بود و تنها خواصّ از اصحاب او را می دیدند و مسایل خود را از ایشان می پرسیدند. هنگام رحلت پدر، پنج سال داشت، سرانجام عواملی باعث شد که آن حضرت از نظرها غایب گردید ونخست غیبت صغری و سپس غیبت کبری بوجود آمد (که در این مورد، بعد سخن خواهیم گفت).

به هر حال، چنان که در روایات آمده، محل زندگی امام زمان علیه السلام در دوران کودکی همچون محل زندگی حضرت موسی علیه السلام مخفی بود، تا از گزند طاغوتیان محفوظ گردد(۲). در اینجا برای اینکه دورنمایی از دوران خفقان آن زمان را دریابیم، شایسته است به داستان زیر توجّه فرمایید:

۱- ۱۵. اقتباس از کتاب المراقبات، نوشته مرحوم حاج میرزا جواد تبریزی، ص ۷۹ به بعد. {دعاها و نمازهای دیگری نیز ذکر شده به این کتاب مراجعه شود}.

۲- ۱۶. بعضی از اصحاب خاص در زمان امام عسکری علیه السلام به خدمتش می رسیدند و مسائل خود را از آن حضرت می پرسیدند و جواب می گرفتند. {در این باره به کتاب احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۲۶۸ به بعد مراجعه کنید}.

جعفر کذّاب، عموی امام زمان علیه السلام

گـاه می شود بر اثر عواملی، از حضـرت نوح علیه السـلام پسـری نـاخلف به نام کنعان و یا از حضـرت آدم علیه السـلام پسـری متمرّد به نام قابیل بوجود می آید.

امـام هـادی علیه السـلام دارای پنـج فرزنـد به نـام هـای امام حسن علیه السـلام، حسـین، محمّـد، جعفر و علیّه بود. در میان این فرزندان، جعفر بسیار ناخلف بود که لقب کذّاب (دروغ گو) را گرفت، امام هادی علیه السلام درباره او فرمود:

«از فرزندم جعفر دوری کنید، نسبت او به من همچون نسبت کنعان به نوح علیه السلام است».

امام عسکری علیه السلام فرمود:

«مَثَل من و جعفر مانند هابیل و قابیل دو فرزند آدم علیه السـلام است، اگر کشتن من برای جعفر ممکن بود مرا می کشت، ولی خداوند جلو او را گرفت».

جعفر از افرادی بود که ادّعای امامت داشت و پس از رحلت پدر می گفت: امام مردم من هسـتم نه برادرم. حتّی پس از رحلت پـدر نزد خلیفه وقت رفت و گفت: بیست هزار اشـرفی برای تـو می فرسـتم و از شـما خـواهی دارم که فرمـان دهی تـا بر مسـند امامت بنشینم و این مقام از برادرم امام حسن علیه السلام سلب گردد.

خلیفه در جـواب گفت: عجب آدم احمقی هسـتی، اگر امـامت در دست مـا می بود، آن را برای خود قرار می دادیم، اگر امـام شناسان و شـیعیان آنچه از برادرت و پـدرت از معجزات و... دیدند از تو ببینند، تو را امام خود می دانند، دیگر نیازی به کمک ما نداری و گرنه هرگز به تو ایمان نخواهند آورد.

کارشکنی های او در عصر امامت برادرش امام عسکری علیه السلام به جایی نرسید، ولی پس از شهادت برادرش دوباره شروع به ادّعا کرد و اعلام داشت که امام بعد از برادرم من هستم.

امام حسن عسکری علیه السلام برای اینکه امر بر مردم اشتباه نشود و امامت امام مهدی علیه السلام را از کارشکنی های جعفر حفظ کند، در آخرین لحظات عمر، یکی از اصحاب به نام «ابوالادیان» را به حضور طلبید و به او فرمود: «چند نامه هست، اینها را به مدائن می بری و به فلان و فلان کس می رسانی و جواب نامه ها را می گیری، روز پانزدهم به سامرّاء می آیی، صدای گریه از خانه من خواهی شنید، مطّلع می شوی که من از دنیا رفته ام.

ابوالادیان می گوید: عرض کردم: فدایت شوم، معلوم است که سخن شما راست و درست است و همین طور که می فرمایی خواهد شد، ولی سؤالی دارم و آن اینکه پس از شما امام کیست؟ امام علیه السلام فرمود: امام کسی است که جواب نامه ها را از تو مطالبه کند.

عرض کردم: علامت دیگر امامِ پس از شما چیست؟ امام علیه السلام فرمود: امام کسی است که بر جنازه من نماز بخواند.

عرض کردم: علامت دیگر چیست؟ امام علیه السلام فرمود: امام کسی است که از میان همیانهای طلا خبر دهد.

ابوالادیان می گوید: ابّهت امام عسکری علیه السلام مرا گرفت، دیگر نپرسیدم که منظور چه همیانی است، برخاستم خداحافظی کردم، نامه را گرفتم و به سوی مدائن رهسپار شدم، نامه ها را به صاحبانشان

دادم و جواب نامه ها را گرفتم و به سامره برگشتم، همین که وارد خانه امام حسن علیه السلام شدم صدای گریه شنیدم، فهمیدم که امام عسکری علیه السلام دار دنیا را وداع کرده است، ولی دیدم گروهی دور جعفر کذّاب را گرفته اند و به او به عنوان امام تهنیت می گویند، و بعضی نیز به او تسلیت می گفتند.

در این میان کسی آمد و به جعفر گفت: جنازه برادرت را غسل داده اند، بفرمایید بر آن جنازه نماز بخوانید، دیدم جعفر برخاست و همراه گروهی برای انجام نماز رهسپار شد، با خود گفتم: عجبا! اگر امام مردم بی دین بشود، معلوم می شود که همواره دین از اوّل سست بوده است، چون من جعفر کذّاب را می شناختم که همواره با ساز و آواز و شراب خواری سر و کار داشت، من هم دنبال جعفر به راه افتادم تا ببینم جریان به کجا منتهی می شود.

کنار جنازه امام عسکری علیه السلام رسیدیم، جعفر پیش ایستاده و همراهان پشت سرش، با خود گفتم: دیگر کار از کار گذشت. ناگهان پرده سفیدی که در حجره آویزان بود بلند شد، دیدم کودکی نورانی پیدا شد، ردای جعفر را گرفت و فرمود: ای عمو! پس برو، من سزاوارترم که بر جنازه پدرم نماز بخوانم، جعفر مانند نقش بر دیوار هیچ نتوانست بگوید و کنار رفت.

آن کودک مشغول نماز شد و پس از نماز همین که خواست برود، به من رسید و فرمود: جواب نامه ها را به من بده، نامه ها را به او دادم، رفت به حجره. با خود گفتم: حمد و سپاس خدا را که دو علامت از

علاماتی که امام عسکری علیه السلام به من فرموده بود، ظاهر شد، نزد جعفر آمدم و گفتم: این طفل که بود؟ گفت: من اصلاً چنین کودکی را ندیده ام و نمی شناسم.

مسافران قمّی و جعفر کذّاب

روز بعد دیدم گروهی از اهل قم آمده بودند به زیارت امام عسکری علیه السلام نائل شوند، مطّلع شدند که حضرت از دنیا رفته است، پرسیدند: امروز امام و حجّت خدا کیست؟ گروهی جعفر کذّاب را نشان دادند. اهل قم نزد جعفر آمده وسلام کردند و گفتند: پول زیادی که مخصوص امام علیه السلام است، برای شما آورده ایم. دستور داد پول ها را بگیرند. گفتند: ما هرگاه خدمت امام عسکری علیه السلام می رسیدیم و پولی نقد می آوردیم، حضرت صاحبان پول را نام برده و حدود مبلغ را از درهم و دینار می فرمودند، شما هم اگر امام هستید و جانشین برادر خود می باشید و نام صاحبان پول و مقدار آن را بگویید.

جعفر گفت: مردم از من علم غیب می خواهند، مگر برادرم علم غیب داشت؟ اهل قم گفتند: در چنین صورت ما پول را نخواهیم داد.

دستور دستگیری امام زمان علیه السلام

جعفر دید با این وضع به هدف شوم خود نمی رسد، نزد معتمد عباسی خلیفه وقت رفت و گزارش داد که برادرم عسکری علیه السلام پسری دارد و او بر جنازه پدرش نماز خواند [امام عسکری علیه السلام برای حفظ فرزندش حضرت حجّت علیه السلام از دشمنان، تولّد او را به کسی نفرموده

ص:۲۳

بود.]خلیفه، ضد مأمور به فرماندهی شخصی بنام «رشیق» به خانه امام حسن عسکری علیه السلام فرستاد و به او دستور اکید داد که برو به خانه امام عسکری علیه السلام همه حجره ها را جستجو کن، بی آنکه اجازه بگیری، وارد خانه شو.

رشیق با مأمورین به خانه امام عسکری علیه السلام آمدند و همه حجره ها را گشتند تا به آن حجره که در آن، پرده سفید آویزان بود رسیدند، پرده را بلند کردند دریایی آنجا دیدند که در وسط آن، کودکی سجّاده انداخته و نماز می خواند، رشیق به یکی از مأمورانش دستور داد که برو و آن کودک را بگیر. آن مأمور تا به سراغ کودک آمد در میان آب غرق شد.

رشیق به دیگری دستور داد، دیگری وقتی خواست به طرف کودک رود، در آب غرق شده با فریاد بلند تقاضای کمک کرد، او را نجات دادند، حضرت با کمال وقار نماز را تمام کرد و سپس در پیش روی مأموران از حجره بیرون آمد. مأموران گویا چوب خشکی شده بودند. اصلاً نتوانستند کوچک ترین آسیبی به کودک که حضرت حجّت علیه السلام بود، برسانند. همین موقع بود که حضرت مهدی علیه السلام غایب شد و غیبت صغری به وقوع پیوست

.(۱)

ویژگی های امام زمان علیه السلام

به هر حال امام زمان علیه السلام در زمان پدر که پنج ساله بود (از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰ هجری، سال شهادت پدر) نزد پدر بود، ولی در مخفی گاه به سر می برد، بسیاری از اصحاب ائمه علیهم السلام و علما و فقهای اعلام اسلام، وی را زیارت کرده اند، حتی بسیاری از نوابغ و علمای بزرگ چین و بخارا و سمرقند و هند و سند و اندلس و اروپا به سامرّاء سفر کرده و توسّط امام عسکری علیه السلام با امام زمان علیه السلام ملاقات کرده و مسائل خود را از وی پرسیده اند، و نشان سوغات و هدایای صاحبانش را از او خواسته اند، او به یک یک آنها پاسخ صحیح داده است. (چنان که این مطلب در جلد ۵۲ و ۵۳ بحار به طور مفصّل آمده است).

برای اینکه بیشتر با این عزیز که پرده های غفلت و گناه، ما را از دیدارش محروم ساخته، آشنا شوید، به این حدیث توجّه کنید:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«اَلمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی أَرْبَعِینَ سَنَةً، کانَ وَجْهُهُ کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ، فِی خَدِّهِ الأَیْمَنِ خالٌ أَسْوَدٌ، عَلَیْهِ عَبائَتانِ قُطْوانِیّتانِ، کَأَنَّهُ مِنْ رِجالِ بَنِی اِسْرآئِیلِ یَسْتَخْرِجُ الکُنُوزَ وَیَفْتَحُ مَدآئِنَ الشِّرْكِ؛ مهدی علیه السلام از فرزندان من دارای چهل سال است (هنگام خروج همچون مرد چهل ساله است) صورتش همچون ستاره درخشان است، در گونه راستش خال سیاهی است و دو عبای قطوانی بر دوش دارد، قیافه اش همانند مردان

۱- ۱۷. اقتباس از جامع النورین ص ۳۱۴، بحار ج ۵۱ ص ۳۳۲ به بعد. در مورد غایب شدن آن حضرت در سرداب و جریان غرق دشمنان در مجالس السنیه ج ۵ ص ۷۲۸ مطالبی آمده است.

بنی اسرائیل (زمان حضرت موسی علیه السلام) است، گنج ها را استخراج کند، کشورهای شرک را فتح کرده و تحت رهبری خود درمی آورد»(۱).

* از خصوصیات امام قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - اینکه آن حضرت از ناحیه پدر از نسل امام حسین علیه السلام و از ناحیه مادر از نسل امام حسن علیه السلام است، از این رو که مادر امام باقر علیه السلام از فرزندان امام حسن علیه السلام است(۲).

* از ویژگی های او اینکه پس از ظهور، حضرت عیسی علیه السلام از آسمان آمده و پشت سر او نماز بجا می آورد(۳).

* و دیگر اینکه در آخر عمر امام قائم علیه السلام (که رجعت امامان به وجود می آید) پس از آنکه حضرت قائم علیه السلام از دنیا رحلت کرد، امام حسین علیه السلام بدن او را غسل می دهد(۴).

* و دیگر اینکه امام عصر علیه السلام شبیه یوسف و عیسی و موسی و محمد - علیهم السلام - است(۵).

* این هم در جای خود بسیار جالب است که بزرگ ترین چهره انقلابی تاریخ، حضرت سیّد الشهداء امام حسین علیه السلام در غسل و کفن و دفن مصلح بزرگ جهان حضور یابد.

به هر حال مردم باید در هر زمان، امام زمانِ خود را بشناسند و هر زمانی دارای امام است (و این کتاب برای همین منظور نگاشته شده)

۱- ۱۸. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۸۵ - المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۰۲ - ۷۰۳.

۲- ۱۹. همان، ج ۷، ص ۱۸۴.

۳- ۲۰. همان.

۴- ۲۱. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۳۴۷ به نقل از امام باقر علیه السلام.

۵- ۲۲. اثبات الهداه، ج ۷ ص ۱۰۲ {مسائل رجعت در بحار، ج ۵۳ ص ۳۹ تا ۱۴۴ آمده است}.

در زمان ائمه علیهم السلام یاران امام در این جهت خیلی کوشا بودند که امام حق را بشناسند، اکنون به روایت زیر توجه کنید:

محمّد بن عثمان(۱) گوید: از پدرم شنیدم گفت: از امام حسن عسکری علیه السلام این سؤال شد و من در حضورش بودم، سؤال این بود: آیا این مطلب که از پدران شما نقل شده:

«هیچ گاه زمین از حجّت خدا خالی نمی ماند، اگر کسی بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است»(۲).

حق است؟

امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: آری این مطلب حق است چنان که روز حق است. شخصی پرسید: بعد از شما امامِ مردم کیست؟ فرمود:

پسرم محمّد، امام و حجّت بعد از من است، هر کس بمیرد و او را نشناسد، به مرگ زمان جاهلیت مرده است. ولی برای او غیبتی است که نادانان در این مورد حیران گردند و منحرفان هلاک شوند، و کسانی که وقت ظهورش را تعیین کنند او را تکذیب نمایند، سپس ظهور می کنند، گویا می بینم طوق های سفیدی راکه بر بالای سر او در نجف و کوفه در حرکت است(۳). و در پرچم ارتش آن حضرت نوشته شده: «اَلبَیْعَهُ للّهِ ؛ بیعت مخصوص خداست»

۱- ۲۳. دومین ????خاص امام زمان علیه السلام.
۲- ۲۴. مَنْ مَاتَ وَلَمْ یَعْرِفْ اِمَامَ زَمانِهِ ماتَ مِیتَهً جاهِلِیَّهً.
۳- ۲۵. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۱.

(۱).

* از ویژگی های آن بزرگوار اینکه پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«مهدی طاووس اهل بهشت است».

و در عبارت دیگر فرمود:

«چهره مهدی از فرزندانم همچون ماه تابان است، رنگ چهره اش عربی است وبدنش همانند جسم مردان بنی اسرائیل (بلندقد) است، زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می کند، اهل آسمان و زمین و پرندگان در هوا از حکومتش راضی هستند، بیست سال حکومت می کنند»(۲).

روزی پیامبر صلی الله علیه وآله به دختر گرامی اش فاطمه علیها السلام رو کرد و به این شخصیت ها افتخار کرده و فرمود:

«بهترین پیامبران پدرت است، از ماست بهترین اوصیا که شوهرت علی علیه السلام است، از ماست بهترین شهدا که عموی من حمزه رضی الله عنه است، از ماست آن کس که دو پَر دارد و با آن دو پَر در هر جای بهشت بخواهد به پرواز درمی آید و او پسر عموی پدرت، جعفر رضی الله عنه است، از ماست دو سبط این امّت، دو آقای جوانان اهل بهشت، حسن و حسین علیهما السلام و این دو فرزندان تو هستند و از ماست مهدی - عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشریف - و او از فرزندان توست»(۳).

امام سجّاد علیه السلام فرمود:

«قائم ما دارای نشانه هایی از شش پیامبر است: امّا نشانه اش

۱- ۲۶. المجالس السنیه سید محسن جبل عاملی، ج ۵.

۲- ۲۷. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۰.

۳- ۲۸. همان، به نقل از طبرانی.

از نوح علیه السلام طول عمر است. امّا نشانه اش از ابراهیم علیه السلام مخفی بودن محل ولادتش است. امّا نشانه اش از موسی علیه السلام ترس از دشمن و غیبت است (که موسی علیه السلام از ترس فرعونیان از مصر به مدین رفت و مدتی مخفی بود). امّا نشانه اش از عیسی علیه السلام اختلاف رأی مردم درباره اش و اعتزال او از مردم است، امّا نشانه اش از ایّوب علیه السلام گشایش و پیروزی پس از بلیّات و گرفتاری است، امّا نشانه اش از محمّدصلی الله علیه وآله قیام به شمشیر است»(۱).

و در بعضی روایات، نشانه ای از حضرت یوسف علیه السلام نیز ذکر شده و آن زندان است. (شاید منظور دوری او از دوستانش که به منزله زندانی بودن او است).(۲)

* از ویژگی های امام قائم علیه السلام اینکه امام حسین علیه السلام فرمود:

«او از نظرها پنهان است، تا کسی او را به بیعت خود نخواند و او زیر پرچم هیچ رهبر ناشایستی نرود»

ص:۲۹

۱- ۲۹. اعلام الوری، ص ۴۰۲.

۲- ۳۰. همان.

.(۱)

شوکت و قدرت فوق العاده امام علیه السلام

حضرت رضا علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

«قائم علیه السلام کسی است که هرگاه خروج کند، در سن پیری است امّا سیمای جوان دارد، و آن چنان قدرت جسمی دارد که اگر دستش را به بزرگ ترین درخت روی زمین بیاندازد، می تواند آن را از ریشه بَر کند. و اگر در میان کوه ها صدایش را بلند کند، سنگ های کوه ها قطعه قطعه گردند. عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست»(۲).

* از ویژگی های حضرت قائم علیه السلام اینکه پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«بهشت مشتاق چهار نفر از خاندان من است که خدا آنها را دوست دارد و مرا به دوستی آنها فرمان داده است: علی بن ابی طالب، حسن، حسین و مهدی – علیهم السلام – که حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می خواند»(۳).

و در روایت دیگر فرمود:

«ما خاندان عبد المطّلب سادات و بزرگان بهشت هستیم، من و برادرم علی، و عمویم حمزه و جعفر و حسن و حسین و مهدی – علیهم السلام – »(۴).

شمایل حضرت مهدی علیه السلام

ص:۳۰

۱– ۳۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

۲– ۳۲. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۴۵ – اعلام الوری، ص ۴۰۷.

۳– ۳۳. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۰۳.

۴– ۳۴. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۷۶ – اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۹۰ – ۲۰۸.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«مهدی از ما خاندان است، بلند پیشانی و برآمده بینی است (وسط بینی اش برآمدگی دارد)»(۱).

و نقل شده، روزی حضرت علی علیه السلام به امام حسین علیه السلام نگاه کرد و فرمود:

«این پسرم آقاست چنان که رسول خدا صلی الله علیه وآله او را آقا خواند، و به زودی خداوند در صُلب او مردی ظاهر سازد که همنام پیامبر شماست و در صورت و سیرت شبیه پیامبر صلی الله علیه وآله است، وقتی که مردم در غفلت به سر می برند و حق زیر پا قرار گرفته و مرده شده و ظلم و جور آشکار گشته، خروج می نماید، سوگند به خدا اگر خروج و قیام نکند گردنش را می زنند، اهل آسمان و ساکنان آن از خروجش شاد می شوند، بلند پیشانی و برآمده بینی، سطبر شکم، لاغر ران، در ران راستش خالی هست، گشاده دندان می باشد، زمین را پر از عدل و داد کند، همچنان که پر از ظلم و جور شده»(۲).

* از خصایص امام مهدی علیه السلام اینکه: حکومتش سراسر جهان را می گیرد، در این مورد مفسّر معروف اهل تسنّن قرطبی روایت می کند

ص:۳۱

۱- ۳۵. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۸۵.
۲- ۳۶. همان، ج ۷، ص ۲۳۸.

که جمیع کسانی که جهانگیر شدند، چهار نفرند که دو نفرشان کافر بودند: نمرود و بخت النصر، و دو نفرشان مؤمن بودند: ذوالقرنین و سلیمان بن داود علیهما السلام. و به زودی از امّت اسلام پنجمین نفر حاکم سراسر زمین می شود و او مهدی - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - است(۱).

جابر جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم می فرمود:

«روزی عمر بن خطاب از امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد حضرت مهدی علیه السلام توضیح خواست. حضرت فرمود: امّا نامش، حبیبم رسول خدا صلی الله علیه وآله با من عهد کرده که نامش را نبرم تا خداوند او را مبعوث کند، امّا سیمایش، او جوانی میانه قامت (نه بلندقد و نه کوتاه قد) و خوش صورت است، مویش زیباست و از سرش به شانه اش ریخته، نور صورتش سیاهی موی سر و صورتش را تحت الشعاع قرار داده است».

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مهدی علیه السلام خروج نمی کند مگر در سال های طاق ۱ - ۳ - ۵ - ۷ - ۹»(۲).

۱- ۳۷. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۲۳۸.

۲- ۳۸. توضیح المقاصد شیخ بهائی، ص ۵۱۰ - ۵۰۶.

فصل دوم غیبت صغری و غیبت کبری

توضیح

دوران زندگی امام زمان علیه السلام را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱ - دوره کودکی (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰ هجری قمری).

۲ - دوره غیبت صغری (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری قمری).

۳ - دوره غیبت کبری (از سال ۳۲۹ هجری قمری شروع می شود تا هنگامی که فرمان و نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر گردد).

اخبار و روایات در این مورد بسیار است که برای آن حضرت دو غیبت خواهد بود، یکی کوتاه، دومی طولانی در غیبت صغری (کوتاه) خواصّ شیعه و نوّاب خاص آن حضرت با او تماس داشته اند، ولی در غیبت طولانی او، توده مردم از اقامت گاه او بی خبرند جز دوستان مورد اعتماد که متصدی خدمت گذاری از اقامت گاه او می باشند، و طبق روایتی همواره سی تن از شیعیان و نزدیکان در حضور آن حضرت هستند که هرگاه عمر یکی از آنها به سر آمد، یکی دیگر به جای او تعیین می شود(۱).

ص:۳۳

۱- ۳۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

و به گفته صاحب مستدرک، مرحوم نوری رحمه الله: اگر تقدیر نباشد که این سی نفر مانند خود امام زمان علیه السلام عمر طولانی داشته باشند، در هر قرنی سی نفر از مؤمنین پرهیزکار و بسیار سعادتمند، به سعادت خدمت گذاری و مصاحبت آن حضرت نائل می شوند»(۱).

به هر حال این افراد همان اوتادی هستند که در محضر آن حضرت به سر می برند، اکنون درباره غیبت صغری و کبری به شرح کوتاهی می پردازیم.

چگونگی غیبت صغری و نوّاب چهارگانه

وضع زمان و عدم پذیرش مردم باعث شد که امام زمان علیه السلام از نظرها پنهان گردد، این پنهانی که از آن به عنوان غیبت یاد می شود تا زمانی که مردم آماده شوند و شرایط ظهور مهیا گردد، ادامه دارد. ولی طبیعی است که وقتی امام مردم غایب شد، مردم را به حال خود نمی گذارد، بلکه افرادی را بین خود و مردم واسطه قرار می دهد، وظیفه مردم هم این است که با کنجکاوی دقیق این افراد را بشناسند و تکلیف خود را از آنها بگیرند.

بر همین اساس پس از آنکه امام زمان علیه السلام در سال ۲۶۰، هنگام رحلت پدر بزرگوارشان، از نظرها پنهان شدند (وغیبت صغری بوجود آمد) تا نیمه شعبان سال ۳۲۹، چهار تن از فقهای ربّانی به ترتیب زیر از جانب آن حضرت تعیین شده و واسطه بین آن حضرت و مردم شدند:

۱ - عثمان بن سعیدرحمه الله که در سال ۳۰۰ هجری وفات کرد.

۲ - محمد بن عثمان رحمه الله که پنج سال عهده دار نیابت خاص بود و در سال ۳۰۵ درگذشت.

۳ - حسین بن روح رحمه الله که در شعبان سال ۳۲۶ وفات کرد.

۴ - علی بن محمد سیمری رحمه الله که در نیمه شعبان سال ۳۲۹ از دنیا رفت و امام به او دستور داد که دیگر کسی را جانشین خود نکند.

از این وقت به بعد دوران غیبت کبری (طولانی) آغاز شد. (دستور و توقیع امام علیه السلام به چهارمین نائبش در کتاب اعلام الوری، صفحه ۴۱۷ و... آمده است). غیبت کبری که از نیمه شعبان سال ۳۲۹ شروع شد، تا هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام ادامه دارد(۲).

۱- ۴۰. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۲۰.

۲- ۴۱. به این ترتیب غیبت صغری در حدود ۷۰ سال بوده است و بعضی این مدت را ۷۴ صسال دانسته اند. یعنی از سال ۲۵۵ (سال تولد امام عصر علیه السلام تا سال ۳۲۹ ه. ق. - کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۴. شرح این مطلب در بحار الانوار، ج ۵۱، ص

۳۴۴ به بعد آمده است.

اینك باید پرسید که شیعیان در این زمان به چه کسی مراجعه کنند و وظایف دینی خود را از چه کسی بپرسند و به آن عمل کنند؟

پاسخ آن که: خوشبختانه امام قائم علیه السلام در این مورد نیز راهنمایی فرموده و پیروانش را سرگردان نگذاشته است، در این مورد مردم را به اطاعت از ولیّ فقیه فراخوانده است، اینجاست که مسأله معروف «ولایت فقیه» پیش می آید و درباره آن اکنون اندکی توضیح می دهیم:

شرح کوتاهی درباره ولایت فقیه

اشاره

ولایت یعنی رهبری و حکومت؛ فقیه یعنی کسی که دارای شرایط

ص:۳۵

استنباط احکام از ادلّه اسلامی باشد، به علاوه عادل و پرهیزکار نیز باشد. بنابر این ولیّ فقیه یعنی مرجع تقلیدی که شایستگی نیابت عامّ امام زمان علیه السلام را دارد، چنین فردی می تواند به جانشینی از امام علیه السلام زمام امور مردم را به دست گیرد، البتّه عقل و حتی آیات و روایات هم بیان گر این است که در میان افراد، اعلم موجودین تقدّم دارند.

درباره اصل ولایت فقیه دلایل فراوان داریم، از جمله در روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله سه بار فرمود:

«خدایا جانشینان مرا مورد رحمتت قرار ده. شخصی پرسید: جانشینان شما کیانند؟ فرمود: آنان که پس از من می آیند، گفتار و سنّت (روش و سیره) مرا نقل می کنند و پس از من آن را به مردم می آموزند».

اسحاق بن یعقوب رحمه الله گوید: از عثمان بن سعیدرحمه الله اوّلین نائب خاصّ امام زمان علیه السلام خواستم نامه ای به امام عصر علیه السلام برساند. و در ضمن نامه پرسیدم: در زمان غیبت، به چه کسی مراجعه کنیم؟

امام با خطّ خودشان در پاسخ چنین مرقوم فرمود:

«... وَأَمَّا الحَوادِثُ الواقِعَهُ فَارْجِعُوا فِيها إِلى رُواهِ أَحادِيثِنا، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّهُ اللَّهِ؛ ... در حوادث به راویان احادیث ما مراجعه کنید، آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا هستم»(۱).

البتّه دلایل ولایت فقیه بسیار زیاد است، در این باره به کتاب شریف «ولایت فقیه - امام خمینی رحمه الله» مراجعه کنید. در احتجاج طبرسی آمده است: امام حسن عسکری علیه السلام در ضمن حدیث طولانی فرمود:

۱- ۴۲. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۷.

«فَأَمّا مَنْ كانَ مِنَ الفُقَهآءِ صائِناً لِنَفْسِهِ حافِظاً لِدِينِهِ مُخالِفاً لِهَواهُ مُطِيعاً لِأَمْرِ مَوْلاهُ، فَلِلعَوام أَنْ يُقَلِّدُوهُ، وَذلِكَ لا يَكُونُ إلّا بَعْضَ فُقَهآءِ الشِّيعَةِ لاـ جَمِيعَهُم؛ هر كدام از فقها كه نگهدارنده نفس خود از انحرافات و صبر انقلابی دارند و حافظ دين خود و مخالف هوی و هوس خود و مطيع فرمان خدايش باشد، بر عوام است كه از وی تقليد كنند و چنين صفاتی را بعضی از فقهای شيعه دارند، نه همه آنها»(1).

با توجّه به واژه «تقليد» كه به معنی پيروی است، می فهميم كه امور مردم در زمان غيبت به فقهای ربّانی سپرده شده و آنها ولايت بر مردم دارند. اين حديث، شرايط يک فقيه كه می تواند جانشين امام زمان عليه السلام باشد، را بيان می كند.

توضيح اين روايت خود كتاب مفصّلی می خواهد، ولی به طور خلاصه بايد حكومتش بر مردم همانند حكومت امام علی عليه السلام باشد، آنجا كه برادرش عقيل، كه از گرسنگی رنگ بچه های او پريده شده و مطالبه كمک اضافی از بيت المال می كند، آهن سرخ گداخته در دستش می گذارد(2).

و آنجا كه باخبر می شود خلخال يک زن يهودی به دست دشمن از پايش درآمده، سخت عصبانی می شود(3).

و آنجا كه می بيند كارگزارانش به بيت المال تجاوز كرده اند و به نفع خويشاوندان برداشت كرده اند، هرچند پسر عموی آن حضرت باشد،

1- 43. احتجاج طبرسی، ج 2، ص 263، سفينه البحار، ج 2، ص 381.
2- 44. نهج البلاغه، خطبه 224.
3- 45. همان، خطبه 27.

نامه ای آتشین می نویسد و به او اعتراض می کند و از کار برکنارش می سازد و می نویسد: «این تبعیض را از دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام هم نمی پذیرم»(۱).

و آنجا که می بیند فرماندارش به مهمانی شخص پولداری رفته، فریادش به اعتراض بلند می گردد(۲).

نامه های آن حضرت، (که در نهج البلاغه آمده) به استانداران و بخشداران و فرماندارانش، گویای این گونه حقایقی است که نائب برحقّ امام زمان علیه السلام رعایت می کند. بنابر این ولایت فقیه همان دنباله امامت است. یعنی مجتهد اعلم به نیابت عام از امام زمان علیه السلام، امور رهبری امّت را به دست می گیرد.

توضیح چند اشکال

آنان که از اسلام دل خوشی نداشتند و ندارند، و آنها که حسن نیّت دارند ولی شناخت ندارند، شروع به ایرادتراشی به این مسأله - که دنباله مسأله امامت است - کرده اند. بیشتر این ایرادات بی اساس از آنان است که از اسلام می ترسند، یعنی با تشکیل حکومت اسلامی منافع خود را در خطر می بینند.

وقتی که این ایرادات را بررسی می کنیم، می بینیم بر گشت همه آنها به این چهار ایراد است:

۱ - ولایت فقیه یک نوع حکومت روحانیت و انحصارطلبی است.

۲ - ولایت فقیه موجب استبداد و دیکتاتوری است.

۳ - ولایت فقیه با حاکمیت ملّی سازگار نیست.

۴ - ولایت فقیه موجب تعدّد مراکز قدرت و تصمیم گیری می شود.

۱- ۴۶. نهج البلاغه، نامه ۴۱.

۲- ۴۷. همان، نامه ۴۵.

در مورد اشکال اوّل

ما مـدعی نیستیم که ولیّ فقیه کلّیه امور را بایـد در دست داشـته باشـد، لـذا در قانون اساسـی مصوّب امام و امّت بخصوص در اصل ۱۱۰ اختیارات ولیّ فقیه را به طور فشرده بیان داشته است. ما نمی گوییم: ولیّ فقیه کلّیه زمام امور قانون گذاری و قدرت اجرایی را به دست می گیرد، تا گفته شود: این یک نوع حکومت روحانیت و انحصارطلبی است، بلکه ضـمن آنکه می بایست کلّیه منـاصب برای مشـروع بودنش بـا اجـازه یـک حـاکم شـرع مطلق باشـد، ولایت فقیه از هر گونه انحراف فکری و مکتبی و انحراف در مسیر اجرا و پیاده نمودن احکام جلوگیری می نماید.

با توجّه به اینکه در هر کاری باید به متخصّـِص مراجعه کرد و با توجّه به اینکه لباس و روحانی بودن دلیل آن نمی شود که در موارد حق از او پیروی نکنیم. ما بایـد پیرو حق باشـیم، هرچنـد این حق از جانب روحانیت باشـد. به اضافه اینکه باید به شـرایط ولایت فقیه که در چه کسی است توجّه کرد، نه به لباس او.

در مورد اشکال دوم

ولیّ فقیه خودش غیر از اسـلام نظری ندارد، تا او را به اسـتبداد رأی متّهم کنیم، صـفت آگاه (متخصّص) و عادل (درست کار) حـاکی است که در حفظ اسـلام قـدم برمی دارد، بنابراین اگر از این خط منحرف شـد، خود به خود از این مقام برکنار خواهد شد. (با توجّه به اینکه ملّت مسلمان خواهان اجرای اسلام است نه غیر آن)

در مورد اشکال سوم

وقتی ملّت مسلمان بودند و در نهاد انقلابشان تشکیل حکومت اسلامی می جوشید، و به عبارت دیگر: انقلابشان انقلاب

نـان و آب و مسـکن نبود، بلکه انقلاـب مکتبی بود (که البته در پرتو این مکتب، نان و آب و مسـکن نیز هست) معنای آن این است که ملّت، حکومت اسلامی را با آنچه که در آن است، می خواهند.

و بسـیار واضـح و روشن است که از مهم ترین مقرّرات اسـلام، مسأله امامت و ولایت فقیه است، پس به اراده ملّت کاملاً توجّه شـده است، وانگهی وقتی که اکثریت ملّت، قانون اساسـی را که در آن اصل ولایت فقیه آمـده تصویب کردنـد، آیا معنای این مطلب آن نیست که به آراء ملّت احترام شـده است؟ بـا توجّه به اینکه در مورد قانون اساسـی کاملاً به آراء ملّت احترام و تکیه شـده است و تشـکیل مجلس شورای اسـلامی نیز مؤیّد این مطلب است. از طرفی اکثریّت عملاً ـ به دنبال «ولایت فقیه» هسـتند، بنابراین در کجای ولایت فقیه ضدیّتی با حاکمیّت ملّت دیده می شود؟!

در مورد اشکال چهارم

وقتی که حکومت اسلامی و اعضای آن، بر اساس یک قانون اساسی زیر نظر یک رهبر (که ولیّ فقیه است) باشد، همه ارگانها در یک مسیر گام برمی دارند و دیگر تعدّد مراکز قدرت لازم نمی آید.

مـا اقرار می کنیم که در آغـاز پیروزی انقلاـب، در بعضـی از مـوارد بر اثر عـواملی این اشـکال وجود داشت، علّت این بود که هنوز آن هماهنگی اسلامی در میان نبود. ولی پس از تحقّق حکومت اسلام تحت نظارت و رهبری ولایت فقیه، حتماً قدرت ها و تصمیم ها به یک مرکز برگشته و این اشکال ها برطرف خواهد شد.

ص:۴۰

در اینجا اضافه می کنم: چنین نیست که عدّه مخصوصی حکومت را به دست گرفته باشند، بلکه همه مردم مسلمان حکومت را به دست گرفته اند، نهایت اینکه نماینده های آنها، یعنی افراد مورد قبول اکثریّت با همکاری ملّت دست اندر کار شده اند، اگر یک اتومبیل را در نظر بگیریم، این اتومبیل دارای ده ها و صدها اعضا است که هر کدام در ساختمان و حرکت آن نقشی دارند. ولایت فقیه هم نقش دنده عوض کردن و هم نقش ترمز را دارد، تا هم آن را به حرکت درآورد و به مقصد برساند و هم هنگام خطر با نگهداری آن، خطرات را دفع و رفع نماید. (البتّه از ذکر این مثال پوزش می طلبم).

لازم به تذکّر است که مسأله امامت و دنبال آن ولایت فقیه در بینش تشیّع از اصول و ارکان دین است، و در اصول دین هرکس خودش باید دلیل و شناخت داشته باشد و تقلید روا نیست. در اینجا این سخن را نیز اضافه می کنیم که به حکم آیات و روایات از جمله:

«یا داوُدُ إِنّا جَعَلْناکَ خَلِیفَهً فِی الأَرْضِ فَاحْکُمْ بَیْنَ النّاسِ بِالحَقِّ وَلا تَتَّبِعِ الهَوی ای داود! ما تو را خلیفه خود در زمین قرار دادیم، بنابراین بین مردم به حق حکومت و قضاوت کن و از هوی و هوس پیروی مکن»(1).

ولایت فقیه که دنباله روی از پیامبران و امامان علیهم السلام است، مبانی آن بر اساس اصالت جامعه یا اصالت فرد و یا اصالت انسان نیست، بلکه مبانی آن براساس اصالت «اللّه» است که امروز به صورت اسلام و

۱- ۴۸. سوره ص، آیه ۲۶.

قوانین اسـلام متبلور شده است، او تنها از اسلام می گوید و بر اسلام تکیه دارد و مجری اسلام است، با توجه به اینکه با اجرای اسلام نیازهای فردی و جامعه و انسانها تأمین شده و همه را به سوی کمال و سعادت همه جانبه رهنمون می سازد.

سؤال

در ضمن بررسی روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام آمده که امام صادق علیه السلام به مفضّل رضی الله عنه فرمود:

«هر بیعت قبل از ظهور مهدی علیه السلام، کفر، نفاق و تزویر است و لعنت بر بیعت شونده و بیعت کننده»(۱).

و از امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود:

«هر پرچم برافراشته از رهبری، قبل از قیام مهدی علیه السلام طاغوت است».

وبه فرموده امام باقر علیه السلام :

«صاحب آن پرچم طاغوت است»(۲).

آیا اگر ولیّ فقیه در زمان غیبت، زمام رهبری را به دست گیرد، مشمول این گونه روایات نیست؟!

پاسخ

این روایـات مربوط به آن رهـبرانی است که مسـتقلاًّ رهبری امور را به دست می گیرنـد، ولی در ولاـیت فقیه اسـتقلال نیست، بلکه نیـابت به اذن عـامّ حضـرت مهـدی علیه السـلام است، چنـانچه خـود دلایـل ولاـیت فقیه این مطلب را ثـابت می کنـد، در حقیقت این پرچم و بیعت، بعنوان نیابت و زمینه سازی برای ظهور آن حضـرت می باشد، و ائمه علیهم السـلام هم چنین اجازه، بلکه چنین تکلیف را به مردان فقیه شایسته داده اند.

۱- ۴۹. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴.

۲- ۵۰. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۶۵.

فصل سوم: پاسخ به بیست و هفت سؤال

۱ – آیا عقیده به ظهور مصلح جهانی مخصوص شیعیان است؟

آیا عقیده به ظهور حضرت مهدی علیه السلام در آخرالزمان مخصوص مذهب شیعه است یا ادیان دیگر نیز به آن معتقدند؟

پاسخ: این عقیده حتّی در کتاب زرتشتیان، هندویان و تورات و انجیل و در میان مصری ها و چینی ها و حتی در میان غربی ها وجود دارد و در منابع اهل تسنّن، روایات متواتر و بسیار زیاد آمده است، به عنوان نمونه به کتابهای:

۱ – نور الابصار، صفحه ۱۵۷.

۲ – التاج الجامع الأصول (تألیف شیخ منصور علی ناسف).

۳ – الصواعق المحرقه.

۴ – منتخب الأثر (تألیف آیت اللّه صافی).

۵ – اثبات الهداه، جلد ۷، از صفحه ۱۷۹ به بعد.

۶ – المجالس السنّیه (نوشته سید محسن جبل عاملی)، جلد ۵ صفحه ۷۱۳ – ۷۴۳) مراجعه فرمایید.

ص:۴۳

۲ – فایده غیبت طولانی چیست؟

غیبت طولانی امام علیه السلام و عدم دسترسی ما به او چه سودی دارد؟(۱)

پاسخ: امام قائم – عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشریف – به خاطر عدم پذیرش جامعه، از نظرها پنهان است، او همچون امامان معصوم دیگر علیهم السلام اگر آشکار بود، مردم همان کاری که با آن امامان کردند، با او می کردند، امّا او غائب است تا مردم آمادگی پذیرش او را در طول زمان و با برنامه ریزی های درازمدّت و تکامل معنوی و مادّی پیدا کنند.

غیبت او چنانچه در روایات آمده، همچون پنهان شدن خورشید پشت ابرها است، گرچه ابرها از تابش مستقیم خورشید ممانعت می کنند، ولی هرگز نمی توانند تابش خورشید را به کلی محو سازند.

غیبت امام قائم – عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشریف – دهها فایده دارد که در اینجا به طور اختصار به چند فایده آن اشاره می کنیم:

۱ – غیبت او به پیروانش امید می بخشد و آنها را دلگرم می کند که دارای چنین رهبری هستند، با توجّه به اینکه امید، آن هم امیدی این چنین، سازنده است.

۲ – غیبت آن حضرت پیروانش را قدم به قدم آماده می سازد تا آن حضرت را از عزلت بیرون آورند.

۳ – آن حضرت در عین اینکه غائب است گاه در مسائل مهم با فقها و بزرگان اسلام تماس می گیرد و آنها را راهنمایی می کند. (چنان که شواهد

---

۱ – ۵۱. در پاسخ این سؤال عالم بزرگوار شیعه سید مرتضی رحمه الله گوید: «وقتی که از راه عقل و نقل صحّت امامت امام قائم علیه السلام ثابت شد، اگر فلسفه غیبت را ندانیم، چه مانعی دارد. چنانچه فلسفه بسیاری از احکام برما پوشیده است». تخلیص از کشف الغمّه، ج ۳ ص ۴۶۲.

آن بسیار است و بعضی از آنها در این کتاب آمده است).

۴ - گفتگو درباره قیام مهدی علیه السلام و تشکیل کنگره ها و کنفرانس ها و تنظیم نوشته ها و مقالات در طول زمان با فرصت کافی موجب پرورش نفوس و آمادگی در اندیشه انقلاب جهانی بودن و هدف داری و... می شود و در نتیجه آمادگی های فرهنگی، صنعتی، اقتصادی و بالاخره نظامی در همه جا پیدا می شود و به این ترتیب زمینه سازی ظهور آن حضرت مهیّا می گردد.

۵ - شناخت موانع یک انقلاب جهانی در تمام ابعاد و براندازی آن موانع، نیاز به طول زمان و کمک فکری بسیار در سطح جهان دارد، این نیز یکی از فواید غیبت امام قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - می باشد.

۶ - از طرفی طول غیبت و دوری از مردم از رهبر مصلح و عادل، موجب فساد در تمام زمینه ها شده، و همین فساد موجب خستگی و ناراحتی و نارضایتی مردم می شود و در دل این فساد، جرقّه های انقلاب بروز می کند و مردم، تشنه مصلح واقعی و عدالت می شوند، چرا که تا همه رنج ظلم و فساد را نبرند، آماده درک لذّت عدالت و اصلاح نخواهند شد، چنان که درروایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام بسیار آمده که:

«یَمْلَأُ الأَرْضَ عَدْلاً وَقِسْطاً وَنُوراً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً وَشَرّاً؛ آن حضرت علیه السلام زمین را پر از قسط و عدل و نور خواهد کرد، همان گونه که پر از ظلم و جور و بدی شده باشد»

ص:۴۵

.(۱)

انقلاب واقعی، انقلابی است که طبیعی، خودجوش و از متن توده ها برخیزد و همگان به خوبی آن را درک کنند. البتّه این سخن به این معنی نیست که ما تن به ظلم و فساد دهیم، و مبارزه با ظلم و فساد نکنیم که شرع و عقل چنین اجازه ای به ما داده، بلکه این سخن خبر از آینده می دهد و حاکی است که مردم بر اثر دوری از یک مصلح عادل و آگاه چگونه در لجن فساد فرو می روند، در این صورت باید برای یافتن آن مصلح بپاخاست و خود گرفتاری مردم، آنها را برای یافتن راه حل برمی انگیزد.

آری باید مدتها بگذرد، تا مردم تکامل یابند و حقایق برایشان کشف گردد و با تجربیات تلخ خود روی حکومت های باطل از آنها روگردان شوند و تشنه وجود امام قائم – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – گردند.

در قرآن کریم می خوانیم:

«سَنُرِيهِمْ آياتِنا فِي الآفاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الحَقُّ؛ بزودی آیات خود را از هر سوی جهان و در وجود خود مردم نشان می دهیم تا برای آنها آشکار گردد که او حق است»(۲).

در مورد اینکه ضمیر «او» در «إِنَّهُ» به کجا بازگشت می کند، امام صادق علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

«منظور خروج قائم – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – است که او حق است و حقّانیتش آشکار می گردد

۱– ۵۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۱.
۲– ۵۳. سوره فصلت، آیه ۵۳.

».(1)

۳ – لقب قائم و مهدی چرا؟

چرا امـام زمـان علیه السـلام با کلمه «قائم» و «مهـدی» خوانـده می شود، و چرا بعضـی با شـنیدن لقب «قائم» برمی خیزنـد و می ایستند؟

پاسخ: در بسـیاری از روایات، آن حضـرت با لقب قائم(2) و مهـدی، یـاد شـده و در مورد قائم، بسیار می شـد که ائمّه علیهم السـلام بر اثر ظلم و فساد حاکمان غاصب، به یاد امام زمان علیه السـلام می افتادند و می فرمودند: «قائم ما علیه السلام انتقام ما را خواهد گرفت».

قـائم یعنی قیـام کننـده، نظر به اینکه قیـام و نهضت حضـرت مهـدی - عجّل اللّه تعالی فرجه الشـریف - جهانی است و در تمام تاریخ بشر چنین قیام و حکومتی نبوده، آن حضرت با این عنوان خوانده می شود.

امّـا اینکه پیروان آن حضـرت بـا شـنیدن این لفـظ و یـا بـا تلفّظ به این کلمه برمی خیزنـد و می ایسـتند، این کار یک نوع عمل مسـتحبّی است و احترام و اظهـار پیونـد و انتظـار آن حضـرت است و ضـمناً مردم را به یـاد نهضت و قیام حضـرت مهـدی علیه السـلام می انـدازد و برای آنها تلقین عملی می شود که باید برخاست، نهضت کرد، امیدوار بود و به زمینه سازی برای ظهور و قیام جهانی رهبری معصوم و قاطع که امید پیامبران و امامان و همه مستضعفان جهان و قلب تپنده هستی است، پرداخت.

این کار حتّی در زمان امام صادق علیه السـلام در میان شـیعیان معمول بوده حتی نقل شده در خراسان در حضور امام رضاعلیه السلام کلمه «قائم» ذکر شد، امام رضا علیه السلام برخاست و دستش را بر سر نهاد و فرمود:

---

۱ - ۵۴. بحـار الانوار، ج ۵۱، ص ۶۲ - منظـور از این تفسیر این است که یکی از مصـادیق روشن حـق که پس از طـول زمـان آشکار خواهد شد، وجود قائم علیه السلام است.

۲ - ۵۵. نـاگفته نمانـد که امـام صادق علیه السـلام فرمود: همه ما امامان قائم هستیم، ولی آن قائم {امام دوازدهم علیه السـلام} صاحب شمشیر (قدرت و حکومت) است و برنامه ای غیر از برنامه ما دارد. - اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۲۷.

«اَللّٰهُمَ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ؛ خداوندا بر فرجش شتاب کن، و راه ظهور و نهضتش را آسان گردان.»(۱)

امّا در مورد واژه مهدی، از این روست که امام زمان علیه السلام هدایت شده و هدایت کننده است. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

«إِنَّما سُمِّیَ القَآئِمُ مَهْدِیّاً لِأَنَّهُ یَهْدِی إِلی أَمْرٍ مَضْلُولٍ عَنْهُ وَسُمِّیَ القَآئِمُ لِقِیامِهِ بِالحَقِّ؛ آن حضرت را مهدی گویند، زیرا او مردم را به امری که گم کرده اند هدایت می کند، و قائم گویند چون به حق قیام کند»(۲).

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: چرا قائم را «قائم» خواندند؟ فرمود:

«زیرا یاد او فراموش می شود و بسیاری از معتقدان به امامت آن حضرت، راه ناصحیح می روند».

از آن حضرت علیه السلام سؤال شد: چرا او را «منتظَر» گویند؟ فرمود:

«زیرا برای او غیبتی طولانی است که روزهایش بسیار است، افراد مخلص و پاک در انتظارش به سر می برند، ولی افراد شکّاک و مُردّد او را انکار می کنند، منکران نامش را به مسخره می گیرند و تعیین کنندگان وقت ظهور بسیارند، عجله کنندگان در او به هلاکت می رسند و مسلمانان به او نجات می یابند»(۳).

۱- ۵۶. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.
۲- ۵۷. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۰ - و نیز در همین کتاب ص ۱۶۹ وجه تسمیه دیگری در مورد واژه مهدی از امام باقر علیه السلام نقل شده است {توضیح اینکه: مردم در آن زمان، اسلام راستین را گم کرده اند حضرت مهدی علیه السلام آنها را به دین اسلام ناب هدایت می کند} - توضیح المقاصد ص ۵۱۲.
۳- ۵۸. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۰.

۴ – اقامت گاه حضرت مهدی علیه السلام کجاست؟

اشاره

امام قائم علیه السلام کجاست و آیا فرزند و همسر دارد؟

پاسخ: از قواعد و روایات معصومین علیهم السلام استفاده می شود که امام قائم علیه السلام هم اقامت گاه مخصوص دارد و هم زن و فرزند.

در مورد اقامت گاه آن حضرت علیه السلام، نخست باید توجّه داشت که آن حضرت علیه السلام همه ساله در مراسم عظیم حجّ شرکت می کند(۱) و بعضی از سعادت مندان در مراسم حجّ به محضرش شرفیاب شده اند. همچنین هر جا که بخواهد از مشاهد مشرفه و... خواهد رفت.

امّا در مورد اقامت گاه آن حضرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص (اوتاد) چندین مکان مانند: مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی کرعه(۲) و سرزمین های دوردست و... گفته شده است.

در میان این گفتار آنچه بیشتر نظرها را جلب می کند، این است که اقامت گاه آن حضرت و فرزندانش و گروهی از خواصّ یارانش در جزیره ای از دریای بزرگ می باشد.

از امام هادی علیه السلام داستانی نقل شده که خلاصه اش این است:

«حضرت مهدی علیه السلام و فرزندانش در جزیره هایی بسیار بزرگ و پهناور در دریا زندگی می کنند و عدد شیعیان آنجا بسیار زیاد است، و فرزندان وی هر یک حاکم جزیره ای هستند و خدا بهتر می داند»(۳).

ص:۴۹

۱- ۵۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱ – ۱۵۶.

۲- ۶۰. کرعه نام قریه ای است در یمن. – المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۰۸.

۳- ۶۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۵۸.

داستان جزیره خضراء

در داستانی که در مورد تشرّف علی بن فاضل مازندرانی در سال ۶۹۰ هجری در جزیره خضـراء از طرق بسیار موثّق نقل شده، حاکی است که اقامت گاه امام قائم علیه السلام و همسران و فرزندانش در جزیره خضراء است. اینک اصل داستان را از کتاب اثبات الهداه نقل می کنیم:

علاّمه مجلسی در بحار الانوار از یحیی بن فضل در کتاب «رساله البحر الأبیض والجزیره الخضراء» از علی بن فاضل مازندرانی مجاور نجف، در حدیث بسیار طولانی چنین نقل می کند:

وارد شهری از شهرهای غرب (اسپانیا) شدم مرکب هایی از بلاد امام عصرعلیه السلام وارد آنجا شد، یکی از مسافرین آنها پیرمردی بود که چون مرا دید، گفت: نام تو چیست؟ گمان می کنم علی باشد. گفتم: آری، گفت: نام پدرت چیست؟ گویا فاضل باشد؟ گفتم: آری، چه خوب نام من و پدرم را می شناسی.

گفت: بدان که نام و اصل و وصف و خصوصیات تو را برای من بیان کرده اند و من تا جزیره خضراء با تو هستم.

بسیار خوشحال شدم، مرا با خود به دریا برد، روز شانزدهم به آب سفیدی رسیدیم، پرسیدم: اینجا کجاست؟

گفت: بحر ابیض است و آن جزیره خضـراء است که این آب سفید اطرافش را گرفته است و به حکمت خداوند چون کشتی ها و وسایل نقلیه دیگر دشمنان به اینجا رسند، غرق می شوند و به آن حضرت دست نیابند.

سپس وارد جزیره خضراء شدیم و رفتیم در مسجد، شخصی به نام «سید شمس الدین» را دیدم که می گفت: من از نوه های امام عصر علیه السلام هستم، پس از گفتگویی به او گفتم: هرگز امام را دیده ای؟ گفت: نه، ولی پدرم نقل کرد که صدای امام را شنیده ام و خودش را ندیده ام، امّا جدّم هم خودش را دیده است و هم صدایش را شنیده است.

آنگاه با آن سیّد از شهر بیرون رفتیم و به پیرمردی رسیدیم، از سیّد احوال آن پیرمرد را پرسیدم، گفت: این کوه را می بینی، در وسط آن جای خرّمی است و در آن چشمه ای است، و کنار چشمه قبّه ای است و این مرد با رفیقش خادم آن قبّه است، من هر صبح جمعه می روم آنجا خدمت امام عصر - ارواحنا له الفداء - (البته با توجّه به آغاز حدیث، خود امام را نمی بیند و صدایش را نمی شنود) و در قبّه دو رکعت نماز می خوانم و کاغذی می یابم که در آن حکم مرافعه ای را که در هفته به من رجوع می کنند در آن نوشته، کاغذ را بر می دارم و هر چه در آن نوشته به آن عمل می کنم.

علی بن فاضل گوید: از خادم ها خواهش کردم مرا به حضور امام علیه السلام ببرند. گفتند: راهی ندارد. آن رفیقم به من گفت: دستور آمده که تو را به وطن برگردانم، برای من و تو مخالفت روا نیست(1).

ناگفته نماند که علی بن فاضل داستان خود را به طور مفصّل در کتابی بنام «الفوائد الشمسیه» آورده است، و ضمناً به احتمال قوی آن آب سفید که در داستان فوق آمده، همانند یک حصار محکم و مجّهز، دشمن را از آن جزیره دفع می کند.

۱- ۶۲. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۷۱.

بعضی از نویسندگان به عنوان احتمال مطرح کرده اند که شاید این جزیره خضراء (با توجّه به آب سفید وسایر خصوصیات که در داستان آمده بود) همان مثلث برمودا که از عجیب ترین ومرموزترین مکان های روی زمین است و در غربی ترین اقیانوس اطلس قرار دارد، باشد.

از عجائب مثلّث برمودا اینکه هر هواپیما یا کشتی که به حدود آن برسد، به طور اسرارآمیزی ناپدید می گردد، و جالب اینکه آب های آن سفید است و هر روز خبر غرق شدن کشتی های اقیانوس پیما در آب های سفید «مثلّث برمودا» به گوش رسیده است. خلبان ها و ملوان هایی که در این منطقه حوادثی را تجربه کرده اند، گزارش داده اند که در مسیر خود، به صورت اسرارآمیزی تغییر جهت حاصل شده و به مناطقی که تصمیم نداشته اند، هدایت شده اند(۱).

این هم یک احتمالی است، که باید دانشمندان و محقّقان تحقیق بیشتری کنند. فقط در اینجا اضافه می کنیم: یکی از دعاهای حضرت مهدی علیه السلام این است که:

«اَللّٰهُمَّ احْجُبْنِی عَنْ عُیُونِ أَعْدآئِی وَاجْمَعْ بَیْنِی وَبَیْنَ أَوْلِیآئِی؛ خدایا مرا از دیدگان دشمنانم پوشیده بدار، و بین من و دوستانم اجتماع حاصل کن»(۲).

به مقتضای استجابت این دعا، اقامت گاه آن حضرت از دشمنان محفوظ خواهد بود و ممکن است همین مطلب تأییدی باشد که آن

۱- ۶۳. شرح اسرارآمیز این ماجرا در کتاب عدل منتظر، ص ۸۴ تا ۹۹ و در کتاب «مثلّث برمودا» بخوانید.

۲- ۶۴. مصباح کفعمی، ص ۲۱۹.

جزیره، در مثلّث برمودا است. از سوی دیگر، غیر از همسر و فرزنـدان، جمعی از دوسـتانش که طبق روایتی سـی تن از اوتاد و برجستگان هستند، همواره در خدمت آن حضرت به سر می برند(۱).

به هر حال باید با ذکر اشعار حافظ گفت:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

دور گردون گر دو روزی بر مراد ما نگشت

دائماً یکسان نماند حال دوران غم مخور

هان مشو نومید چون واقف نه ای ز اسرار غیب

باشد اندر پرده بازیهای پنهان غم مخور

حال ما در فرقت جانان و ابرام رقیب

جمله می داند خدای حال گردان غم مخور

و به گفته ملا محسن فیض کاشانی:

ای تو ما را راحت جان الغیاث

دردها را جمله درمان، الغیاث

ای سر و سرکرده هر سروری

نیست ما را بی تو سامان، الغیاث

قائم آل پیامبر – علیهم السلام – دست گیر!

بی توام افتان و خیزان، الغیاث

کارشرع ازدست شد بیرون خرام

تازه کن آیین اسلام، الغیاث

عالمی گردید مالامال شرّ

از جفا و جور و طغیان، الغیاث

ص:۵۳

۱- ۶۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

خون ما خوردند این دجّالیان

مهدی و هادی دوران، الغیاث

فیض شد دلتنگ صحرای فراق

مونس دل راحت جان، الغیاث

توضیح دیگر اینکه: بر اساس داستان «علی بن فاضل»، فرزندان حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - در جزیره ای به نام خضراء در اقیانوس اطلس زندگی می کنند، و شخص آن بزرگوار همه ساله در موسم حج شرکت نموده، پس از زیارت آباء و اجداد طاهرینش در حجاز، عراق و طوس به جزیره بازمی گردد و غالب اقامت آن بزرگوار در همان جزیره است.(۱)

۵ – قرآن و مسأله حکومت جهانی

اگر حکومت جهانی مهدی علیه السلام سراسر جهان را فرا خواهد گرفت و پرچم اسلام و توحید در همه نقاط زمین به اهتزاز درمی آید، آیا در قرآن مجید، این سند محکم و بزرگ و خلل ناپذیر اسلام، سخنی در این باره به میان آمده است؟

پاسخ: آیات متعدّدی که تأویل آن تطبیق با حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - شده، بسیار است.(۲) به عنوان نمونه:

۱ - در قرآن کریم می خوانیم:

«هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ وَدِینِ الحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کُلِّهِ وَلَوْ کَرُهَ المُشْرِکُونَ»؛ او خدایی است که رسولش را با دلایل رهنمون بخش فرستاد، تا آن را بر تمام دین ها غالب گرداند، هرچند این موضوع خوش آیند مشرکان نیست(۳).

ص:۵۴

۱- ۶۶. عدل منتظر، شماره ۵ کتاب سالانه مسجد صدریه تهران، ص ۹۲.

۲- ۶۷. در این باره به بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۴ مراجعه گردد.

۳- ۶۸. سوره صف، آیه ۹.

این آیه صریحاً نوید می دهد که روزی خواهد آمد که آیین اسلام همه ادیان و مرام ها را تحت الشعاع خود قرار می دهد و سراسر جهان زیر لوای اسلام قرار می گیرد، که منظور همان وقتی است که حضرت مهدی علیه السلام در سراسر جهان حکومت واحد اسلامی تشکیل می دهد.

۲ – و باز می خوانیم:

«وَلَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أَنَّ الأَرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحُونَ»؛ یقیناً (بدانید که) ما در زبور (کتاب حضرت داود علیه السلام) نوشتیم پس از آن که این مطلب را در ذکر (تورات) نیز نوشته بودیم که: حتماً بندگان صالح وارث زمین می شوند(۱).

این آیه حاکی است که در کتاب های آسمانی زبور و تورات و قرآن، موضوع حکومت انسان های شایسته بر سراسر زمین نوشته شده است. روشن است که وعده خدا حق است، روزی خواهد آمد که بندگان صالح، که از نظر قرآن مسلمین راستین هستند، حکومت واحد صالحان را بر همه نقاط زمین برقرار می سازند، که اشاره به حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.

۳ – و همچنین می خوانیم:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُو مِنْکُمْ وَعَمِلُواْ الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کَما اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَیُمَکِّنَنَّ لَهُمْ دِیْنَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَلَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لایُشْرِکُونَ بِی شَیْئاً»؛ خداوند به آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته می کنند، وعده داده که آنان را نماینده خود

۱- ۶۹. سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

در زمین گرداند، همان گونه که گذشتگان آنان را خلیفه کرد، وعده داده که دینشان را برای آنها پسندیده، نیرومند گرداند و ترسشان را مبدّل به امنیت و آرامش کند، و برای من شریک نمی گیرند(۱).

این آیه بیانگر حکومت واحد بر سراسر زمین است به آنان که ایمان و عمل صالح دارند، (یعنی منتظر واقعی هستند و با ایمان و عمل نیک خود زمینه سازی برای ایجاد آینده ای درخشان می کنند) نوید می دهد که خداوند حکومت زمین را به دست آنها می سپرد، دین آنها نیرومند و قوی می گردد، و در نتیجه آرامش و امنیت جانشین خوف و ناآرامی می شود.

در پایان، آیه اشاره به این مطلب می کند که حکومت آنها بر سراسر زمین بر اساس توحید و پرستش خدای یکتا و نفی هر گونه شرک است. چنانچه در حدیثی پیامبر صلی الله علیه وآله در مورد عقاید این حکومت واحد سراسری فرمود:

«فَلا یَبْقی عَلی وَجْهِ الأَرْضِ أَحَداً إِلّا قالَ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ؛ هیچ فردی روی زمین نمی ماند مگر اینکه معتقد است خدایی جز خدای یکتا وجود ندارد»(۲).

به این ترتیب می بینیم قرآن این کتاب آسمانی نیز به حکومت درخشان و سراسر توحید آینده که همه مردم تحت پرچم توحید قرار گرفته و مردم صالح زمام امور را به دست می گیرند خبر می دهد.

۴ - قرآن پس از ذکر فرعون و فرعونیان در این آیه می فرماید:

۱- ۷۰. سوره نور، آیه ۵۵.

۲- ۷۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۲۴۷.

«وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَنَجْعَلَهُمُ الوارِثِینَ»؛ ما بر این اراده کردیم که به مستضعفان نعمت بخشیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم».(۱)

این آیه گرچه در ماجرای موسی علیه السلام و فرعون نازل شده که خداوند موسی علیه السلام را بر فرعون و فرعونیان پیروز کرد و مستضعفان را به رهبری موسی علیه السلام به حکومت رسانید، ولی این آیه هرگز مربوط به زمان خاصّ موسی علیه السلام نیست، بلکه یک بشارت عمومی است در مورد پیروزی حق بر باطل، که سرانجام این پیروزی به طور جامع و کامل و جهانی به دست مهدی آل محمّد علیهم السلام صورت می گیرد، چنان که در روایات این مطلب تصریح شده و مهدی علیه السلام و پیروانش به موسی علیه السلام و پیروانش تشبیه شده اند.

و در روایتی می خوانیم: امام سجّاد علیه السلام فرمود:

«سوگند به آن کس که محمّد صلی الله علیه وآله را به حق بشارت دهنده و بیم دهنده قرار داد، نیکان ما همانند موسی علیه السلام و پیروانش هستند و بَدان ما همانند فرعون و پیروانش می باشند»(۲).

و امام علی علیه السلام در تفسیر آیه فوق فرمود:

«این گروه آل محمّد علیهم السلام هستند، خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود، برمی انگیزد و به آنان عزّت می دهد و دشمنان آنان را ذلیل و خوار می کند»

۱- ۷۲. سوره قصص، آیه ۵.

۲- ۷۳. مجمع البیان، ذیل آیه ۵، سوره قصص.

.(۱)

۶ – یاران مهدی علیه السلام بیشتر کجا هستند؟

پاسخ: جالب اینکه در روایات بسیاری آمده که دسته جات یاران مهدی علیه السلام از مشرق زمین بپا می خیزند. رسول اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

«هنگام ظهور پرچم های سیاه از طرف مشرق نمودار شود، پس با وی (امام قائم – عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف –) بیعت کنید که او خلیفه خدا، مهدی علیه السلام است».

و نیز فرمود:

«جمعی از مردم از طرف مشرق خروج کنند و مقدّمات حکومت مهدی علیه السلام را فراهم سازند»(۲).

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

«آفرین بر طالقان که خداوند در آن گنج هایی نهاده که از طلا و نقره نیست، بلکه مردان مؤمنی هستند که به طور شایسته خدا را شناخته اند و در آخرالزمان، یاوران حضرت مهدی – عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف – خواهند بود»(۳).

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«هنگامی که پرچم های سیاه را از جانب خراسان دیدید، به طرف آن بروید هرچند با دست و سینه روی برف باشد، چرا که خلیفه خدا، حضرت مهدی علیه السلام در میان آنهاست»

ص:۵۸

۱– ۷۴. نور الثقلین، ج ۲، ص ۱۱۰؛ در نهج البلاغه، کلمات قصار شماره ۲۰۹ نیز به این مطلب اشاره شده است.

۲– ۷۵. دو حدیث فوق را ابن ماجه در سنن خود نقل کرده. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۷۹.

۳– ۷۶. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۹۷، المجالس السنیه، ج ۵، ص ۶۹۷.

.(۱)

و در روایت دیگر فرمود:

«بزودی اهل بیت من دچار گرفتاری ها وآوارگی ها خواهند شد، تااینکه جمعی با پرچم های سیاه از طرف مشرق بیایند، ... تا اینکه امر به یکی از افراد اهل بیت من (امام قائم – عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشریف –) سپرده شود، که او سراسر زمین را بعد از آنکه پر از ظلم و جور شده باشد، پر از عدل و داد کند، «فَمَنْ أَدْرَکَ مِنْکُمْ فَلْیَأْتِها وَلَوْ حَبْواً عَلَی الثَّلْجِ؛ هر کدام از شما که آنها را درک کردید، به آنها بپیوندید گرچه به راه رفتن با دست و سینه روی برف باشد، خود را به آنها برسانید»(۲).

به این ترتیب می بینیم، مشرق زمین مورد توجه قرار گرفته است، چنانکه هم اکنون از نشانه هایش پیداست. تنها مشرق زمین است که این کار را خواهد کرد، بنابراین مشرق زمین باید بپاخیزد! و با توجّه به اینکه اکثریت قریب به اتفاق امّت مسلم از مستضعفان در مشرق زمین هستند، و با توجّه به امکانات عظیم جغرافیایی و اقتصادی و نیروی انسانی که دارند، می توانند بپاخیزند و دست های ابرقدرت ها را قطع کنند و زمینه سازی خوبی را برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام ایجاد نمایند.

۷ – زندگی شخصی امام عصر علیه السلام چگونه است؟

پاسخ: زندگی او همچون زندگی پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام است، او در دوران حکومتش همچون طاغوتیان و مستکبران زندگی نمی کند

ص:۵۹

۱– ۷۷. همان، ج ۷ ص ۱۸۹، کشف الغمّه، ج ۳ ص ۳۷۵، المجالس السنیه، ج ۵ ص ۶۹۶.
۲– ۷۸. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۷۵ و ۳۸۱.

و در کاخ های آسمان خراش نمی نشیند، لباس و غذا و برخوردش با مردم بسیار ساده است.

حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«وَما لِباسُ القآئِمِ علیه السلام إِلَّا الغَلِیظُ وَلا طَعامُهُ إِلَّا الخَشَبُ؛ لباس قائم علیه السلام جز پارچه زبر و خشن، و غذای او جز غذای ساده نیست»(۱).

او در برخورد با مستضعفان آن چنان است که به فرموده پیامبر صلی الله علیه وآله :

«هنگام حکومت مهدی علیه السلام نیازمندانی به حضورش می آیند و درخواست نیازمندی های خود می کنند، و آن حضرت به مقداری که درخواست کنندگان بتوانند حمل کنند، بدون شماره به آنها می دهد»(۲).

آری این همان روش پیامبر و امام علی و سایر امامان معصوم علیهم السلام است. امام علی علیه السلام می فرماید:

«پیامبرصلی الله علیه وآله هنگام غذاخوردن برزمین می نشست وبا دست خود کفش هایش را می دوخت و لباسش را وصله می کرد»(۳).

و حضرت علی علیه السلام در مورد خودش هنگام حکومت فرمود:

«امام شما با این همه قدرت و مکنت از دنیا به دو لباس کهنه و عادی، و به دو قرص نان اکتفا کرده است»(۴).

۱- ۷۹. منتخب الاثر، ص ۳۰۷، اثبات الهداه، ج ۷، ص ۹۷.

۲- ۸۰. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۹۹.

۳- ۸۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۹.

۴- ۸۲. همان، نامه ۴۵.

این عمل انقلابی پیامبر و امامان علیهم السلام باید سرمشق همه باشد، چرا که انسان تا خود را از اسارت های مادی نرهاند، نمی تواند خیزش کند و در فضای معنویت به پرواز درآید، از طرفی مفاسد تجمّل پرستی و ولخرجی و اسراف و اتراف بر کسی پوشیده نیست، بنابراین بیاییم در زندگی به پیامبر و آل او علیهم السلام اقتدا کنیم. همین معنی در حدیثی از امام صادق علیه السلام برای یار و شاگرد باوفایش مفضّل رحمه الله آمده است که فرمود:

«کار امام قائم علیه السلام سیاست شب و سیاحت روز و غذای ساده است همچون زندگی امیر المؤمنین علیه السلام»(۱).

علّامه مجلسی رحمه الله گوید: منظور از سیاست شب، رتق و فتق امور و اتّخاذ روش های سیاسی در پیشبرد هدف های سیاسی و طرح ریزی در این باره است. و منظور از سیاحت روز، تلاش و حضور در صحنه اجتماع برای مبارزه و جهاد با دشمن و تأمین نیازهای مردم و رسیدگی به درد دل آنها است. و منظور از خوراک ساده هم معلوم است، خلاصه اینکه روش زندگی اش همچون حضرت علی علیه السلام می باشد(۲).

البته باید توجّه داشت که آن حضرت هنگام قیام و حضور در جبهه جنگ با دشمن غرق اسلحه است، زره رسول خداصلی الله علیه وآله در تن وشمشیر ذوالفقار آن حضرت در دست و کلاه خود آن حضرت را بر سر دارد(۳).

و از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

«تُراث رسول خدا صلی الله علیه وآله به امام قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - می رسد، یکی از یاران پرسید: تُراث چیست؟ فرمود: شمشیر، زره، عمامه، لباس بُرد، شلاق، اسب و زین و آلات جنگی رسول خدا صلی الله علیه وآله است

۱- ۸۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۹.

۲- ۸۴. همان.

۳- ۸۵. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۸۹.

».(۱)

۸ – طول عمر امام قائم علیه السلام را چگونه حل می کنید؟

اکنون که سال ۱۴۱۷ هجری قمری است، با توجه به سال تولّد امام قائم علیه السلام که سال ۲۵۵ بوده، ۱۱۶۲ سال از عمر شریف آن حضرت گذشته است، آیا ممکن است شخصی این قدر یا بیشتر عمر کند؟

پاسخ: این سؤال در طول تاریخ از زمان مرحوم صدوق رحمه الله به بعد مطرح بوده است و هم اکنون یکی از سؤالات مربوط به آن حضرت است. ما وقتی از نظر دین و دانش ثابت کنیم که عمر طولانی این چنینی محال نیست، آن گاه می گوییم: چه مانعی دارد خداوند متعال با آن قدرت لایزال خود، شرایطی را در شخصی به وجود آورد که هزاران سال یا بیشتر عمر کند؟

امّا از نظر دانش: زیست شناسان می گویند: اگر اختلالات و آسیب هایی که به انسان می رسد و موجب کوتاهی عمر او می شود، رفع گردد، عمر او به دویست سال خواهد رسید. بعضی می گویند: انسان باید سیصد سال عمر کند، این که می بینی هفتاد یا هشتاد سال عمر می کند، بر اثر آن است که عضوی از او فرسوده می شود و به عضوهای دیگر سرایت می کند(۲).

آزمایشاتی که دانشمندان روی حشرات وسلول ها وگیاهان کرده اند، نشان می دهد که گاهی عمر آنها را به صدها، بلکه به هزارها برابر رسانده اند.

ص:۶۲

۱– ۸۶. بحار الانوار، ج ۵۴، ص ۲۴۲.

۲– ۸۷. مجله دانشمند سال ۶ شماره ۱ ص ۴۳.

یوری فیالکوف استاد پلی تکنیک کیف در شوروی سابق می گوید: سلول که سنگ اول و اصلی بنای جانداران می باشد، جاوید است و هرگز نمی میرد، مشروط بر اینکه غذا داشته باشد و سرما و گرمای شدید سبب هلاکتش نشود.

وی اضافه می کند: انسان باید زنده و جاوید باشد و هرگز از بین نرود، زیرا سلول های تشکیل دهنده بدن او جاوید است(۱).

اما از نظر قرآن و احادیث: از نظر دینی، نه تنها هیچ گونه دلیلی بر انکار عمر طولانی در افراد استثنایی نداریم، بلکه در تواریخ و روایات مذهبی می خوانیم: حضرت ادریس، الیاس، خضر و عیسی - علیهم السلام - هنوز زنده اند، همچنین حضرت لقمان، نوح، عاد و پیامبران دیگر - علیهم السلام - عمرهای بسیار طولانی کرده اند، تا آنجا که قرآن کریم درباره حضرت نوح علیه السلام می فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنا نُوحاً إِلی قبوْمِهِ فَلَبِثَ فِیهِمْ أَلْفَ سَنَهٍ إِلّا خَمْسِینَ عاماً...»؛ «وهمانا نوح علیه السلام را به رسالت سوی قومش فرستادیم، او هزار سال جز پنجاه سال (یعنی ۹۵۰ سال) درنگ» کرد...»(۲).

بنابراین چه مانعی دارد خداوند تمام علل پیری و فرسودگی را به امام زنانش آموخته باشد و او با بکار گرفتن آن، عمر بسیار کند.(۳) وقتی مسأله محال نبود، قدرت و اراده خداوند بقیّه امور را درست می کند

۱- ۸۸. مجله خواندنیها، سال ۲۸ شماره ۳۸ ص ۴۳.

۲- ۸۹. سوره عنکبوت، آیه ۱۴. جهت آگاهی بیشتر ر.ک به: کشف الغمّه ج ۳ ص ۴۷۲.

۳- ۹۰. درباره افرادی که در دنیا عمر طولانی کرده اند، به اعلام الوری، ص ۴۴۲ و بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۲۵ به بعد مراجعه شود.

.

ضمناً بایـد به این نکته توجّه داشت که اسـتثناها در جهـان نمونه هـای بسـیار دارد، ماننـد: کشف ماهی های ۳۰۰۰۰۰۰ ساله و کشف ۴۰۰۰ دانه از یک بوته گنـدم، و کشف آبی که یخ نمی زند و... که اینها همه حکایت از قدرت لایزال الهی می کند و حـاکی است که این طور نیست که جهـان همیشه در محور علـل و معلول طبیعی معمولی بگردد، بلکه گـاهی علـل مافوق علل طبیعی در کار است که آن هم کار خدا است، چنانچه قرآن کراراً می فرماید:

«لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ»؛ «بدانید حتماً خداوند بر هر چیز توانا است»(۱).

۹ – آرامش با جنگ نمی سازد؟

اگر سراسـر زمین تحت یـک حکومت قرار می گیرد و همه تحت پرچم توحیـد به سـر می برنـد و امنیت و آرامش و صـفا، در همه جـا حاکم است، پس جنگ مهـدی علیه السـلام با مخالفان برای چیست؟ اگر جنگ هست امنیت نیست، وانگهی چرا این همه از شمشیر سخن به میان آمده، مگر حکومت زور است؟

پاسخ: به نظر می رسد این ناآرامی ها و جنگ ها در مراحل اوّل ظهور باشد، چنانکه نوعاً دوره اوّل انقلاب ها توأم با درگیری ها و جنگ ها است، وانگهی آنان که منافع مادّیشان در خطر است و مانع عـدالت اجتماعی می شوند، به مخالفت برمی خیزند، که اوّلاً در اقلّیت هستند و

۱– ۹۱. سوره طلاق، آیه ۱۲.

ثانیاً نارضایتی آنها دلیل بی عدالتی و ناآرامی نیست و حاکی از نقص حکومت نمی باشد.

اینکه در روایات آمـده: امام عصـر - ارواحنا له الفداء - پنج یا هفت یا نُه یا بیست سال(۱) و یـا چهل سال و یا ۳۰۹ سال(۲) به مقـدار خواب اوّل اصـحاب کهف در آن غار حکومت می کند، شاید اشاره به مراحل حکومت باشد، به این بیان که تشـکّل و پایه ریزی حکومت در پنـج و هفت و نُه سال اوّل صورت می گیرد و پس از گـذشت چهل سال به حدّ کمال می رسد و بیش از ۳۰۰ سال ادامه می یابـد، بنابراین ممکن است این درگیری ها و یا توطئه ها و کارشـکنی عناصـر کافر و سودجو در آن سال هـای اوّل حکومت باشـد، امّـا پس از چهـل سال، عـدل و داد همه جا را فرا می گیرد و دیگر هیـچ مانع و مزاحم و توطئه گر و ضدّ انقلابی باقی نمی ماند.

چنین فرضـی از نظر عقل و جامعه شناسـی صحیح به نظر می رسد، زیرا طبیعی است که بعضی از برنامه ها (اگر از طریق اعجاز نباشد) نیاز به انقلاب فرهنگی درازمدت دارد و نمی توان یک شبه رَهِ صدساله را طی کرد. و اگر در روایات، مکرّر از شمشیر امام قائم - ارواحنا له الفداء - سخن به میان آمده، حتّی مانع زکات اعدام می شود، این به آن معنی نیست که حکومت زوری است، بلکه این شمشـیر به عنوان قصـاص و مقـابله به مثل با مخالفان و خائنان و زورگویان و توطئه گران است، همان گونه که در قرآن کریم آمده است:

ص:۶۵

۱- ۹۲. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۷۹ - المجالس السنیه، ج ۵، ص ۶۹۹ و ۷۰۲.

۲- ۹۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

«وَأَنْزَلْنَا الحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنافِعُ لِلنّاسِ»؛ «و آهن (شمشیر و اسلحه عدالت) را فرستادیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است»(۱).

و یا در در جای دیگر می فرماید:

«وَلَكُمْ فِي القِصاصِ حَياةٌ يا أُولِي الأَلْبابِ»؛ «برای شما در قصاص زندگی است، ای اندیشمندان»(۲).

بنابراین، این شمشیر برای امنیت و آسایش و صفای مردم و قصاص و مقابله به مثل است که در تمام دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است، تا مبادا عدّه ای سودجو و خائن، به امنیت و آسایش مردم ضربه بزنند و هرج و مرج ایجاد کنند، به این ترتیب می توانیم به دست بیاوریم که انقلاب مهدی علیه السلام در بعضی از امور تدریجی و در برخی از امور فوری و انقلابی است.

۱۰ – نشانه های ظهور امام علیه السلام چیست؟

پاسخ: وقت ظهور آن حضرت علیه السلام معلوم نیست، و حتّی مطابق روایات کسانی که وقت ظهور را تعیین کنند، دروغ گو شمرده شده اند(۳). ولی نشانه هایی به عنوان علائم ظهور در روایات بسیار آمده که مربوط به مدّت اندکی قبل از ظهور و مربوط به آستانه و آغاز ظهور است، این نشانه ها بسیار زیادند(۴) که معروف ترین و جامع ترین

۱- ۹۴. سوره حدید، آیه ۲۵.

۲- ۹۵. سوره بقره، آیه ۱۹۷.

۳- ۹۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۱ تا ۱۲۲ - اثبات الهداه، ج ۷، ص ۸۶.

۴- ۹۷. به توضیح المقاصد، شیخ بهائی، ص ۴۹۷ به بعد بنگرید.

آنها این است که هرج و مرج در همه چیز دنیا مشهود می گردد(۱). سراسر جهان پر از ظلم و جور و فساد گردد(۲)، چنان که در هر انقلابی معمولاً ظلم و فساد قبل از آن، باعث انقلاب می گردد. این موضوع در ضمن روایتی جامع به طور مشروح بیان شده و امام صادق علیه السلام آن را در ۱۱۹ ماده بیان کرده است. و اینک ترجمه روایت:

حضرت امام صادق علیه السلام به یکی از یارانش فرمود:

۱ - هرگاه دیدی: حق بمیرد و طرفدارانش نابود شوند.

۲ - و دیدی: ظلم همه جا را گرفته است.

۳ - و دیدی: قرآن فرسوده شده و درست معنی نمی شود.

۴ - و دیدی: دین همچون ظرف توخالی و بی محتوا شده.

۵ - و دیدی: طرفداران حق بر طرفداران باطل فائق شده اند.

۶ - و دیدی: کارهای بد آشکار شده و از آن نهی نمی شود و بدکاران بازخواست نمی شوند.

۷ - و دیدی: چنان فسق و فجور آشکار شده که مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا می کنند.

۸ - و دیدی: افراد با ایمان سکوت کرده و سخنشان را نمی پذیرند.

۹ - و دیدی: شخص بدکار دروغ می گوید، و کسی دروغ و نسبت ناروای او را رد نمی کند.

۱۰ - و دیدی: بچه ها بزرگان را تحقیر می کنند.

۱- ۹۸. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۰۵.

۲- ۹۹. همان، ص ۳۹۸.

۱۱ – و دیدی: قطع پیوند خویشاوندی شود.

۱۲ – و دیدی: بدکار را ستایش کنند و او شاد شود و سخن بدش به او برنگردد.

۱۳ – و دیدی: نوجوانان پسر، همان کنند که زنان می کنند.

۱۴ – و دیدی: زنان با زنان ازدواج نمایند.

۱۵ – و دیدی: مدّاحی دروغین از اشخاص زیاد شود.

۱۶ – و دیدی: انسان ها اموال خود را در غیر اطاعت خدا مصرف می کنند و کسی مانع نمی شود.

۱۷ – و دیدی: افراد با دیدن کار و تلاش نامناسب مؤمنین، به خدا پناه می برند.

۱۸ – و دیدی: همسایه به همسایه خود اذیت می کند و از آن جلوگیری نمی شود.

۱۹ – و دیدی: کافر به خاطر سختی مؤمن شاد است.

۲۰ – و دیدی: شراب را آشکارا می آشامند و برای نوشیدن آن کنار هم می نشینند و از خداوند متعال نمی ترسند.

۲۱ – و دیدی: امر کننده به معروف، خوار و ذلیل است.

۲۲ – و دیدی: آدم بدکار در آنچه آن را خدا دوست ندارد، نیرومند و مورد ستایش است.

۲۳ – و دیدی: اهل قرآن و دوستان آنها خوارند.

۲۴ – و دیدی: راه نیک بسته و راه بد باز است.

۲۵ – و دیدی: خانه کعبه تعطیل شده و به تعطیلی آن دستور داده می شود.

ص:۶۸

۲۶ – و دیدی: انسان به زبان می گوید، ولی عمل نمی کند.

۲۷ – و دیـدی: مردان از مردان و زنان از زنان لـذّت می برنـد، (یا مردان خود را برای مردان و زنان خود را برای زنان فربه می کنند).

۲۸ – و دیدی: زندگی مرد از راه لواط و زندگی زن از راه زنا تأمین می شود.

۲۹ – و دیدی: زنان همچون مردان برای خود مجالس نامشروع تشکیل می دهند.

۳۰ – و دیدی: در میان فرزندان «عبّاس»، کارهای زنانگی به وجود می آید.

۳۱ – و دیدی: زن برای زنا، با شوهر خود همکاری می کند.

۳۲ – و دیدی: بیشتر مردم و بهترین خانه ها زنان را بر بدکاری کمک می کنند.

۳۳ – و دیدی: مؤمن خوار و ذلیل شمرده شود.

۳۴ – و دیدی: بدعت و زنا آشکار شود.

۳۵ – و دیدی: مردم به شهادت ناحق اعتماد کنند.

۳۶ – و دیدی: حلال حرام شود، و حرام حلال گردد.

۳۷ – و دیدی: دین بر اساس میل اشخاص معنی شود و کتاب خدا و احکامش تعطیل گردد.

۳۸ – و دیدی: جرأت بر گناه آشکار شود، و دیگر کسی برای انجام آن منتظر تاریکی شب نگردد.

۳۹ – و دیدی: مؤمن نتواند نهی از منکر کند مگر در قلبش.

۴۰ – و دیدی: ثروت بسیار زیاد در راه خشم خدا خرج گردد.

۴۱ – و دیدی: سردمداران به کافران نزدیک شوند و از نیکوکاران دور شوند.

۴۲ – و دیدی: والیان در قضاوت رشوه بگیرند.

۴۳ – و دیدی: پست های مهم والیان بر اساس مزایده است، نه براساس شایستگی.

۴۴ – و دیدی: مردم را از روی تهمت یا سوء ظن بکشند.

۴۵ – و دیدی: مرد به خاطر همبستری با همسران خود مورد سرزنش قرار گیرد.

۴۶ – و دیدی: مرد از بدکارگی همسرش نان می خورد.

۴۷ – و دیدی: زن بر شوهر خود مسلّط شود و کارهایی که مورد خوشنودی شوهر نیست، انجام می دهد، و به شوهرش خرجی می دهد.

۴۸ – و دیدی: مرد همسر و کنیزش را کرایه می دهد و به غذای پست (که از این راه به دست می آورد) خوشنود است.

۴۹ – و دیدی: سوگندهای دروغ به خدا بسیار گردد.

۵۰ – و دیدی: آشکارا قماربازی می شود.

۵۱ – و دیدی: شراب ها (مشروبات الکلی) به طور آشکار بدون مانع خرید و فروش می شود.

۵۲ – و دیدی: زنان مسلمان خود را به کافر می بخشند.

۵۳ – و دیدی: کارهای زشت آشکار شده و هر کس از کنار آن می گذرد، مانع آن نمی شود

ص:۷۰

.

۵۴ – و دیدی: مردم محترم، توسط کسی که مردم از سلطنتش ترس دارند، خوار شوند.

۵۵ – و دیدی: نزدیک ترین مردم به فرمانداران آنانی هستند که به ناسزاگویی به ما اهل بیت عصمت علیهم السلام ستایش شوند.

۵۶ – و دیدی: هر کس ما را دوست دارد، او را دروغ گو خوانده و شهادتش را قبول نمی کنند.

۵۷ – و دیدی: در گفتن سخن باطل و دروغ با همدیگر رقابت کنند.

۵۸ – و دیدی: شنیدن سخن حق بر مردم سنگین است، ولی شنیدن باطل بر ایشان آسان است.

۵۹ – و دیدی: همسایه از ترس زبان بد همسایه، او را احترام می کند.

۶۰ – و دیدی: حدود الهی تعطیل شود و طبق هوی و هوس عمل شود.

۶۱ – و دیدی: مسجدها طلاکاری (زینت داده) شود.

۶۲ – و دیدی: راست گوترین مردم نزد آنها، مفتریان دروغ گو است.

۶۳ – و دیدی: بدکاری آشکار شده و برای سخن چینی کوشش می شود.

۶۴ – و دیدی: ستم و تجاوز شایع شده.

۶۵ – و دیدی: غیبت سخنِ خوش آنها گردد، و بعضی بعضی دیگر را به آن بشارت دهند.

۶۶ – و دیدی: حجّ و جهاد برای خدا نیست.

۶۷ – و دیدی: سلطان به خاطر کافر، مؤمن را خوار کند.

۶۸ – و دیدی: خرابی بیشتر از آبادی است.

۶۹ – و دیدی: معاش انسان از کم فروشی به دست می آید.

۷۰ – و دیدی: خونریزی آسان گردد.

۷۱ – و دیدی: مرد به خاطر دنیایش ریاست می کند.

۷۲ – و دیدی: نماز را سبک شمارند.

۷۳ – و دیدی: انسان ثروت زیادی جمع کرده، ولی از آغاز آن تا آخر زکاتش را نداده است.

۷۴ – و دیدی: قبر مرده ها را بشکافند، آنها را اذیت کنند.

۷۵ – و دیدی: هرج و مرج بسیار است.

۷۶ – و دیـدی: مرد روز خود را با مستی به شب می رسانـد و شب خود را نیز به همین منوال به صـبح برسانـد و هیچ اهمّیتی به برنامه مردم ندهد.

۷۷ – و دیدی: با حیوانات آمیزش می شود.

۷۸ – و دیدی: مرد به مسجد (محل نماز) می رود، وقتی برمی گردد لباس در بدن ندارد (لباسش را دزدیده اند).

۷۹ – و دیدی: حیوانات همدیگر را بدرند.

۸۰ – و دیدی: دل های مردم سخت و دیدگانشان خشک و یاد خدا بر ایشان گران است.

۸۱ – و دیدی: بر سر کسب های حرام آشکارا رقابت کنند.

۸۲ – و دیدی: نمازخوان برای خودنمایی نماز می خواند.

۸۳ – و دیدی: فقیه برای دین فقه نمی آموزد.

۸۴ – و دیدی: مردم در اطراف قدرتمندان هستند.

۸۵ – و دیدی: طالب حلال مذمّت و سرزنش می شود، و طالب حرام ستایش و احترام می گردد.

۸۶ – و دیـدی: در مکّه و مـدینه کارهایی می کنند که خدا دوست ندارد و کسـی از آن جلوگیری نمی کند، و هیچ کس بین آنها و کارهای بدشان مانع نمی شود.

۸۷ – و دیدی: آلات موسیقی در مدینه و مکّه آشکار گردد.

۸۸ – و دیدی: مرد سخن حق گوید و امر به معروف و نهی از منکر کند، ولی دیگران او را از این کار بر حذر می دارند.

۸۹ – و دیدی: مردم به همدیگر نگاه می کنند، (به اصطلاح چشم و هم چشمی می کنند) و از مردم بدکار پیروی نمایند.

۹۰ – و دیدی: راه نیک خالی و راه رونده ندارد.

۹۱ – و دیدی: مرده را مسخره کنند و کسی برای او اندوهگین نشود.

۹۲ – و دیدی: سال به سال بدعت ها و بدی ها بیشتر شود.

۹۳ – و دیدی: مردم جز از سرمایه داران پیروی نکنند.

۹۴ – و دیدی: به فقیر چیزی دهند که برایش بخندند، ولی در راه غیر خدا ترحم کنند.

۹۵ – و دیدی: علائم آسمانی آشکار شود و کسی از آن نگران نشود.

۹۶ – و دیدی: مردم مانند حیوانات در انظار یکدیگر عمل جنسی بجا آورند و کسی از ترس، از آن جلوگیری نمی کند.

۹۷ – و دیدی: انسان در راه غیر خدا بسیار خرج کند، ولی در راه خدا از اندک هم مضایقه دارد.

۹۸ – و دیدی: عقوق پدر و مادر رواج دارد و فرزندان هیچ احترامی برای آنها قائل نیستند و نزد فرزند از همه بدترند.

۹۹ – و دیدی: زن ها بر مسند حکومت بنشینند و هیچ کاری جز خواسته آنها پیش نرود.

۱۰۰ – و دیدی: پسر به پدرش نسبت دروغ بدهد، و پدر و مادرش را نفرین کند و از مرگشان شاد گردد.

۱۰۱ – و دیـدی: اگر روزی بر مردی بگـذرد، ولی او در آن روز گناه بزرگی مانند بدکاری، کم فروشـی و زشتی انجام نداده، ناراحت است.

۱۰۲ – و دیدی: غذای عمومی مردم را احتکار کنند.

۱۰۳ – و دیدی: اموال حق خویشان پیامبرصلی الله علیه وآله (خمس) در راه باطل تقسیم گردد و با آن قماربازی و شرابخواری شود.

۱۰۴ – و دیدی: به وسیله شراب، بیمار را مداوا کنند و برای بهبود بیمار، آن را تجویز نمایند.

۱۰۵ – و دیدی: مردم در مورد امر به معروف و نهی از منکر و ترک دین بی تفاوت و یکسانند.

۱۰۶ – و دیدی: سر و صدای منافقان برپاست، ولی سر و صدای حق طلبان خاموش است.

۱۰۷ - و دیدی: برای اذان و نماز مزد می گیرند.

۱۰۸ - و دیدی: مسجدها پُر است از کسانی که از خدا نترسند و غیبت نمایند.

۱۰۹ - و دیدی: شراب خوار مست، پیش نماز مردم شود.

۱۱۰ - و دیدی: خورندگان اموال یتیمان ستوده شوند.

۱۱۱ - و دیدی: قاضیان برخلاف حکم خدا قضاوت کنند.

۱۱۲ - و دیدی: استانداران از روی طمع، خائنان را امین خود قرار دهند.

۱۱۳ - و دیدی: فرمانروایان، میراث (مستضعفان) را در اختیار بدکاران از خدا بی خبر قرار دهند.

۱۱۴ - و دیدی: بر روی منبرها از پرهیزکاری سخن می گویند، ولی گویندگان آن پرهیزکار نیستند.

۱۱۵ - و دیدی: صدقه را با وساطت دیگران بدون رضای خدا و به خاطر درخواست مردم بدهند.

۱۱۶ - و دیدی: وقت (اوّل) نمازها را سبک بشمارند.

۱۱۷ - و دیدی: همّ و هدف مردم، شکم و شهوتشان است.

۱۱۸ - و دیدی: دنیا به آنها روی کرده است.

۱۱۹ - و دیدی: نشانه های برجسته حق ویران شده است.

در این وقت خود را حفظ کن و از خدا بخواه که از خطرات گناه نجاتت بدهد...»(۱).

۱- ۱۰۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

البتّه بایـد توجّه داشت: این نشـانه هـا هم اکنون در دنیـای غرب، در اروپا و آمریکا و حتی بعضـی از کشورهای آفریقا و آسـیا وجود دارد، شـکر خـدا را که به برکت انقلاب اسـلامی ایران، از بسـیاری از این گناهان جلوگیری شـده و می رود که از همه جلوگیری شود و زمینه سازی برای ظهور امام قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - گردد.

۱۱ - خروج سیّد حسنی و یمانی

از جمله علائمی که در آسـتانه ظهور امام قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشـریف - رخ می دهـد، خروج سـیّد حسـنی با یارانش برای یاری آن حضرت است، اینک توضیح آن:

سیّد حسـنی جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم(۱) و قزوین خروج می نمایـد و با صـدای بلند فریاد کند که به فریاد آل محمد علیهم السلام رسید که از شما یاری می طلبند، و این سیّد حسنی ظاهراً از اولاد امام حسن مجتبی علیه السلام باشد و دعوی بر باطل ننماید و دعوت بر نفس خود نکند، بلکه از شـیعیان مخلص ائمّه اثنی عشـر علیهم السلام و تابع دین حق باشد و دعوی نیـابت و مهـدویت نخواهـد نمود، لکن مطـاع و بزرگ و رئیس خواهـد بود و در گفتار و کردار موافق است با شـریعت مطهّره حضرت خاتم النبیین صلی الله علیه وآله.

و در زمان خروج او، کفر و ظلم عالم را فرا گرفته باشـد و مردم از دست ظالمان و فاسـقان در اذیت باشـند و جمعی از مؤمنین نیز مستعدّ باشند از برای ظلم ظالمین، در آن حال سیّد حسنی استغاثه نماید از

۱- ۱۰۱. یکی از بلاد گیلان.

برای نصرت دین آل محمّدعلیهم السلام، مردم او را اطاعت نمایند، خصوصاً گنج های طالقان که از طلا و نقره نباشند، بلکه مردان شجاع و قوی دل و مسلّح و مکمّل که بر اسبهای اشهب سوار باشند، در اطراف او جمع گردند و جمعیت او زیاد شود و مانند سلطان عادل در میان ایشان حکم وسلوک نماید و کم کم بر اهل ظلم و طغیان غلبه نماید و از مکان و جای خود تا کوفه زمین را از لوث وجود ظالمین و کافران پاک کند.

و چون با اصحاب خود وارد کوفه شود، به او خبر دهند که حضرت حجّه اللّه مهدی آل محمّدعلیهم السلام ظهور نموده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است، سیّد حسنی با اصحاب خود خدمت آن حضرت مشرّف شده و از آن حضرت مطالبه دلایل امامت و مواریث انبیا را می نماید.

امام صادق علیه السلام می فرماید: به خدا سوگند آن جوان آن حضرت را می شناسد و می داند که او بر حق است، و لکن مقصودش این است که حقیقت اورا بر مردم و اصحاب ظاهر نماید.

پس آن حضرت دلایل امامت و مواریث انبیا از برای او ظاهر نماید. در آن وقت سیّد حسنی و اصحابش با آن حضرت بیعت خواهند نمود، مگر قلیلی از اصحاب او که چهارصد هزار نفر از زیدیّه باشد که مصحف ها وقرآن در گردن ایشان حمایل است وآنچه مشاهده نمودند.

پس امام قائم – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – آنچه آنان را نصیحت و موعظه نماید و آنچه از معجزات بیاورد، در آنها تأثیر نخواهد کرد، تا سه روز ایشان را مهلت می دهد و چون موعظه آن حضرت را که حق است قبول ننمایند، امر می فرماید که گردن های ایشان را بزنند و حال ایشان شبیه است به حال خوارج نهروان که در لشکر امام علی علیه السلام در جنگ صفّین بودند.(۱)

۱– ۱۰۲. منتهی الآمال، ص ۳۳۷ – در این کتاب به بعضی از علائم دیگر نیز اشاره شده، به ص ۳۳۵ به بعد مراجعه شود. و نیز در بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۱۵، به طور کوتاه جریان سیّد حسنی از قول امام باقر علیه السلام آمده است، و در آنجا ذکر شده: وقتی سیّد حسنی از امام مطالبه دلائل می کند و یقین به صدق امام پیدا می کند، می گوید: اللّه اکبر! دستت را بده تا با تو بیعت کنم. با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او، سپاه او {جز زیدیّه} نیز بیعت می کنند. از امام صادق علیه السلام نقل شده: «سیّد حسنی و یارانش دلاورانه از امام قائم علیه السلام دفاع می کنند، ولی سرانجام در راه امام شهید می شود، اهل مکه او را می کشند و سرش را به شام می فرستند». – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۱.

یمانی نیز از رهبران برحق است که به حمایت از مهـدی علیه السـلام خروج می کند. امام صادق علیه السـلام در ضـمن روایتی فرمود:

«سـفیانی، خراسانی و یمانی در یک سال، در یک شـهر و در یک روز خروج می کننـد و هیـچ پرچمیماننـد یمانی به هدایت نزدیک تر نیست، زیرا یمانی مردم را به حق دعوت می کند».(۱)

۱۲ – سفیانی و دجّال کیستند؟

در آسـتانه ظهور حضـرت مهـدی علیه السـلام نشانه های دیگری نیز بروز می کنـد، از جمله خروج سـفیانی و دجّال(۲) است، سفیـانی از جـانب شام برمی خیزد(۳). افراد دیگری نیز که در روایات تا سـی یا شـصت کـذّاب ذکر شـده اسـت(۴)، اینها همه پرچم مخالف برافروزند و سرانجام به دست یاران مهدی و به رهبری آن حضرت شکست می خورند و به

۱– ۱۰۳. تفصیل آن در کتاب اعلام الوری، ص ۴۲۹.

۲– ۱۰۴. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۹۷.

۳– ۱۰۵. همان، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

۴– ۱۰۶. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۰۹ و اعلام الوری، ص ۴۲۶.

هلاکت می رسند. از جمله از شکست خوردگان گروه ده هزار نفری «بتریّه» است که در مسیر کوفه با سپاه قائم علیه السلام جنگ کنند و همگی به هلاکت می رسند. امام در کوفه کاخ های ستمگران را ویران می سازد و همه منافقین توطئه گر به دست یاران مهدی علیه السلام به هلاکت می رسند(۱).

در وصف سفیانی آمده که: او از نسل ابوسفیان است از پلیدترین مردم، سرخ مایل به زرد است (در ظاهر مقدّس مآبی می کند) و ذکرش این است: «یاربّ، یاربّ، یاربّ» سرانجامش دوزخ است، آن قدر پلید است که کنیزش را که از او بچّه دار شده، زنده به گور می کند(۲).

و به نقل دیگر امام باقر علیه السلام فرمود:

«در شام سه گروه دارای پرچم، خروج می کنند: اصهب، ابقع و سفیانی»(۳).

به هر حال سفیانی پلید با دار و دسته اش بر ضدّ حضرت مهدی علیه السلام قیام می کند. مهدی علیه السلام به مردم فرمان می دهد به جنگ این دشمن خدا و دشمن خودتان برخیزید. سپس خود همراه مسلمانان برای جنگ با سفیانی از مکّه به شام رفته و در شام با او می جنگد، سرانجام سفیانی و دار و دسته اش شکست می خورند و سفیانی زیر درخت بغوطه دمشق به هلاکت می رسد(۴).

۱- ۱۰۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸؛ کشف الغمّه، ج ۳ ص ۳۶۴.

۲- ۱۰۸. اثبات الهداه، ج ۷ ص ۳۹۸، بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۲۱۳ {از نسل عتبه بن ابی سفیان}.

۳- ۱۰۹. اعلام الوری، ص ۴۲۸.

۴- ۱۱۰. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۲۳ - درخت بلند و پر شاخه ای است که در آن هنگام در حیره است. - اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۶۸.

در بعضی از روایات آمده: ارتش و طرفداران او برای جنگ با مهدی علیه السلام به مکه می روند، وقتی که در راه به سرزمین بیداء رسیدند، به قدرت الهی مسخ می گردند و یا در زمین فرو می روند(۱). سخن کوتاه آن که: سفیانی یک طاغوت پلید دارای یک رژیم جهنّمی است با ویژگی های خاص که با انقلاب جهانی مهدی علیه السلام مخالفت می کند و شکست می خورد(۲).

امّا در مورد دجّال باید گفت: او نیز یک طاغوت حیله گر دیگر است. طبق نقل امام صادق علیه السلام، امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن خطبه طولانی فرمود:

«حضرت مهدی علیه السلام با یارانش از مکّه به بیت المقدس آمده و در آنجا بین آن حضرت با دجّال و ارتش آن جنگ می شود. دجّال و ارتشش مفتضحانه شکست می خورند، به طوری که از اوّل تا آخر آنها به هلاکت می رسند و دنیا آباد می شود و حضرت مهدی علیه السلام عدالت و قسط را در جهان برپا می دارد.

بنا به روایتی: آن حضرت علیه السلام دجّال را در کُناسه کوفه به دار می زند»(۳).

خروج دجّال در روایات اهل تسنّن و در تورات و انجیل نیز آمده، و اوصاف و ویژگی های او نیز در روایات ذکر شده است(۴).

۱- ۱۱۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۲۳۹.
۲- ۱۱۲. المجالس السنیه، ج ۵ ص ۷۲۳؛ بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۱۰.
۳- ۱۱۳. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۴۲ - ۱۷۶.
۴- ۱۱۴. در این باره به بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۱۹۴ و ۱۹۵ مراجعه شود.

به هر حال آن حضرت علیه السلام دجّال - آن طاغوت حقّه باز و پُر تزویر - را نیز که به جنگ با او برمی خیزد، شکست می دهد.

طبق بعضی از روایات، آن حضرت، حضرت عیسی علیه السلام را در کشتن دجّال در سرزمین فلسطین کمک می کند(۱).

آری رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود:

«بدان فرزندم (مهدی علیه السلام) از کسانی که به تو و شیعیان تو ستم کردند، در دنیا انتقام می گیرد، و خداوند در آخرت آنها را عذاب می نماید.

سلمان پرسید: او کیست؟

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: او نهمین فرزند حسین علیه السلام است که پس از غیبت طولانی ظاهر می شود و فرمان خدا را اعلام می کند و دین خدا را آشکار می سازد و از دشمنان خدا انتقام می گیرد و سراسر زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می نماید»(۲).

ضمناً روشن شد که رهبران مخالف دیگر نیز، طاغوت ها یا طاغوتچه های دیگر روی زمینند.

۱۳ – نشانه های خود حضرت چیست؟

پاسخ: مقداری از نشانه های قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - در ضمن

۱- ۱۱۵. المجالس السنیه، ج ۵ ص ۷۱۰.

۲- ۱۱۶. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۳۷ - علائم بسیار دیگری نیز ذکر شده که برای رعایت اختصار از ذکر آنها صرف نظر شده به اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۸۳ تا ۴۳۱ مراجعه شود.

این کتاب آمده است، ولی در اینجا نیز به چند نشانه اشاره می کنیم: امام صادق علیه السلام فرمود:

«امامت امّت(۱) صلاح نیست مگر برای شخصی که دارای سه خصلت باشد:

۱ - سزاوارترین مردم به امام قبل باشد.

۲ - اسلحه پیامبر در نزد او باشد.

۳ - امام سابق، آشکارا، او را وصیّ خود کرده باشد»(۲).

اباصلت هروی گوید: به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: نشانه قائم - عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشریف - در وقت خروج چیست؟ فرمود:

«او در سنّ پیران است ولی سیمای جوان دارد، ناظران به او گمان می برند که چهل سال یا کمتر دارد، او با مرور شب و روز پیر نمی شود، تا پایان عمرش فرا رسد»(۳).

مرحوم صدوق رحمه الله از امام باقر علیه السلام نقل می کند:

«نخستین سخنی که حضرت مهدی علیه السلام پس از قیام خود می فرماید، این است: من بقیّه اللّٰه و حجّت و خلیفه خدا بر شما هستم. پس هیچ کس بر او سلام نمی کند، مگر اینکه می گوید: اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بَقِیَّهَ اللّٰهِ فِی أَرْضِهِ: سلام بر تو ای بقیّه (ذخیره بادوام) خدا در زمین خدا»

۱- ۱۱۷. منظور امامت معصومین است.

۲- ۱۱۸. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۴۰۲.

۳- ۱۱۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

(۱).

قبلاً گفتیم امام قائم علیه السلام در تمام جهات شباهت به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله دارد، حتی در قیافه و روش و خصوصیات. و نیز امام باقر علیه السلام فرمود:

«در مکّه، تعداد بیعت کنندگان به ده هزار نفر می رسد، و در سراسرزمین معبودی جز خدا یافت نمی شود و همه معبودهای باطل، آتش می گیرند...»(۲).

امام صادق علیه السلام فرمود:

شب ۲۳ ماه رمضان ندا به نام امام قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - بلند شود، و آن حضرت در روز عاشورا که در آن روز امام حسین علیه السلام به شهادت رسید، قیام کند. گویا روز شنبه دهم محرم را می نگرم که آن حضرت بین حجرالاسود و مقام ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه ایستاده و جبرئیل در حضورش است، اعلام بیعت می شود که همه شیعیان و طرفداران او از اطراف جهان به مکّه آیند و با او بیعت کنند، زمین برای آنها دَرنَوَردیده می شود (که زودتر برسند)، پس آن گاه خداوند زمین را که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند»(۳).

۱۴ – آیا این پیش بینی قابل اجراست؟

آیا چنین پیش بینی برای آینده در مورد مصلح جهانی حضرت مهدی علیه السلام از نظر طبیعی و اجتماعی (با توجّه به شرایط زمان در همه کشورها) قابل عمل و یا دست کم امکان پذیر است؟!

۱- ۱۲۰. تفسیر صافی، ذیل آیه ۸۶ سوره هود.

۲- ۱۲۱. کشف الغمه، ج ۳، ص ۴۶۱.

۳- ۱۲۲. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۶۰.

پاسـخ: سـیر تکاملی بشـر که در همه جهان مشاهـده می شود، بخصوص سـیر تکاملی اجتماعی و علمی در میان انسان ها، نوید برقراری حکومت مصـلح واحـد را در آینـده به روشـنی به مـا خبر می دهـد. از سوی دیگر همه دسـتگاه های آفرینش به سوی تکامل گام برمی دارنـد و ما که جزئی از آفرینش هستیم، اقتضای هماهنگی و همدوشـی با آفرینش الزام می کند که انسان ها نیز به سوی یـک تکامـل بزرگ که در سایه یک حکومت الهی تحت رهبری های مردمی بزرگ و عادل برقرار می شود، گام بردارند و به نتیجه برسند.

به علاوه ضـرورت های اجتماعی و واکنش هایی که همه روزه در گوشه و کنار جهان در برابر ظلم و تعـدّی پیـدا می شود، به نوبه خود نیز پلّه هـای تکاملی بسوی وحـدت جهانی تحت حکومت مصـلح جهانی را مژده می دهنـد. در اینجا اضافه می کنیم که در فطرت و اعماق وجـدان و نهاد انسان ها، عدالت خواهی، صـلح و صـفا و مبارزه با ظلم و هر گونه فساد و تعدّی سرشـته شده است، و این عامل نیز خواه ناخواه به طور طبیعی و خودجوش، انسان ها را به برقراری چنین حکومت ایده آل و چنین نظام بهشتی و سراسر صفا سوق می دهد و سرانجام در این سیر، توفیق دست یابی به چنین نظامی را پیدا خواهد کرد، تا از نظام های جهنّمی رهـایی یابـد. بنـابراین، چنین پیش بینی از نظر طبیعی و جامعه شناسـی هم قابل پیش بینی، هم امکان پـذیر و هم عملی است.

فراز و نشـیب های تاریخ بشـر در مسـیر طولانی خود شواهد بسـیاری را برای جهش و پیروزی در انقلاب ها و طرح های بسیار برای زندگی

ص:۸۴

بهتر از نظر روحی و جسمی در آینده که همه را می توان پله هایی برای دست یابی به انقلاب عظیم جهانی مصلح کل در طول تاریخ به حساب آورد، نشان می دهد. ما این مطلب را در مقایسه با هزاران سال قبل که چگونه بشر در رشته های بسیار علمی و اقتصادی و اجتماعی به پیش رفته، به خوبی می توانیم درک کنیم.

۱۵ – آیا امام علیه السلام برقرار کننده اسلام است؟

طبق بعضی از روایات، مانند روایت امام صادق علیه السلام که فرمود:

«إِذا خَرَجَ القآئِمُ یَأْتِی بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَکِتابٍ جَدِیدٍ وَسُنَّةٍ جَدِیدَةٍ وَقَضآءٍ جَدِیدٍ؛ هنگامی که قائم علیه السلام نهضت یاد می کند، فرمان نو و کتاب نو و روش نو و دادگاه نو می آورد»(۱).

آیا با توجه به این روایت، آیین و دینی که امام قائم علیه السلام برقرار می کند، دین دیگر (جدید) غیر از اسلام نیست؟!

پاسخ: تعبیر به نو و جدید، اشاره به این است که انقلاب مهدی علیه السلام یک دگرگونی اساسی است، نه روبنایی. از این رو جامعه خیال می کند چیز جدیدی غیر از اسلام است. به عبارت دیگر: پیرایه هایی که در طول تاریخ اسلام توسط زمامداران نالایق و دیگران به اسلام بسته اند، اسلام را طوری کرده که اگر امام علیه السلام آنها را از اسلام دور کند و حقیقت اسلام را آشکار سازد، مردم عوام خواهند گفت: این یک چیز جدیدی است نه اسلام، در صورتی که اسلام واقعی همین است.

ص:۸۵

۱– ۱۲۳. اثبات الهداه، ج ۳، ص ۸۳.

آری در طول تاریخ اسلام، نفوذ اندیشه های بیگانه در اسلام و تجدّدگرایی افراطی مسلمین و رخنه فرصت طلبان و داخل کردن طرح های مبهم به عنوان طرح اسلامی در میان اسلام و تحریفات گوناگون و... اسلام را مسخ خواهد کرد، در این صورت اگر امام قائم علیه السلام حقیقت اسلام را آشکار می سازد، مردم خیال می کنند مکتب و روش جدید و دادگاه جدیدی غیر از اسلام به میان آمده است.

در اینجا برای تکمیل این موضوع به روایت زیر توجّه فرمایید: یکی از یاران امام صادق علیه السلام گوید: از آن حضرت پرسیدم: روش حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«یَصْنَعُ ما صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ، یَهْدُمُ ما کانَ قَبْلَهُ کَما هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ أَمْرَ الجاهِلِیَّهِ وَیَسْتَأْنِفُ الإِسْلامَ جَدِیداً؛ همان روش پیامبر صلی الله علیه وآله را انجام می دهد، روش های باطل گذشته را ویران می کند، چنان که پیامبر صلی الله علیه وآله چنین کرد، و اسلام را نوسازی و تکمیل می نماید»(۱).

بنابراین، انقلاب حضرت مهدی علیه السلام همان انقلاب اسلامی است، منتهی در سطح وسیع تر و عمیق تر.

ابوبصیر رحمه الله یکی از یاران امام صادق علیه السلام گوید: از آن حضرت پرسیدم: مرا از سخن امیر مؤمنان علیه السلام خبر بده که فرمود:

«إِنَّ الإِسْلامَ بُدِءَ غَرِیباً وَسَیَعُودُ کَما بُدِءَ، فَطُوبی لِلغُرَبآءِ؛ اسلام در آغاز غریب بود و به زودی همچون آغاز غریب خواهد شد، خوشا به سعادت غریبان».

۱- ۱۲۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲، اثبات الهداه، ج ۷، ص ۷۷.

امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود:

«وقتی که امام قائم علیه السلام قیام کند، دعوت به اسلام را از نو شروع می کند، چنان که پیامبر صلی الله علیه وآله دعوت را شروع کرده»(۱).

مطلب دیگر اینکه: حضرت قائم علیه السلام خودش نور و منطق گویا برای جهانیان است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم ما - علیه السلام - قیام کند، سراسر زمین به نور پروردگارش روشن می گردد، و مردم از نور خورشید و ماه بی نیاز می شوند و تاریکی به طور کلّی از بین می رود»(۲).

مرحوم ملا محسن فیض رحمه الله در حاشیه تفسیر خود گوید: گویا منظور از بی نیازی سراسر زمین به نور خورشید و ماه، بی نیاز شدن از برهان و دلیل ساطع است، چرا که خود وجود امام کافی است و دل ها و مغزهای همه را نورانی و قبضه می کند، با توجّه به اینکه تمام علوم در زمان غیبت در محور برهان و دلیل است.

و مطابق روایات، امام قائم علیه السلام با معتقدان به ادیان مختلف، مناظره و احتجاج می کند، با توراتیان به تورات، با انجیلیان به انجیل، با صحفیان به صحف و با قرآنیان به قرآن و... همه آنها به حقّانیت امام علیه السلام پی می برند و سوگند می خورند که تورات و انجیل و صحف و قرآن حقیقی همان است که امام علیه السلام به آنها نشان می دهد، سرانجام آنها به اسلام حقیقی می گروند(۳).

۱- ۱۲۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۷.
۲- ۱۲۶. تفسیر صافی، ص ۴۶۹ ذیل آیه ۶۷ سوره زمر، اعلام الوری، ص ۴۳۶.
۳- ۱۲۷. بحار الانوار، ج ۵۳ ص ۹؛ ج ۵۲، ص ۳۵۱.

و برای برقراری حکومت جهانی، قیام به شمشیر (نهضت نظامی) می کند، تا جایی که به فرموده امام صادق علیه السلام :

«إِذا قامَ بِالسَّیْفِ فَقَتَلَ مِنْ کُلِّ أَلْفٍ تِسْعَ مائَهُ وَتِسْعَهَ وَتِسْعِینَ؛ وقتی که امام زمان علیه السلام قیام به شمشیر می کند (از منحرفان و طاغوتیان و توطئه گران) از هر هزار نفر، ۹۹۹ نفر آنها را به هلاکت می رساند»(۱).

۱۶ – ادّعای مهدویت و آمدن آن حضرت چیست؟

پاسخ: به نظر نگارنده، موضوع مدّعیان مهدویت و قول به آمدن مهدی علیه السلام و رفتنش به قدری مضحک است که اصلاً قابل بحث نیست و هیچ گونه با قرآن و روایات اسلامی تطبیق نمی کند، چنان که با خواندن این کتاب و مقایسه مطالب آن با وضع زمان به آن پی می برید.

تنها به این مطلب اشاره می کنیم که استعمارگران شرق و غرب برای اینکه ثروت بی حساب مشرق زمین را برای خود ببرند و چپاول کنند، از طرفی حسّ مذهبی را در میان مردم این سرزمین ها بسیار قوی دانستند، با به وجود آوردن بابی گری و بهایی گری و قادیانی گری و... خواستند در صفوف مسلمانان اختلاف ایجاد کنند و تفرقه بیندازند و به هدف شوم خود برسند و در این راه گرچه نتیجه مطلوب نگرفتند، اما ضربه های بسیار وارد کردند، عِرض خود را بردند، امّا مسلمانان را در بعضی نقاط به زحمت انداختند.

امید آن که مسلمانان با هوشیاری بیشتر، ماهیت استعمارگران

ص:۸۸

۱– ۱۲۸. اثبات الهداه، ج ۷ ص ۱۷۷ به نقل از امام باقر علیه السلام.

و توطئه های آنها را بشناسند و متوجّه باشند که آنها از راه عقاید مذهبی مردم را فریب ندهند(۱).

۱۷ – امام علیه السلام در برابر قدرت های تخریبی

بر همگان روشن است که روز به روز بر کیفیت و کمّیت سلاح های مدرن از موشک های قارّه پیما گرفته تا بمب های اتمی و هیدروژنی افزوده می شود و این وسایل در دست استکبار جهانی است، آیا امام زمان علیه السلام می تواند در برابر این قدرت ها ایستادگی کند و جهان را تحت حکومت خود آورد؟

پاسخ: اوّلاً اگر از راه اعجاز، نه امور عادّی، مسأله را بررسی کنیم، پاسخ سؤال آسان است، چرا که امدادهای غیبی و قدرت مطلق خدا پشتیبان حضرت است و همه چیز را برای او یک شبه حل خواهد کرد، به این معنا که اسباب کار را از هر سو فراهم خواهد نمود.

و اگر مسأله را از راه عادّی و طبیعی بررسی کنیم، پاسخ سؤال فوق این است: مردم دنیا که از ظلم و جور و فساد به ستوه آمده و تشنه مصلح حقیقی هستند، وقتی ندای چنین مصلحی به گوششان رسید، خود به خود به سوی او جذب می شوند و همه امکانات خود را در اختیار این مصلح قرار می دهند، البتّه در این صورت هم امدادهای غیبی به کمکشان خواهد شتافت.

۱- ۱۲۹. بحث بیشتر در این باره در کتاب ارمغان استعمار {تألیف نگارنده} و در بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۳۶۷ به بعد آمده است.

بـا توجّه به این امکانـات عظیم دنیای اسـلام از نظر اقتصادی، نیروی انسانی، جغرافیایی و استراتژیکی که در مراحل اوّل به امام علیه السـلام می پیوندنـد و منافع اوّلیه دنیای اسـتکبار را در اختیار امام علیه السـلام قرار می دهنـد، مسأله به راحتی حل خواهد شد. مثال کوچک آن، پیروزی انقلاب اسـلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ بود که مردم بـا رهبری صـحیح، با مشت های خالی، همه اسـلحه های مدرن و پیچیده را در اختیار خود درآوردند و غول شاهنشاهی را سـرنگون نمودند. و مشابه این مسأله در دنیا کم نیست، مانند فروپاشی غول کمونیسم در شوروی سابق و نقاط دیگر.

۱۸ – رجعت چیست؟

آیا مردان شایسـته، پس از مرگ، در عصر حکومت مهدی علیه السلام زنده خواهند شد و در صف یاران آن حضرت قرار می گیرند؟

پاسـخ: رجعت از دیـدگاه تشـیّع، یعنی خداونـد عـدّه ای از مردگان را با همان انـدام و صورتی که بودنـد، زنده کرده و به دنیا برمی گرداند، به گروهی از آنان عزّت می دهد و گروهی را ذلیل خواهد کرد و حقّ مظلومان را از سـتمگران می گیرد، و این جریان پس از قیام مهدی علیه السـلام به وقوع می پیوندد. با توجّه به اینکه زنده شدگان کسانی هستند که در حدّ اعلای ایمان و یا در حـدّ اعلای کفر و فسادنـد، پس از مدّتی زنده شدن و دریافت کیفر و پاداش برخی از اعمالشان، دوباره می میرند و در روز قیامت برای کیفر و پاداش کامل تر زنده می شوند.

در قرآن کریم آیـات متعـددی بر این مطلب دلالت دارد، از جمله سوره مؤمن، آیه ۱۰ و سوره بقره، آیه ۲۶۰ و... روایات هم در این باره به حدّ تواتر (بسیار که موجب علم است) به ما رسیده است(۱).

در مورد حضـرت ولی عصـر - ارواحنا له الفداء - در روایات آمده که؛ آن حضرت پس از ظهور، عدّه ای از ظالمان را به اذن خـدا از قبرها بیرون می کشـد و به اذن خـدا زنـده می کنـد و مجازات می نمایـد. او یگانه منتقم خون امام حسـین علیه السـلام است، چنان که در دعای ندبه می خوانیم:

«أَیْنَ الطّالِبُ بِدَمِ المَقْتُولِ بِکَرْبَلاۤءِ، أَیْنَ المَنْصُورُ عَلی مَنِ اعْتَدی عَلَیْهِ وَافْتَری ..؛ کجاست طالب خون حسـین علیه السلام که در کربلا کشته شد؟ کجاست آن یاری شده تا یاری کند کسانی را که حقّشان پایمال شده است».

از طرفی در روایات می خوانیم: آن حضرت نواده های قاتلان حسین علیه السلام را به خاطر کار پدران ظالمشان می کشد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه هنگام قیام امام مهدی علیه السلام در قبرش خوشحال می شود»(۲).

و نیز فرمود:

«هنگام رجعت کسانی که مؤمن خالص و کافر خالص هستند، زنده می شوند و به دنیا برمی گردند»(۳).

ص:۹۱

۱- ۱۳۰. در این باره به کتاب عقائد الامامیّه تألیف محمّد رضا مظفّر {بحث رجعت} ترجمه نگارنده مراجعه شود.
۲- ۱۳۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۶۲ - ۱۰۳.
۳- ۱۳۲. همان، ص ۱۵۴.

و نیز فرمود:

«در پشت کوفه (نجف) بیست وهفت مرد از هدایت شدگان و از بزرگان اصحاب زنده شده و به امام ملحق می شوند»(۱).

هنگامی که قائم علیه السلام قیام کرد خداوند همه اذیت کنندگان به مؤمنین را زنده می کند تا به مجازات دنیوی برسند و به داد مؤمنان نیز برسد.

و به یکی از یارانش به نام مفضّل رحمه الله فرمود: تو و چهل و چهار نفر مرد دیگر با قائم علیه السلام هستید(۲).

به این ترتیب می بینیم رجعت مؤمنان مخلص و کافران محض، در زمان حضور حضرت قائم علیه السلام مسلّم است. ضمناً ناگفته نماند که کشتن نواده های قاتلان امام حسین علیه السلام با اینکه خودشان در قتل آن حضرت شرکت نداشتند، طبق روایات به خاطر رضایت آنها از ظلم پدرانشان است.

و نیز در عصر رجعت، پس از امام قائم علیه السلام، ائمّه دیگر به دنیا برمی گردند و یکی پس از دیگری حکومت می کنند، حتی هنگامی که حضرت قائم علیه السلام از دنیا برود، امام حسین علیه السلام او را غسل می دهد(۳).

۱۹ – شخص پنج ساله چگونه امام می شود؟

حضرت قائم علیه السلام هنگام شهادت پدر در سال ۲۶۰ هجری قمری پنج سال داشت و پس از پدر امام بر مردم بود، آیا یک نفر پنج ساله می تواند امامت کند؟

۱– ۱۳۳. اثبات الهداه، ج ۷ ص ۱۶۴.

۲– ۱۳۴. همان، ص ۱۴۶.

۳– ۱۳۵. اثبات الهداه، ح ۷ ص ۱۰۲.

پاسخ: اگر کودکی به خاطر استعدادهای فوق العاده ای که خدا به او داده در اوج کمال بود، چه مانعی دارد امام مردم شود، مانند حضرت عیسی علیه السلام که به فرموده قرآن، در سنّ کودکی پیامبر وحجّت خدا بر مردم شد.

در دنیا کودکان استثنایی و نابغه بسیارند، مانند: سید محمّد حسین طباطبایی در عصر ما، که در پنج و نیم سالگی حافظ کلّ قرآن شد، و هم اکنون(۱) که حدود هفت سال دارد، دروس حوزوی را می خواند و آن چنان بر معانی آیات قرآن مسلّط است، که در گفتگو، با آیات قرآن سخن می گوید و به سؤالات جواب می دهد(۲).

و مانند توماس یونگ و امثال او که در دو سالگی خواندن و نوشتن را می دانست و در هشت سالگی به تنهایی به آموختن ریاضیات پرداخت(۳)، بسیارند. و اینها حکایت از آن می کند که چنین چیزی محال نیست، وقتی محال نبود، قدرت خدا به آن تعلّق خواهد گرفت.

ما امامان دیگری مانند امام جواد و امام هادی علیهما السلام نیز داریم که قبل از بلوغ به امامت رسیده اند.

۲۰ - این همه سخن از مهدی علیه السلام چرا؟!

چرا از حضرت مهدی علیه السلام آن همه سخن به میان آمده، پیامبر و همه ائمه علیهم السلام در فرصت های مختلف از آن حضرت سخن گفته اند، حتی

ص:۹۳

۱- ۱۳۶. سال ۱۳۷۶.

۲- ۱۳۷. شرح این مطلب را در کتاب «پرتوی از سیره چهارده معصوم علیهم السلام» در فصل زندگی امام جواد علیه السلام {تألیف نگارنده} بخوانید.

۳- ۱۳۸. تاریخ علوم، پی یر روسو، ص ۴۳۲.

به جزئیات و شمائل و خصوصیات مربوط به آن حضرت تصریح کرده اند... که درباره هیچ یک از ائمّه علیهم السلام چنین نیست؟

پاسخ: این همه توجّه پیامبر و امامان علیهم السلام به حضرت مهدی علیه السلام و ذکر ویژگی های آن حضرت و قیام او، به خاطر چند جهت است:

۱ - مردم در طول زمان، خود را آماده ظهور آن حضرت کنند و با داشتن هدف مشخّص، دنبال آن حضرت را بگیرند تا حکومت جهانی از دست استکبار جهانی بیرون آید و به دست صالحان قرار گیرد و این کار با نهضت های اسلامی عمیق و پی گیر قابل اجراست.

۲ - ذکر خصوصیات برای آن است که افراد دروغ گو که از معتقدات مذهبی مردم سوء استفاده کرده و در طول تاریخ خود را همان مهدی موعود خوانده اند، شناخته شوند و رسوا گرداند.

۳ - اهمّیت مهدی علیه السلام و انقلابش که امید همه در همه جهان و تاریخ است، نیز عاملی است که قبل از ظهورش از آن حضرت سخن بسیار به میان آید و قلب ها و روح ها به نام نامی آن حضرت سرشار از امید و توجه به آینده روشن گردد، و مؤمنان و مستضعفان بدانند که خداوند آنها را به خودشان واگذار نکرده، آنها حجّت برحق دارند، رهبری معصوم پشتیبان آنهاست، با چنین پشتیبانی از هیچ چیز و هیچ کس نهراسند و تحت رهبری او به پیش روند.

و در طول زمان غیبت، با توجّه به اوصاف او، دریابند که چه کسی می تواند به نیابت عامّ آن حضرت، زمام امور و رهبری را به دست گیرد، دریابند که باید نزدیک ترین فرد به این خصوصیات و اوصاف،

بر مسند نیابت عامّ آن حضرت بنشیند و به عنوان ولایت فقیه مردم را رهبری کند. امّا اگر این خصوصیات ذکر نمی شد و این همه اهمّیت به آن داده نمی شد، مردم در بسیاری از امور سیاسی و اجتماعی ومعنوی راه را گم کرده و از صراط مستقیم به سوی شرق و غرب پناه می بردند.

۲۱ – تکذیب ملاقات با امام زمان علیه السلام

طبق روایات، کسانی را که مدّعی دیدار با امام زمان علیه السلام هستند، باید تکذیب کرد، پس چرا به ذکر نمونه هایی از دیدار کنندگان در این کتاب یا در کتاب هایی مانند بحار الأنوار، اثبات الهداه، کشف الغمه و... پرداخته شده است؟

پاسخ: نظر به اینکه مدّعیان در بسیاری از مواقع می خواهند با این ادّعا سوء استفاده کنند، چنان که در تاریخ مکرر دیده شده است.

و نظر به اینکه در بعضی از موارد در زمان های معاصر امامان علیهم السلام و نزدیک به آن، برای حفظ جان، تقیّه واجب بوده است و اگر کسی چنین ادّعایی می کرد، در مخاطره قرار می گرفت.

و امور دیگر که بر ما پنهان است، موجب آن شده که ائمه علیهم السلام دستور داده اند هر کس بگوید: من امام زمان علیه السلام را دیده ام، او را تکذیب کنید، و یا اینکه تکذیب مربوط به احکام است، یعنی هر کس حکمی از اسلام را از امام زمان علیه السلام نقل کند، او را قبول نکنید. وانگهی داستان دیدار کنندگان نوعاً بعد از مرگشان آشکار شده است، به هر حال اگر سوء استفاده و تقیه و آثار سوء و یا عوامل مهم تری در کتمان نباشد، اظهار آن ظاهراً بلامانع خواهد بود. واللّه اعلم.

ص:۹۵

۲۲ – قِسط و عدل چیست؟

در روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام به طور تواتر (بسیار) آمده که خداوند، پس از ظهور آن حضرت دنیا را پر از قسط و عدل می کند، آن چنان که پر از ظلم و جور شده است(۱). منظور از «قسط و عدل» و فرق بین این دو چیست؟

پاسخ: واژه قسط بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال بر اساس عدالت اجتماعی بین افراد به کار می رود، که در این جهت هیچ گونه تبعیضی نباشد(۲) که در مقابل جور قرار گرفته است، ولی عدل یک معنی عامّی دارد که شامل عدالت در تمام ابعاد از عقاید و فرهنگ و سیاست و... خواهد شد، که در مقابل ظلم است.

توسعه عدل و داد در حدّی است که طبق بعضی روایات، نخستین گامی که امام قائم – عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف – پس از خروج برمی دارد، این است که سخنگوی آن حضرت به جهانیان اعلام می کند: کسانی که می خواهند حجّ مستحب بجا آورند، حجر الاسود و محل طواف را به کسانی که حجّ واجب دارند، واگذار نمایند(۳). ضمناً این روایت حاکی از هجوم زیاد مسلمین برای برگزاری حج است، به راستی چقدر دامنه عدالت گسترش می یابد؟

قسط و عدل، هر دو بسیار مهم هستند، ولی رعایت قسط بخصوص در حکومت اسلامی جای خاصّی دارد، مثلاً در اسلام باید بیت المال

ص:۹۶

۱– ۱۳۹. اثبات الهداه ج ۷، ص ۵۱.
۲– ۱۴۰. القسط هو النصیب بالعدل {مفردات راغب حرف عین} – القسط اسم للعدل فی القسم (الفروق اللّغویّه).
۳– ۱۴۱. سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۲۵.

به طور تساوی در بین مستضعفین توزیع گردد، شیوه امام علی علیه السلام چنان که به خوبی از گفتارش در نهج البلاغه پیداست، همین بوده است. داستان آهن گداخته در رابطه با برادرش عقیل که در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه آمده، شاهدی گویا بر این مطلب است و این همان قسط است. و در خطبه ۱۲۶ می فرماید:

«... وَلَوْ کانَ المالُ لِی لَسَوَّیْتُ بَیْنَهُمْ، فَکَیْفَ وَإِنَّمَا المالُ مالُ اللَّهِ؛ اگر مال از شخص من بود، آن را به طور مساوی تقسیم می کردم، تا چه رسد به اینکه مال، از آن خدا است».

از دیدگاه فقه اسلامی نیز مسأله چنین است، عالم بزرگ شیخ طوسی رحمه الله در کتاب خلاف (باب العین وقسمه الغنیمه) در مسأله ۴۴ گوید: «در بیت المال، بین مردم به خاطر شرافت و یا سابقه بیشتر در اسلام و یا دانش و زهد فرقی نباید گذاشت، و شیوه امام علی علیه السلام همین بود...». سپس می گوید: «اسم بیت المال مطلق است و شامل همه مردم می شود». محقّق عالی قدر صاحب جواهر رحمه الله در جلد ۱۶ نیز همین نظر را بیان می کند.

آری در پاره ای از موارد، به خاطر امور استثنائی به بعضی بیشتر داده می شود، مثلاً در غنائم جنگی که یکی از منابع درآمد بیت المال است، به جنگجویان پیاده یک سهم و به جنگجویان سواره دو سهم و به جنگجویانی که از یک اسب بیشتر دارند، سه سهم داده می شود، ولی این فرق به خاطر مخارج خوراک آن اسب ها است، و حاکی از تبعیض در تقسیم بیت المال نیست.

ص:۹۷

ناگفته نماند که منابع بیت المال متعدّد است:

۱ - زکات

۲ - خمس

۳ - انفال (غنائم جنگی جزء انفال است).

۴ - جزیه (که از اهل کتاب گرفته می شود).

۵ - خراج؛ مقدار مالی که طبق قرارداد حکومت اسلامی و کارکنان زمین از محصول زمین یا قیمت آن گرفته می شود، آن هم باید از اراضی خراجیه؛ یعنی از زمین هایی که مسلمین به اذن امام معصوم علیه السلام، با قهر و غلبه یا از روی مصالحه از کفّار گرفته اند، باشد.

۶ - فی ء (به معنی بازگرداندن است)؛ و منظور اموالی است که بدون زحمت از کفّار بازگردانده شده و در اختیار مسلمین قرار می گیرد، که طبق آیه ۶ و ۷ سوره حشر این اموال، مال خدا و رسول و بستگان پیامبر صلی الله علیه وآله و یتیمان و مستمندان و درماندگان راه خدا است، بنابراین فرق است بین فی ء و غنائم جنگی.

باید توجه داشت که درآمد فی ء، داخل در بیت المال نیست و اختیارش در دست رسول خدا صلی الله علیه وآله و بعد از آن حضرت در اختیار بستگان آن حضرت است و در زمان غیبت با ولی فقیه است، تا به مصرف تعیین شده برساند.

به هر حال قسط اسلامی که تقسیم و توزیع عادلانه بیت المال است بدون هیچ گونه تبعیضی، در عصر حکومت درخشان امام عصرعلیه السلام در اختیار مستحقّین قرار می گیرد(۱) و به این ترتیب امر توزیع که از

---

۱ - ۱۴۲. توضیح بیشتر در این باره در کتاب بیت المال در نهج البلاغه، از استاد آیت اللّه حسین نوری {تنظیم نگارنده} آمده است.

مهم ترین و پیچیـده ترین شاخه های اقتصادی است، به نحو عادلانه صورت می گیرد و از شـکاف عمیق طبقاتی جلوگیری می نماید.

امروز امر توزیع ثروت در دنیا به قدری مفتضحانه است که مثلاً در بعضی از کشورهای آفریقایی مردم دسته دسته از گرسنگی می میرنـد، ولی در آمریکـا و اکثر کشورهـای غربی ماهیانه هزاران دلار خرج سگ خانه شان می نماینـد، با توجّه به اینکه این دلارها و منابع آنها را از همین کشورهای ضعیف، مثل زالو مکیده و برده اند.

مسـلمانان منتظر امام قائم – عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف – باید هم اکنون در جهان، این زمینه را به وجود آورند، یعنی دست اسـتعمارگران و غارت گران جهانی را کوتاه کنند و ثروت های کلان خود را برای خود نگهدارند، تا قسط و عدل اسلامی که از اهـداف مهم امـام عصـر – ارواحنـا له الفـداء – است، کم کم جامه عمل بپوشـد و مستضـعفان در فکر و عمل و در اقتصاد و توزیع و... بر سر کار آیند و به حقّشان برسند.

۲۳ – آیا قیام امام مهدی علیه السلام مسلّحانه است؟

پاسـخ: امام قائم – عجّل اللَّه تعالی فرجه الشـریف – همچون پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله نخست اعلان دعوت می کند و در آغاز ظهور، پیامش را به جهانیان می رساند، در این میان عدّه ای دعوتش را می پذیرند، ولی عدّه ای دیگر کارشکنی و توطئه گری کرده و به مخالفت برمی خیزنـد، امام علیه السـلام در برابر اینها قیام مسـلّحانه می کنـد. در حدیثی امام جواد علیه السـلام فرمود:

«وقتی ۳۱۳ نفر یاران خاص امام قائم – عجّل اللَّه تعالی فرجه الشریف – به خدمتش در مکّه رسیدند، حضرت دعوتش را

به جهانیان آشکار می سازد (ظهور می کند)، و وقتی این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند متعال قیام مسلّحانه می کند (خروج می نماید)»(۱).

۲۴ – منظور از کشته شدن شیطان به دست آن حضرت چیست؟

در قرآن آمده: ابلیس به خداوند متعال عرض کرد: خدایا مرا تا روز قیامت مهلت بده. خداوند فرمود: «به تو تا روز وقت معلوم مهلت داده می شود»(۲). از این تعبیر معلوم می شود درخواست شیطان اجابت نشده است، و طبق فرموده امامان علیهم السلام منظور از روز وقت معین، وقت ظهور امام قائم علیه السلام است، بنابراین آیا شیطان در این وقت کشته می شود و یا می میرد؟

پاسخ: ما در روایات می خوانیم: شخصی از امام صادق علیه السلام در مورد «یوم الوقت المعلوم» که در آیه مذکور آمده، سؤال کرد. امام علیه السلام فرمود:

«هنگامی که قائم ما – علیه السلام – ظهور کند و به مسجد کوفه بیاید، شیطان به حضور آن حضرت می آید و زانو به زمین می زند و می گوید: «یا وَیْلَهُ مِنْ هذَا الیَوْمِ؛ ای وای از این روز».

آنگاه امام قائم علیه السلام موی پیشانی شیطان را می گیرد و گردنش را می زند و او را به هلاکت می رساند، این روز وقت معلوم (در آیه مذکور) است»(۳).

بنابراین شیطان کشته می شود، ولی در اینجا این سؤال پیش می آید،

۱– ۱۴۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

۲– ۱۴۴. سوره حجر، آیه ۳۷ و ۳۸.

۳– ۱۴۵. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۰۱.

پس دیگر مردم آزادی در اراده ندارند و همچون فرشتگان مجبور به اطاعت خدا خواهند شد؟

در پاسخ می گوییم: آزادی اراده و اختیار از انسان ها گرفته نمی شود، منظور از کشتن شیطان این است که ریشه های فساد و عوامل انحراف و ظلم و جور در عصر درخشان حکومت مهدی علیه السلام نابود می گردد و به جای آن عقل و ایمان حکومت می کند، چنان که در حدیثی دیگر آمده:

«در صحف ادریس پیامبر علیه السلام آمده: تو ای شیطان تا زمانی که مقدّر کرده ام که زمین را در آن زمان از کفر و شرک و گناه پاک سازم، مهلت داده خواهی شد. ولی در این زمان (به جای تو) بندگان خالص و پاکدل و باایمان روی کار آیند، آنها را خلیفه و حاکم زمین می کنم و دینشان را استوار می سازم، که آنها تنها مرا می پرستند و هیچ چیز را شریک من قرار نمی دهند، در آن روز است که تو (شیطان) و همه لشکریانت از پیاده و سواره را نابود می نمایم»(۱).

به این ترتیب می فهمیم در آن زمان دیگر حنای شیطان و بچه هایش رنگ ندارد، و در برابر بندگان مخلص خدا به رهبری حضرت حجّت علیه السلام همچون خفّاش هایی در برابر خورشید تابناک عاجزند، نتیجه می گیریم مرگ شیطان فرا رسیده است.

ص:۱۰۱

---

۱ – ۱۴۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۴ – توضیح بیشتر اینکه کشته شدن و نابودی شیطان همانند کشته شدن و نابودی ما نیست، شیطان مثل ما جسم ندارد تا کشته شود، کشته شدن او در مورد بالا همان قطع نفوذ او و مرگ حکومت و تزویر او می باشد.

۲۵ – حکومت قائم علیه السلام و پیشرفت علم؟!

صنعت در ابعاد گوناگون روز به روز در حال ترقّی و پیشرفت است، آیا در حکومت مهدی علیه السلام این پیشرفت صنعتی متوقف می شود و یا ادامه می یابد؟

پاسخ: حکومت امام مهدی علیه السلام از متن اسلام راستین سرچشمه می گیرد و اسلام نه تنها با پیشرفت صنعت و هر علم دیگری که مانع کمال و رشد انسان ها نمی گردد، مخالف نیست، بلکه مؤیّد آن است. آری اگر صنایع به صورت عوامل تخریبی و ویرانگر در آیند، اسلام و حکومت امام مهدی علیه السلام شدیداً با آن مخالفت می کند. حکومت حضرت مهدی علیه السلام مؤیّد پیشرفت های همه جانبه صنعتی است که در خدمت بشر و عدالت و امنیت و آسایش و آزادی به کار می رود.

برای اینکه اوج پیشرفت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را دریابید، به دو روایت ذیل توجّه فرمایید:

۱ – امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ قآئِمَنا إِذا أَقامَ، مَدَّ اللَّهُ لِشیعَتِنا فِی أَسْماعِهِمْ وَأَبْصارِهِمْ حَتّی لا یَکُونَ بَیْنَهُمْ وَبَیْنَ القآئِم بَرِیدٌ؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند شنوایی گوش ها و بینایی چشم های شیعیان ما را به گونه ای زیاد می کند که دیگر بین آنها و امام قائم علیه السلام پیک پُست نخواهد بود. یعنی آنها مستقیماً در هر کجا باشند با امام علیه السلام تماس می گیرند»(۱).

ص:۱۰۲

۱- ۱۴۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

شاید بتوان گفت: این روایت از تلویزیون های دو طرفه و دارای تلفن سخن می گوید، و احتمال دارد که منظور وسعت دید و اندیشه شیعیان در آن عصر باشد. مطلب اوّل را روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده، تأیید می کند:

«إِنَّ المُؤْمِنِینَ فِی زَمانِ القآئِمِ وَهُوَ بِالمَشْرِقِ یَری أَخاهُ بِالمَغْرِبِ وَکَذَا الَّذِی فِی المَغْرِبِ یَری أَخاهُ بِالمَشْرِقِ؛ در عصر حکومت قائم علیه السلام، مؤمنی که در شرق جهان است برادرش را که در غرب جهان است می بیند، و به عکس مؤمنی که در غرب جهان است برادرش را که در شرق جهان است می بیند»(۱).

روشن است دیدن این چنین، حکایت از وجود صنایع پیشرفته می کند.

۲ - و در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود:

«ذوالقرنین علیه السلام (که شرحش در اوایل سوره کهف آمده) در میان دو نوع ابر مخیّر گردید، او ابر آرام را برگزید و ابر دیگر که خشن و سرکش است، برای صاحب شما (امام قائم علیه السلام) ذخیره شده است.

راوی پرسید: ابر خشن و سرکش چیست؟ فرمود: ابری است که همراه رعد و صاعقه یا برق است، صاحب شما (امام قائم علیه السلام) بر آن سوار می شود و در پلّه های آسمان های هفت گانه و زمین های هفت گانه بالا می رود»(۲).

۱- ۱۴۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۳.

۲- ۱۴۹. همان، ص ۳۲۱.

به این ترتیب می بینیم در این روایت اشاراتی به فضاپیماهای بسیار سریع و تندرو که قدرت وصول به آسمان های هفت گانه را دارند، شده است، اینها و روایاتی از این قبیل، ما را به پیشرفت عجیب صنعت در عصر حکومت حضرت مهدی علیه السلام رهنمون می سازد، البتّه صنعت مثبت، نه منفی.

۲۶ – حکومت مهدی علیه السلام و تشریفات؟!

تشریفات و اسراف کاری در دنیای روز انسان ها را خسته کرده و به زحمت انداخته است، بخصوص در دنیای غرب، مُد و مُدپرستی، همه زندگی آنها را گرفته و دیگر فکر و ذهن اکثر آنها جز به این امور، کِشِش دیگر ندارد، آیا در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام این گونه تشریفات برچیده می شود؟

پاسخ: صد درصد مثبت است. در آن عصر، هرگونه اسراف و اتراف (به نعمت پروراندن) و تشریفات حرام است و در همه چیز سادگی و زهد و پارسایی که اساس پرواز در فضای معنویت است، دیده می شود، چنان که اسلام از اوّل این روش را آورده است.

در این مورد مفضّل رحمه الله یکی از شاگردان امام صادق علیه السلام گوید: «در سفر حج در مراسم طواف خانه کعبه، در حضور امام صادق علیه السلام بودم، مرا دید و فرمود: تو را غمگین و رنگ پریده می بینم؟

عرض کردم: فکرم در این باره مغشوش است که حکومت و سلطنت در دست زمامداران ستمگر عبّاسی است و همه امکانات و زرق و

برق در اختیار آنهاست، اگر حکومت در دست شما بود، ما هم به طفیل شما از آن بهره مند می شدیم.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«أما لَوْ کانَ ذلِکَ لَمْ یَکُنْ إلّا سِیاسَهَ اللَّیْلِ وَسِیاحَهَ النَّهارِ وَأَکْلَ الجَشَبِ وَلَبْسَ الخَشِنِ شِبْهُ أَمِیرِ المُؤْمِنِینَ علیه السلام وَإلّا فَالنّارُ فَنَزْوِی ذلِکَ عَنّا فَصِرْنا نَأْکُلُ وَنَشْرِبُ وَهَلْ رَأَیْتَ ظِلامَهً جَعَلَهَا اللّهُ نِعْمَهً؛ اگر حکومت در دست ما بود، شب ها به عبادت و نگهبانی و رسیدگی به پرونده های امور مردم و روزها به جهاد و تأمین نیازهای مردم می پرداختیم و به خوردن غذای ساده و پوشیدن لباس خشن اکتفا می کردیم، همانند زندگی امیر مؤمنان علی علیه السلام. در غیر این صورت سرانجام ما آتش دوزخ بود. اکنون که حکومت در دست ما نیست، ما به طور متعارف (نه ساده) می خوریم و می نوشیم، آیا مظلومیتی را دیده ای که خداوند آن را نعمت قرار داده باشد؟ (یعنی: اکنون که حکومت ما غصب شده، در لباس و خوراک و زندگی، راحت تر هستیم)»(۱).

نظیر این روایت در گفتگوی امام صادق علیه السلام با مُعَلّی بن خُنَیْس رحمه الله در روایات آمده است(۲).

۲۷ – آیا تلفّظ به نام مقدّس حضرت قائم علیه السلام جایز است؟

قسمت اول

پاسخ: مشهور بین جمعی از محدّثان و راویان آن است که تکلّم به نام اصلی امام عصر – ارواحنا له الفداء – حرام است، ولی تلفّظ به القاب آن حضرت مانند: مهدی، حجّت، قائم و... حرام نیست.

ص:۱۰۵

۱- ۱۵۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۹.

۲- ۱۵۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۴۱۰.

اینـک این سؤال پیش می آیـد: آیا این حکم مخصوص زمان غیبت صـغری بوده است؟ (همان گونه که علاّمه مجلسـی رحمه الله در جلد سـیزدهم بحار الانوار، از بعضی از علما نقل کرده) یا در هر زمان و مکانی تا موقعی که حضرتش ظهور کند، حرام است؟ یا اینکه حرمت تلفّظ نام مقدّس آن حضـرت بسـتگی به موارد خاصّی مانند تقیّه و ترس دارد که اگر موارد ترس و تقیّه نباشد، جایز است؟ آیا این مسأله اختصاص به آن بزرگوار دارد، یا درباره سایر امامان علیهم السلام نیز جاری است؟

دانشـمند معروف شـیعه، علّـامه شـیخ حرّ عـاملی رحمه الله در وسائـل الشـیعه در آغـاز و آخرِ بابی که به همین عنوان در کتاب مذکور اختصاص داده(۱)، همین قول را انتخـاب کرده که در مورد تقیّه و خوف تلفّظ به نام آن حضـرت حرام است و در غیر موارد تقیه و خوف حرام نیست(۲).

بررسی روایات این مسأله: ما در اینجا نخست به تجزیه و تحلیل و بررسی روایاتی که در این مورد رسیده می پردازیم و پس از نتیجه گیری نظر خود را خاطر نشان خواهیم ساخت. روایاتی که در این مورد به ما رسـیده، پس از بررسـی به چهار قسم تقسیم می شوند:

قسم اوّل روایات: پاره ای از روایاتی که در این مورد رسیده، دلالت دارند که تلفظ نام مبارک حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - به طور مطلق (در هر زمان و مکانی و در هر شرایطی) بی آنکه جای تقیّه باشد حرام است و در این قسم روایات، علّت خاصی ذکر نشده است. در اینجا به ذکر چند نمونه از این قسم روایات می پردازیم:

۱- ۱۵۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۵، {ط جدید} باب ۳۳.

۲- ۱۵۳. باید توجه داشت که منظور از نام اصلی همان همنام بودن با پیامبر صلی الله علیه وآله است.

۱ - مرحوم کلینی رحمه الله از علی بن رئاب رحمه الله نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

«صاحِبُ هـذَا الأَمْرِ لا یُسَمِّیهِ بِاسْمِهِ إِلّا کافِراً؛ نام مبارک صاحب این امر (حضرت ولی عصر علیه السلام) را هیچ کس جز شخص کافر نمی برد»(۱).

۲ - و نیز مرحوم کلینی رحمه الله از ریّاب بن صلت رحمه الله نقل می کند که گفت: از حضرت رضا علیه السلام در مورد سؤالی که پیرامون حضرت قائم علیه السلام شده بود، شنیدم فرمود:

«لا یُری جِسْمُهُ وَلا یُسَمّی اِسْمُهُ؛ جسمش دیده نمی گردد و نامش برده نمی شود»(۲).

۳ - مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین از صفوان بن مهران نقل می کند که شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: مهدی علیه السلام که از فرزندان توست، کیست؟ فرمود:

«اَلخامِسُ مِنْ وُلْدِیَ السّابِعُ، یَغِیبُ عَنْکُمْ شَخْصُهُ وَلا یَحِلُّ لَکُمْ تَسْمِیَتُهُ؛ مهدی پنجمین امام از فرزند امام هفتم است، وجود مقدّسش از شما پنهان می شود و برای شما بردن نام او جایز نیست»(۳).

۴ - نیز مرحوم صدوق رحمه الله در همان کتاب از محمّد بن عثمان رحمه الله نقل می کند که گفت: برایم دست خطی (توقیع) پدیدار شد که با آن دست خط آشنا بودم. به این عبارت:

۱- ۱۵۴. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۴.

۲- ۱۵۵. همان، حدیث ۵.

۳- ۱۵۶. همان، حدیث ۱۱.

«مَنْ سَمّانِی فِی مَجْمَعٍ مِنَ النّاسِ، فَعَلَیْهِ لَعْنَهُ اللَّهِ؛ هرکس در میان اجتماع مردم نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او باد»(۱).

۵ - مرحوم صدوق رحمه الله در کمال الدین از عبدالعظیم حسنی رحمه الله نقل می کند که امام محمّد تقی علیه السلام درباره حضرت قائم علیه السلام فرمود:

«یُخْفی عَلَی النّاسِ وَلادَتُهُ وَیَغِیبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَتَحْرُمُ تَسْمِیَتُهُ وَهُوَ سَمِیُّ رَسُولِ اللَّهِ وَکُنْیَتِهِ؛ تولّد آن حضرت بر مردم مخفی است، وجود او از انظار آنان پنهان است و بر آنان بردن نام او حرام می باشد، او همنام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه وآله است»(۲).

و روایات دیگری که در این معنی به ما رسیده است.

قسم دوم از روایات: پاره ای از روایات که در این مورد وارد شده، به روشنی دلالت دارد بر ترک نام بردن آن حضرت تا موقعی که قیام می کند و سراسر زمین را پر از عدل و داد می نماید، همان گونه که پر از ظلم و جور شده. اینک نظر شما را به چند نمونه از آنها جلب می کنیم: ۱ - علامه مجلسی رحمه الله در بحار الانوار از محمّد بن زیاد ازدی رحمه الله نقل می کند: هنگامی که از امام قائم علیه السلام سخنی به میان آمد، امام موسی کاظم علیه السلام فرمود:

«خَفِیَ عَلَی النّاسِ وِلادَتُهُ وَلا یَحِلُّ لَهُمْ تَسْمِیَتُهُ حَتّی یُظْهِرَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَیَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً؛ تولّد حضرت قائم علیه السلام بر مردم پنهان است، بردن نام او برای آنان جایز

۱- ۱۵۷. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، باب ۳۳، حدیث ۱۳.

۲- ۱۵۸. همان، حدیث ۱۴.

نیست تا وقتی که خداوند متعال او را ظاهر کند و به وسیله او زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از ظلم و جور شده است»(۱).

۲ – علّامه مجلسی رحمه الله از عبد العظیم حسنی رحمه الله روایت می کند که امام هادی علیه السلام درباره حضرت قائم علیه السلام فرمود:

«لا یَحِلُّ ذِکْرُهُ بِاسْمِ حَتّی یَخْرُجَ، یَمْلَأُ الأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً...؛ یاد کردن حضرت قائم علیه السلام جایز نیست تا وقتی که نهضت کند و زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد نماید»(۲).

۳ – مرحوم کلینی رحمه الله به سند خود از ابن هاشم داود بن قاسم جعفری رحمه الله نقل می کند که امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

«وَأَشْهَدُ عَلی رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ الحَسَنِ لا یُسَمّی وَلا یُکَنّی حَتّی یُظْهَرَ أَمْرُهُ فَیَمْلَأُها عَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً إِنَّهُ القآئِمُ بِأَمْرِ الحَسَنِ بْنِ عَلِیٍ علیهما السلام؛ گواهی می دهم به آمدن مردی از فرزندان امام عسکری علیه السلام، که نام و کنیه اش برده نمی شود تا قیامش ظاهر گردد، زمین را همان گونه که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد کند. اوست که به امر جانشینی از امام حسن عسکری علیه السلام می پردازد»(۳).

۴ – مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب کمال الدین به سند خود از حضرت عبد العظیم حسنی رحمه الله نقل می کند که ایشان (حضرت عبد العظیم) اعتقادات خود را در محضر امام هادی علیه السلام عرضه داشت و (در

ص:۱۰۹

۱– ۱۵۹. بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۵۰، ح ۲.

۲– ۱۶۰. همان، ج ۵۱، ص ۳۲، ح ۳.

۳– ۱۶۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶، باب ۳۳، حدیث ۳.

ضمن) به امامان یکی پس از دیگری به نام اقرار کرد، تا اینکه به امام دهم عرض کرد: ای سرور من! پس از اینها امام من شما هستید؟

حضرت فرمود:

«وَمِنْ بَعْدِی اِبْنِی الحَسَنِ؛ فَکَیْفَ لِلنّاسِ بِالخَلَفِ مِنْ بَعْدِهِ؟ قُلْتُ: فَکَیْفَ ذلِکَ؟ قالَ: لِأَنَّهُ لا یُری شَخْصُهُ وَلا یَحِلُّ ذِکْرُهُ بِاسْمِهِ حَتّی یَخْرُجَ فَیَمْلَأَ الأَرْضَ قِسْطاً وَعَدْلاً - إِلی أَنْ قالَ - هذا دِینِی وَدِینُ آبآئِی؛ امام بعد از من فرزندم حسن علیه السلام است، پس حال مردم نسبت به جانشین بعد از او چگونه است؟ عرض کردم: (برای چه؟!) مگر چگونه است؟ فرمود: زیرا او دیده نمی شود و بردن نامش جایز نیست تا وقتی که قیام کند و زمین را پر از عدل و داد نماید - تا اینکه فرمود - دین و عقیده من و پدرانم همین است»(۱).

قسم سوم از روایات: پاره ای از روایات دلالت دارند که بردن نام حضرت مهدی علیه السلام جایز نیست، در این روایات عدم جواز بردن نام حضرت، به خوف وترس از ضرر تعلیل شده است، به عنوان نمونه به چند روایت ذیل دقّت کنید:

۱ - مرحوم کلینی رحمه الله به سند خود، از علی بن محمّد، از ابوعبداللّٰه صالحی رحمه الله نقل می کند که گفت: پس از درگذشت امام حسن عسکری علیه السلام، اصحاب ما از من خواستند که اسم و مکان حضرت مهدی علیه السلام را سؤال کنم، (پس از سؤال) جواب آمد:

«إِنْ دَلَلْتُمْ عَلَی الِاسْمِ إِذا دَعَوْهُ، وَإِنْ عَرَفُوا المَکانَ دَلُّوا عَلَیْهِ:

ص:۱۱۰

۱- ۱۶۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۸، حدیث ۹.

اگر آنها را به اسم حضرت مهدی علیه السلام آگاه سازید، آن را ظاهر می سازند و اگر مکانش را بشناسند، بر ضدّ او اقدام می کنند»(۱).

محدّث بزرگ شیخ حرّ عاملی رحمه الله پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث دلالت دارد که نهی ائمّه اطهار علیهم السلام از بردن نام حضرت مهدی علیه السلام در مواردی است که خوف از ضرر و بروز فساد باشد.

۲ - نیز مرحوم کلینی رحمه الله از عبد اللَّه بن جعفر حمیری رحمه الله نقل می کند که شخصی از محمّد بن عثمان رحمه الله (نایب خاصّ دوم) پرسید: آیا جانشین امام عسکری علیه السلام را دیده ای؟ او در پاسخ گفت: آری به خدا سوگند! تا اینکه پرسید: اسمش چیست؟ در پاسخ گفت:

«فَالاِسْمُ مَحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ أَنْ تَسْأَلُوا عَنْ ذلِكَ مِنْ عِنْدِی فَلَيْسَ لِی أَنْ أُحَلِّلَ وَلا أُحَرِّمَ، وَلكِنْ عَنْهُ علیه السلام فَإِنَّ الْأَمْرَ عِنْدَ السُّلْطانِ أَبامُحَمَّدٍ مَضى وَلَمْ يَخْلُفْ وَلَداً (إِلى أَنْ قالَ) وَإِذا وَقَعَ الِاسْمَ وَقَعَ الطَّلَبُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَامْسُكُوا عَنْ ذلِكَ؛ اما در مورد نام بردن از حضرت مهدی علیه السلام، پرسش کردن از آن بر شما حرام است، این را از پیش خود نمی گویم. برای من روا نیست که پیش خود چیز حلال را حرام و یا حرام را حلال کنم، ولی حکم امام را گفتم؛ زیرا زمامدار وقت چنین تصوّر می کند که امام حسن عسکری علیه السلام از دنیا رفت و فرزندی به جا نگذاشت تا اینکه گفت: هرگاه نام حضرت مهدی علیه السلام برده شود، نتیجه اش طلب کردن دشمنان از اوست. بپرهیزید از خدا و از این مطلب دم فروبندید»(۲).

ص:۱۱۱

۱- ۱۶۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷، ح ۷.

۲- ۱۶۴. همان، ح ۸.

این روایت همانند روایتی است که با صراحت و روشنی دلالت دارد بر اینکه نهی از بردن نام حضرت، به خاطر خوف و رسیدن ضرر به آن بزرگوار است، چه آن که وقتی نام او شناخته شد، دنبالش به جستجوی او خواهند پرداخت. از این رو امام علیه السلام از بردن نام آن حضرت نهی فرموده، بلکه از نام بردن آن حضرت به طور مبهم رد شده، تا کسی که آن را نمی داند، به آن مطّلع نشود، لذا کسی که این را می داند، بر او اظهار آن نام حرام است.

۳ - مرحوم صدوق رحمه الله در کمال الدین از علی بن عاصم کوفی رحمه الله نقل می کند که در میان توقیعات (دست خطهای) امام زمان علیه السلام این جملات پدیدار شده:

«مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمّانِی فِی مَحْفِلٍ مِنَ النّاسِ؛ مشمول لعنت است کسی که نام مرا در میان اجتماعی از مردم ببرد»(۱).

اینکه حضرت مشمول لعنت را مقیّد به نام نموده در میان اهل سنّت (و بنی عباس) دلیل آن است که در غیر اجتماع آنها بردن نام آن حضرت جایز است.

بنابر اینکه بگوییم قید در این گونه موارد دلالت بر مفهوم دارد، (بنابراین) نهی امام علیه السلام به خاطر رعایت تقیّه است.

۴ - نیز مرحوم صدوق رحمه الله از محمّد بن همام رحمه الله نقل می کند که محمد بن عثمان عمری گفت:

«خَرَجَ تَوْقِیعٌ بِخَطٍّ عَرَفْتُهُ: مَنْ سَمّانِی فِی مَجْمَعٍ مِنَ النّاسِ،

۱- ۱۶۵. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷ - حدیث ۱۲ از باب ۳۳.

فَعَلَیْهِ لَعْنَهُ اللَّهِ؛ در توقیعی که آن را می شناختم از حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - است، چنین پدیدار شد: هر کس نام مرا در میان جمعی از مردم ببرد، لعنت خدا بر او باد»(۱).

دلالت این حدیث بر اینکه حرمت نام بردن حضرت مهدی علیه السلام مخصوص موارد خوف و ضرر است، مانند دلالت حدیث قبل است.

۵ - علّامه مجلسی رحمه الله نقل می کند که ابن خالد کابلی گفت: «هنگامی که امام سجّاد علیه السلام از دنیا رفت، به حضور امام باقر علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: قربانت گردم! حتماً اخلاص و انس و الفت مرا نسبت به پدر بزرگوارت و وحشت مرا از مردم می شناسی(۲).

امام باقرعلیه السلام فرمود: آری، راست می گویی! اینک منظورت چیست؟ عرض کردم: قربانت گردم! پدرت آن چنان صاحب این امر (حضرت مهدی علیه السلام) را برایم توصیف کرده که اگر او را در راهی ببینم، دستش را می گیرم. حضرت فرمود: ای ابوخالد! منظورت چیست؟ گفتم: می خواهم نام حضرتش را برایم بگویی تا او را به نام بشناسم. فرمود:

«سَأَلْتَنِی وَاللَّهِ یا أَباخالِدٍ عَنْ سُؤالٍ مُجْهِدٍ، وَلَقَدْ سَأَلْتَنِی عَنْ أَمْرٍ لَوْ أَنَّ بَنِی فاطِمَهَ عَرَفُوهُ حَرَصُوا عَلی أَنْ یُقْطِعُوا بَضْعَتَهُ؛ ای ابوخالد! به خدا سوگند از من سؤال ناراحت کننده ای می پرسی. از موضوعی می پرسی که به کسی از آن خبر نداده ام، تا به تو خبر دهم. از

۱- ۱۶۶. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۷، حدیث ۱۳ از باب ۳۳.

۲- ۱۶۷. معمولاً در اینگونه احادیث منظور از مردم {ناس} اکثریت مردم آن عصر که مخالفان امام بودند می باشد.

مطالبی سؤال می کنی که اگر بنی فاطمه او را می شناختند حرص آن داشتند که او را قطعه قطعه کنند»(۱).

اینکه می گوید اگر بنی فاطمه او را می شناختند... دلالت دارد بر اینکه عدّه ای از آنها قصد ضرر رساندن به حضرت مهدی علیه السلام را داشتند، تا چه رسد به غیر آنها. از این رو امام باقر علیه السلام آن حضرت را به نام یاد نکرد تا نامش پوشیده بماند و شناخته نشود و دست های مخالفان به آن حضرت نرسد، از ترس آنکه مبادا به وجود مقدّسش ضرری برسد...

نتیجه اینکه: روایات قسم سوم بیان گر این است که: پوشاندن نام حضرت مهدی علیه السلام به خاطر امر تعبّدی خاص نیست، بلکه تنها به ملاک تقیّه (با آن شرایطی که دارد) می باشد.

قسمت دوم

قسم چهارم از روایات: پاره ای از روایات که در این مورد به ما رسیده، دلالت دارند که خود ائمّه اطهار علیهم السلام یا اصحابشان در موارد متعدّدی حضرت مهدی علیه السلام را به نام یاد کرده اند، بی آنکه ائمّه علیهم السلام اصحاب خود را از این کار نهی کنند. یه این چند نمونه از روایات ذیل که این معنی را تأیید می کند، دقّت کنید:

«إِنَّ أَبامُحَمَّدٍ الحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ العَسْکَرِیَّ بَعَثَ اِلی بَعْضِ مَنْ سَمّاهُ شاةً مَذْبُوحَةً وَقالَ: هذِهِ مِنْ عَقِیقَةِ ابْنِی مُحَمَّدٍ؛ امام حسن عسکری علیه السلام برای بعضی از افراد، که نام آنها را برده، گوسفند ذبح شده ای فرستاد

۱- ۱۶۸. بحارالأنوار، چاپ قدیم، ج ۱۳، ص ۸.

و فرمود: این گوسفند عقیقه(۱) فرزندم محمّد (حضرت مهدی علیه السلام است»(۲).

این روایت دلالت دارد که ائمه علیهم السلام صریحاً اسم حضرت مهدی علیه السلام را می برند و ضمناً به دیگران نیز اجازه داده اند.

۲ - مرحوم صدوق رحمه الله نقل می کند که ابوغانم خادم گفت:

«وُلِدَ لِأَبِی مُحَمَّدٍ علیه السلام مَوْلُودٌ فَسَمّاهُ مَحَمَّداً وَ عَرَضَهُ عَلی أَصْحابِهِ یَوْمَ الثّالِثِ، وَقالَ هذا صاحِبُکُمْ مِنْ بَعْدِی وَخَلِیفَتِی عَلَیْکُمْ وَهُوَ القآئِمُ علیه السلام؛ برای امام عسکری علیه السلام فرزندی متولد شد، او را محمّد نامید، روز سوم او را به اصحاب خود نشان داده فرمود: این نوزاد بعد از من سرپرست و رهبر شما و جانشین من نسبت به شماست و قائم علیه السلام همین است»(۳).

این حدیث گرچه دلالت آشکار ندارد که ائمّه اطهار علیهم السلام نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام را برده اند، ولی اگر بردن نام آن حضرت ممنوع بود، ابوغانم خادم نام او را بر زبان نمی آورد، بلکه این حدیث به طور اجمال، دلیل آن است که امام حسن عسکری علیه السلام برای ابوغانم و امثال او تصریح به نام حضرت مهدی علیه السلام کرده است.

۳ - مرحوم صدوق رحمه الله از مرحوم کلینی رحمه الله و او از اعلان بن رازی رحمه الله و او از بعضی اصحاب نقل می کند:

۱- ۱۶۹. گوسفندی را که به عنوان حفظ نوزاد از گزند حوادث قربانی می کنند، عقیقه می گویند.

۲- ۱۷۰. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، باب ۳۳، ح ۱۵ و ۱۶.

۳- ۱۷۱. همان، ح ۱۷.

«وقتی همسر امام عسکری علیه السلام باردار شد، امام علیه السلام به او فرمود: سَتَحْمِلِینَ وَلَداً اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَهُوَ القآئِمُ مِنْ بَعْدِی؛ بزودی پسری را حمل می کنی که نامش محمّد است، قائم بعد از من اوست»(۱).

نقل این احادیث به طور اجمال گواه بر جواز بردن نام حضرت است.

۴ - نیز مرحوم صدوق رحمه الله از ابن نصره رحمه الله و او از امام باقر علیه السلام نقل می کند که جابر بن عبداللّه انصاری رحمه الله گفت:

در نزد حضرت فاطمه زهرا علیها السلام صحیفه درخشانی یافتم که در آن نام ائمّه اطهار علیهم السلام از فرزندانش مذکور بود، آن گاه جابر آنها را به ردیف خواند تا گفت: أَبُوالقاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ الحَسَنِ حُجَّةِ اللَّهِ عَلی خَلْقِهِ القآئِمِ، أُمُّهُ جارِیَةٌ اسْمُها نَرْجِسُ؛ ابوالقاسم محمد فرزند امام حسن عسکری علیه السلام، حجت خدا بر خلقش که قائم است، مادرش کنیز و نرجس نام دارد».

نقل کردن همه راویان این روایات به اضافه جابر، دلیل آن است که چنین نیست که بردن نام حضرت مهدی علیه السلام به طور کلی در همه جا و همه حالات ممنوع باشد.

۵ - نیز مرحوم صدوق رحمه الله از ابن جارود رحمه الله و او از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود:

«پدرم از پدرش نقل کرد که امام علی علیه السلام روی منبر فرمود: در آخر زمان مردی از فرزندانم خروج و قیام می کند، سپس اوصاف و احوال حضرت قائم علیه السلام را تشریح کرد و آن گاه

۱- ۱۷۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، باب ۳۳، ح ۱۹.

فرمود: لَهُ اِسْمانِ: اِسْمٌ یُخْفی فَأَحْمَدُ وَأَمَّا الَّذِی یُعْلِنُ فَمُحَمَّدٌ...؛ او دو نام دارد یک نامش پنهان است که احمد می باشد، امّا نام دیگری که آشکار است محمّد می باشد»(۱).

این روایت دلالت دارد که تصریح به نام حضرت به گفتن محمّد حتی بالای منبر جایز است.

۶ - نیز مرحوم صدوق رحمه الله با اسناد بسیار از حسن بن محبوب رحمه الله و او از ابن داودرحمه الله و او از امام باقر علیه السلام نقل می کند که جابر رحمه الله گفت: «به حضور حضرت فاطمه علیها السلام شرفیاب شده، در مقابل او لوح و صفحه ای دیدم که در آن نام های اوصیا از فرزندان آن بانوی بزرگوار مذکور بود، شمردم، دوازده نفر بودند که آخر آنها حضرت قائم علیه السلام بود:

«ثَلاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَأَرْبَعَةٌ مِنْهُمْ عَلِیٌّ؛ نام سه نفر از آنها محمّد بود (امام پنجم و نهم و دوازدهم) و نام چهار نفر آنها علی بود (امام اول و چهارم و هشتم و دهم)»(۲).

۷ - نیز مرحوم صدوق رحمه الله از مفضّل بن عمررحمه الله نقل می کند که گفت: به حضور امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: برای ما ائمّه بعد از خود را معرفی بفرمایید. فرمود:

«اَلإِمامْ بَعْدِی اِبْنِی مُوسی وَالخَلَفُ المَأْمُولُ المُنْتَظَرُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسی امام بعد ازمن فرزندم موسی علیه السلام است، و جانشینی که مورد آرزو و انتظار مردم است، او محمّد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمّد، فرزند علی فرزند موسی است»(۳).

۱- ۱۷۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۹، باب ۳۳، ح ۱۹.
۲- ۱۷۴. همان، ح ۲۰.
۳- ۱۷۵. همان، ح ۱۹.

۸ – علّامه طبرسی علیه السلام در کتاب اعلام الوری از محمّد بن عثمان عمری رحمه الله و او از پدرش نقل می کند که امام حسن عسکری علیه السلام به نقل از پدرانش فرمود:

«زمین هیچ گاه خالی از حجّت خدا بر مخلوقاتش نیست، هر کس از دنیا برود ولی امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. این مطلب حق است، همان گونه که روز حق است. شخصی از آن حضرت پرسید: امام و حجّت بعد از شما کیست؟ فرمود:

اِبْنِی مُحَمَّدٌ هُوَ الإِمامُ وَالحُجَّهُ بَعْدِی، فَمَنْ ماتَ وَلَمْ یَعْرِفْهُ ماتَ مَیْتَهً جاهِلِیَّهً؛ پسرم محمّد امام و حجّت بعد از من است، هرکس از دنیا برود و او را نشناخته باشد، مانند مردگان دوران جاهلیت مرده است»(۱).

و روایات دیگری که به این مطلب دلالت دارند.

نظر علّامه بزرگوار شیخ حرّ عاملی رحمه الله:

محدّث و دانشمند معروف، شیخ حرّ عاملی رحمه الله صاحب کتاب وسائل الشیعه در آخر باب ۳۳ از ابواب امر به معروف، مطلب بسیار خوبی گفته است، آنجا که می گوید: «درباره تصریح به نام حضرت مهدی علیه السلام، امر به نام بردن آن حضرت به طور عموم، یا خصوص، یا صراحت، یا با اشاره ابتداءاً و یا به عنوان تقریر و بیان کردن، در روایات و زیارت ها و دعاها و تعقیبات نماز و تلقین میّت و... جدّاً بسیار است».(۲)

۱- ۱۷۶. مدرک پیشین، ص ۴۸۹، حدیث، ۱۹.

۲- ۱۷۷. مدرک پیشین، ج ۱۱، ص ۴۹۲.

در پاورقی (وسائل، ج ۱۱، ص ۴۹۲) به نقل از شیخ حرّ عاملی آمده: جماعتی از علماء ما در کتاب حدیث و اصول و کلام و... تصریح به نام حضرت مهدی علیه السلام کرده اند که از جمله آنها علاّمه حلّی، محقّق حلّی، مقداد، سید مرتضی، شیخ مفید، سید بن طاووس و... - علیهم الرحمه - می باشند، ولی علمایی که نام بردن آن حضرت را حرام دانسته، کم هستند. ما این مطالب را در رساله جداگانه ای بحث کرده ایم. این بود آنچه در این مورد از روایات مختلف و گفتار اصحاب وارد شده است.

شکی نیست قول به حرمت نام بردن آن حضرت علیه السلام تعبّداً سخنی خالی از تحقیق است، گرچه بعضی از بزرگان به آن تصریح نموده اند، بلکه ظاهر آن است که ممنوعیت نام بردن آن حضرت، بستگی به وجود ملاک تقیّه دارد. ولی در غیر موارد تقیّه مانند امثال زمان ما بنابر تحقیق حرام نیست.

ایرادی بر کلام علاّمه مجلسی رحمه الله:

آنچه علاّمه مجلسی رحمه الله پس از ذکر پاره ای از روایات که دلالت بر ممنوعیت نام بردن آن حضرت تا هنگام ظهورش دارد(۱)، می گوید:

«قول به اینکه لحن روایات صراحت دارند که حرمت نام بردن امام عصرعلیه السلام مخصوص زمان غیبت صغری نیست که بعضی آن را به اتّکای برخی علل استنباط کرده و با استبعاد وهمی اختصاص به این زمان داده اند» جدّاً مردود است، چه آن که دانستی که این اختصاص به

۱- ۱۷۸. علّامه مجلسی رحمه الله این اخبار را در بحار الانوار، ج ۵۱، از ص ۳۱ به بعد آورده است.

اتّکـای علـل اسـتنباط شـده و اسـتبعاد وهمی نیست، بلکه در روایـات متعـدّد که کمتر از روایات دیگر نیست، تصـریح به عـدم اختصاص ممنوعیت نام بردن آن حضـرت به عصـر غیبت صـغری شده است، به اضافه روایاتی که به روشـنی دلالت بر جواز و تصـریح به نام آن حضـرت دارند (که در قسم چهارم از روایات، آنها را شناختی که از نظر عدد زیادتر و از نظر دلالت قوی تر از روایات دیگر بودند).

نتیجه: کوتاه سـخن آن که ممنوعیّت و حرمت نام بردن حضـرت مهدی علیه السـلام بسـتگی به خوف و ترس رسـیدن ضـرر به خود آن حضرت یا طبق میزان های معتبری که در تقیه گفته شده، دارد و در غیر مورد تقیه جایز است، به چند دلیل:

۱ - این مطلب (حرمت در موارد تقیّه، جواز در غیر آن موارد) یگـانه راه جمع بین روایـات و حمـل کردن روایات مطلق آن بر روایات مقیّـد می باشـد. به عبارت روشن تر: روایات مطلق (بدون قید) یعنی همان قسم اول از روایات و قسم دوم نیز که خاطر نشان شد(۱)، به وسـیله قسم سوم که دلالت داشـتند بر اینکه حرمت نام بردن حضـرت مهدی علیه السلام بستگی به موارد تقیه دارد، مقیّد می گردد.

نـتیجه اینکه: منظـور از عـدم جواز نـام بردن در قسم اوّل و دوم از روایـات، در مورد تقیه است. و اگر این راه را نپـذیریم (طبق دسـتور تعارض روایات) وقتی قسم اوّل و دوم از روایات با قسم سوم تعارض کردنـد، از اعتبار ساقط می شوند. اگر گفتیم: هر یک از این اقسام به

۱- ۱۷۹. با توجه به اینکه قسم دوم از روایات از جهت خوف، مطلق بودند.

حساب زیاد بودن آنها قطعی یا همانند قطعی هستند(۱). بنابراین اسناد این روایات ظنّی است (نه قطعی)، قائل به تخییر (و انتخاب هر کدام از روایات) می شویم و در این صورت نیز حکم به جواز تصریح به نام حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

قوی ترین قرائن و علائم بر صحّت راه جمعی که خاطر نشان ساختیم، قسم چهارم از روایات است که دلالت صریح و روشن بر جواز اجمالی نام بردن حضرت داشتند. کاش می دانستم که قائل به حرمت بردن نام حضرت قائم علیه السلام به طور مطلق در همه شرایط و زمان ها درباره این روایات قسم چهارم که جدّاً بسیار هستند، چه می گوید؟ آیا طرد و نادیده گرفتن همه آنها با اکثریتی که دارند، ممکن است؟ به علاوه فتوای بسیاری از اصحاب ما بر طبق آن روایات است آیا ممکن است که در مقام تعارض، غیر قسم چهارم از روایات را بر قسم چهارم ترجیح دهیم؟ چنین نیست، بلکه هیچ راه حلّی جز همان راه جمعی که ذکر کردیم نیست.

۲ - احادیث بسیاری از طریق اهل بیت علیهم السلام و اهل تسنّن وارد شده که در آنها تصریح گشته است که اسم مهدی علیه السلام همان اسم پیامبر صلی الله علیه وآله و کنیه حضرت مهدی علیه السلام نیز همان کنیه پیامبر صلی الله علیه وآله می باشد.

و روشن است که این مطلب در قوّه و ردیف نام بردن حضرت مهدی علیه السلام است، زیرا ظاهر بعضی از روایاتی که دلالت بر ممنوعیت بردن نام آن حضرت را دارند، آن است که این ممنوعیت باید طوری

۱- ۱۸۰. در صورت تساقط، اصل، عدم حرمت نام بردن است.

باشـد که انسان های مورد خطاب ندانند که اسم شریف آن حضرت چیست، نه اینکه محض تلفّظ به نام آن حضرت ممنوع باشد.

مگر اینکه گفته شود: گرچه مفاد بعضی از اخبار دلالت بر ممنوعیتی دارد که ندانند نام حضرت مهدی علیه السلام چیست؟ ولی این روایات با بعضی دیگر از روایاتی که تنها تلفّظ به نام امام علیه السلام را حرام می دانند، نه دلالت بر آن را؛ اگرچه به قسمی از اقسام کنایه باشد، منافات دارد. (دقت کنید).

۳ – قول به حرمت تلفّظ به نام شریف آن حضرت بی آن که موارد بقیّه یا محذور دیگری باشد، با قول به جواز تلفّظ به لفظ کنایی که دلالت بر اسم می کند و یا مثل «م ح م د» احتیاج به تعبّد به اسم کنایه، مانند کدورتی در تلفّظ اسم آن حضرت است، با اینکه تلفّظ به اسم او به کنایه، مانند اینکه بگوییم: او همنام رسول خدا صلی الله علیه وآله است، یا با حرفی از هم جدا (م ح م د) جایز است، با فرض اینکه در ظاهر حتماً هیچ گونه محذوری در کار نیست. آیا این حکم در احکام شرعی شبیهی دارد؟

مثل این نوع استبعاد و بعید دانستن حرمت تلفّظ به اسم در همه جا یا جواز تلفّظ با آن با کنایه، گرچه به تنهایی در احکام فقهی دلیل نخواهد بود، ولی ممکن است آن را تأیید گفتار خود قرار دهیم، نیز این مطلب را تأیید می کند.

بعضی از روایاتی که در مورد عدم جواز تصریح به نام ائمه دیگر غیر از امام قائم علیه السلام در مورد تقیّه وارد شده اند، بنابراین حکم عدم جواز

ص:۱۲۲

اختصاص به اسم شریف آن حضرت نـدارد.ماننـد روایتی که مرحوم کلینی رحمه الله با اسـناد زیاد از عنبسه نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِیّاکُمْ وَذِکْرَ عَلِیٍّ وَفاطِمَهَ، فَإِنَّ النّاسَ لَیْسَ شَیْ ءٌ أَبْغَضَ إِلَیْهِمْ مِنْ ذِکْرِ عَلِیٍّ وَفاطِمَهَ؛ پرهیز کنیـد از بردن نـام علی و فـاطمه علیهما السلام، چه آنکه برای مردم چیزی مبغوض تر از ذکر نام علی و فاطمه علیهما السلام نیست»(۱).

عجیب اینکه مطابق با آنچه از مرحوم صـدوق رحمه الله حکایت شده، ایشان بعد از اقرار به اینکه در روایت لوح(۲) تصریح به نام حضرت مهدی علیه السلام شده است، می گوید: «این حدیث با تصریح به نام آن حضرت وارد شده، ولی نظر من آن است که از بردن نام او نهی شده است».

قبلًا دانستی که تصریح به نام شریف آن حضرت منحصر به روایت لوح، بلکه منحصر به روایات قسم چهارم که ذکر شدند و در آنهـا تصـریح به اسم شـده بود، نیست. بـا این حـال معلوم نیست چرا مرحوم صـدوق رحمه الله قول به جواز را در غیر موارد تقیّه اختیـار نکرده، همـان گونه که صـاحب وسائـل اختیار کرده است و این قول به جواز از بیان بسـیاری از اصـحاب ظاهر می شود. شایـد مرحوم صـدوق رحمه الله عدم جواز را موافق با احتیاط دیده است، گرچه قول به عدم جواز موافق احتیاط در عمل با احتیاط در فتوا دو چیزند و این احتیاط جدّاً ضعیف است و رعایت آن واجب نیست.

کوتاه سخن آنکه: از همه مطالبی که خاطر نشان گردید، استفاده

۱- ۱۸۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۸۶.

۲- ۱۸۲. روایت ششم از قسم چهارم از روایاتی که قبلًا ذکر شد.

می شود که بردن نام شریف حضرت مهدی علیه السلام که «محمّد فرزند امام حسن عسکری علیه السلام» می باشد، در امثال زمان ما که از این جهات مورد تقیّه نیست، جایز است(۱).

نگارنده گوید: نظر صاحب کشف الغمّه عالم بزرگ تشیّع علی بن عیسی اربلی نیز همین است، چنان که در کشف الغمّه(۲) گوید: «فتوای من این است که منع تلفظ به نام مهدی علیه السلام (محمّد) از روی تقیّه بوده است، ولی اکنون اشکال ندارد».

۱- ۱۸۳. این فصل ترجمه مقاله ای است از کتاب «القواعد الفقهیه» جلد سوّم، صفحه ۱۲۴، تألیف استاد معظم آیت اللّه مکارم شیرازی.

۲- ۱۸۴. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۳۸،

فصل چهارم انتظار یا زمینه سازی

اشاره

هر انقلابی وقتی به نتیجه می رسد که قبلاً در ابعاد مختلف زمینه سازی خوبی برای آن شده باشد، و هیچ انقلاب و نهضتی بدون مقدمه و زمینه سازی به پیروزی نخواهد رسید و این قانون در تداوم آن نیز وجود دارد.

انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام که مهم ترین، وسیع ترین و عمیق ترین انقلابات جهانی است و مربوط به همه جهان می باشد، از این قانون مستثنی نیست، بلکه به خاطر جهانی و عمیق بودنش باید برای آن زمینه سازی کرد.

مفهوم واقعی انتظار که در روایات ما به عنوان بالاترین عمل شمرده شده(۱) و آن «به شمشیر زدن بر فرق دشمن در رکاب پیامبر صلی الله علیه وآله» تشبیه شده(۲)، همین زمینه سازی است. و گرنه انتظار خشک و خالی، به عبارت دیگر امید ذهنی بی آن که در جامعه تحقّق یابد و آثارش آشکار

ص:۱۲۵

۱- ۱۸۵. أَفْضَلُ أَعْمالِ أُمَّتِی اِنْتِظارُ الْفَرَجِ {پیامبر صلی الله علیه وآله} - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۸.
۲- ۱۸۶. کَمَنْ قارَعَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ بِسَیْفِهِ. - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

شود، هیچ گاه بهترین عمل و همانند شمشیر زدن در رکاب پیامبرصلی الله علیه وآله نخواهدبود، چنان که مفهوم واژه «عمل» وجنگیدن دررکاب پیامبرصلی الله علیه وآله حاکی از حضور در صحنه وفعالیت عملی وکار وکوشش وزمینه سازی عینی است، نه نیّت بدون عمل، و امید ذهنی بدون آثار عملی.

انتظار به معنی آینده نگری، به معنی ناراضی بودن از وضع موجود و راضی شدن به آینده بهتر است، همچون بیمار که انتظار صحّت و سلامتی دارد، یعنی امید آن دارد که از وضع موجود رهایی یابد و به وضع بهتری برسد. و پُرواضح است چنین دگرگونی نیاز به زمینه سازی دارد. در انقلاب های پیامبران علیهم السلام نیز زمینه سازی وجود داشت و آنها در صورتی انقلاب را به ثمر می رساندند که در همه ابعاد زمینه سازی عملی شود و گرنه انقلابشان در نیمه راه با شکست مواجه می شد.(۱)

از آنجا که انقلاب حضرت مهدی علیه السلام جهانی و همه جانبه ودراز مدت است و همه انقلاب های خداپرستان تاریخ و پیامبران در آن خلاصه می گردد، و هدف نهایی انقلابات مقدّس بشری است، حتماً نیاز به زمینه سازی وسیع تر و عمیق تر دارد.

به عبارت روشن تر: وقتی در روایات اسلامی می خوانیم: در حکومت امام زمان علیه السلام علم و صنعت، عدالت، اخلاق، فکر و اندیشه، کشاورزی و دامداری، و به طور کلی اقتصاد در همه زمینه ها زمینه سازی درازمدّت و عمیق و پردوام لازم دارد، چرا که بنابر اعجاز نیست، بلکه همانند انقلاب پیامبران علیهم السلام بنابر فکر و عمل و کار و

۱- ۱۸۷. در باره فضیلت انتظار به کتاب اثبات الهداه، ج ۷، ص ۴۰ به بعد مراجعه نمائید.

سعی مردم در همه ابعاد است، چنان که انقلاب های بشر در طول تاریخ همیشه بر این اساس بوده است.

برای مثال وقتی در روایات می خوانیم:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«علم و دانش دارای بیست و هفت شعبه است، تمام آنچه تاکنون از پیامبران به ما رسیده، دو شعبه آن بیشتر نبوده و وقتی حضرت قائم علیه السلام ظهور کند، آن دو را به بیست و هفت شعبه می رساند»(۱).

نتیجه می گیریم که برای چنین انقلاب دامنه دار و عمیقی، زمینه سازی پُر دامنه و عمیق لازم است که بسیار بسیار از زمینه سازی های دیگر انقلاب ها وسیع تر و پُر دامنه دارتر است.

پاسخ به یک سؤال:

در اینجا این سؤال پیش می آید که: بنابر روایات، وقتی جهان پر از ظلم و فساد شد، آن گاه امام زمان علیه السلام ظهور می نماید و جهان را پر از عدل و داد می کند. این موضوع نه تنها زمینه سازی نیست، بلکه درست به عکس در جهت خلاف انقلاب مهدی علیه السلام می باشد.

پاسخ اینکه: خود این موضوع (غرق شدن جهان در ظلم و فساد) یک نوع زمینه سازی است، چرا که نوع مردم از این ظلم وفساد ناراضی شده و به ستوه می آیند وهمین موضوع آنها را تشنه انقلاب می کند و این خود زمینه فکری و معنوی ایجاد می نماید.

۱- ۱۸۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۶.

به علاوه منافات نـدارد که درکنار این ظلم و فساد جهانی، دوسـتان و هواداران آن حضـرت با زمینه سازی های مثبت و آینـده ساز، در اندیشه خود و مردم، مقدّمه چینی برای انقلاب کنند، در حالی که مخالفان انقلاب سـرگرم فساد و ظلم و غافل از همه جا هسـتند. گروه های بیدار مسـلمان از فرصت اسـتفاده کرده و با زمینه سازی های مثبت بر روند کار خود بیفزایند و رفته رفته جهان را که آتش زیر خاکستر است، ناگهان به نفع انقلاب شـعله ور سازند، چنان که نمونه کوچک آن را در کشور اسـلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ با چشم خود دیـدیم، ولی نظر به اینکه انقلاب جهانی حضـرت مهـدی علیه السـلام، جهانی و بسـیار وسیع و عمیق است، روشن است که زمینه سازی، بخصوص زمینه سازی فکری و فرهنگی بیشتری در سطح جهان لازم دارد.

عوامل مهم زمینه سازی

توضیح

از آنجـا که انقلاـب مهـدی علیه السـلام همـان انقلاـب اسـلامی است، منتهی در سـطح وسـیع تر و عمیق تر، و از آنجا که این انقلاب تکمیل کننده انقلاب پیامبر صلی الله علیه وآله، بلکه بنابر روایات عین همان انقلاب پیامبر صلی الله علیه وآله است(۱)، منتهی در سطح وسیع تر و در جهت تکمیل آن. در اینجا به

۱- ۱۸۹. یکی از یاران امام صادق علیه السـلام می گوید: از امام صادق علیه السـلام پرسیدم: روش حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ فرمود: «یصـنع ما صـنع رسول اللَّه، یهدم ما کان قبله کما قبله کما هدم رسول اللَّه أمر الجاهلیه ویسـتأنف الإسلام جدیداً؛ همان روش پیامبر خدا صلی الله علیه وآله را انجام می دهد، روش های باطل را ویران می کند چنان که پیامبر صلی الله علیه وآله نمود و اسلام را نوسازی و تکمیل می نماید» - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

ذکر یـازده عامل زیر که در انقلاب عظیم الشأن اسـلام به رهبری پیامبر صـلی الله علیه وآله نقش مهم در زمینه سازی حکومت اسـلامی داشت، می پردازیم تا با تعقیب اساس این عوامل در ابعاد گوناگون و جهانی، زمینه ساز انقلاب حضـرت مهـدی علیه السـلام گردیم، و مفهوم عینی و واقعی انتظار را تحقق بخشـیم، (با توجّه به اینکه عوامل دیگری نیز هست، ولی عوامل زیر مهم ترین آنهاست):

۱ – جاذبه قرآن و حقّانیت اسلام

همـان گونه که در مَثَلها آمـده: «سـرانجام، حقیقت جای خود را باز می کنـد» تکیه بر حقایق نورانی و اسـتوار و منطقی قرآن و اسلام، این مکتب زنده و غنی و حیات بخش و سازنده، یکی از عوامل مهم پیروزی است.

در صدر اسـلام، درستی و واقعیتِ هماهنگی دسـتورات اسلام با عقل و وجدان و انسانیت و پیکار اسلام با هر گونه آلودگی و فقر و بدبختی و بی عدالتی خود به خود یک جاذبه قوی داشت که انسان ها را به سوی خود می کشانید، و پیامبر اسـلام صـلی الله علیه وآله از این راه، پیروزی های چشـمگیری به دست آورد، تا آنجا که گاهی می شد سرسخت ترین دشمنان اسلام مانند ولیـد بن مُغیره وقتی چنـد آیه از آیات قرآن را که حکایت از قوانین اسـلام می کنـد شـنید، دیوانه وار به مجلسـی که از طرف دودمانش تشکیل شده بود، آمد و گفت:

«به خدا سوگند از محمّدصلی الله علیه وآله سخنی شنیدم که نه شباهت به گفتار

انسـان ها دارد، نه جن ها؛ گفتار او شـیرینی خاصّی و زیبابی مخصوصـی دارد؛ بالای آن (همه شاخه های درختان برومنـد) پُر ثمر و پـایین آن (ماننـد ریشه های درخت کهن) پُر مایه است، گفتاری است که بر هر چیز پیروز می شود و چیزی بر آن پیروز نخواهد شد»(۱).

امروز نیز تکیه بر چنین مکتب پُرمایه و اسـتوار و مقایسه علمی و منطقی آن بر سایر مکتب ها، از نظر معنوی بزرگ ترین عامل حرکت و زمینه سـازی برای یـک حکومت عـدل جهـانی است و به تنهـایی کافی است که نیازهای مادّی و معنوی انسان ها را برآورد و آنها را در همه ابعاد مثبت انسانی به پیش ببرد.

به راستی اگر در انقلاب فرهنگی در دانشـگاه ها، قرآن به صـحنه آیـد و حقایق نورانی آن به مردم برسـد و پیاده گردد، ریشـه دارترین زمینه برای آینده سازی و حکومت جهانی مهدی علیه السلام پدیدار خواهد شد.

۲ – علم و اندیشه و به کار انداختن آن

بـدون شک علم و فکر، بسیاری از کارها را آسان تر کرده و بسـیاری از راه ها را نزدیک تر نموده و بسیاری از گره ها را در زمینه های گوناگون گشوده است و گاهی راه صد ساله به وسیله علم و دانش یک شبه طی می شود.

برای پیشـرفت و زمینه سازی برای حکومت ایـده آل جهانی اسـلام به رهبری امام مهـدی علیه السـلام یکی از راه های محکم، تحصیل علم و دانش و

۱- ۱۹۰. نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۸.

به کار اندازی آن است، در صورتی که این دو بر اساس شناخت و اولویت ها و کارهای مثبت و عادلانه به کار رود.

در این مورد اسلام اکیداً سفارش فرموده، در اینجا به دو گفتار ذیل توجّه کنید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«لِکُلِّ شَیْ ءٍ دِعامَهٌ وَدِعامَهُ هـذَا الـدِّینِ اَلفِقْهُ، وَالفَقِیهُ الواحِدُ أَشَدُّ عَلَی الشَّیْطانِ مِنْ أَلْفِ عابِدٍ؛ هر چیزی اساس و پایه دارد، پایه این دین (اسلام) فهم و شناخت است، و موضع گیری یک مسلمان فهیم و دارای شناخت در برابر شیطان و هرگونه فساد، محکم تر و بیشتر از هزاران مسلمان بدون شناخت است»(۱).

و امام علی علیه السلام در عبارتی فرمود:

«قوام و دوام دین و دنیا به چهار چیز بستگی دارد: نخست ... به دانشمندی که دانش خود را به کار اندازد»(۲).

بنابراین باید همه مسلمانان در تحصیل علوم مختلف و عینیت بخشیدن آن علوم در جامعه تلاش کنند و بدین وسیله زمینه فکری و علمی را در همه ابعاد برای حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام فراهم سازند.

۳ - استقامت و پایداری و شجاعت

در صدر اسلام، استقامت و پایداری و شهامت پُرتوان مسلمانان در برابر تندبادهای حوادث از عوامل پیروزی بود، اینک نیز برای

۱- ۱۹۱. نهج الفصاحه، حدیث ۹۰.

۲- ۱۹۲. نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۳۶۴.

پیروزی در نیل به تکمیل اسلام به دست حضرت مهدی علیه السلام نیاز به صبر و پایداری است.

نمونه های صبر و استقامت مسلمانان صدر اسلام در تاریخ بسیار است و نمونه های صبر و استقامت در جنگ های اسلامی به خوبی در روحیه مسلمانان آشکار است، آنها با کمترین نفر و کمترین ابزار جنگی، پوزه بزرگ ترین ارتش دشمنان را به خاک مالیدند. مثلاً جعفر طیّار رحمه الله برادر امام علی علیه السلام در جنگ موته (جنگ با ابرقدرت روم) با اینکه دو دستش قطع شده بود و نود زخم به بدنش رسیده بود، پرچم را با دو بازوی بریده اش نگهداشته بود و همچنان می جنگید(۱).

قرآن صد و چهار بار سخن از صبر و استقامت به میان آورده و در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران می فرماید:

«یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصابِرُوا وَرابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ»: ای کسانی که ایمان آورده اید، استقامت کنید و در برابر دشمنان نیز پایداری به خرج دهید و از مرزهای خود مراقبت به عمل آورید و از خدا بپرهیزید، شاید رستگار شوید».

مسلّماً برای زمینه سازی برای یک حکومت جهانی، اجرای این دستورات نیز لازم و ضروری است.

۴ - زهد و رعایت اخلاق و حقوق

رعایت اخلاق نیک نسبت به یکدیگر در برخوردها و تمام ابعاد

۱- ۱۹۳. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۵۳.

زنـدگی، و رعـایت حقوق جـانی، مالی، عرضـی و.. که عالی ترین نقش را در جـذب دیگران ونفوذ در دل ها دارد، از عوامل مهمّ گسترش اسلام در صدر اسلام بوده است.

اخلاق پیامبر خدا و امامان علیهم السـلام و شاگردانشان بسیاری از گردن کشان را به سوی اسلامِ پر از مهر و صفا جلب کرد و موجب تقویت مسلمانان گردید.

امیر مؤمنان علیه السلام در وصف پیامبر خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

«از پیامبر صلی الله علیه وآله پاک و نازنین پیروی کن، او لقمه دنیا را با اطراف دندان می خورد (نه اینکه دهانش را پر کند) و دنیا را به چشم (دقیق) نمی نگریست، از جهت پهلو لاغر و از جهت شکم گرسنه ترین اهل دنیا بود، مانند بردگان سیاه بر روی زمین می نشـست و کفش خود را بـا دست خود اصـلاح می کرد و لباس خود را با دست خود می دوخت، احیاناً بر الاغ برهنه سوار می شد و از شدّت تواضع و فروتنی دیگری را هم ردیف خود سوار می کرد.

یکی از همسرانش روزی پرده ای نسبتاً زیبا و دارای نقش و نگار بر در خانه آویخته بود، به آن بانو فرمود: بی درنگ این پرده رنگارنگ را از در خانه بردار، چرا که من با نگاه به این پرده، به یاد دنیا و زینت های آن می افتم...

اکنون مرا ببینید چگونه زندگی می کنم، بر این جامه ای که پوشیده ام چندان وصله زده ام که از وصله کننده آن شرم دارم.

ص:۱۳۳

روزی وصـله کننده به من گفت: این پیراهن پاره را به دور اندازم، گفتم: آهسـته باش سـبکباران زودتر به سـرمنزل مقصود می رسند»(۱).

به راستی اگر همه شـاخه هـای اخلاـق اسـلامی رعـایت گردد، بهترین زمینه سـازی معنوی برای ظهور امـام زمـان علیه السـلام خواهد بود.

۵ – ایمان و توکّل به خدا

روحیّه قوی و اطمینـان قلب و اعتماد به نفس از عوامل سازنـده و پیش برنـده و زمینه ساز و سوزاننـده موانع سر راه است، یک چنین روحیه و آرامش و اسـتواری قلب در سایه ایمان به خـدا و توکّل به او به دست می آیـد که دعا و مناجات و نماز و روزه تقویت کننده ایمان و توکّل است.

پس از آنکه مکّه به دست ارتش اسـلام به رهبری پیامبرصلی الله علیه وآله فتح شد، ابوسفیان کنار ارتش قوی اسلام قدم برمی داشت و می گفت:

«لَیْتَ شِعْری بِماذا غَلَبَنِی...؛ کاش می دانسـتم که محمّد صلی الله علیه وآله با چه وسیله ای بر من پیروز شد؟ ما که سازماندهی و تشکیلات و پول و جهاز جنگی و جمعیت داشتیم، چه طور مغلوب شدیم، ولی پیامبر صلی الله علیه وآله با دست خالی بر ما پیروز گردید».

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله دست بر دوش او گذارد و فرمود:

«بِاللَّهِ غَلَبْتُکَ؛ من به کمک خدا بر تو پیروز شدم».

۱- ۱۹۴. نهج البلاغه، فرازهایی از خطبه ۱۵۹.

آری ایمـان و توکـل به خـدا است که اتّحـاد و انسـجام و روحیّه قوی می سازد و کارهای ناممکن را ممکن می کنـد و مشـت خـالی را بر تانکهـا پیروز می گردانـد، به طور قطع می توان گفت که نقش ایمان و توکل بر جنگها به مراتب بیش از وسائل و ابزار جنگی و تشکیلات است.

و ما نیز بایـد در سایه ایمان و توکّل به خدا به پیش رویم و فکراً و عملاً زمینه ساز آینده درخشان باشـیم، چنانکه مسـلمانان در صدر اسلام در پرتو ایمان و توکل، به پیروزی های معجزه آمیز نائل شدند.

۶ – تعاون و همکاری

برادری اسلامی و رسیدگی به دردهای اجتماعی و تأسیس واحدهای وسیع و پردامنه در این زمینه نیز در نوع خود برای انسجام و پیوند و به هم پیوستگی هرچه بیشتر، زمینه ساز آینده درخشان است و نقش اجتماعی مؤثری در پیشبرد هدف ها دارد(۱).

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«مؤمنـان در دوسـتی بـا مؤمنـان دیگر همچون اعضـای یکدیگرنـد که اگر یـک عضو به درد آیـد، عضوهـای دیگر نیز نـاآرام هستند»(۲).

اگر به راستی جامعه ما نسبت به همدیگر چنین احساسی داشتند، پیشرفت بی نظیری در زمینه های مختلف نصیبشان می شد.

ص:۱۳۵

---

۱ – ۱۹۵. جـابر جُعفی گویـد: به امـام بـاقرعلیه السـلام عرض کردم: فرج شـما چه وقت است؟ سه بار فرمود: فرج ما تحقّق نمی پذیرد تا غربال شوید و آزمایش گردید، تا وقتی که قلب ها صاف شود. – بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۱.
۲– ۱۹۶. همان، ج ۶۱، ص ۱۵۰.

۷ – برخوردها و روش های منطقی با یکدیگر

پیامبر صلی الله علیه وآله بر اساس علم و منطق با گروههای مختلف غیر اسلامی مناظره و بحث می کرد. امام صادق علیه السلام چهار هزار شاگرد در رشته های مختلف تربیت می نمود و شخصاً با منکران خدا می نشست وبه بحث و گفتگو می پرداخت. این بحث ها و تجزیه و تحلیل های روشنگرانه نقش مؤثری در توسعه اسلام داشت.

قرآن می فرماید:

«اُدْعُ إِلی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالحِکْمَهِ وَالمَوْعِظَهِ الحَسَنَهِ وَجادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ»؛ «مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پندهای نیکو و جدال و بحث و انتقاد دعوت کن»(۱).

حکمت همان روشهای استدلالی و منطقی است. موعظه نیک، عبارت از اندرزهایی است که جنبه عاطفی و احساسی دارد. مجادله نیک، بحث های رو در رو و بر اساس انصاف و حسن نیّت است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: طرفداران پنج دین مختلف به صورت گروه های پنج نفری به حضور پیامبر خدا صلی الله علیه وآله برای بحث و مذاکره آمدند، به ترتیب: گروه یهود، سپس گروه مسیحی، سپس گروه مادّی، سپس گروه دوگانه پرست، سپس گروه مشرک شروع به مناظره کردند.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله با کمال متانت سخن آنها را گوش داد و به پاسخ آنها پرداخت، و این مناظرات سه روز بیشتر طول نکشید، که هر پنج گروه قانع شدند و به اسلام گرویدند، در پایان گفتند:

۱- ۱۹۷. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

«ما رَأَیْنا مِثْلَ حُجَّتِکَ یا مُحَمَّدُ! نَشْهَدُ أَنَّکَ رَسُولُ اللَّه؛ ای محمّد صلی الله علیه وآله! ما همچون حجّت و استدلال تو هرگز در جایی ندیده ایم، گواهی می دهیم که تو رسول خدا هستی»(۱).

آری، اگر برای جذب تحصیل کرده ها و افراد مختلف غیر اسلامی با چنین شیوه ای رفتار شود، نقش مؤثّری در گسترش اسلام خواهد داشت و همچنین زمینه سازی فکری حساب شده ای برای آینده درخشان به دست حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

۸ – توجه به طبقه مستضعف

نوعاً انقلابها بر دوش مستضعفین به پیش می رود، چرا که مستکبران و سرمایه داران از وضع موجود خود راضی اند و نوعاً مخالف انقلاب بر مبنای تعالیم الهی و یا طرفداری از مستضعفان خواهند بود.

اسلام هیچ گاه روی خوش به مستکبران و طاغوتیان نشان نداده است، چنان که در آغاز، حامی پیش برنده اسلام افراد مستضعفی همچون بلال، سلمان، جُوَیبِر، خبّاب، عمّار، سمیّه و... بوده اند. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به این گروه از افراد توجّه خاصّی داشت، حتی همه اموال همسرش خدیجه علیها السلام را در این راه مصرف نمود و خود عملاً همچون مستضعفان می زیست و بیشتر با آنها محشور بود.

به هر حال توجّه به مستضعفان و تأمین نیازهای آنها، و برقراری عدالت اجتماعی و جلوگیری شدید از استعمار و استثمار و استحمار،

۱– ۱۹۸. مشروح این مناظره در کتاب احتجاج طبرسی، ج ۱، از ص ۱۶ تا ۲۴ آمده است.

یکی دیگر از عوامل زمینه سازی برای حکومت امید مستضعفان جهان حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود.

در حالی این سطور را می نویسم که اخبار می گوید: امام خمینی قدس سره فرمود: «من یک لاخ موی کوخ نشینان را به همه کاخ نشینان نمی دهم».

۹ – اتحاد و انسجام مسلمانان

بدون شک اتّحاد نقش اعجازآمیزی در پیشبرد اهداف دارد، جمعیت و اتّحاد، قدرت را چندین برابر می کند، مَثَلِ اتّحاد همچون مَثَلِ سدّ عظیمی است که مبدأ بزرگ ترین نیروهای صنعتی و آبیاری سرزمین های بزرگ وروشنایی شهرهای زیاد می شود، چنین نیرویی بر اثر بهم پیوستن قدرت های ناچیزِ دانه های باران به دست آمده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«اَلمُؤْمِنُ لِلمُؤْمِنِ کَالبُنْیانُ یُشَدِّدُ بَعْضُهُ بَعْضاً؛ افراد باایمان نسبت به یکدیگر، همانند اجزای یک ساختمان هستند که هر جزئی از آن، جزء دیگر را محکم نگه می دارد»(۱).

حال اگر مسلمانان دست به دست هم دهند و با اتحاد و انسجام همه جانبه در محور اسلام حرکت کنند، همچون دریای خروشانی خواهند بود که در برابر امواج سهمگین طوفان ها ایستادگی خواهند نمود. برای زمینه سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت جهانی، اتحاد و انسجام مسلمانان نقش اساسی را خواهد داشت

۱- ۱۹۹. تفسیر ابوالفتوح، ج ۲، ص ۴۵۰.

و بایـد مسـلمانان از هرگونه اختلاف فرعی و موسـمی پرهیز کننـد و در برابر دشـمنان مشترک، با اتحاد و وحـدت و هماهنگی خود بایستند، تا بتوانند راه را برای ظهور مصلح کلّ جهانی هموار سازند(۱).

۱۰ – رهبر شایسته

در اسـلام به «ولایت» اهمیت فراوان داده شده است، به گونه ای که اگر آن نباشد هیچ چیز نیست، بلکه باید برنامه های اسـلام تحت نظـارت ولایت باشـد، و به عبارت دیگر چرخ انقلاب توسط او به گردش درمی آیـد، او نشان راه و پیشوا و جلودار امّت است و همه گروه های اسلام را در یک خط به پیش می برد.

ولاـیت یعنی حکومت و سـرپرستی دین و دنیای مردم که بسـیار مقام پُرمسؤولیت بزرگی است و تنها افراد شایسـته و کامل می توانند عهده دار آن گردند.

همان گونه که در صدر اسـلام رهنمودهای رهبر شایسته نقش اساسی در پیشبرد داشت، امروز نیز در راه انتظار حضرت مهدی علیه السـلام و زمینه سـازی برای حکومت جهـانی آن حضـرت حتماً بایـد این خط حفظ گردد، تا مسـلمانان در نظم و انسـجام خاص تحت رهنمودهای

---

۱ – ۲۰۰. بایـد تـوجّه داشت که امـور از روی طـبیعی و خودجوش به پیش رود وگرنه صـحبت اعجـاز باشـد، امـام حسـین علیه السـلام فرمود: «سوگنـد به خداونـد، خـدا چیزی را نیافریده مگر اینکه به او فرمان داده از ما پیروی کند» – بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۸۷. البته اگر مردم وظیفه خود را انجـام دهنـد، دست خـدا بالاـی سـر آنهـاست و امـدادهای غیبی به کمـک آنها خواهد شتافت، چنان که قرآن می فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدامَکُمْ». – سوره محمّد، آیه ۷.

رهبر شایسته که امروز از آن به ولایت فقیه تعبیر می شود، راه زمینه سازی صحیح را دریابند و با پشت گرمی معنوی خاصّ ی آن را دنبال کنند.

و به عبارت روشن تر، نائب و معاون به حق حضرت مهدی علیه السلام مسلّماً به راه مهدی علیه السلام نزدیک تر و آگاه تر است، و رهنمودها و سرپرستی او می تواند نزدیک ترین و حساب شده ترین شیوه برای رسیدن به حکومت مولی امام زمان علیه السلام باشد، با توجه به اینکه انجام دو وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر انسان را از بی تفاوتی بیرون می آورد، و وادار می کند که حضور فعّال در صحنه داشته باشد.

به امید آن که با به کار بستن این عوامل که در رأس عوامل دیگر است بتوانیم همچون مسلمانان صدر اسلام به پیش رویم و جهان را به استقبال حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام سوق دهیم که خود در مسیر انقلاب و تداوم انقلاب است که نهایت آن آینده درخشان و اهتزاز پرچم «لا اله إلّا اللّه» در کلّ جهان خواهد شد، و همین امید به آینده روشن - نه مبهم و تاریک - خود همان عامل درونی و انتظار است که باید به صورت علم و عمل درآید و به نتیجه عینی برسد.

باید توجّه داشت که خود امام قائم علیه السلام نیز در انتظار است که شرایط فراهم شود و خداوند متعال اذن خروجش را صادر فرماید و جهان را از ظلم و فساد رهایی بخشد، و به قدری در این مورد بی تاب است که حتّی وقت خروج وارد مسجد الحرام می شود و بین مقام ابراهیم علیه السلام و کعبه دو رکعت نماز می خواند و پشت به حجر الاسود زده، سپس

دست هایش را به سوی آسمان بلند کرده و آن چنان گریه و تضرّع می کند که به زمین می افتد و این است فرموده خدا در قرآن:

«أَمَّنْ یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذا دَعاهُ وَیَکْشِفُ السُّوءَ وَیَجْعَلُکُمْ خُلَفآءَ الأَرْضِ»؛ آیا خدای شما کسی است که دعای مضطرّ را اجابت می کند و گرفتاری ها را برطرف می سازد و شما را خلفای زمین قرار می دهد؟»(۱).

امام صادق علیه السلام فرمود:

«سوگند به خدا «مضطرّ» همان قائم علیه السلام است»(۲).

آری امام قائم علیه السلام این چنین بی تابانه در انتظار اصلاح و انقلاب جهانی است، تا جهان را از لوث آلودگی ها و جنایات و ستمگری ها نجات بخشد.

۱۱ – لزوم برنامه ریزی

می دانیم که مسأله مهدی موعود - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - یک مسأله عادی و سطحی و اقلیمی و احتمالی نیست، بلکه تقریباً در همه ادیان و در همه جا و در همه زمان ها و در رأس مسائل مهمّ عقیدتی و سیاسی است، و در اسلام به عنوان یک اصل استوار و خلل ناپذیر مطرح می باشد، و از آن به ثمره و نتیجه قیام تمام پیامبران و رسولان و رهبران الهی یاد می گردد، ونهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام با عنوان

۱- ۲۰۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۲۶ {سوره نمل، آیه ۶۲}.
۲- ۲۰۲. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۹۴، ذیل آیه ۶۲ نمل.

امید پیامبران و رسولان و مستضعفان تاریخ و وصول به اهداف عالی انسانی در همه ابعاد و... خوانده می شود.

حال که چنین است باید مسأله را جدّی گرفت، در طول تاریخ در این باره حرف زیادی زده اند، ولی برای وصول به این هدف باید همّت کرده، آن هم همّتی عمیق، همه جانبه در جهان، همیشگی در عمل.

با بررسی آیات و روایات مربوط به نهضت و ظهور امام علیه السلام به دست می آید که مسأله وصول به آیات ظهور مسأله راحت طلبی نیست و با یک یا چند قیام و قعود به دست نمی آید، باید در راه آن عرق ها و خون ها ریخته شود(۱). از طرفی این مسأله دارای ابعاد گوناگون است، مانند ابعاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، مکتبی، نظامی و خلاصه آمیخته با مسأله دین است، همان گونه که دین حقیقی یک مجموعه عمیق و اهرم قوی و همه جانبه برای رشد در همه ابعاد است، مسأله مصلح جهانی حضرت مهدی علیه السلام که در هر زمانی مطرح بوده و در هر دینی از آن به نوعی سخن به میان آمده و در اسلام از آن به عنوان یک اصل مهم انقلابی یاد می شود، دارای ابعاد گوناگون است.

۱- ۲۰۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸ {مضمون روایتی از امام باقر علیه السلام}.

عناصر اصلی برنامه ریزی قیام و ظهور

اشاره

بر همین اساس باید برای تحقّق آن یک برنامه ریزی حساب شده و جامع در سطح کلّ جهان صورت گیرد. با توجّه به اهمّیت فوق العاده آن باید در این برنامه ریزی، امور بسیار به طور عملی و جدّی و حساب شده تعقیب شود که ما در اینجا امور نُه گانه زیر را که پایه های اصلی این برنامه ریزی است و باید به همّت مسلمانان تحقّق یابد تا زمینه ساز ظهور گردد. خاطر نشان می کنیم:

الف) هدفداری

یکی از عوامل پیروزی، داشتن هدف است، بویژه هدفی عالی و تأمین کننده تمام ابعاد سعادت بشر - در مورد مصلح آینده حضرت مهدی علیه السلام تمام پیامبران و امامان و کتب آسمانی و ادیان حقیقی، خبر از ظهور او را در آخرالزمان داده اند، و این عقیده در اسلام جزء بافت و ارکان اسلام است، بر همین اساس هدف مشخّص و غیر مبهم است، و بروز نهضت ها و قیام ها برای رسیدن به این هدف کورکورانه و مبهم نیست.

امام خمینی قدس سره در یکی از سخنان خود که در روز نیمه شعبان ۱۳۶۰ شمسی ایراد نمود، فرمود:

«باید خودمان را مهیّا کنیم از برای آمدن آن حضرت. من نمی دانم اسم رهبر روی ایشان بگذارم، بزرگ تر از این است، نمی دانم بگویم شخص اوّل است، برای اینکه دومی در کار

نیست. ایشان را نمی توانیم ما با هیـچ تعبیری تعبیر کنیم اِلّا همین که (مهدی موعود - عجّل اللَّه تعالی فرجه الشـریف -) است، آن کس که خداوند متعال ذخیره کرده است برای بشر...».

آری! این عنوان (مهـدی موعود علیه السـلام) هدفـدار بودن این عقیده را مشـخص می کند، و هدف است که قیام ها را خط و جهـت داده و از سـرنگونی در می آورد و به راه صـاف و راست رهنمـون می نمایـد، بنـابراین بایـد در این برنـامه ریزی به این هدف توجّه گردد.

ب) توجه به جهانی بودن ظهور

پای...دوم این برنامه ریزی این است که ظهور و امامت امام زمان علیه السـلام مربوط به کل جهان است، و پس از ظهور اسـلام حقیقی با تمام ابعادش در همه جهان به دست باکفایت آن حضرت در سطح جهان حاکم و پیاده می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذا قامَ القآئِمُ لا یَبْقی أَرْضٌ إِلّا نُودِیَ فِیها شَـهادَهُ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ؛ وقتی که قائم علیه السـلام قیام کرد، هیچ نقطه ای از زمین نیست مگر اینکه آوای توحید و پذیرش رسالت پیامبر صلی الله علیه وآله در آن بلند است رحمهما الله(۱).

بنـابراین در این برنـامه ریزی بایـد همه جهـان با انواع فرهنگ ها و سـنّت ها و انحرافات و عقایـد گوناگون را در نظر گرفت و طرحی جامع برای براندازی همه فسادها و انحرافات همه جهان، که از آن گاهی تعبیر به صدور انقلاب اسـلامی می شود، ارائه داد. با توجّه به اینکه

۱- ۲۰۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

جهان همچون حلقه های زنجیر در شؤون مختلف به هم ارتباط دارد و همین ارتباطات تأثیرات مثبت و منفی نسبت به همدیگر دارنـد، اگر مـا نقطه ای را از انحراف بیرون آوردیم، کافی نیست، چرا که خواه ناخواه تأثیرات اطراف این نقطه مانع وصول به هدف در آن نقطه خواهد شد.

ج) جهش و انقلاب

همـان گونه که از نام انقلاب جهانی حضرت مهـدی علیه السلام پیـداست بایـد برای وصول به این انقلاب به صورت انقلابی کار کرد، با میانه روی و محافظه کاری و خطّ لیبرالی نمی توان به این هدف بزرگ رسـید، چرا که پُر واضح است برای برنامه ریزی یک چنین انقلاب عظیمی که موانع بسیاری سر راه دارد، بایـد جهاد کرد، جهادی پی گیر و بزرگ، و تبدیل انحرافات عقلی و عملی و اخلاقی بـه اعتـدال و صـراط مسـتقیم، که یـک تحـوّل بی نظیر و عظیمی است، چنین تحـوّلی بـا میـانه روی و محافظه کاری به دست نمی آید.

بنابراین باید حرکت های این نهضت، اسلامی و مکتبی باشد و از حرکت های غیر مکتبی چنین تحوّلی میسور نیست. چنان که در روش انبیا و پیامبران الهی علیهم السلام از جمله پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به خوبی این انقلاب و جهش را در سطح محدوده خودشان می بینیم، البتّه چنان که خواهیم گفت این مطلب به این معنا نیست که ما در این کار عجله کنیم و سطحی به پیش رویم.

قابـل توجه اینکه طبق بعضـی از روایات، آن حضـرت در روز عاشورا قیام می کند(۱). و به فرموده امام صادق علیه السلام در شب بیست و سوم ماه رمضان به نام آن حضرت ندا شود و روز عاشورا قیام کند(۲).

۱- ۲۰۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۲- ۲۰۶. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۴۱۲.

دقّت در این نکته که در روایات اسلامی وارد شده، در شب تولّد امام زمان علیه السلام زیارت امام علیه السلام را بخوانید، با توجه به محتوای این زیارت و ارتباط این دو نتیجه می گیریم، که مسأله قیام و انقلاب و شهادت طلبی و جهاد تا سرحدّ شهادت و نفرت شدید از دشمن است وباید با چنین روشی خود را به امام زمان علیه السلام نزدیک کنیم، در اینجا نقل این روایت بجا است، امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:

«إِذا قامَ قآئِمُنا سَقَطَتِ التَّقِيَّهُ وَجَرَّدَ السَّيْفُ وَلَمْ يَأْخُذْ مِنَ النّاسِ وَلَمْ يُعْطِهِمْ إِلّا بِالسَّيْفِ؛ وقتی که قائم ما - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - قیام کند، تقیه برداشته شود و شمشیر کشیده گردد و با مردم (متمرّد) در داد و ستد جز شمشیر (حکومت) در میان نباشد»(۱).

د) پیشرفت عمیق و استوار

در برنامه ریزی لازم است توجه کامل شود که در تمام ابعاد به طور صحیح و عمیق و استوار به پیش رفت و واحدهای این بنای عظیم را از اساس و شالوده درست و محکم و خلل ناپذیر ساخت و به همین ترتیب رگه های دیگر این بنا با استواری به پیش رود، و گرنه کوچک ترین طوفانی آن بنا را ویران خواهد کرد، بنابراین نباید در این کار عظیم عجله کرد، و به عبارت دیگر: باید هر چه می توانیم بر کیفیت کار توجّه کنیم، نه کمّیت بدون کیفیت.

در اینجا بد نیست به یک فراز تاریخی عجیب، که می توان از آن درس نیکی گرفت، اشاره کنیم: در جنگ جهانی دوم وقتی قوای متّحدین (آلمان، ایتالیا، ژاپن) فرانسه را که جزء قوای متّفقین

ص:۱۴۶

۱- ۲۰۷. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۲۸.

انگلیس، آمریکا، شوروی) بود، شکست دادند و در جولای ۱۹۴۰ میلادی انگلستان در میدان نبرد جهانی با دشمن پیروزمند تنها ماند، در پاریس کنفرانس سرّی بین سه نفر از سران جنگ جهانی، یعنی چرچیل (رهبر انگلستان)، هیتلر (رهبر آلمان) و موسولینی (رهبر ایتالیا) در قصر «فونتن بلوی» به وجود آمد. در این کنفرانس هیتلر به چرچیل گفت: حال که سرنوشت جنگ معلوم است وبزرگ ترین نیروی اروپا و متفق انگلیس یعنی فرانسه شکست خورده است، برای جلوگیری از کشتار بیشتر، بهتر است انگلستان قرارداد شکست و تسلیم را امضا کند تا جنگ متوقّف شود و صلح به جهان بازگردد.

چرچیل در جواب گفت: بسیار متأسّفم که من نمی توانم چنین قراردادی را امضا کنم، زیرا هنوز انگلستان شکست نخورده است و شما را فاتح نمی شناسم.

هیتلر و موسولینی از این گفتار چرچیل عصبانی می شوند، به تندی با او برخورد می کنند، چرچیل با خونسردی می گوید: عصبانی نشوید، انگلیس به شرطبندی خیلی اعتقاد دارد، آیا حاضرید برای حلّ قضیه با هم شرط ببندیم؟ در این شرط هرکس برنده شد باید بپذیرد که فتح با اوست.

سران فاشیست (هیتلر و موسولینی) با خوشرویی این پیشنهاد را قبول کردند، در آن لحظه هر سه نفر در جلو استخر بزرگ کاخ نشسته بودند. چرچیل گفت: آن ماهی بزرگ را در استخر می بینید، هر کس آن ماهی را تصاحب کند، برنده جنگ است. هیتلر فوراً پارابلوم خود را از

کمر کشید به این سو و آن سوی استخر پرید و شروع به تیراندازی های پیاپی به ماهی کرد، ولی سرانجام بی نتیجه و خسته و درمانده بر صندلی خود نشست و به موسولینی گفت: حالا نوبت توست.

موسولینی لخت شد و به استخر پرید، ساعتی تلاش و تقلّا کرد، او نیز بی نتیجه و درمانده بیرون آمد و بر صندلی خود نشست. همین که نوبت به چرچیل رسید، صندلی راحت خود را کنار استخر گذاشت لیوانی به دست گرفت، در حالی که با تبسّم سیگار برگ خود را دود می کرد، شروع به خالی کردن آن استخر نمود.

رهبر آلمان و ایتالیا که می خواستند ببینید نخست وزیر سالخورده و چاق و سنگین انگلستان در برابر آنان چه تاکتیکی جهت صید ماهی پیش خواهد گرفت، وقتی او را در چنین وضعی دیدند، با تعجّب پرسیدند: چه می کنی؟ چرچیل گفت: من عجله برای شکست ندارم، با حوصله این روش مطمئن خود را ادامه می دهم، سرانجام پس از تمام شدن آب استخر، بی آنکه صدمه ای به ماهی بخورد، صید از من خواهد بود(۱).

این واقعه عجیب گرچه از بیگانگان است، ولی می توان از آن این درس را آموخت که: برای وصول به هدف - آن هم هدف بزرگ - نباید عجله کرد و سطحی به پیش رفت، بلکه باید با برنامه ریزی عمیق و اطمینان بخش هر چند درازمدّت و در عین حال با کمترین ضایعات کار را ادامه داد، و این کار نیاز به طرح های بسیار استوار و محکم

۱- ۲۰۸. قربانیان استعمار، ص ۲۵، {به نقل از مجله ریدرزادیچست}.

خواهد داشت. البته تحقّق چنین امر مهمّی نیاز به طول زمان دارد، از این رو خداوند متعال به حضرت مهدی علیه السلام طول عمر عنایت فرموده است (دقت کنید) تا آمادگی در مردم جهان پیدا شود(۱).

ه) اخلاص

برای پیشروی و دست یازی به مقدّمات ظهور، هیچ عاملی در کاربرد امور و پیمودن پلّه ها و پشت سر گذاشتن موانع مانند «اخلاص» در کار نیست. اخلاص در کارها روح و نشاط می بخشد، و به طور اتوماتیک، بدون دردسر، چرخ های عظیم موتورهای انقلاب را به حرکت در می آورد. اخلاص انسان را به آخرین درجه آمادگی و اراده قاطع و طبیعی بودن، بدون منّت که همان انتظار ظهور است سوق می دهد، خداوند متعال پشتیبان افراد مخلص است، شیطان و هوس های نفسانی که ضررها و ضربات سختی بر رشد انسان ها وارد می آورند، از افراد مخلص دورند(۲).

آزاداندیشی واقعی در سایه اخلاص به دست می آید، توکّل به خدا و اعتماد به نفس، و عزّت و شرافت که هر یک عاملی برای دستیابی به مقدّمات ظهور حضرت بقیه اللّه - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - است، در پرتو اخلاص جان می گیرند و تحقق می یابند.

ص:۱۴۹

---

۱ - ۲۰۹. البته ناگفته نماند امپریالیست ها این برنامه های درازمدت را به عنوان تاکتیک های موذیانه خود در جهت منافع استعماری خودشان به کار می گیرند، مثلاً- سالها قبل، یک فرد وجیه الملّه را در درون کشور تحت استعمار خود، به عنوان اینکه هم صدا و هم فکر با ملّت است، به طور سرّی نگه می دارند تا در آینده اگر سنگی به کاسه خورد، آن مهره به ظاهر ملّی را روی کار بیاورند، تا بتوانند به وسیله او استعمارگری خود را ادامه دهند. چنان که فلسفه پدیده «فراماسونری» {فراموشخانه} در تاریخ معاصر همین بود.

۲- ۲۱۰. سوره ص، آیه ۸۱.

در روایتی از امام باقر علیه السلام می خوانیم:

«هر بنـده ای چهل روز در راه خـدا مخلصانه قدم برداشت، خداوند درد و درمان را به او نشان می دهد و ریشه های حکمت و دانش را در دلش استوار می سازد»(۱).

امام صادق علیه السلام در سخنی فرمود:

«إِذا کـانَ مُخْلِصاً للّهِ ِ أَخافَ اللّهُ مِنْهُ کُلَّ شَیْ ءٍ حَتّی هُوامِ الأَرْضِ وَسُبـاعِها وَطَیْرُ السَّماءِ؛ هرگاه مؤمنی کارها را تنها برای خـدا انجام می دهد، خدا همه چیز حتّی جنبندگان و درندگان زمین و پرندگان آسمان را از او می ترساند»(۲).

بنابراین در این برنامه ریزی باید اخلاص در کارها سرلوحه برنامه ها قرار گیرد.

و) تخصّص و تعهّد

تخصّص و تعهّد و به عبارت دیگر علم و ایمان، و توسعه دادن به این دو در همه ابعاد زنـدگی، بهترین زمینه ساز برای فراهم شدن ظهور امام زمان علیه السـلام است، و این دو همچون دو بال پرنده اند که آن پرنده با آن دو بال به پرواز درمی آید، اگر هیچ یک از این دو نباشد پروازی نیست، و اگر یکی باشد و دیگری نباشد باز نتیجه بخش نیست، چرا که با یک بال نمی توان پرواز کرد.

تخصّص بدون تعهد، مثالش در این شعر مثنوی مولوی آمده:

تیغ دادن در کف زنگی مست

به که آید علم ناکس را به دست

۱- ۲۱۱. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۴۳.

۲- ۲۱۲. همان.

تعهّد بـدون تخصّـص نیز در بسـیاری اوقات به جای پیشـرفت بر مشـکلات کار می افزایـد و احیاناً خسارت جبران ناپـذیری بر انسان وارد می سازد و مثالش همچون ماشینی است که بدون چراغ در بیابان هولناك و پُرفراز و نشیبی حرکت می کند که جز سقوط و سرگردانی نتیجه ای ندارد. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ عَمِـلَ عَلی غَیْرِ عِلْمٍ، کانَ ما یُفْسِـدُهُ أَکْثَرَ مِمّا یُصْـلِحُهُ؛ هرکس بـدون علم و دانش کاری انجام می دهـد، ضـرر و زیان آن بیش از نفع آن است»(۱).

از سخنان امیر مؤمنان علی علیه السلام است که فرمود:

«کمر مرا دو گروه شکستند: دانشمندان منحرف، مردم نادان»(۲).

قرآن مجید در یک آیه، پیشـروی و پیمودن درجات عالی و پیروزی را در سایه تخصّص و تعهد (علم و ایمان) هر دو دانسته و می فرماید:

«یَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَالَّذِینَ أُوتُوا العِلْمَ دَرَجـاتٍ؛ خداونـد از شـما، آنـان را که ایمـان آوردنـد و تحصـیل علم و دانش کردند، چندین درجه بر دیگران برتری می بخشد»(۳).

با توجّه به اینکه علم و شـناخت، انسان را به عوامل رشـد و ترقّی و دسـتورات حیات بخش و سازنده و مکتب حرکت آفرین و غنی اسلام آگاه می سازد، تعهّد و ایمان، آن عوامل را اجرا می نماید.

۱- ۲۱۳. مشکوه الانوار، ص ۱۳۵.

۲- ۲۱۴. همان.

۳- ۲۱۵. سوره مجادله، آیه ۱۱.

ز) مانع شناسی

اکثراً عوامل حرکت فراهم می شود، ولی موانع سر راه، چرخ های آن عوامل را از حرکت باز می دارد، باید موانع را بشناسیم تـا آن را از سر راه برداریم، مثلاً انحطاط مـذهبی و اخلاقی، عـدم اسـتفاده از علوم گوناگون، غفلت از وضع زمان، اختلاف و تفرق، کارهای اساسـی و اصلی را فدای امور جزئی و فرعی کردن، مقدّم داشتن منافع شخصی بر منافع عمومی و... از موانع سر راه است، حتماً به این جهت نیز باید در برنامه ریزی توجّه گردد، همه پیامبران و اولیای الهی آرزو داشـتند که به هدف برسند، ولی موانع سر راه مانع وصول آنها به هـدف عالیشان شد، شاید یک فلسـفه اینکه خداوند عمر حضـرت مهدی علیه السـلام را طولانی کرده، این باشد که در این مدت موانع شـناخته گردند و از سر راه برداشـته شوند. بر همین اساس است که امام صادق علیه السلام می فرماید:

«اَلعامِلُ عَلی غَیْرِ بَصِیرَهٍ کَالسّائِرِ عَلی غَیْرِ طَرِیقٍ، وَلا تَزِیدُ سُرْعَهً إِلّا بُعْداً؛ عمل و حرکت بدون بصیرت و شناخت، مانند حرکت در غیر راه اصلی است و سرعت در این راه، جز دوری بیشتر از هدف نتیجه دیگری ندارد»(۱).

ح) هشیاری و هوشمندی

یک فرد باایمان بایـد کَیِس و هوشـیار باشد و به جای دو چشم، با چهار چشم اطراف خود را ببیند و کاملاً مراقب باشد، که از ناحیه دشمن غافل گیر نگردد، و به طور خلاصه مؤمن در

۱- ۲۱۶. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۴.

این دنیا باید خود را همواره در جبهه مقدّم جنگ با دشمن ببیند و مواظب باشد که اگر دشمن از در رفت، از پنجره وارد نشود، اگر در جبهه نظامی شکست خورد، در جبهه اقتصادی پیروز نشود و...

به عنوان مثال؛ حکومت عثمانی یک حکومت مقتدر اسلامی بود، هیچ قدرتی را یارای مقابله با آن نبود، ولی بر اثر عدم هشیاری و به خاطر غفلت و غوطه ور شدن در امور گذرا و مادّی، آن چنان غافل گیر شد که با یک پیش آمد یعنی جنگ جهانی دوم از هم پاشید و به چندین قسمت تجزیه شد و در نتیجه در مارس ۱۹۲۵ میلادی اسلام به معنی یک قدرت آشکار سیاسی و اجتماعی و کانون مشتعل از اندیشه ها و احساس های نو و نیرومند زائیده از صحنه حوادث جهان رخت بربست و از میدان های گرم کار و پیکار به گوشه سرد و آرام خزید و رفته رفته راه سقوط و تفرّق را پیش گرفته، نه تنها در جبهه نظامی و سیاسی شکست خورد، بلکه اسلام جوشان و خروشان و حرکت زا و جنبش آفرین در میانشان به اسلام فرسوده و بی روح درآمد، دشمنان از فرصت استفاده کرده و به پیش تاختند(۱).

در این راه باید از عوامل بازدارنده و غافل کننده مانند سنّت گرایی و گذشته نگری غلط، شخصیت گرایی، پیش داوری و گُم بودن، عُجب و خودبینی، پیروی از هوس های نفسانی، تکیه بر حدس و گمان، وابستگی ها و... به شدّت پرهیز کرد. این مطلب مهم را رسول اکرم صلی الله علیه وآله در یک عبارت کوتاهی فرموده است:

۱- ۲۱۷. شرح در داستان باستان، ص ۳۹ الی ۱۰۵.

«وَلَوْلا كَثِيرُ كَلامِكَمْ وَتَمْرِيجٌ فِي قُلُوبِكَمْ لَرَأَيْتُمْ ما أَرى وَسَمِعْتُمْ ما أَسْمَعُ؛ اگر زیاده روی در سخن شما (شعار توخالی)، و هرزه چرانی در دل شما (پر کردن ذهن از امور واهی) نبود، هر چه من می بینم شما هم می دیدید، و هر چه من می شنوم شما هم می شنیدید»(۱).

ط) دورنمایی از امکانات عظیم دنیای اسلامی

در اینجا با توجّه به مطالب یاد شده درباره امکانات مسلمانان فعلی دنیا به طور فشرده، سخنی به میان می آوریم که اگر به راستی این امکانات برای یک برنامه ریزی جامع و حساب شده در جهت اجرای اسلام که زمینه سازی ظهور حضرت مهدی علیه السلام است به کار گرفته می شد، چقدر مثمر ثمر و نتیجه بخش بود!

امکانات مسلمانان را از چند جهت می توان بررسی کرد:

از جهت نیروی انسانی و اتّحاد: امروز حدود یک میلیارد نفر مسلمان در دنیا زندگی می کنند و یک چهارم جمعیت کره زمین را تشکیل می دهند و حدود ۴۷ کشور مستقلّ دارند و در بسیاری از کشورها هم دارای نیروی عظیم می باشند، مثلاً هندوستان یک کشور اسلامی نیست، ولی دارای یکصد و پنجاه میلیون مسلمان است و در شوروی (سابق) شصت تا هفتاد میلیون مسلمان وجود داشت و در سایر کشورها نیز تعدادشان بسیار زیاد است. اگر اینها متّحد شوند، هیچ قدرتی در دنیا بدون جلب رضای اینها نمی تواند حاکم باشد، با توجّه به اینکه اگر نفوس یک میلیارد مسلمان به وسیله عقیده به اسلام مرتبط گردد، چه قدرت عظیمی به وجود خواهد آمد!

۱- ۲۱۸. المیزان، ج ۵، ص ۲۹۲.

و بـا تـوجّه به اینکه در دنیـای امروز قـدرت هـایی که وجـود دارد، یکی از آن قـدرت هـا مارکسـیسم است که در کشورهـای مارکسـیستی هسـتند، که با فروپاشی آن در شوروی از هم پاشیدند، و آنها که باقی مانده اند، اگر تحت این عنوان با هم متحد شونـد، چه می تواننـد بکننـد، بـا اینکه بین آنهـا نیز تفرقه شدیـد است، کمونیست های چین و کمونیست های شوروی سابق را تکفیر می کنند و به عکس...

یکی از قدرت ها، قدرت مسـیحیت است، می گویند در دنیا بیش از یک میلیارد مسـیحی وجود دارد، امّا مسـیحی ها هم با هم اختلاف شدید دارند، نیروی عظیم پروتستان اصلاً کاتولیک ها را قبول ندارند، به علاوه مکتبشان یک مکتب زاینده و حرکت بخش نیست. یهودی ها در دنیا حدود ده میلیون یا پانزده میلیون نفر می باشند که از تفرقه شدیدی برخوردارند.

بودایی ها زیاد هسـتند، ولی یک تیپ خاصّـی می باشـند و داعیه اجتماعی و سیاسـی ندارنـد، سـیک ها نیز چیزی نیسـتند، تنها قدرت عظیمی که تحت پوشـش آیین حرکت آفرین اسـلام بی بدیل و رقیب می ماند، مسـلمانان هستند. اگر اینها یک جریان خوب اجتمـاعی برای خود درست کننـد، از سـاخت حسّـاسترین اسـلحه هـای اتمی و سـفینه هـای فضـانوردی تا ساخت سوزن سنجاق برای خودشان امکان تخصّـص داشـتن و تکنیک در سطح عالی وجود دارد... بسیاری از همین مغزهای اسلامی، مراکز صنعتی اروپا و آمریکا را می گردانند، به آنجا رفته اند و مانده اند و فسیل شده اند.

ص:۱۵۵

در مجامع بین المللی، مسلمانان ۴۵ - ۴۶ رأی مستقل دارند، که اگر هر نفرشان بتوانند یک رأی از کشورهای دیگر را به دست آورند، دارای ۹۰ رأی خواهند شد، هیچ بلوکی در دنیا نیست که آن همه رأی داشته باشد.

قدرت های غیر اسلامی، به عنوان یک قدرت نیرومند وجه مشترکی ندارند که آنها را به هم پیوند دهد، ولی اسلام با عنوان «حبل اللّه؛ رابط دینی خدا» همه را به هم پیوند می دهد و از قطرات باران سیل بنیان کن جاری می سازد.

امکانات جغرافیایی دنیای اسلام: اسلام دارای امکانات جغرافیایی عظیمی است که با هیچ قدرتی در دنیا قابل مقایسه نمی باشد، خلیج فارس و تنگه هرمز دو طرفش در دست مسلمانان است، دو طرف کانال سوئز در دست مسلمانان است، یک طرف جبل الطارق در دست مسلمانان است، عبور از اقیانوس هند بدون جلب رضایت مسلمانان ممکن نیست، اقیانوسیه در دست مسلمانان است، و در جنوب آفریقا مهم ترین خطّ کشتیرانی دنیا وجود دارد، اگر مسلمانان مایل نباشند، عبور در آن ممکن نیست، یک طرف دریای استراتژیکی مدیترانه در دست مسلمانان است، تنگه داراندل و بسفور هم در دست مسلمانان است و...

امکانات اقتصادی دنیای اسلام: وضع اقتصادی مسلمانان در حدّی است که تنها در اوپک حداقل ۴۰٪ سوخت دنیا از ناحیه مسلمانان تأمین می شود و اگر این امر نباشد، دنیا خاموش می گردد، قاره آفریقا

ص:۱۵۶

(که ۷۰٪ آن مسـلمانان هسـتند) انبـار باروت اروپاست، اگر این انبار را ببندنـد، اروپا خفه می شود و نمی توانـد ادامه زنـدگی دهد.

مثلاًـ ژاپن یکپـارچه به دنیـای اسـلام وابسـته است و اگر دو مـاه رابطه اش را بـا دنیـای اسـلام قطع کنـد، به یک جزیره سـرد و خاموش تبدیل می شود(۱).

کوتاه سخن اینکه: دنیای اسلام بدون نیاز اقتصادی به دنیاهای دیگر می تواند ادامه زندگی دهد اما دنیاهای دیگر بدون نیاز به دنیای اسلام نمی توانند ادامه زندگی دهند.

مـا بـا سـران حکومتهـای اسـلامی که خود را فروخته انـد حرفی نـداریم، با ملتهای مسـلمان حرف می زنیم، اگر براستی آنها با نهضت خود و بـا تشـکیل کنفرانسـهای جدّی و عمیق آنهمه امکانـات را برای تحقق آرمـان اسـلامی بکار گیرنـد و با تشـکیل کنفرانسـهای جـدی و عمیق و برنـامه ریزیهـای دقیق در جهت حکومت جهـانی تحت رهبری یک مصلح عادل و عالم حرکت کننـد، آن وقت است که دنیا آماده ظهور حضـرت مهـدی (عج) خواهد شد و همه آن چیزهایی که ناممکن تصور می کردیم، ممکن می شود و تحقق می یابد.

به امید یک چنین تحول عظیم و به کارگیری امکانات دنیای اسلام تحت فرماندهی عظیم و وسیع اسلام.

ص:۱۵۷

۱– ۲۱۹. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱/۱۱/۱۳۶۲.

فصل پنجم ویژگی های یاران حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

بر هیچ کس پوشیده نیست که برای پیروزی انقلاب و شکست و نابودی حکومت های جور و ستم نیاز به عوامل بسیاری است، که در رأس آنها حضور در صحنه و حمایت و تلاش خستگی ناپذیر، و آگاهی و تحمّل رنج ها و امید به آینده درخشان است، و به عبارت دیگر یاران حضرت مهدی علیه السلام دارای این ویژگی ها هستند.

ما وقتی که زندگی و مراحل دعوت پیامبران علیهم السلام را تجزیه و تحلیل می کنیم، می بینیم هر کجا آنها حامی و یاور داشتند و این حامیان و یاوران به طور آگاهان و قاطع در صحنه بودند و با امید و توکّل به خدا پیش می رفتند، پیامبرشان - هرچند در بخشی از اهدافش - به پیروزی می رسید و در غیر این صورت شکست ظاهری نصیبش می شد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران چندین مسأله مبهم را در رابطه با قیام حضرت مهدی علیه السلام روشن و ثابت کرد. از جمله اینکه در شرایط فعلی دنیا هر چند غرق در گناه و فساد باشد، انقلاب و دگرگونی نه تنها ممکن، بلکه عملی است و دیگر اینکه باید دنبال کار را گرفت و

ص:۱۵۹

امید به آینده داشت. از همه روشن تر اینکه باید حمایت و بسیج همه جانبه شود و با وحدت و تجمّع یاران مخصوص، به این کار بزرگ، یعنی آماده کردن جهان برای ظهور حضرت قائم علیه السلام دست زد.

با توجّه به اینکه بهترین حکومت آن است که به طور طبیعی و خودجوش روی کار آید، نه به طور تحمیلی و زور. آنان که می گویند حکومت حضرت مهدی علیه السلام بدون معجزه امکان پذیر نیست، گویا به این اشکال توجه ندارند که اگر بنا بر معجزه و اجبار - هر چند اجبار فکری - باشد، آن حالت زیبای طبیعی و خودجوش خود را از دست می دهد و یک نوع حکومت تحمیلی می گردد.

البته ما منکر امدادهای غیبی نیستیم، وقتی مردانی بااخلاص و صداقت به پیش رفتند، خداوند هم آنها را یاری می کند و به اهدافشان می رساند(۱). بنابراین همان گونه که در بسیاری از روایات آمده(۲) حکومت حضرت مهدی علیه السلام همچون حکومت پیامبرصلی الله علیه وآله است - منتها در سطح وسیع تر و عمیق تر - همان گونه که یاران آگاه و بااستقامت آن حضرت در صدر اسلام شیران روز و پارسایان شب بودند و نقش مؤثّر و مهم در تشکیل حکومت اسلامی را ایفا کردند، حکومت حضرت حجّت علیه السلام نیز از این قانون مستثنی نیست و چنان که در جای خود مشروحاً بیان شده معنای واقعی «انتظار» نیز آمادگی یاران و بسیج همه جانبه آنها در سطح وسیع مناسب با حکومت جهانی است.

۱- ۲۲۰. اِن تَنْصُرُوا اللّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» - سوره محمّد، آیه ۷.
۲- ۲۲۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲ - یصنع کما صنع رسول... .

ویژگی های یاران آن حضرت در قرآن

در قرآن کریم، این کتاب انسان ساز و حرکت آفرین در رابطه با یاران حضرت مهدی علیه السلام یک آیه است که بسیار امیدبخش و سازنده است، این آیه در حقیقت بیانگر حقایق و واقعیت هایی است که اگر به طور جدّی و همه جانبه تعقیب گردد، موانعِ سر راه را برمی دارد و جهان را به استقبال مصلح جهانی حرکت می دهد. در سوره مائده آیه ۵۹ خداوند به طور مستقیم، مؤمنان را مورد خطاب قرار داده ومی فرماید:

«ای مؤمنان! هر کس از شما مرتد شد و از اسلام بیرون رفت، خداوند در آینده جمعیتی را می آورد که دارای این پنج امتیاز هستند:

۱. خدا آنها را دوست دارد و آنها هم خدا را دوست دارند.

۲. در برابر مؤمنان، خاضع و مهربانند.

۳. در برابر مشرکان و دشمنان، سرسخت و نیرومندند.

۴. به طور پی گیری در راه خدا جهاد و تلاش می کنند.

۵. در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند. این فضل خداست، به هر کس بخواهد (و او را شایسته ببیند) می دهد، فضل و رحمت خدا وسیع تر است و او بر همه چیز آگاه است».

در روایات برای این آیه مصادیق مختلفی بیان شده، از جمله اینکه: این آیه در مورد یاران حضرت مهدی علیه السلام است که با این ویژگی ها با تمام قدرت، در مقابل مرتدّین و کارشکنان می ایستند و برای برقراری

حکومت عـدل امام قائم – عجّل اللَّه تعالی فرجه الشـریف – و برقراری عـدالت در کلّ جهان تلاش می کنند(۱). و در عبارتی امام صادق علیه السلام فرمود:

«صاحب این امر (حضرت مهدی علیه السلام) در پرتو این آیه (در حمایت چنین یاران آگاه و دلاور) محفوظ است»(۲).

ویژگی اوّل: به عشق آن یاران به خدا اشاره می کند، آنها که جز به خدا نمی اندیشند، در حدّی که خداوند نیز آنها را دوست دارد. روشن است که چنین روحیه ای که در پرتو ایمان و توکّل به دست می آیـد، بزرگ ترین عامل خیزش و پرواز و اراده و تقوی است که نقش آن در حماسه آفرینی اعجازآمیز و شگفت انگیز می باشد.

ویژگی دوم: به پیونـد اخلاقی و وحـدت ویکپـارچگی بـا مؤمنـان اشـاره می کنـد، که نقش آن در پیشـبرد کـار بسـیار مهم و چشمگیر است.

ویژگی سـوم: حـاکی از سـازش ناپـذیری مؤمنـان در برابر کـافران، نه شـرقی بـودن و نه غربی بودن آنهـاست، که در پرتو آن هرگونه تلاش و شگرد دشمن خنثی می گردد...

ویژگی چهارم: جهاد و مبارزه پی گیر با کفّار و دشمنان اسلام است.

ویژگی پنجم: که بسـیار مهمّ است، قاطعیت و پایمردی مؤمنان را بیان می کند که روح محافظه کاری و مجادله در آنها نیست، از عوام زدگی و محیطزدگی غوغـای اکثریت منحرف و اسـتهزاء آنهـا نمی هراسـند، و بـا گام های اسـتوار در صـراط مسـتقیم حرکت می کنند و یاوه های چپ و راست در حرکت آنها تأثیری ندارد.

۱- ۲۲۲. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۷ – مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸.

۲- ۲۲۳. همان.

و بایـد به آغاز آیه نیز توجّه داشت که ارتداد و بیعت شـکنی عدّه ای وجیه اللّه، آنها را سـست و نگران نمی کند، آنها شـرایط سخت حاضـر را معیار قرار نمی دهنـد، امیـد به آینـده دارند، چرا که خود آینده سازند و کمبودها آنها را سـست و لرزان نمی کند.

در میـان این ویژگی هـا، هرچنـد همه در جای خود از اهمیّت بسـیار برخوردارنـد، ولی این ویژگی پنجم از همه مهم تر به نظر می رسـد. ابوذر غفـاری، آن مرد نسـتوه و قـاطع را در تاریـخ بـا این لقب «لا یَخافُ فِی اللّهِ لَوْمَهَ لآئِمٍ» می خواننـد، می گویـد: «پیامبر صلی الله علیه وآله به من سفارش کرد که در راه خدا از یاوه سرایی یاوه سرایان و سرزنش کنندگان نهراسم»(۱).

وقتی که حِجْر بن عدی آن بزرگ مرد خدا با یارانش به فرمان معاویه به شـهادت رسیدند، امام حسین علیه السلام بزرگ ترین چهره انقلابی تاریـخ به عنوان اعـتراض به معـاویه نوشت و در آن نـامه بخصوص، این ویژگی حجر و یـارانش را تـذکّر داد و نوشت:

«تو کسـانی را کشـته ای که امر به معروف و نهی از منکر می کردنـد، گنـاه را بزرگ می شـمردند، «وَلا یَخـافُونَ فِی اللّهِ لَوْمَهَ لآئِمٍ»؛ و در راه خدا از ملامت کنندگان نمی هراسیدند»(۲).

پیشگویی پیامبر صلی الله علیه وآله از یاران اسلام در ایران

در روایتی می خوانیم: وقتی از پیـامبر صـلی الله علیه وآله در مورد آیه مـذکور سؤال کردنـد، پیامبر صـلی الله علیه وآله دست خود را بر شانه سلمان رحمه الله نهاد و فرمود:

«منظور از یاران، هموطنان این شخص هستند».

ص:۱۶۳

۱- ۲۲۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۴۲.

۲- ۲۲۵. همان.

سپس فرمود:

«لَوْ کانَ الدِّینُ مُعَلَّقاً بِالثُّرَیّا لَتَناوَلَهُ رِجالٌ مِنْ أَبْنآءِ الفارْسِ؛ اگر دین به ستاره ثریّا بسته باشد و در آسمان ها قرار گیرد، مردانی از فارس آن را در اختیار خواهند گرفت»(۱).

اگر کوشش های پی گیر و نتیجه بخش ایرانیان را در طول تاریخ اسلام بررسی کنیم، بخصوص در قرن معاصر و پیروزی انقلاب اسلامی، و تشکیل حکومت اسلامی به نیابت از حضرت قائم علیه السلام به خوبی به حقّانیت این پیشگویی پی می بریم، به علاوه این پیشگویی اعجازآمیز الهام بخش آن است که مسلمانان ایران در حرکت دادن مردم جهان به سوی حکومت مهدی علیه السلام نقش مؤثّر و اساسی دارند، و چنان که از نشانه هایش پیداست، نسبت به آینده امیدبخش است(۲).

به هر حال همان گونه که در آخر آیه مذکور می خوانیم، باب امید به فضل و رحمت خدا وسیع است، وحتماً شامل افراد شایسته و برازنده خواهد شد. به این ترتیب نتیجه می گیریم که طرفداران جدّی تشکیل حکومت جهانی به رهبری قائم علیه السلام باید با کسب ویژگی هایی که در تفسیر آیه مذکور بیان شد، در هر جا ستاد مقاومت تشکیل دهند و بدانند که حتماً با چنین حرکت قرآنی به کعبه مقصود خواهند رسید.

۱- ۲۲۶. مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۰۸؛ نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۴۲ - در بعضی از روایات به جای دین علم آمده است. حلیه ابونعیم اصفهانی، ج ۶، ص ۶۴ - شرح بیشتر این مطلب را در کتاب «ایرانیان مسلمان در صدر اسلام و...؛ تألیف نگارنده» بخوانید.

۲- ۲۲۷. و طبق بعضی از روایات، آن ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام زمان علیه السلام در عجم هستند. - اثبات الهداه، ج ۷، ص ۹۲.

در اینجا از یک شاهد عینی کمک گرفته و به طور ملموس موضوع را ترسیم می کنیم: از شما می پرسم به راستی اگر مردم همه کشورهای اسلامی با هدف قرار دادن اسلام تحت رهنمودهای پیامبر و آلش علیهم السلام تحت نظر مردان صالح و آگاه خود، همچون کشور ایران در وضع فعلی به جنگ با طاغوتیان بروند و حکومت اسلامی تشکیل دهند و کم کم آن را توسعه داده و به تهذیب وتکمیل آن بپردازند، چقدر به حکومت جهانی امام قائم علیه السلام نزدیک خواهند شد؟ امید آنکه جهان اسلام با تجزیه و تحلیل و دیدن این نشانه های عینی و ملموس، دنبال کار را بگیرد که مسلّماً به نتیجه خواهد رسید.

تحلیل سخنی از امام سجادعلیه السلام

امام سجاد علیه السلام درباره منتظران و یاران حضرت مهدی علیه السلام به یکی از دوستانش بنام ابوخالد رحمه الله چنین فرمود:

«إِنَّ أَهْلَ زَمانِ غَيْبَتِهِ القَآئِلِينَ بِإِمامَتِهِ المُنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلَ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمانٍ، إِنَّ اللَّهَ تَبارَكَ وَتَعالى أَعْطاهُمْ مِنَ العُقُولِ وَالأَفْهامَ وَالمَعْرِفَهِ ما صارَتْ بِهِ الغَيْبَهُ عِنْدَهُمْ بِمَنْزِلَهِ المُشاهَدَهِ وَجَعَلَهُمْ فِي ذلِكَ الزَّمانِ بِمَنْزَلَهِ المُجاهِدِينَ بَيْنَ يَدَىْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله بِالسَّيْفِ أُولئِكَ المُخْلَصُونَ حَقّاً وَشِيعَتُنا صِدْقاً وَالدُّعاهُ إِلَى اللَّهِ سِرّاً وَجَهْراً؛ مردمی که در زمان غیبت امام زمان علیه السلام به سر می برند و معتقد به امامت و رهبری آن حضرت بوده و منتظر ظهور و قیامش هستند، از مردم هر زمانی برترند. چرا که خداوند آنها را آن چنان از

عقل و فهم و شناخت برخوردار کرده، که غیبت امام زمان علیه السلام برای آنان همچون ظهور آن حضرت است، خداوند آنها را در این زمان همچون مجاهدانی قرار داده که با شمشیر پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه وآله با دشمن می جنگیدند، در حقیقت مردان خالص و شیعیان راستین ما چنین افرادی هستند که در آشکار و پنهان به سوی خدا دعوت کنند»(۱).

نخست: به خاطر آگاهی و شناخت به گونه ای که غیبت امام زمان علیه السلام را همچون حضور او دانسته و تلاش و فکر و هدفشان بر این اساس است، نه اینکه دست روی دست بگذارند که از ما کاری ساخته نیست، به انتظار می نشینیم تا امان زمان علیه السلام ظهور کند و خودش کارها را اصلاح نماید.

دوم: به خاطر اینکه جهاد و تلاش و پیکار با دشمنان دارند، بسان مجاهدان صدر اسلام که پیشاپیش پیامبر صلی الله علیه وآله با دشمن می جنگیدند، بی تفاوت نیستند و با آخرین حدّ توان در صحنه نبرد حضور دارند.

سوم: به خاطر اینکه مردم را در آشکار و پنهان به سوی خدا می خوانند: اوّلاً؛ دعوتشان به سوی خداست، نه به سوی شرق و غرب. ثانیاً، همواره در آشکار و نهان کارشان هدایت و روشنگری است، تا مردم را به سوی حق جلب و جذب کنند.

به این ترتیب یاران ویژه و ویژگی های یاران امام زمان علیه السلام را می شناسیم و در یک جمع بندی کوتاه چنین نتیجه می گیریم که اگر

۱- ۲۲۸. کمال الدین وتمام النعمه، ص ۳۲۰.

هواداران امام زمان علیه السلام دارای چنین ویژگی هایی باشند، جهان به سوی حکومت واحد جهانی تحت رهبری حضرت قائم علیه السلام نزدیک می شود و قدم های بزرگ و مؤثّری برای ظهور آن حضرت برداشته خواهد شد.

حرکت انقلابی نه گام به گام

نکته دیگری که در رابطه با یاران مهدی علیه السلام باید مورد توجّه قرار گیرد، اینکه از روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام کاملاً استفاده می شود که نهضت و انقلاب آن حضرت به گونه رفورمی و گام به گام نیست، بلکه به طور انقلابی است، و در میان صفات یاران مهدی علیه السلام پس از ایمان و معرفت، بیشتر از سلحشوری و جهاد و رزمندگی و اراده قوی آنها سخن به میان آمده است، و این حکایت از آن می کند که برای برقراری حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام باید جهاد کرد و هرگز از راه سازش با دشمنان اسلام برخورد ننمود.

اکنون به چند روایت ذیل در این جهت توجّه فرمایید:

۱ - پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند:

«یَخْرُجُ ناسٌ مِنَ المَشْرِقِ فَیُوطِئُونِ لِلمَهْدِیِّ سُلْطانَهُ؛ مردمی از مشرق زمین بپاخیزند و زمینه ساز حکومت حضرت مهدی علیه السلام شوند»(۱).

تعبیر «خروج» که در فارسی معادل؛ نهضت و شورش و انقلاب است، دلیل بر حرکت انقلابی یاران مهدی علیه السلام در مشرق زمین هستند.

۱- ۲۲۹. کنز العمال، ج ۷، ص ۱۸۶.

۲ – شخصی از امام باقر علیه السلام پرسید: «مردم می گویند: هنگامی که حضرت مهدی علیه السلام قیام کند، کارها به طور طبیعی به پیش می رود و به اندازه شاخ حجامتی خونریزی نمی شود؟

امام در پاسخ فرمود:

«به خدا سوگند، چنین نیست. اگر چنین چیزی ممکن بود، در مورد پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله صورت می گرفت، در صورتی که دندان آن حضرت در جهاد با دشمن خون افتاد و پیشانی اش شکست. به خدا سوگند، نهضت امام قائم علیه السلام تمام نمی شود مگر اینکه در میدان جنگ عرق بریزیم و خون ها ریخته شود، پس دست به پیشانی مبارکش مالید»(۱).

۳ – امام باقر علیه السلام در ضمن گفتاری فرمودند:

«وقتی قائم ما – عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشریف – قیام کند، هر یک از شما به اندازه قوّت چهل مرد نیرو پیدا می کنید، و دل های شما همچون پاره های آهن می شود که اگر به کوه ها بزنند آنها را می شکافند...»(۲).

۴ – و نیز فرمود:

ص:۱۶۸

۱- ۲۳۰. بحار الانوار،ج ۵۲، ص ۳۵۸.
۲- ۲۳۱. همان، ج ۵۲، ۳۳۵. – نظیر این روایت با کمی تفاوت از امام سجاد علیه السلام نقل شده که فرمود: «إذا قام قائمنا أذهب اللّٰه عزّوجلّ عن شیعتنا العاهه وجعل قلوبهم کزبر الحدید وجعل قوّه الرجل منهم قوّه أربعین رجلاً ـ ویکونون حکّام الأرض وسنامها..؛ وقتی که قائم ما قیام کند، خداوند متعال پیروان ما را از آفات حفظ کند و قلب آن را همچون پاره آهن محکم سازد و نیروی هر مردی از آنها را به اندازه نیروی چهل مرد کند، و آنها حاکمان و سران مردم روی زمین خواهند بود. – همان، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

«قیام حضرت مهدی علیه السلام از این جهت شباهت به لشکر حضرت محمّدصلی الله علیه وآله دارد که با شمشیر قیام می کند و دشمنان خدا و رسول صلی الله علیه وآله و گمراه کنندگان را به قتل می رساند و با شمشیر و ترساندن پیروز می گردد، آن چنان پیروزی که هیچ پرچمی از او شکسته نمی شود».

روشن است که کلمه «شمشیر»، کنایه از جنگ با اسلحه است.

۵ - روایاتی که درباره ویژگی های منتظران حضرت مهدی علیه السلام آمده نیز مطلب فوق را تأیید می کنند، که در بسیاری از این روایات آمده:

«منتظرین همانند کسانی هستند که در رکاب پیامبر خدا صلی الله علیه وآله بر فرق دشمن ضربه مهلک وارد می سازند»(۱).

ضمناً لقب (قائم = قیام کننده) برای حضرت مهدی علیه السلام و اوصافی که در مورد او آمده، مانند اینکه حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«قائم علیه السلام درسنّ پیران ولی به صورت جوانان ظاهر می شود به قدری قوی و نیرومند است که اگر به بزرگ ترین درخت روی زمین دست دراز کند، آن را از ریشه می کَنَد و اگر در میان کوه ها فریاد بزند، سنگ های سخت آن متلاشی می گردند»(۲).

۶ - در بعضی از تعبیرات ائمه علیهم السلام آمده:

«وَلَوْ مَرُّوا الجِبالَ مِنْ حَدِیدٍ لَیُقَطِّعُوها لا یَکُفُّونَ سُیُوفَهُمْ حَتّی یَرْضَی اللّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ اگر این یاران به کوه هایی از آهن عبور کنند، آنهارا قطعه قطعه کنند، اسلحه هایشان همواره درکار است تا خدا راضی شود»(۳).

۱- ۲۳۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۶.

۲- ۲۳۳. اثبات الهده، ج ۷، ص ۴۱۹.

۳- ۲۳۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷.

اینها همه حاکی است که قیام حضرت مهدی علیه السلام یک حرکت عمیق انقلابی در کلّ جهان است و باید برای چنین حرکتی بسیج عمومی و به تعبیر دیگر، ارتش عمومی و مجهّز از مسلمانان در تمام نقاط دنیا تشکیل شود، ارتشی که کاملاً آمادگی رزمی داشته باشد و با روحیه ای عالی به پیش رود و در جسم و روح بتوان او را به عنوان سرباز امام زمان علیه السلام خواند. برای تکمیل این بحث به روایت معروف ذیل توجّه کنید. امام صادق علیه السلام فرمود:

«(همراه ظهور قائم علیه السلام) بیست و هفت نفر از پشت کوفه (نجف اشرف) ظاهر شده وبه حضرت مهدی علیه السلام می پیوندند. پانزده نفر آنها از قوم موسی علیه السلام هستند که به سوی حق هدایت می کنند و حاکم به حق و عدالتند و هفت نفر آنها اصحاب کهف اند وبقیه عبارتند از: یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری، مقداد و مالک اشتر - علیهم الرحمه -. اینها در خدمت امام زمان علیه السلام به عنوان یاران و فرماندهان آن حضرت به شمار می آیند»(۱).

با توجّه به اینکه گروه کوچکی از افراد صالح و طرفدار حضرت موسی علیه السلام که همه جا حامی موسی علیه السلام بودند و تسلیم دعوت سامری نشدند و همواره در این فکر بودند که از خطّ موسی علیه السلام خارج نشوند، چنان که در خط حق و عدالت شده است، همان پانزده نفر مذکور در روایت فوق می باشند.

ص:۱۷۰

۱- ۲۳۵. ارشاد مفید، ص ۳۹۹ - اعلام الوری، ص ۴۳۳.

و همچنین با توجّه به داستان زندگی آزادمردان و حق طلبانی همچون اصحاب کهف و مبارزه منفی آنها با طاغوت زمانشان ...
و همچنین با توجّه به حمایت ها و فعّالیت های یوشع بن نون (وصیّ حضرت موسی علیه السلام) در راه توحید، چنان که در تاریخ آمده و با توجّه به زندگی برجسته مردانی همچون ابودُجانه انصاری، سلمان، مقداد و مالک اشتر، درمی یابیم که یاران راستین حضرت مهدی علیه السلام باید چگونه افرادی و در چه خطی باشند؟ و چگونه در راه حق از جان و مال دریغ نورزند؟

تجزیه و تحلیلی درباره ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص امام زمان علیه السلام و دیگر یاران آن حضرت

برای شناخت این یاران مخصوص به مطالب زیر توجّه کنید:

تواتر حدیث ۳۱۳ نفر

اشاره

در همه جا معروف است و در کتابهای مربوط به امام زمان علیه السلام نوشته شده که هنگام ظهور آن حضرت، ۳۱۳ نفر یاران مخصوصش به او می پیوندند و همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده و همراه امام علیه السلام هستند، اکنون بجاست که در این کتاب درباره این افراد خاص به بررسی فشرده ای بپردازیم. برای روشن شدن مطلب نخست صحّت اصل حدیث را مورد بررسی قرار داده، سپس ویژگی های این یاران را بیان می کنیم.

به طوری که در کتب مربوطه مانند بحار الانوار (ج ۵۲) اثبات الهداه (ج ۷)، منتخب الأثر و... آمده، حدیث ماجرای پیوستن ۳۱۳ نفر از یاران خاصّ حضرت قائم علیه السلام به آن حضرت، هنگام ظهور در مکه متواتر است، یعنی به اندازه ای نقل شده که انسان با بررسی آنها علم پیدا می کند که این حدیث صحیح است، و از پیامبر و ائمه علیهم السلام نقل شده است. بنابراین نباید شکّی در صدور حدیث مذکور از جانب معصومین علیهم السلام نمود.

توضیح بیشتر اینکه: این حدیث با تعبیرات گوناگون نقل شده و در مجموع به اصطلاح تواتر معنوی بر صحّت صدور آن از معصومین علیهم السلام

ص:۱۷۲

داریم، اکنون با توضیحات کوتاه، ویژگی های این افراد و یاران مخلص دیگر امام قائم علیه السلام را در امور ده گانه زیر بررسی می کنیم:

۱ – امام در انتظار آنها به سر می برد

هنگام ظهور امام قائم علیه السلام، آن حضرت قبل از آنکه کنار کعبه برود و تکیه بر کعبه (کانون و مرکز توحید) کند و صدای دل آرای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در مکانی به نام «ذی طوی» در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصّش توقف می کند، تا اینکه آنها می آیند و به آن حضرت می پیوندند...(۱) و در آنجا همراه امام به کنار کعبه می روند...(۲)

۲ – آنها از اطراف جهان جمع می شوند

این ۳۱۳ نفر از اطراف جهان و دورترین نقطه ها جمع شده و به امام قائم علیه السلام می پیوندند، چنان که در حدیثی از امام باقر علیه السلام بیان شده:

«یَجْمَعُ اللَّهُ مِنْ أَقاصِی البِلادِ عَلی عِدَّهِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلاثَمِأَه وَثَلاثَ عَشَرَ رَجُلًا؛ خداوند - برای حضرت قائم علیه السلام- از دورترین شهرها، به تعداد جنگاوران جنگ بدر، ۳۱۳ مرد را جمع می کند»(۳).

۳ – آنها نخستین بیعت کنندگان با امام قائم علیه السلام هستند

هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین با امام قائم علیه السلام

۱- ۲۳۶. این حدیث از امام باقر علیه السلام نقل شده {بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۴و ۳۰۷}.

۲- ۲۳۷. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۹۲.

۳- ۲۳۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۰ – به همین مضمون در کتاب اثبات الهداه ج ۷، ص ۱۷۶، نقل شده با این بیان که حضرت قائم علیه السلام کنار حرم می ایستد و با فریاد یارانش را می طلبد، خداوند در یک شب ۳۱۳ نفر یارانش را از دورترین نقاط زمین در آنجا به گرد هم می آورد.

بیعت می کنند، همین ۳۱۳ نفر هستند. این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود(۱). البته باید توجّه داشت که در آغاز ظهور، یاران امام زمان علیه السلام ۳۱۳ نفرند، و گرنه به طور سریع بر یاران آن حضرت افزوده می شود، به طوری که در همان آغاز به ده هزار نفر می رسند، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«ما یَخْرُجُ إِلّا فِی أَوَّلِهِ قَوْمٌ وَما یَکُونُ أُولُوا الْقُوَّهِ أَقَلَّ مِنْ عَشَرَهَ آلافٍ؛ امام زمان علیه السلام خروج و ظهور نمی کند مگر همراه یاران نیرومند و رشید، و این یاران کمتر از ده هزار نفر نیستند»(۲).

۴ – آنها جانبازان سلحشورند

این ۳۱۳ نفر در حدّی از ایثار و جانبازی و شجاعت و سلحشوری هستند که دشمنان قائم علیه السلام جمع می شوند تا آن حضرت را به قتل برسانند، همین ۳۱۳ نفر با دفاع قهرمانانه و جانبازی در راه آن بزرگوار، دشمنان را دفع کرده و آنان را در راه رسیدن به هدف شوم خود، مفتضحانه شکست می دهند، چنان که این مطلب در ضمن حدیثی از امام سجّاد علیه السلام نقل شده است(۳).

۵ – آنها پرچمداران و حاکمان روی زمینند

این افراد، در روایات بسیار، تشبیه به ۳۱۳ نفر مسلمانان شجاع و سلحشوری شده اند که در جنگ بدر، نخستین شکست بزرگ را بر کفّار

۱– ۲۳۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷، – «أَوَّلُ مَنْ بایَعَ جِبْرَئِیلُ ثُمَّ ثَلاثُمِأَهَ وَثَلاثُ عَشَرَ رَجُلاً».

۲– ۲۴۰. همان، ص ۳۲۳، ص ۳۳۷.

۳– ۲۴۱. همان، ص ۳۰۶.

و دشـمنان اسـلام وارد آوردند، که تا آن وقت دشـمنان چنین شـکستی از اسلام نخورده بودند و اصلاً تصوّر چنین شکستی را نمی کردند.

به علاوه، این ۳۱۳ نفر پرچمداران روی زمین و حاکمان خدا بر مردم در سراسـر زمین می باشند، این ویژگی ها حکایت از آن می کند که این افراد علاوه بر سـلحشوری و شجاعت، دارای علم و بینش بوده که لیاقت رهبری جامعه ها را دارند و شایستگی آن را دارند که پرچمدار کشورها باشند.

شاید بتوان گفت: هنگام برقراری حکومت جهانی حضـرت مهدی علیه السلام همه جهان به ۳۱۳ ایالت و استان تقسیم گردد و در هر یـک از این ایالت ها و اسـتان ها، این مردان بزرگ رهبر آنجا گردنـد. اینک به اصل روایت توجّه کنیـد که امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَكَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَى القآئِمِ علیه السـلام عَلى مِنْبَرِ الكُوفَهِ وَحَوْلُهُ أَصْحابُهُ ثَلاثَمِأَهَ وَثَلاثَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّهُ أَهْلِ البَدْرِ؛ وَهُمْ أَصْـحابُ الْأَلْوِيَهِ وَهُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ عَلى خَلْقِهِ...؛ گویا امام قائم علیه السلام را بر بالای منبر کوفه می نگرم که یارانش ۳۱۳ نفر، به تعـداد جنگاوران مسـلمان جنگ بـدر، اطرافش را گرفته انـد، این یاران پرچمـداران و حاکمان بر مردم در زمین از جانب خدا هستند»(۱).

۶ – آنها امّت معدوده و همچون پاره های ابرهای متراکم هستند

در قرآن می خوانیم:

«هرجا باشید، خداوند همه شما را حاضر می کند»(۲).

ص:۱۷۵

۱- ۲۴۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۳۶.

۲- ۲۴۳. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

در تفسیر این آیه، امام باقر علیه السلام فرمود:

«یَعْنِی أَصْحابَ القآئِمِ علیه السلام، اَلثَّلاثَمِأَةَ وَالبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلاً، وَللّهِ هُمُ الأُمَّةُ المَعْدُودَةُ. یَجْتَمِعُونَ وَاللّهِ فِی ساعَهٍ واحِدَهٍ قُزَعٌ کَقُزَعِ الخَرِیفِ؛ منظور یاران قائم علیه السلام هستند که ۳۱۳ نفرند، به خدا سوگند! منظور از امّت معدوده (که در آیه ۸، سوره هود آمده) آنها هستند. به خدا سوگند! در یک ساعت همگی جمع می شوند همچون پاره های ابر پاییزی که بر اثر باد جمع و متراکم می گردد»(۱).

و در حقیقت آیه مبارکه مذکور می گوید: خدایی که قدرت دارد ذرّات پراکنده خاک انسان ها را در قیامت از نقاط مختلف جهان جمع آوری کند، به آسانی می تواند یاران مهدی علیه السلام را در یک روز و یک ساعت برای افروختن نخستین جرقّه های انقلاب به منظور تأسیس حکومت جهانی عدل الهی و پایان دادن به ظلم و ستم جمع نماید.

تعبیر «أمّه معدوده» و همچنین به پاره های ابر پاییزی که توده های آن جمع و متراکم هستند و همچون توده های ابر متراکم، خلل ناپذیر و تیز پرواز و نیرومند می باشند.

۷ – آنها رکن ها و پایه های خلل ناپذیر و پشتیبان محکمند

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ۸۰، سوره هود، که در آن آمده، حضرت لوط علیه السلام به قوم سرکش و تبهکار خود گفت:

۱- ۲۴۴. تفسیر نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۳۹، به نقل از روضه کافی و اثبات الهداه، ج ۷، ص ۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۲.

«لَوْ أَنَّ لِی بِکَمْ قُوَّةً آوِی إِلی رُکْنٍ شَدِیدٍ»؛ (افسوس) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آن گاه می دانستم که با شما پست فطرتان چه کنم)».

فرمود:

«منظور از قوّه، همان قائم علیه السلام است و منظور از رکن شدید (پشتیبان محکم) ۳۱۳ نفر از یارانش هستند»(۱).

آری، حضرت لوط علیه السلام آرزو می کند که ای کاش مردانی مصمّم، با قدرت روحی و جسمی کافی و هم پیمان های نیرومند همانند ۳۱۳ نفر مردانی که هسته مرکزی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را تشکیل می دهند، در اختیار داشت تا قیام کند و با تکیه بر قدرت، با فساد و انحراف مبارزه نماید.

و طبق روایتی می خوانیم آنها همچون پاره های آهن، محکم و استوار هستند(۲).

۸ - چند نشانه دیگر از این ۳۱۳ نفر

امام صادق علیه السلام به یکی از یاران مخصوص به نام مفضّل رحمه الله فرمود:

«هنگامی که امام قائم علیه السلام از سوی خداوند اجازه خروج و ظهور بگیرد، خدا را به اسم اکبر در لغت عبرانی بخواند و ۳۱۳ نفر از اصحابش که از افراد نخستین در مورد قبول ولایت امام هستند، مانند پاره های ابر پاییزی به سوی او

۱- ۲۴۵. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۲۲۸، - اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۰۰.

۲- ۲۴۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۳.

می شتابند، جمعی شبانگاه از بستر خود ناپدید شوند، و صبح گاه در مکه باشند و جمعی در روز دیده شوند که بر روی ابر حرکت می کنند. پس فرمود: این آیه «هرکجا باشید خداوند همه را حاضر می کند»(۱) درباره آنها نازل شده است»(۲).

یکی از اصحاب می گوید: در مسجد الحرام در مکه در حضور امام باقر علیه السلام بودم، آن حضرت دستم را گرفت و فرمود:

«به زودی خداوند متعال ۳۱۳ نفر را در همین مسجد حاضر کند، مردم مکه می دانند که هنوز پدران و اجداد آنها خلق نشده اند، همراه آنها شمشیرهایی است که بر هر شمشیری نام شخص و نام پدر و اوصاف و نصبش نوشته شده، سپس به دستور امام علیه السلام شخصی اعلام می کند: این مهدی علیه السلام همچون داود و سلیمان علیهما السلام قضاوت می کند و گواه نمی خواهد»(۳).

و در ضمن روایتی از امام صادق علیه السلام می فرماید:

«بر شمشیرهای آنها هزار کلمه نوشته شده که هر کلمه آن، کلید هزار کلمه دیگر است و آن حضرت باد را در هر درّه ای بفرستد که نداکند: این مهدی علیه السلام است که قضاوت وحکومتش همچون قضاوت و حکومت داود علیه السلام است و گواهی از متخلّفین نمی خواهد»(۴).

۱- ۲۴۷. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- ۲۴۸. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۹۴.

۳- ۲۴۹. همان، ص ۹۰.

۴- ۲۵۰. همان، ص ۹۱.

و بالاخره امام باقر علیه السلام فرمود:

«امام قائم علیه السلام دارای ۳۱۳ نفر یاور است که این افراد از نژاد عجم هستند، بعضی از آنها در روز بر روی ابر سوار شده و راه می رونـد، و به نام و پـدر و اوصاف و نسب معروفند(۱) و بعضـی از آنها در بستر خود خوابیـده انـد و بدون وعده قبلی در مکّه به حضور امام قائم علیه السلام شرفیاب می گردند»(۲).

این روایات حاکی است که ۳۱۳ نفر در همه ابعاد انسانی، افراد شایسته و شخصیت های ممتاز و قاطع و دلیر و دارای امکانات وسیع بوده و شایستگی آن را دارند که نخستین دسته گروندگان به آن حضرت باشند و هسته مرکزی حکومت حضرت قائم علیه السلام و سران ارتش انقلاب جهانی ایشان را تشکیل می دهند.

۹ - دست خدا بالای سر امام علیه السلام و یارانش

از آنجا که این مردان آزاده، به راستی به امام قائم علیه السلام می پیوندند تا درراه او و هرگونه جانبازی لازم را بنمایند، خداوند نیز یار ویاور آنهاست و با نیروهای غیبی اش آنها را کمک می کند. چنان که قرآن می فرماید:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدامَکُمْ»؛ اگر خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می کند و گام های شما را استوار می دارد»(۳).

امام سجّاد فرمود:

«گویا صاحب شما (حضرت قائم علیه السلام) را می بینم که همراه

۱- ۲۵۱. اثبات الهداه، ج ۷ ص ۹۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۷۰؛ المجالس السنیه، ج ۵ ص ۲۴.

۲- ۲۵۲. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۹۲.

۳- ۲۵۳. سوره محمّد صلی الله علیه وآله، آیه ۷.

سیصد و اندی نفر در پشت کوفه به نجف مشرف شده، جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ و اسرافیل در پیش روی او است، پرچم پیامبر صلی الله علیه وآله را برافراشته و آن پرچم را به جانب هیچ گروهی از مخالفان متمایل نکند، مگر اینکه خداوند آنان را به هلاکت می رساند»(۱).

نیز در ضمن روایتی رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«هنگام خروج قائم علیه السلام منادی خدا از آسمان فریاد می زند: ای مردم! مدت ستمگران تمام شد و کار به دست بهترین امّت محمد صلی الله علیه وآله افتاد، روانه مکّه شوید»(۲).

به این ترتیب می بینیم دست خدا همراه مهدی علیه السلام و یارانش است، در این صورت پیروزی آنها حتمی است. از طرفی در روایات می خوانیم: خداوند خروج قائم علیه السلام را در یک شب سامان می بخشد(۳).

به هر حال طبق مضمون فرموده امام باقر علیه السلام، این انقلاب نیاز به یاران قهرمان و رشید دارد، و باید در این راه خون ها ریخته شود و عرق ها در بدن جاری گردد(۴). یارانی که شایسته اطراف امامی باشند که پرچم رسول خدا صلی الله علیه وآله را به دست گرفته و اسلحه های پیامبر صلی الله علیه وآله را با خود حمل می کنند و پیراهن خونی شده ای را که پیامبر صلی الله علیه وآله در جنگ اُحد در تن داشت، به تن دارد(۵).

۱- ۲۵۴. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۳.

۲- ۲۵۵. همان.

۳- ۲۵۶. همان، ص ۱۱۴، - یصلح اللّه أمره فی لیله.

۴- ۲۵۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۸.

۵- ۲۵۸. همان، ص ۲۴۲ - ۳۰۱.

۱۰ – نقش زنان در انقلاب حضرت مهدی علیه السلام

جالب اینکه از امام باقر علیه السلام نقل شده، فرمود:

«... وَیَجِی ءُ وَاللَّهِ ثَلاثُمِأَة وَبِضْعَةَ عَشَرَ رَجُلاً فِیهِمْ خَمْسُونَ اِمْرَأَة یَجْتَمِعُونَ بِمَکَّةَ عَلی غَیْرِ مِیعادٍ قَزْعاً کَقَزْعِ الخَرِیفِ؛ سوگند به خدا! سیصد و اندی نفر می آیند در میانشان ۵۰ نفر زن هستند، در مکّه اجتماع می کنند بی آنکه قبلاً وعده داده شده باشند، آمدنشان همچون ابرهای پاییزی است (که با حرکات تند می آیند و در آن مرکز جمع می گردند)»(۱).

شکی نیست و به تجربه ثابت شده که زنان در انقلاب ها نقش مؤثّر و تعیین کننده دارند، زنان هستند که جوانان رشید و سلحشور در دامان پاک خود می پرورانند و در پشت جبهه و خانه داری، پشتیبان محکم و خوب برای مردان می شوند، آنها می توانند با تصمیم آهنین خود شهیدپرور باشند، آتش انقلاب را شعله ور سازند، و در کنار جبهه ها به پانسمان زخمی ها بپردازند و نوازش گر انقلابیون شوند.

در روایات آمده: پس از جنگ اُحُد بدن حضرت علی علیه السلام پر از زخم شد، به طوری که شصت مورد از بدن مولا علی علیه السلام بریدگی سخت پیدا کرد، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله دو زن بنام امّ سلیم و امّ عطیّه را مأمور مداوا و پانسمان زخمهای بدن مبارک امام علی علیه السلام نمود، آنها طبق مأموریت به زخم بندی مشغول شدند، بعد گزارش دادند به قدری بدن حضرت

۱– ۲۵۹. مدرک پیشین، ص ۲۲۳.

علی علیه السلام پر از زخم شده که هر زخمی را می بندیم، در کنارش زخم دیگری شکافته می شود(۱).

و نیز در روایات آمده: پنجاه نفر از اصحاب (یاران خاصّ) حضرت قائم علیه السلام زن هستند(۲).

به این ترتیب؛ زنان نیز بایـد شخصـیت و نیروی معنوی خود را بیابنـد و بدانند که می توانند نقش سازنده ای داشـته باشـند و از اصـحاب امام مهـدی علیه السـلام گردنـد و در جبهه های سیاسـی و نظامی شـرکت وتلاش فعّال نمایند و همچون زینب کبری علیها السلام مسؤولیت های سنگین یک انسان کامل را بدوش بکشند و رسالت خود را انجام دهند. به امید آن روز!

به این حدیث نیز توجّه کنید:

مفضل رحمه الله گوید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«همراه مهدی علیه السلام سیزده زن هست.

عرض کردم: این بانوان برای چه در کنار مهدی علیه السلام هستند؟

فرمود: اینها مجروحان را مـداوا می کننـد و از بیماران جنگی پرسـتاری می نمایند، چنان که زنان در زمان پیامبر صـلی الله علیه وآله در جنگ ها این کارها را به عهده می گرفتند»(۳).

ضمناً ناگفته نماند که از کتاب خطبه البیان منسوب به امام علی علیه السـلام آمده: نخستین کسی که از ۳۱۳ نفر به خدمت امام عصر علیه السلام می رسد، دو نفر بصری به نام علی و محارب، و شش نفر دیگر از ابدال به نام

۱- ۲۶۰. تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۶۹، به نقل از اصول کافی.

۲- ۲۶۱. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۵۵۱.

۳- ۲۶۲. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۵۰ - ۱۷۱.

عبداللّه هستند(۱). و بالاخره در وصف یاران مهدی علیه السلام، از امام صادق علیه السلام به این مضمون آمده است:

«آن چنان در برابر فرمانده کلّ قوا خبردار ایستاده اند که گویا مرغی بر سرشان است و تکان نمی خورند غذایشان تمام شده در عین حال آثار سجده در پیشانی شان پیداست، شیران روز و پارسایان شب هستند و قلبشان همچون پاره آهن محکم است. همراه آنها پرچمی است که جبرئیل علیه السلام در جنگ بدر برای پیامبر صلی الله علیه وآله آورد... پرچمی که تا یک ماه راه از چهار طرفش ترس را بر دشمنان مسلّط می کند، از مکه بیرون نمی آید تا اینکه حلقه ای در اطرافش باشند.

شخصی پرسید: این حلقه از چند نفر تشکیل شده؟ امام صادق علیه السلام فرمود: از ده هزار نفر که جبرئیل علیه السلام در طرف راست و میکائیل علیه السلام در طرف چپ این حلقه هستند، سپس امام علیه السلام پرچم فتح را برافرازد وحرکت کند ودرمشرق ومغرب کسی نماند جز اینکه از روی عناد بر آن پرچم لعنت کند»(۲).

نتیجه بحث و بررسی بیشتر

از گفتار گذشته چنین نتیجه می گیریم که یار و یاور، آن هم یاران جانباز، مخلص، آگاه و متعهّد از شرایط اولیّه ظهور حضرت مهدی علیه السلام

ص:۱۸۳

۱- ۲۶۳. الاوائل، ص ۳۳.

۲- ۲۶۴. بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۶۷؛ اثبات الهداه، ج ۷ ص ۸۸ - گویا اشاره به شرقی های طرفدار کمونیسم و غربی های طرفدار کاپیتالیسم - که با این پرچم مخالفت می کنند - می باشد.

بایـد در همه نقاط جهان، افرادی از مرد و زن آماده شونـد و خود را با یاران حقیقی تطبیق دهنـد، یارانی ممتاز و آگاه در همه زمینه ها، یارانی ایثارگر و رزمنده و دشـمن برانداز. و باید علاقه مندان به ظهور قائم علیه السـلام چنین باشند و چنین یارانی در همه جا به وجود آورند، تا زمینه خوبی برای نزدیک شدن ظهور گردند.

برای اینکه بیشتر به سـلحشوری یاران حضرت مهدی علیه السلام پی ببریم، در پایان به این روایت نیز توجّه کنید: امام باقر علیه السلام فرمود:

«اَلْقَی الرُّعْبُ فِی قُلُوبِ شِیعَتِنا مِنْ عَدُوِّنا، فَإِذا وَقَع أَمْرُنا وَخَرَجَ مَهْدِیُّنا کانَ أَحَدُهُمْ أَجْری مِنَ اللَّیْثِ وَأَمْضی مِنَ السِّنانِ وَیَطَأَ عَدُوُّنا بِقَدَمَیْهِ وَیَقْتُلُهُ بِکَفَّیْهِ؛ امروز ترس و رعب دشـمنان ما بر دل دوسـتان ما افکنـده شـده و چون امر ما واقع شود و حضـرت مهـدی علیه السـلام ما خروج کنـد، هر کـدام از دوسـتان ما از شـیر دلیرتر و از نیزه برّان تر شونـد و دشـمنان را پامال کنند و با دست و چنگ بکشند»(۱).

به هر حـال چنـان که از روایـات اسـتفاده می شود: فتـح و پیروزی همراه امـام قائم علیه السـلام است و هر کجا می رود فتـح و پیروزی در آنجا به دست می آید(۲). پس در غرب و شرق به حمایت آن حضرت برمی خیزند(۳).

و طبق روایتی: سـیصد و شصت مرد کامل الهی در بین حجر الاسود و مقام ابراهیم علیه السلام با امام قائم علیه السلام بیعت می کنند... آنها وزیران اویند که بار سنگین مسؤولیت های کشور جهانی را اداره می نمایند(۴).

۱- ۲۶۵. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۳.

۲- ۲۶۶. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۲۲.

۳- ۲۶۷. همان، ص ۷۰۹.

۴- ۲۶۸. همان، ص ۷۱۱.

آن حضـرت در فتح روم دارای هفتاد هزار سپاه است که تکبیرگویان آنجا را فتح می کنند، غرّش تکبیر اوّل یک سوم روم را، و غرّش دوم یـک سـوم دیگر روم را، و غرّش سـوم کـه همراه یـورش قهرمانـان اسـت همه مردم را تحت پرچم امـام قـائم علیه السـلام قرار می دهـد، اسـلام و مسـلمین سـربلند و پیروز می شوند و کفر و کافران ذلیل و خوار می گردند، و تنها دین خالص حکومت خواهد کرد(۱).

صلیب ها شکسـته می شوند و خوک ها نابود می گردند، عصـر او عصـر پرهیزکاران است، یارانش پاک و خالص هسـتند و از آلودگی ها به دورنـد و در خطّ حق که خط آن حضـرت و یارانش می باشد، گام برمی دارند و به عنوان رجال الهی و وزیران آن حضرت، یاد شده اند(۲).

اوتاد، عصائب، ابدال، نجباء، رفقاء و اعاجم؟

جالب اینکه در وصف یاران مهدی علیه السلام واژه هایی مانند: «اوتاد، عصائب، ابدال، نجباء، رفقا و اعاجم» آمده که با توجه به معانی این عناوین با ویژگی های یاران حضرت مهدی علیه السلام نیز آشناتر می شویم:

* اوتاد: قبلاً گفتیم که ایشان طبق روایات سـی نفرند که همواره در خدمت امام عصـر - ارواحنا له الفداء - به سر می برند، هر کدام از آنها که از دنیا بروند، فرد شایسته دیگری جانشین او می گردد(۳).

با توجه به کلمه «اوتاد» که جمع «وَتَد» به معنی میخ است و با توجه به آیه ۷ سوره نبأ قرآن که خداوند می فرماید:

۱- ۲۶۹. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۲۳.

۲- ۲۷۰. همان.

۳- ۲۷۱. غیبت طوسی، ص ۱۰۲، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۵۸.

«وَالجِبالَ أَوْتاداً»؛ ما کوه ها را میخ های زمین قرار دادیم» (که زمین را نگهدارند و به وسیله آن، زمین از هم نپاشد).

نتیجه می گیریم که این یـاران از مردان بسـیار خـالص و دلاـور هسـتند که همچون کوه اسـتوار، در خـدمت آن حضـرت علیه السلام به سر می برند.

* عصائب: طبق بعضـی از روایات، اینها یاران حضـرت مهدی علیه السلام در عراق هستند که هنگام ظهور آن حضرت خود را به مکه می رسانند و با او بیعت می کنند(۱).

با توجّه به معنی «عصائب» که جمع «عصبه» به معنی جوانمردان رشید و نیرومند است، به دست می آوریم که یاران مهدی علیه السـلام باید چنین باشـند. ناگفته نماند که در بعضـی از روایات، یاران حضرت مهدی علیه السلام با عنوان «اخیار» خوانده شده اند(۲).

* ابدال: اینها یاران حضـرت مهدی علیه السـلام در شام هستند و هنگام خروج و ظهور آن حضرت، خود را به مکّه می رسانند و با آن حضرت بیعت می کنند(۳).

معنی ابـدال چنـان که مرحـوم طریحی در مجمـع البحرین می گویـد: آنهـا جمعی از صالحـان می باشـند، که همـواره در زمین هستند، وقتی

ص:۱۸۶

۱- ۲۷۲. المجالس السنیه، ج ۵ ص ۶۹۹ - در مورد وفاداری مردم کوفه {که شامل نجف نیز خواهـد شد} روایات دیگری نیز رسـیده، از جمله اینکه پنجاه هزار نفر از دلیران مردم کوفه مـدافع خاص امام قائم علیه السـلام در برابر دشـمن هسـتند. - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶. و اینکه مقرّ حکومت جهانی حضـرت مهـدی علیه السـلام کوفه است. نیز حاکی است که مردم کوفه در پشتیبـانی آن حضـرت جـدّی و شـجاع هسـتند. - اثبـات الهـداه، ج ۷، ص ۴۹. امـام بـاقر علیه السـلام ضـمن روایتی فرمود: «خوشبخت ترین مردم نسبت به امام قائم علیه السلام مردم کوفه هستند». - اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۶۹.

۲- ۲۷۳. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۸.

۳- ۲۷۴. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۶۹۹ و ۷۰۹.

یکی از آنها فوت کرد، خداوند بدل او شخص صالح دیگررا می گذارد، اینها چهل یا هفتاد نفر در شام هستند و یا سی نفر در جای دیگر(۱).

بنابراین اینها مردان خالص وکامل و صالح روی زمین هستند. ضمناً ناگفته نماند: شخصی از حضرت رضا علیه السلام در مورد ابدال پرسید، آن حضرت علیه السلام فرمود: ابدال، اوصیای پیامبران هستند(۲).

* نجباء: طبق روایتی که از امام علی و امام باقر علیهما السلام نقل شده: اینها یاران مهدی علیه السلام از سرزمین مصر هستند(۳). نیز در روایتی آمده که اینها از کوفه هستند(۴).

باتوجه به معنی «نجباء» که جمع «نجیب» به معنی افراد پاک سرشت و خوش نفس و جوانمرد است، نیز به ویژگی دیگر یاران مهدی علیه السلام پی می بریم.

* رفقاء: یاران حضرت مهدی علیه السلام از کوفه هستند و خود را هنگام ظهور به مکّه رسانده و با آن حضرت بیعت می کنند و همچون پاره های متراکم ابر پاییزی به سوی مکّه روانه می شوند(۵). و پنجاه نفر از سیصد و سیزده نفر اهل کوفه هستند(۶)

با توجه به معنی «رفق» و «رفاقت» که نشانگر صفا و صمیمیت و پیوند محکم آنهاست، به ویژگی دیگر یاران مخلص حضرت مهدی علیه السلام نیز پی می بریم.

۱- ۲۷۵. مجمع البحرین {ماده بدل}.

۲- ۲۷۶. سفینه البحار، ماده بدل.

۳- ۲۷۷. امام علی علیه السلام فرمود: الابدال بالشام وانجباء بمصر والعصائب بالعراق {مجمع البحرین ماده عصب}.

۴- ۲۷۸. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۷.

۵- ۲۷۹. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۰۹.

۶- ۲۸۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۶.

* اعاجم: یعنی غیر عرب، چنان که هم اکنون نیز ما نشانه هایش را در ایران، افغانستان و پاکستان و... می بینیم. امام زمان علیه السلام یاران بسیار مقاوم و خستگی ناپذیر و مخلص در این کشورهای عجمی دارد. همین ها می توانند هسته مرکزی ارتش نیرومند امام علیه السلام را در کشورهای عجمی تشکیل دهند و به توسعه آن اقدام جدّی کنند(۱).

با توجّه به اینکه حکومت جهانی ارتش نیرومند و قوی و کامل می خواهد. آن هم در اطراف امامی که غرق در اسلحه های پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است و حتّی اسب و شتر و دلدل و براق و پرچم پیامبر خداصلی الله علیه وآله همراه اوست و مصحف مخصوص امیرمؤمنان علی علیه السلام را در دست دارد(۲).

این نیز قابل توجّه است که امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«اصحاب مهدی علیه السلام جوانند و پیر در آنها یافت نمی شود، جز مثل سرمه در چشم و نمک در غذا، که کمترین چیز در غذا نمک است»(۳).

امدادهای غیبی به کم انقلابیون

اشاره

از آنجا که مردان خدا به یاری حضرت قائم علیه السلام می شتابند و شب و روز برای برقراری حکومت جهانی تحت رهبری آن حضرت تلاش

۱- ۲۸۱. ضمناً ناگفته نماند: طبق بعضی از روایات پس از ظهور آن حضرت، جبرئیل علیه السلام و فرشتگان و نجباء جن و نقباء مردم با او بیعت می کنند. {بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۸ و ۹}، پس واژه «نقباء» که به معنی مردان آگاه و متعهد است نیز بر یاران خاصّ امام افزوده می شود.

۲- ۲۸۲. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۶.

۳- ۲۸۳. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۷.

می کنند، خداوند نیز با امدادهای غیبی خود بهترین حمایت را از آنها خواهد کرد، چنان که در قرآن کریم می فرماید:

«اگر شما خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می کند، و قدم های شما را ثابت و استوار می دارد»(۱).

اینک به این روایت که فشرده روایات بسیاری است، توجّه کنید:

«هنگام ظهور امام قائم علیه السلام، فرشته ای بالای سر آن حضرت مفریاد می زند: این مهدی علیه السلام خلیفه خدا است، پس از او پیروی کنید. مردم به سوی او سراسیمه می شوند و او حکومت شرق و غرب را به دست می گیرد، خداوند او را به سه هزار فرشته کمک می نماید، اصحاب کهف از یاران او هستند، جبرئیل در پیشاپیش سپاهش و میکائیل در کنار سپاهش می باشند، و حضرت مهدی علیه السلام صندوق سکینه را از غار انطاکیه بیرون آورد، و اسفار تورات را از کوهی در شام خارج کرده و به آن با یهود، احتجاج و استدلال می کند و بسیاری از یهودیان مسلمان می شوند»(۲).

به این ترتیب می بینیم: بزرگ ترین امدادهای غیبی به کمک حضرت مهدی علیه السلام و یارانش می شتابند و همه سختی ها و ناگواری ها برای او و یارانش آسان می شوند. چنان که امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود

۱- ۲۸۴. سوره محمّد، آیه ۷.

۲- ۲۸۵. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۱۰ به نقل از اسعاف الرّاغبین - در این باره مطالبی در بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸، نیز آمده است.

«یَذُلَّ لَهُ کُلَّ صَعْبٍ؛ همه مشکلات در برابر امام قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - تسلیم و رام گردد»(۱).

و این موضوع باید مسلمین را قوی دل و محکم کند، آنها نهراسند و بدانند کمک خدا پشت سر آنهاست.

۱- ۲۸۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۳.

توضیح

در اینجا مناسب دیدم به ذکر چند نمونه از کسانی که در زمان غیبت به حضور حضرت قائم علیه السلام شرفیاب شده اند و به این سعادت عظمی رسیده اند، بپردازم تا شاید ره گشایی برای روشندلان پاک سیرت باشد و آنها نیز با ایجاد شرایط و التماس از درِ این خانه، به این سعادت نائل گردند و ناامید نشوند(۱).

۱ – امام زمان علیه السلام به صابونی اجازه دیدار نداد

مردی صالح و خیراندیش در بصره عطّاری می کرد، وی داستان عجیبی دارد که از زبان خودش خاطرنشان می گردد:

عطّار می گوید: در مغازه نشسته بودم که دو نفر برای خرید سدر و کافور به در دکان من آمدند، از گفتار و سیمای آنان دریافتم که اهل بصره نیستند و از شخصیت های بزرگوار می باشند، از حال و دیار آنان

---

۱ – ۲۸۷. قسمتی از داستان این شرفیاب شدگان در کتاب دار السلام مرحوم عراقی رحمه الله و اثبات الهداه شیخ حُرّ عاملی رحمه الله ج ۷، از ص ۲۷۰ تا ۲۸۳ و نیز در کشف الغمّه، ج ۳، ص ۴۵۸ به بعد و بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۰ تا ۳۳۱ و نجم الثاقب حاجی نوری آمده است.

پرسیدم، آنها کتمان کردند، من هر چه اصرار می نمودم آنان نیز اصرار به پاسخ ندادن می کردند.

آخر الامر آن دو نفر را قسم به حضرت رسول صلی الله علیه وآله دادم که خود را معرفی کنند، چون دیدند من دست بردار نیستم، گفتند: ما از ملازمان و چاکران درگاه حضرت ولی عصر حجّه بن الحسن العسکری - عجّل اللّه تعالی فرجه الشریف - هستیم، شخصی از نوکران آن درگاه باعظمت از دنیا رفته است، صاحب آن ناحیه ما را مأمور کرد که از تو سدر و کافور خریداری کنیم.

فهمیدم که اینان از یاران آن حضرت هستند، بی اختیار به دست و پای آنها افتادم و تضرّع و زاری کردم که حتماً باید مرا به آن حضرت برسانید. یاران حضرت گفتند: مشرّف شدن به حضور آن سرور منوط به اجازه ایشان است!

گفتم: مرا نزدیک آن حضرت ببرید، اگر اجازه داد، زهی سعادت وگرنه هیچ؟! آنان از اقدام به این کار خودداری کردند، ولی چون من با کمال پافشاری دست بردار نبودم، آن گاه به من رحم کرده و منّت گذاشتند و درخواست مرا اجابت نمودند. بسیار خوشحال شدم با شتاب تمام سدر و کافور را به آنها داده، درب مغازه را بستم و به دنبال آنها روانه شدم، تا به ساحل دریای عمان رسیدیم.

آن دو نفر بدون احتیاج به کشتی روی آب روانه شدند، من ترسیدم که غرق شوم و حیران ایستادم، آنان متوجّه شدند و گفتند: مترس! خدا را به حضرت مهدی علیه السلام قسم بده و رهسپار شو! من چنین کردم

و بر روی آب ماننـد زمین خشک به دنبال آنها رفتم. در وسـطهای دریا بودیم، دیـدم ابرها به هم درآمده و هوا صورت بارانی گرفت و شـروع به باریـدن کرد. اتّفاقاً من همـان روز صـابون ریخته بودم و بر پشت بـام مغازه به خاطر آن که به وسـیله تابش آفتاب خشک شود، گذارده بودم، همین که باران را دیدم خیال صابونها را نمودم و پریشان خاطر شدم.

به محض این خیـال مادّی ناگهان پاهایم در آب فرو رفت و به کمک هنر شـناوری به دست و پا و تضـرّع افتادم، آن دو نفر به من توجّه کرده و عجز و ذلّت مرا مشاهـده نمودنـد، فوراً به عقب برگشـته، دست مرا گرفتند و از آب بیرون کشـیدند و گفتند: این پیش آمد، اثر آن خاطره صابون بود، بار دیگر خدا را به حضرت مهدی علیه السلام قسم ده تا تو را در آب حفظ کند، من نیز استـغاثه نموده و چنین کردم مثـل اول روی آب بـا آنان رهسـپار شـدم، وقتی به ساحل رسـیدیم، خیمه چادری را دیـدم که همانند شجره طور نور از آن ساطع بود و آن فضا را روشن نموده بود. همراهان گفتند: تمام مقصود در میان همین پرده است.

بـا هم به راه خود ادامه دادیم تـا نزدیـک چـادر رسـیدیم، یکی از همراهـان پیشتر رفت تا برای من اجازه ورود بگیرد. چادر را خوب دیـدم و صـدای آن بزرگوار را می شـنیدم، ولی وجود نـازنینش را نمی دیـدم، آن شـخص دربـاره مشـرّف شـدن من از حضور مبارکش خواستار اجازه شد، آن جناب فرمود:

«رُدُّوهُ فَإِنَّهُ رَجُلٌ صابُونِیٌّ؛ به او اجازه ندهید و او را در عِداد خدمه درگاه ملک پاسـبان نشمرید، زیرا او مردی صابون دوست و مادّی است».

ص:۱۹۳

یعنی او هنوز دل از تعلّقات دنیای دَنِی خالی نکرده و لیاقت حضور در این بارگاه را ندارد. عطّار ادامه می دهد: چون چنین شنیدم، ناامید گشتم و دندان طمع از دیدار آن حضرت کشیدم و دانستم وقتی ممکن است به زیارت آن جناب برسم که دلم را از آلودگی های مادّی و معنوی زدوده و صاف گردانم(۱).

۲ – علّامه حلّی رحمه الله در خدمت امام زمان علیه السلام

پیش از آنکه ملاقات عجیب عالم و محقّق بزرگ جهان تشیّع علّامه حلّی رحمه الله با امام زمان علیه السلام را شرح دهم، اجازه دهید مختصری از شرح حال این مرد خدا را به نظرتان برسانم.

جمال الدین حسن بن یوسف بن مطهّر حلّی رحمه الله معروف به علّامه حلّی، از علمای برجسته قرن هشتم هجری است که در سال ۷۲۶ ه ق از دنیا رفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد، این مرجع تقلید عالی قدر، سلطان محمّد خدابنده یکی از پادشاهان مغول را شیعه کرد و در این مسیر خدمت بسیار بزرگی به مذهب جعفری نمود(۲). او در تمام علوم اسلامی، استاد ماهری بود و تألیفات او را بیش از پانصد جلد کتاب تخمین زده اند.

اینک توجه کنید که این مرد دینی چگونه مورد عنایت امام عصر – ارواحنا له الفداء – قرار می گیرد:

۱– ۲۸۸. دار السلام عراقی، ص ۱۷۲ با توضیحاتی از نگارنده.

۲ – ۲۸۹. چگونگی شیعه شدن شاه خدابنده به دست علّامه را در کتاب «بندهایی از تاریخ» – به قلم نگارنده – ص ۳۳۴ بخوانید.

او در حلّه یکی از شهرهای عراق سکونت داشت، هر شب جمعه از حلّه با وسایل آن زمان به کربلا می رفت. (با اینکه بین این دو شهر بیش از دَه فرسخ است) با این کیفیت که پنج شنبه سوار بر الاغ خود به راه می افتاد و شب جمعه در حرم مطهّر امام حسین علیه السلام می ماند و بعد از ظهر روز جمعه به حلّه مراجعت می کرد.

در یکی از روزها که به طرف کربلا رهسپار بود، در راه شخصی به او رسید و همراه او به کربلا می رفتند، علّامه با رفیق تازه اش شروع به صحبت کرد و مسائلی را بیان نمود، از آنجا که به فرموده امام علی علیه السلام:

«اَلمَرْءُ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسانِهِ؛ شخصیت مرد زیر زبانش نهفته است».

علّامه درک کرد که با مردی بزرگ و عالمی سترگ هم صحبت شده است، هر مسأله مشکلی می پرسید، رفیق راهش جواب می داد به طوری که علّامه که خود را یگانه دهر می دانست، از علم رفیق راهش متحیّر ماند. گرم صحبت بودند تا آنکه در مسأله ای آن شخص برخلاف فتوای علّامه فتوا داد. علامه گفت: این فتوای شما برخلاف اصل و قاعده است، دلیلی هم که این قاعده را از بین ببرد، نداریم.

آن شخص گفت:

«چرا دلیل موثّقی داریم که شیخ طوسی رحمه الله در کتاب تهذیب در وسط فلان صفحه، آن را نقل کرده است».

علّامه گفت: چنین حدیثی را در کتاب تهذیب ندیده ام.

آن شخص گفت:

«کتاب تهذیبی که پیش تو هست، در فلان صفحه و سطر این حدیث مذکور است!».

علّامه در دنیایی از حیرت فرو رفت، از این رو که این شخص ناشناس به تمام علائم و خصوصیات نسخه منحصر به فرد کتاب تهذیب آگاهی داشت.

علّامه درک کرد که در برابر استاد علّامه ها قرار گرفته، لذا شروع کرد به ذکر مسائل مشکله ای که برای خودش حل نشده بود، در این موقع تازیانه ای را که در دست داشت، به زمین افتاد. در همین حین این مسأله را از آن شخص پرسید: آیا در زمان غیبت کبری، امکان ملاقات با امام زمان علیه السلام هست؟

آن شخص تازیانه را برداشته و به علّامه داد و دستش به دست علامه رسید و فرمود:

«چگونه نمی توان امام زمان را دید در حالی که اینک دست او در دست توست».

علّامه چون متوجه شد، خود را به دست و پای امام زمان علیه السلام انداخت و آن چنان محو عشق آن حضرت شد که مدتی چیزی نفهمید، پس از آنکه به حال خود آمد، کسی را ندید، به خانه مراجعت کرد و فوری کتاب تهذیب خود را باز نمود و دید آن حدیث با همان علائم از صفحه و سطر تطبیق می کند، در حاشیه این کتاب در همان صفحه نوشت: این حدیثی است که مولایم امام زمان علیه السلام مرا به آن خبر داده است. عدّه ای از علماء همان خط را در حاشیه همان کتاب دیده اند(۱).

۱- ۲۹۰. دار السلام عراقی رحمه الله ، ص ۱۷۱.

همین علّامه شنید: یکی از علمای بزرگ اهل تسنن کتابی در ردّ شیعه نوشته که عدّه ای را با آن گمراه نموده، ولی آن کتاب را در دسترس قرار نمی دهد. علّامه مدّت ها به طور ناشناس پیش آن عالم سنّی شاگردی کرد، تا بلکه آن کتاب را به دست بیاورد و به حمایت از تشیّع بر ردّ آن بنویسد. تا آنکه از آن عالم تقاضا کرد که چند روزی آن کتاب را در دسترسش قرار دهد، آن عالم کتاب را در اختیار علّامه نمی گذارد. پس حاضر شد که آن کتاب را یک شب به علّامه بدهد و گفت: من نذر کرده ام که این کتاب را بیش از یک شب به کسی ندهم.

علّامه با اشتیاق تمام آن کتاب را به خانه آورد و تصمیم گرفت همان شب از تمام آن کتاب نسخه برداری کند، و بعداً به ردّ آن بپردازد. مشغول نوشتن آن کتاب شد، چند صفحه ای که نوشت، خسته شد و خواب او را گرفت.

در همین حال ناگاه دید مرد عربی وارد اتاق شد و گفت: ای علّامه! تو کاغذها را خطکشی کن، من برایت می نویسم. علّامه بی درنگ مشغول خطکشی شد، ولی در همان حال خوابش برد، وقتی بیدار شد، دید تمام کتاب را آن مرد عرب نوشته و در آخر آن این جمله به چشم می خورد: «کَتَبَهُ الحُجَّهُ؛ این کتاب را حضرت حجّت علیه السلام نوشته!»(۱).

العجل ای صاحب محراب و منبر، العجل

العجل ای حامی دین پیمبر، العجل

العجل ای باعث ایجاد عالم، العجل

العجل ای وارث شمشیر حیدر، العجل

ص:۱۹۷

۱- ۲۹۱. اقتباس از روضات الجنان، ج ۲، ص ۲۸۲.

شهسوارا زودتر بشتاب که از انبوه کفر

کشور ایمان شده یکسر مسخّر، العجل

تا به کی ما را بماند بر سر راه وصال

چشم حسرت روز و شب چون حلقه بر در، العجل

مهدی آخر زمان، ای پادشاه انس و جان

خیز و می کُن دفع دجّال بَد اختر، العجل

از پی خون خواهی آل محمدعلیهم السلام از نیام

برکِش آن صمصام وبنشین برتکاور العجل

۳ – فریادرسی امام زمان علیه السلام در بحرین

اشاره

کشور بحرین که مـدّتی است اعلام استقلال کرده، در طول تاریـخ از نظر سیاسـی و جغرافیایی و غیره در حال تغییر و تبـدیل بوده و از نظر تاریخی یکی از کشورهای پرحادثه جهان بوده است. این کشور که امروز از هشت جزیره تشکیل شده و از ناحیه شمـال هم مرز بـا کشور قطر و از نـاحیه جنوب هم مرز با کشور عربسـتان سـعودی می باشـد، دارای شـهرهای بزرگ و تمـدّن اقتصـادی خوبی است. در منامه که پایتخت این کشور می باشـد، بالغ بر صـدهزار نفر ساکن هسـتند، شـهر عوالی مرکز بزرگ نفتی آن کشور است و طبق آثـار باسـتانی کشف شـده، این کشور بیش از هزار سـال قبـل از میلاـد تـاکنون دارای ثروت های سرشاری بوده و هرزمان از نظر اقتصادی درخشش داشته است(۱).

۱- ۲۹۲. المنجد فی الاعلام، ص ۸۰، ماده «بحرین».

مـا در اینجـا کاری به ریشه تاریخی این کشور و تغییر و تبـدیل سیاسـی آن و اینکه چگونه و چه وقت جزء کشورهای اسـلامی قرار گرفت و چه وقت جزء ایران بوده و چنـد سـال تحت الحمـایه انگلیس و یـا دیگران بوده، نـداریم. به هر حـال چنـان که از کتب تـاریخی اسـتفاده می شود این کشور از نظرات مختلف دیار شـگفتی ها و قصّه ها بوده و مردم آن همواره در سایه ثروت سرشار آن از نعمت های الهی برخوردار بوده اند. این مختصری از دورنمای این کشور تازه مستقلّ بود.

ولی آنچه در در اینجا منظور است، داستان مردم بحرین در حدود ۳۵۰ سال قبل یعنی در زمان سلطنت خاندان صفویه در ایران می باشـد. در این زمـان مردم بحرین، به نیکی و پـاکی مشـهور بودنـد، شـدّت علاقه اکثر مردم بحرین به اهل بیت عصـمت و طهارت علیهم السلام و اخلاص آنان در این مسیر به اندازه ای است که شیخ بهایی برای پدرش در ضمن نامه ای نوشت:

«اگر دنیا را می خواهی به هنـد برو و اگر آخرت را می خواهی به بحرین نزد ما بیا و اگر نه دنیا و نه آخرت را می خواهی، در میان عجم بمان. از این شـیخ حسـین بن عبدالصّمد پدر بزرگوار شیخ بهایی در بحرین توقف کرد تا به جوار رحمت پروردگار شتافت و اینک قبر او در یکی از روستاهای بحرین معروف بوده و مزار او مورد توجه ساکنان اطراف آن قریه است.

در اواخر حکـومت سلسـله شاهـان صـفوی، دست هـای اسـتعمار، کشور آبـاد و غنی بحرین را به سوی خود برد و آن را تحت الحمایه

بیگانگـان قرار داد، در این دوران دری به تخته خـورد و حـوادثی پیش آمـد و اوضـاع سیاسـی اقتضـا کرد که والی و فرمانـدار بحرین، شخصـی ستمکار و دست نشانده بیگانگان شد که به دشمنی با امیر مؤمنان علی علیه السلام و علاقه مندان آن حضرت معروف بود.

اتّفاقاً او معاون و وزیری داشت که از رئیس خود هم بیشتر با امام علی علیه السلام و دودمان و شیعیانش دشمن بود، این دو نفر همواره موجب مزاحمت و آزار و شـکنجه مردم بحرین شـده و آنـان را که به ولاـء و دوسـتی اهـل بیت علیهم السـلام مشـهور بودند، با عوامل مختلف تحت شـکنجه و آزار قرار می دادند، این روش ادامه داشت و لحظه به لحظه شدیدتر می شد، تا آنکه وزیر، نقشه ای بسیار مرموز و خائنانه طرح کرد و به خیال خام خود خواست در وقت خود آن نقشه را پیاده کند و بر ضدّ مردم شیعه بحرین به کار انـدازد و به طور کلّی سـلب آزادی از آنان کنـد، ولی اینک ببینیـد چگونه این نقشه را ایفا کرد؟ و چگونه نقشه اش نقش بر آب گشت؟

درخت انار شهادت می دهد

وزیر که نقشه خود را بـا موفقیت کامـل در مرحله نتیجه گیری رسانـده بود، بـا کمال خرسـندی در حالی که در دسـتش اناری بود، نزد فرماندار(۱) آمد و گفت: این انار را بگیرید و ببینید که حتّی به وسیله این انار، درخت انار شهادت داده است که پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله جانشـین آن جناب ابوبکر است، بعد عمر، بعد عثمان و در مرحله چهارم علی علیه السلام می باشد.

۱- ۲۹۳. منظور از فرماندار در اینجا، امیر و رهبر بحرین است.

فرمانـدار خیلی دقیق انـار را وارسـی کرد، دیـد روی پوست آن دور تـا دور، این کلمات نقش بسـته است: «لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ مَحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَبُوبَکْرُ وَعُمَرُ وَعُثْمانُ وَعَلِیٌّ خُلَفآءُ رَسُولِ اللَّه».

ملاحظه کرد که به قلم خلقت و طبیعت این کلمات نگاشـته شـده و به هیـچ وجه ممکن نیست که ساختگی باشـد، رو به وزیر کرد و بـا لحن جـدّی گفت: این مطلب از دلیـل هـای روشن و واضـحی است که ما را به بطلان مـذهب رافضـی ها (شـیعه ها) رهنمون می شود.

وزیر گفت: آری! همان گونه است که شـما فرمودید، ولی افسوس که این طائفه (شـیعه ها) بر اثر تعصّب زیاد به مذهب خود، به آسانی زیر بار این دلیل واضـح نمی روند. به نظر من بهتر این است که آنان را حاضـر کنید و در یک مجلس باشـکوهی در ملأ عام این انار را به ایشان نشان دهیـد، اگر بدین وسـیله به حقّانیت مذهب تسـنّن پی بردند و به آن گرایش پیدا کردند، زهی موفقیّت! و معلوم است که در این صورت شـما به ثواب و پاداش خوب و بسیاری رسیده ای و اگر امتناع ورزیدند و با مشاهده این برهان قاطع، باز از گمراهی خود دست برنداشتند، آنان را به انتخاب یکی از سه چیز مجبور کنید:

یا بسان یهود و نصاری به ما جِزیه بدهند و در برابر ما ذلیل و خوار باشـند، یا پاسخ قانع کننده برای این دلیل روشن را بدهند و یا آنکه مردان آنان را به قتل برسانیم و زنان و فرزندانشان را اسیر بنماییم و اموالشان را به غارت ببریم.

فرماندار که با دقّت گفتار وزیر را گوش می داد، گفت: پیشنهاد خوبی

کردی و باید چنین کرد، به دنبال این پذیرش دستور داد علما و سادات و نیکان مردم بحرین در مجلس باشکوهی به گرد هم آینـد تا آن انار کـذایی را به آنان نشان داده و از آنها پاسخ بخواهـد. مجلس تشکیل شـد وزیر و عـدّه ای از شخصـیت ها در حضور فرمانـدار قرار گرفتنـد، در همین هنگـام فرمانـدار انـار را به بزرگـان شـیعه نشان داد و گفت: ببینیـد درخت انار چگونه شهـادت بر حقّانیت مـذهب ما داده است، بایـد یا پاسـخ این دلیل را بیاوریـد و یا جزیه داده و ذلیل و خوار زنـدگی کنیـد و یا آماده قتل و غارت باشید!

بزرگان بحرین که در ظاهر دلیل قانع کننده ای بر بطلان دلیل انار نداشتند و خود را در فشار و بن بست می دیدند، با خواهش و تمنّا سه روز مهلت خواستند، فرمانـدار نیز سه روز به آنها مهلت داد تا شـیعیان پاسخ آن دلیل را بیاورند و گرنه خود را برای اطاعت اوامر فرماندار حاضـر نمایند، به این ترتیب تا اینجا ترفند و نقشه وزیر در مسـیر خود قرار گرفته و به مرحله اجرا و نتیجه گیری اش نزدیک می شد.

مشورت و راه حل

شیعیان و تربیت شدگان مذهب جعفری به خوبی فرموده رئیس مذهب خود امام صادق علیه السلام را درک کرده بودند که:

«لا ظَهِيرَ كَالمُشاوَرَهِ؛ هیچ یاری چون مشورت و از فکر همدیگر استمداد جستن نیست».

اینان همگی در یک مجلس به گرد هم آمدنـد، پراکنـده نشدند که بگویند: بادا باد، هر چه شد که شد. در این باره به فکر راه حل افتادند و هر کسی چیزی گفت، تا سرانجام گروهی گفتند: این مطلب راه حلّی

جز توسّل به امام عصر - ارواحنا له الفداء - که در پشت پرده غیبت است و چون خورشیدی در پشت ابرهاست و به ما روشنی و نشاط بخشیده، ندارد. باید از ایشان دادخواهی و استدعا کرد، تا به داد ما برسد.

در میـان تمـام جمعیت خود، ده نفر از زاهـدین و شایسـتگان را انتخـاب کردنـد و در میان آن ده نفر سه نفر که از نظر تقوی و عمـل نیـک، لیـاقت ملاقـات با امام زمان علیه السـلام را داشـتند، برگزیدنـد، تا هر یک شبی از این سه شب را به بیابان برود و مشـغول عبادت و تضـرّع و زاری گردد و متوسّل به امام عصـر - ارواحنا له الفـداء - شده و از آن جناب تمنّا کند، بلکه عنایت خاصّه آن بزرگوار دردها را درمان بخشد.

به این ترتیب در شب اوّل یکی از آن سه نفر به بیابان رفت و مشـغول تضرّع و زاری گردید، ولی آن شب صبح شد و او نتیجه ای نگرفت. شب دوم یکی دیگر از آن سه نفر رفت، این شب هم بسـان شب اول بی نتیجه به پایان رسـید. تا شب سوم شـد که آخرین مهلت بود و شـیعیان در جوش و خروش بودنـد، تـا سومین نفر به نـام محمـد بن عیسـی رحمه الله، در آن شب به بیابان رفت، تضـرّع و زاری را به آخرین درجه رسانیـد، در شب تاریـک بـا سـر و پای برهنه و حالتی خاصّ به امام زمان علیه السـلام اسـتغاثه کرد، بـا تضـرع و زاری توأم با اخلاص کامل عرض می کرد: ای ولی عصـر - ارواحنا له الفـداء -! به فریاد ما شـیعیان برس!...

زمان دقیقه به دقیقه می گذشت، لحظات آخر شب فرا رسیده بود، توسّل محمد بن عیسی رحمه الله به درجه نهایی رسیده بود. هنگام سحر ناگاه شنید در بیابان شخصی به او گفت:

«ای محمّد بن عیسی! این چه حالتی است که پیدا کرده ای و در این شب تاریک به این بیابان خلوت آمده ای؟»

محمّد بن عیسی رحمه الله گفت: ای مرد! با من کاری نداشته باش، من برای امر بزرگی به اینجا آمده ام و آن را جز برای امام زمان علیه السلام هرگز اظهار نمی کنم و از آن بزرگوار فقط می خواهم که به داد من و یک مشت شیعه برسد!

هنوز گفتار محمّد بن عیسی رحمه الله تمام نشده بود، که از جانب همان مرد شنید:

«أَنَا صاحِبُ الأَمْرِ؛ ای محمد بن عیسی! من همانم که او را طلب می کنی، حاجت خود را بگو تا برآورم».

محمّد گفت: اگر تو امام زمان من هستی، حاجت مرا می دانی، نیازی به اظهار آن نیست.

امام علیه السلام فرمود:

«آری! تو به اینجا آمده ای تا پاسخ انار کذایی را از من بگیری و شیعیان را از این مهلکه نجات دهی».

محمّد بن عیسی گوید: تا درک کردم که او حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - است، به سوی او شتافتم، بر زانویش سر نهادم، دست بر دامن پر مهرش زدم و عرض کردم: ای سرور ما! تو پناه ما هستی، به داد ما برس ای دادرسِ پریشان احوالان!.

آنجا که پرده ها کنار می رود

آری، برای هر نقشه خائنانه روزی هست که پرده بردار پرده بردارد و صورت نازیبای زیر پرده را نشان

ص:۲۰۴

دهـد، عاقل آن است که دوراندیش بوده و همواره درصـدد باشد تا قبل از آنکه پرده ها برداشـته شود، زیر پرده ها را اصـلاح نمایـد، حضـرت قائم - عجّل اللّه تعالی فرجه الشـریف - گوشه ای از پرده ها را بالا زد، طاقت نیاورد به سؤال بنـده ای دلـداده چون محمّد بن عیسی توجه نکند، رو به او کرد و فرمود:

«ای محمـد بن عیسـی! وزیر فرماندار درخت اناری را در حیاط خانه خود نشانده است، آن درخت چون به ثمر رسـید، او قالبی را بـا گِل به شـکل اناری درست کرد و آن قالب را که توخالی بود، دو نصف کرد و در دیوار داخل آن دو نصف قالب همان کلمات(۱) را به صورت برجسـته نوشت، آنگـاه آن دو نصف قـالب را روی یکی از انارهای کوچک درخت گـذارد و آنها را محکم بست، آن انار در میان آن دو نصف قالب بزرگ شد تا درون قالب را پر کرد و در نتیجه آن نوشـته های برجسته دیواره داخلی دو نصف قـالب، روی پوست انار قرار گرفت، رفته رفته توأم با رشـد انار، آن کلمات بر پوست انار به طور طبیعی نقش بست.

فردا که روز موعـود هست، هنگـامی که نزد فرمانـدار رفتیـد، به او بگو من جواب دلیـل انـار را دارم، ولی این جواب را جز در خانه وزیر اظهار نمی کنم، فرماندار خواه ناخواه می پذیرد. چون به خانه وزیر

۱- ۲۹۴. لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، أَبُوبَكْرٌ وَعُمَرُ وَعُثْمانُ وَعَلِيٌّ خُلَفآءُ رَسُولِ اللَّهِ».

رفتید، در طرف دست راست خانه وزیر بالاخانه ای هست، بگو جواب را نمی گویم مگر در بالاخانه. در این هنگام، وزیر خود را در بن بست می بیند و اصرار می کند که به بالاخانه نروید، تو هم اصرار تمام کن. به ناچار وزیر قبول می کند. هنگامی که به بالاخانه رفتید، نگذار تا وزیر تنها برود. وقتی داخل بالاخانه شدید، روزنه ای را می بینی و در میان آن کیسه سفیدی را می نگری با عجله تمام آن کیسه را بردار و در میان آن، قالب نامبرده را که از گِل ساخته شده و با آن نقشه خائنانه وزیر طرّاحی گشته، بیرون بیاور، نزد فرماندار بگذار و به او بگو که این انار به وسیله این قالب به این صورت درآمده است. در نتیجه فرماندار از حیله و خیانت وزیر مطّلع شده و حقّانیت شما و بطلان عقاید آنان آشکار می گردد.

ای محمّد بن عیسی! به فرماندار بگو که ما برای تصدیق گفتار خود علامت دیگری داریم و آن اینکه داخل انار از خاکستر و دود پر است، اگر قبول نداری. این انار را بشکن! در این هنگام وزیر انار را برداشته و می شکند، خاکستر و دود آن بیرون آمده و ریش و صورت وزیر را فرا می گیرد. (این هم علاوه بر روسیاهی معنوی وزیر، روسیاهی ظاهری او)».

محمّد بن عیسی بسیار خوشحال شد، به دست و پای امام علیه السلام افتاد و تشکّر کرد و به سوی رفقای خود با کمال خوشحالی مراجعت نمود، هنگام صبح مردم بحرین در مجلس فرماندار حاضر شدند، وقت

پاسخ گویی شیعه از دلیل انار اعلام شد، محمد بن عیسی آنچه را که امام عصر - ارواحنا له الفداء - به او دستور داده بود، یکی پس از دیگری انجام داد، تا آخرین مرحله که در نزد فرماندار و وزیر انار را شکست و خاکستر و دودِ میان انار به صورت وزیر پاشید.

فرماندار که سخت مجذوب و تحت تأثیر قرار گرفته بود، گفت: «ای محمّد بن عیسی! این پاسخ را چه کسی به تو یاد داد؟».

محمد بن عیسی گفت: امام و حجّت زمان علیه السلام به من آموخت.

فرماندار گفت: امام زمان کیست؟

محمد بن عیسی گفت: امام زمان علیه السلام از جانب خداوند، حجّت روی زمین است و دوازدهمین امام ما می باشد، (آن گاه اسامی همه ائمه علیهم السلام را یکی پس از دیگری شمرده، تا به صاحب الامر - عجّل اللّٰه تعالی فرجه الشریف - رسید).

گواهی فرماندار

با اینکه فرماندار در عقیده باطل خود سخت استقامت می ورزید و سرسختانه با شیعیان مبارزه می کرد و حتی حاضر بود رهبران و ائمّه آنان را به فحش بکشد، امّا اینک در برابر حادثه ای عجیب قرار گرفته است، اینک خود را در مقابل قدرت عظیم می بیند. عجز سراسر او را فرا گرفت، ناگزیر سر فرود آورد، ورق قلبش برگشت، سخن قلب به وسیله زبانش اظهار شد:

«أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّ الخَلِيفَهَ بَعْدَهُ بِلا فَصْلٍ أَمِيرُ المُؤمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِى طالِبٍ؛ گواهی می دهم به یگانگی خداوند، و اینکه محمد صلی الله علیه وآله بنده و رسول خدا و جانشین بلافصل بعد از او امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهما السلام می باشد».

ص:۲۰۷

سپس ائمّه پس از امام علی علیه السلام را یکی پس از دیگری تا امام زمان علیه السلام اسم برد و اعتراف به امامت آنها نمود. آن گاه دستور داد تا آن وزیر خائن و دسیسه گر را اعدام کردند، تا همواره خاطره بطلان باطل و احقاق حقّ تجلّی کند، سپس از اهل بحرین عذرخواهی کرد و به آنان احسان نمود. بدین ترتیب، به قول معروف «پایان شب سیه سپید است»، این واقعه چون درخششی بود که در تاریخ دل های دلدادگان شیعه را تا روز قیامت سفید کرد(۱).

۴ – شفای بیمار

داستان اسماعیل هرقلی رحمه الله نیز عجیب است که به زخم و درد شدید و طولانی گرفتار شده بود و تمام دکترهای آن زمان او را جواب کردند، سرانجام با توسّل به امام قائم علیه السلام در سامرّا و کنار قبر امام حسن عسکری علیه السلام و در سرداب معروف، بالاخره به نتیجه رسید و امام قائم علیه السلام او را شفا دادند(۲).

۵ – تشرّف یکی از فرزندان آیت اللّه اراکی رحمه الله

مرجع عالی قدر آیت اللّه العظمی شیخ محمدعلی اراکی رحمه الله عالم زاهد و سلمان عصر که قبلاً در مدرسه فیضیه قم نماز جماعت

---

۱ – ۲۹۵. اقتباس از اثبات الهداه، ج ۷ ص ۳۷۵، به نقل از بحار الانوار و نجم الثاقب ص ۳۱۴، این داستان اینک هم در میان مردم بحرین مشهور است. مرقد پاک محمد بن عیسی همواره مزار و مورد احترام اهالی آنجاست که شکوه این مرقد لحظه به لحظه با یادآوری خاطره داستان فوق بیشتر می گردد.

۲– ۲۹۶. مشروح این ماجرا در کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۹۸، به بعد آمده است.

می خواند، برای یکی از علما، آیت اللّه شیخ محمد رازی نقل می کند که اکنون از زبان آقای رازی بشنوید:

آیت اللّه اراکی در شب سه شنبه ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۹۳ ه.ق برای اینجانب نقل فرمود که: دخترم، که همسر حجّه الاسلام حاج سید آقای اراکی است، می خواست مشرّف به مکّه شود، از تزاحم حجّاج ترس داشت که شاید نتواند طواف را کاملاً انجام دهد، من به او گفتم: این ذکر را مداومت کن: «یا حفیظ یا علیم» و مشرّف شد و بعد از مراجعت به من گفت: آن ذکر را مداومت نمودم و در موقع طواف، با ازدحام مردم مخصوصاً سودانی ها روبرو شدم. ترسیدم که در اینجا محرمی ندارم تا مواظب باشند که به من تنه نزنند و مرا نیاندازند. یک وقت دیدم کسی به من گفت: توسّل به امام زمان علیه السلام پیدا کن. من گفتم: امام زمان علیه السلام!! گفت: همین آقا که جلو تو می رود، امام زمان علیه السلام است.

من دیدم آقای بزرگواری جلو من است و اطراف او به قدر یک متر تقریباً حریم است و خالی است و احدی جرأت ورود به این حریم را ندارد، به من گفته شد در این حریم وارد شو پشت سر آقا، من فوراً قدم به حریم گذارده به طوری که دستم به پشت آقا می رسید و دست بر پشت آقا گذارده و به صورت خود می مالیدم و می گفتم: قربانت بروم، ای امام زمان علیه السلام. به طوری گرم سرور بودم که غفلت کردم بر حضرتش سلام کنم و هفت شوط طواف را در پشت سر آقا بدون مزاحمت و اینکه دست یا بدن کسی به من بخورد، انجام دادم و تعجّب می کردم که چطور از این همه جمعیت کسی وارد حریم

نمی شود و در هر مرتبه که خواستم طواف کنم به همین کیفیت بود، منتهی به صورت های دیگر(1).

۶ – راهنمایی حضرت مهدی علیه السلام در مسجد مقدّس جمکران

یکی از افراد موثّق، از مرجع تقلید حضرت آیت اللّه العظمی سید شهاب الدین نجفی مرعشی (وفات یافته ۷ صفر ۱۴۱۴ ه ق) نقل کردند که ایشان فرمودند: یکی از علمای نجف اشرف که مدتی به قم آمده بود، برای من نقل کرد: مشکلی داشتم، به مسجد جمکران رفتم، درد دلم را در عالم معنی به حضرت ولی عصر – ارواحنا له الفداء – عرض کردم و از او خواستم که وساطت کرده از درگاه خدا شفاعت کند، تا مشکل من حل گردد. برای این منظور به طور مکرّر به مسجد جمکران رفتم ولی نتیجه ای نگرفتم، تا اینکه روزی در آن مسجد، در هنگام نماز دلم شکست و خطاب به امام زمان علیه السلام عرض کردم: «مولا جان! آیا جایز است که در محضر شما و در منزل شما باشم و به دیگری متوسّل شوم؟ شما امام من می باشید، آیا زشت نیست با وجود امامی مانند شما حتّی به علمدار کربلا قمر بنی هاشم علیه السلام متوسّل شوم و او را نزد خدا شفیع قرار دهم؟

از شدّت ناراحتی، بین خواب و بیداری قرار گرفته بودم، ناگهان با چهره نورانی قطب عالم امکان حضرت حجّت علیه السلام روبرو شدم، بی درنگ سلام کردم، جواب سلامم را داد و فرمود:

۱– ۲۹۷. گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۶۴.

«نه تنهـا زشت نیست و نـاراحت نمی شوم که به علمـدار کربلاـ متوسّـِل گردی، بلکه به شـما نیز راهنمـایی می کنم که هنگـام توسّل به علمدار کربلا چه بگویی؟ هنگامی که برای روای حاجت به آن حضرت متوسّل شدی بگو: «یا أَبَا الغَوْثِ أَدْرِکْنِی؛ ای پدر پناه دهندگان! به فریادم برس و به من پناه ده»(۱).

۷ – نتیجه تواضع به مسجد مقدّس جمکران

یکی از اعضـای هیئت امنـای مسـجد مقـدّس جمکران در قم نقـل کرد: در کنار مسـجد مقـدّس جمکران تنها یک نفر مـدفون است، و قبرش در نزدیک درِ شـمالی مسجد داخل صحن می باشد، این شخص به نام «حاج ابوالقاسم زاهدی فر» آدم بی ریا و بدون تکبر و بدون توقّع در مسجد مقدّس جمکران خدمت می کرد، حتّی با اینکه انسان موقّر و حاجی بود، توالت های مسجد را پاک می نمود.

این شـخص بیمار شد و در بیمارسـتان آیت اللّه العظمی گلپایگانی بستری گردید، به بالینش رفتم، دیدم وضع وخیمی دارد، به من وصیت کرد که مرا در قبرستان بقیع (دو کیلومتری مسجد جمکران) دفن کنید. او از دنیا رفت پس از تجهیزات، جنازه او را به مسـجد آوردند و نماز بر جنازه خوانده شد و همه جمعیت تشـییع کننده آماده شده بودند که او را به قبرستان بقیع برای دفن ببرند، ناگاه آقای لطیفی (از افراد برجسته هیئت امناء مسجد) تلفن کرد که دفن جنازه را به

۱– ۲۹۸. چهره درخشان قمر بنی هاشم علیه السلام، علی ربانی خلخالی، ص ۴۱۹.

تأخیر بیندازید. دفن جنازه تأخیر افتاد، سرانجام بعد از ساعتی، آقای لطیفی آمدند و فرمودند: ایشان را در کنار مسجد دفن کنید.

گفتم: چرا؟ اینجا هنوز کسی دفن نشده است؟! فرمود: آیت اللّه العظمی نجفی مرعشی تلفن کرد که مرحوم حاج ابوالقاسم زاهدی فر را در کنار درگاه مسجد دفن نمایید. به این دستور عمل شد.

آری اخلاص و تواضع آن مرحوم - که حتّی مستراح های مسجد را تمیز می کرد، باعث شد که قبرش در بهترین جا قرار گرفت و همواره زیر پای زائران مسجد مقدّس جمکران است. به این ترتیب، آقا امام زمان علیه السلام خادمی او را قبول کرد، این است نتیجه بندگی خالصانه که انسان را به معراج می برد. به گفته شاعر:

تواضع سر رفعت اندازدت

تکبر به خاک اندر اندازت

۸ - محبّت امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه اللّه

محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید) که از علمای بسیار برجسته شیعه و مورد قبول شیعه و اهل تسنّن بود و مرجع خاص و عام به شمار می رفت و بیش از ۲۰۰ کتاب اسلامی نوشت و آبروی شیعه در قرن پنجم بود و در همه ر........های علوم اسلامی استاد و نابغه به شمار می آمد، روزی در خانه بود، شخصی به حضورش آمد و پرسید: زنی حامله فوت کرده، ولی بچّه در رحمش زنده است، آیا او را همان طور دفن کنیم یا شکمش را شکافته و بچه اش را بیرون آوریم؟

شیخ مفیدرحمه الله گفت: همان گونه دفنش کنید. آن شخص برگشت و در

وسط راه دید، سواری به او نزدیک شد و گفت: شیخ مفید رحمه الله فرمود: شکم آن زن را پاره کنید و بچّه را بیرون آورید.

آن شخص چنین کرد، پس از مدّتی جریان را برای شیخ مفید رحمه الله نقل کردند. شیخ گفت: من کسی را نفرستاده بودم، معلوم است که آن سوار صاحب الامر علیه السلام بوده است، اکنون که در احکام اشتباه می کنم خوب است دیگر فتوا ندهم، در خانه اش را بست و از خانه بیرون نیامد. ساعاتی نگذشت که از طرف امام زمان علیه السلام توقیعی (نوشته ای) به خدمت شیخ مفید رحمه الله گذاشته شد:

«ای شیخ! برای مردم فتوا بگو و ما آن را تکمیل خواهیم کرد و نمی گذاریم که در خطا و اشتباه بمانی. آن گاه در مسند فتوا نشست»(۱).

می نویسند: وقتی شیخ مفید رحمه الله در سن ۸۵ سالگی در سوم ماه رمضان سال ۴۱۳ ق از دنیا رفت، آن چنان جمعیت از شیعه و سنّی برای تشییع جنازه اش اجتماع کردند که تا آن روز بی نظیر بود و همه از شدّت ناراحتی گریه می کردند(۲)، او را در حرم کاظمین علیهما السلام دفن کردند.

چندین بار از جانب امام زمان علیه السلام برای این مرد بزرگوار، نوشته ای به خطّ شریف آن حضرت علیه السلام صادر شد، در آغاز یکی از آنها آمده:

«لِلأَخِ السَّدِیدِ وَالوَلِیِّ الرَّشِیدَ الشَّیْخِ المُفِیدِ: سَلامُ اللَّهِ عَلَیْکَ أَیُّهَا الوَلِیُّ المُخْلِصُ فِینا بِالیَقِینِ...؛ به برادر استوار و ولی رشید شیخ مفید، سلام خدا بر تو ای ولیّ خالص در راه ما و دارای یقین به ما...».

ص:۲۱۳

۱- ۲۹۹. قصص العلماء، ص ۳۹۹.

۲- ۳۰۰. قاموس الرجال، ج ۸، ص ۳۶۴.

و در توقیع دیگری آمده:

«سَلامٌ عَلَیْکَ أَیُّهَا النّاصِرُ لِلْحِقِّ وَالدّاعِی إِلَیْهِ بِکَلِمَهِ الصِّدْقِ ...؛ سلام بر تو ای یاور حق و دعوت کننده به حق با سخنان راستین ...»(۱).

هنگامی که این عالم بزرگوار از دنیا رفت، با خطّ شریف امام زمان علیه السلام بر روی قبرش نوشته شده بود:

«لا صَوَّتَ النّاعِیَ بِفَقْدِکَ إِنَّما

یَوْمٌ عَلی آلِ الرَّسُولِ عَظِیمٌ

إِنْ کُنْتَ قَدْ غَیَّبْتَ فِی جَدَثِ الثَّری

فَالعِلْمُ وَالتَّوْحِیدُ فِیکَ مُقِیمُ

وَالقآئِمُ المَهْدِیُّ یَفْرَحُ کُلَّما

تَلِیَتْ عَلَیْهِ مِنَ الدُّرُوسِ عَلُومُ

...؛ خبر دهنده مرگ خبر فقدان تو را نیاورد، امروز بر آل محمدعلیهم السلام روز مصیبت بزرگی است. اگر تو در میان خاک قبر پنهان شدی، علم و توحید همراه تو اقامت کرد. قائم مهدی علیه السلام خوشحال می شود هر وقت که درس ها و علوم تو را برایش می خوانند. (کتاب های تو را طالبان علم مورد مطالعه و بحث قرار می دهند)».

بالاخره در ضمن یکی از نامه ها وتوقیعات به شیخ مفیدرحمه الله می نویسد:

«ما به مناجات های تو توجّه داریم، خداوند تو را به خاطر آن وسیله (و موفقّیتی) که به تو از دوستانش بخشید، حفظ کند و از توطئه دشمنان نگهدارد»(۲).

ص:۲۱۴

۱- ۳۰۱. مشروح این دو توقیع در احتجاج طبرسی رحمه الله ، ج ۲، ص ۳۲۲، به بعد آمده است در مورد توقیعات دیگر به بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۵۰ تا ۱۹۸ مراجعه شود.

۲- ۳۰۲. احتجاج طبرسی، ج ۳، ص ۳۲۴.

در ضمن یکی دیگر از نامه های امام علیه السلام به شیخ مفیدرحمه الله آمده:

«ما گرچه در مکان های دور از ظالمان به سر می بریم، خداوند متعال (فعلًا) صلاح و ما شیعیان مؤمن ما را مادام که دنیا در دست فاسقان است، چنین خواسته»(۱).

امام علیه السلام در ضمن توقیع دیگر به شیخ مفید رحمه الله چنین می نویسد:

«هرکس از برادران دینی ات تقوا پیشه کند و از خدا بترسد وآنچه که برعهده اش است به مستحقّش واگذار نماید، از فتنه و آشوب باطل محفوظ خواهد ماند. و اگر پیروان ما (خداوند آنها را توفیق دهد) به اتّفاق با صدق قلب، وفای به عهد (اسلام) کنند، برکت ملاقات با ما از آنها تأخیر نمی افتد و سعادت دیدار ما سریعاً به آنها با کمال شناخت و خلوص خواهد رسید، خداوند یار و یاور است و او برای ما کافی است و او نیکو نگهبان است و درود خدا بر آقای ما بشارت دهنده و ترساننده، محمد و دودمانش پاکش علیهم السلام باد».

این نامه در آغاز شوال سال ۴۱۲ ه.ق از ناحیه مقدّسه امام عصر - ارواحنا له الفداء - برای شیخ مفید رحمه الله صادر شده است(۲). این گفتار حاکی است که پنهان شدن امام قائم علیه السلام به خاطر عدم پذیرش جامعه است، اگر جامعه صالح گردد و همه با کمال خلوص به اتفاق در برابر دشمن بایستند، به ملاقات امام علیه السلام خواهند رسید.

---

۱ - ۳۰۳. این جمله حاکی است که تا دنیا در دست رهبران فاسق است، امام علیه السلام پنهان است و باید دنیا را از دست رهبران فاسق گرفت تا زمینه ساز ظهور امام علیه السلام فراهم گردد.

۲- ۳۰۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۲.

ضمناً نـاگفته نمانـد که توقیع (نـامه) امـام عصـر علیه السـلام سبرای بعضـی از علمای دیگر نیز صادر شـده، از جمله برای «ابن بابویه، پـدر بزرگوار شـیخ صـدوق رحمه الله» که در قم در قسـمت شـمال اول خیابان چهارمردان مدفون است و حرم و بارگاه دارد، وی در زمان خود فقیه و پیشوای مردم قم بوده است و به گفته ابن نـدیم، وی دویست جلـد کتاب نوشـته است و در سال ۳۲۹ به دیار ابدی مسکن گزید.

برگ سبزی از نگارنده، خطاب به امام زمان علیه السلام:

بیا بیا که دل عاشقان برفت از دست

بیا بیا که چه بسیار غم به قلب نشست

بیا که فصل دراز خزان و غم تا کی؟

بکش تو از دل جانکاه، تیرها با شست

بیا بیا که فراغت بکشت پیر و جوان

نجاتشان بده جانا ز دست حاکم پست

تو ای عزیز خداوند و سرور ثقلین

تو ای نواده آن کو به آسمانها رفت

عنایت و کرمی کن به چاکران درت

اگر چه لایق درگه نبود غافل و مست

فسوس و آه، بهاران گذشت و غنچه ندید

هر آنچه بلبل محزون پرید و بیرون جَست

ص:۲۱۶

و لیک خوی نکویت دلش به شور افکند

خطاب کرد به خود، کی ز غصّه در تبِ خست

بشارتی دهمت ای ضعیف و درمانده

که مدّتی است ببینم به رویت این در، بست

ندای وقت تولّد که بود جاء الحق

چنین ندا و چنان صوت را زمانی هست

خوش آن زمان که به جوش و خروش افتد راز

خوش آن مکان که بریده شود رگ تر دست

خوش آن دمی که به نورش جهان شود تابان

خوش آن دمی که به گِردش چوهاله مردم رست

بیا بیا که چه اندازه افتخار بود

محمّدی به حضورت شود غلام دست(۱)

ص:۲۱۷

---

۱ – ۳۰۵. سروده نگارنده در عید نوروز سال ۱۳۵۱ شمسی. امام صادق علیه السلام فرمود: «هیچ نوروزی نیست مگر اینکه ما در آن منتظر فرج هستیم، زیرا این روز از روزهای ما است. (اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۴۲).

فصل ششم دیدار کنندگان امام علیه السلام در غیبت کبری

فصل هفتم: حکومت درخشان امام مهدی علیه السلام ما نمی توانیم

اشاره

حکومت درخشان امام مهدی علیه السلام درخشندگی حکومت جهانی حضرت قائم علیه السلام را آن طور که هست نشان دهیم، ولی شاید با ذکر چند ویژگی از ویژگی های این حکومت در همه زمینه ها دورنمایی از این نظام بهشتی و سراسر عدل آن را توصیف نموده و در معرض دید خوانندگان قرار دهیم.

به طور کلّی ائمّه علیهم السلام، آیه:

«إِنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها»؛ خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند»(۱).

را با ظهور امام قائم علیه السلام تطبیق نمودند و فرمودند:

«خداوند زمین را به عدالت قائم علیه السلام پس از مرگ رهبران ستمگر زنده می گرداند»(۲).

با مقایسه زمین خشک و مرده با زمین پر از گل و گیاه و میوه و سبزه و آب و مقایسه آن با حکومت مهدی علیه السلام به دست می آوریم که

۱- ۳۰۶. سوره حدید، آیه ۱۷.

۲- ۳۰۷. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۶۳ - ۱۳۰.

حکومت جهانی آن حضرت تا چه اندازه ای از عدل و صفا و امنیّت و شادمانی در همه زمینه ها برخوردار است(۱).

اکنون برای آشنایی بیشتر با این دوران سراسر درخشان که خداوند به آن سوگند یاد کرده(۲) به ویژگی های زیر که نمایان گر دورنمایی از آن است، توجه کنیم تا زمینه ساز این ویژگی ها باشیم:

۱ - توحید سراسری در همه زمینه ها

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم علیه السلام قیام کند هیچ کافر و مشرک پیدا نمی شود، مگر اینکه قیام او را انکار کرده و ناپسند می شمرد - ولی کار به جایی می رسد - که اگر کافر و مشرکی در شکم سنگی سخت، پنهان شده باشند، آن سنگ می گوید: ای مؤمن در شکم من کافر است مرا بشکن و او را بکش»(۳).

و در عبارت دیگر فرمود:

«قائم علیه السلام همه دین را در همه عالم آشکار می سازد»(۴).

امام باقر علیه السلام فرمود:

۱- ۳۰۸. ویژگی های این زمان در کتاب بحار الانوار، ج ۵۳، از ص ۱ - ۳۸ آمده است.

۲- ۳۰۹. والعصر {سوره عصر، آیه ۱} که یکی از تفاسیر آن سوگند به عصر درخشان حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.

۳- ۳۱۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۴.

۴- ۳۱۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۶۱، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۰.

«قائم علیه السلام هر منافق شکّاکی را به قتل می رساند»(۱).

و نیز امام باقر علیه السلام فرمود:

«حکومت های باطل نابود گردد، حکومتش شرق و غرب را فرا گیرد، دین خدا به وسیله قائم علیه السلام زنده گردد و بدعت ها و باطل ها نابود شود»(۲).

به این ترتیب وحدت جهانی معنوی پدید می آید.

به این ترتیب می بینیم توحید در حکومت و سیاست و دین و قانون و دریک کلمه توحید در تمام زمینه ها که شالوده اساسی یک حکومت درخشان است، در حکومت حضرت مهدی علیه السلام تحت رهنمودهای آن بزرگ مرد الهی پدیدار می شود، به عبارت دیگر: نفوس مردم تکامل و رشد می یابد که در این صورت پایه نخستین حکومت عدل جهانی برقرار شده است، آن هم در سطح کلّ جهان، چنان که در ذیل روایتی از امام کاظم علیه السلام آمده است:

«در تمام نقاط مشرق و مغرب کسی باقی نمی ماند جز اینکه معتقد به یکتایی خداست»(۳).

و چنان که امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِذا قامَ قآئِمُنا وَضَعَ اللّهُ یَدَهُ عَلی رُؤُوسِ العِبادِ فَجَمَعَ بِها عُقُولَهُمْ وَکَمُلَتْ بِهِ أَحْلامَهُم؛ وقتی که قائم ما - علیه السلام - قیام کرد، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگانش می گذارد و به وسیله آن عقل ها و اندیشه هایشان را به کمک هم گرفته و کامل می سازد»(۴).

۱- ۳۱۲. همان.

۲- ۳۱۳. منتخب الأثر، ص ۴۷۱ الی ۴۷۳ - البته در آغاز، امام علیه السلام بر اساس دلیل و منطق با مردم برخورد می کند و حجّت را بر آنها تمام می نماید. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: «امام قائم علیه السلام به یارانش می فرماید: «مردم مکّه به سوی من نمی آیند، ولی من می فرستم سراغ آنها و به آنچه که شایسته من است، بر آنها استدلال می کنم». - بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۰۷.

۳- ۳۱۴. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۹۶.

۴- ۳۱۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵.

در اینجا اضافه می کنیم که آن حضرت اسلام را مو به مو و با کمال قاطعیت اجراء می کند، زناکار همسردار را سنگسار می نماید و مانع زکات را گردن می زند(۱).

۲ – پیشرفت عجیب علوم:

شکی نیست که علم و دانش و رشد فکری و فرهنگی نقش بسزایی در تکامل انسان دارد و بسیاری از مشکلات سر راه تکامل را رفع می کند، در عصر انقلاب جهانی مهدی علیه السلام، یکی از امور، پیشرفت عجیب علوم در تمام زمینه ها است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«اصول علم و دانش دارای بیست و هفت حرف (رشته) است، تمام پیامبران آنچه برای مردم تا حال آورده اند دو حرف بوده، وقتی که قائم ما – علیه السلام – قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر علوم را نیز آشکار می سازد و در میان مردم رواج می دهد و ضمیمه آن دو حرف می کند تا بیست وهفت حرف تکمیل گردد»(۲).

این پیشرفت نه تنها در علوم انسانی، بلکه در علوم صنعتی و اقتصادی و غیره نیز پدید خواهد آمد. امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ المُؤْمِنَ فِی زَمانِ القآئِمِ وَهُوَ بِالمَغْرِبِ یَری أَخاهُ بِالمَشْرِقِ؛ مؤمن در عصر حکومت مهدی علیه السلام در حالی که در مغرب سکونت دارد، برادرش را که در مشرق است می بیند»(۳).

ص:۲۲۲

۱- ۳۱۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۲- ۳۱۷. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۳- ۳۱۸. منتخب الاثر، ص ۴۸۳، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

خود امام قائم علیه السلام نیز همچون حضرت علی علیه السلام اعلام می کند:

«سَلُونِی قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِی فَإِنَّ بَیْنَ جَوآنِحِی عِلْماً جَماً؛ قبل از آن که از میان شما بروم هرگونه سؤال دارید از من بپرسید، چرا که سراسر وجودم سرشار از علم و دانش است»(۱).

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: مردم چگونه به قیام آن حضرت آگاه می شوند؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

«هر یک از شما وقتی از بستر برخاست، در کنار بسترش دعوت نامه ای می بیند که در آن آیه ۵۳ نور نوشته شده و سپس در آن آمده؛ اطاعت خالصانه نشان دهید»(۲).

مفهوم این روایت به تکنیک فاکس که از وسایل مهمّ مخابراتی امروز است، بسیار نزدیک می باشد.

اینها نمونه هایی از روایات است که حکایت از پیشرفت و رشد همه جانبه علوم مختلف در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام می کند.

۳ – پیشرفت و رشد کشاورزی و امکانات

در تعبیری از ائمه معصومین علیهم السلام رسیده است:

«وَلا یَبْقی فِی الأَرْضِ خَرابٌ إِلّا یُعَمِّرُهُ؛ در همه زمین جای خرابی نمی ماند، بلکه همه را آباد خواهد ساخت»(۳).

و در عبارتی آمده پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

۱– ۳۱۹. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۲.

۲– ۳۲۰. مدرک پیشین، ص ۳۲۴.

۳– ۳۲۱. اسعاف الراغبین، ص ۱۴۰ – کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۷۶.

«در آن زمان زمین کَبِد و اشیاء گران قیمت خود را بیرون می فرستد و ثروت فراوان در میان مردم پخش می شود»(۱).

و دامداری نیز در این عصر به طور چشمگیر پیشرفت می کند(۲).

۴ – برادری و صفا و صمیمیت

در آن زمان نه تنها مردم در جهت ظاهر مادّی پیشرفت عجیبی می کنند، بلکه از لحاظ معنوی نیز که بسیار مهم و هدف اصلی است رشد شایانی دارند. امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِذا قامَ القآئِمُ جآءَتِ المُزامِلَهُ وَأَتَی الرَّجُلُ إِلی کَیْسِ أَخِیهِ فَیَأْخُذُ حاجَتَهُ لا یَمْنَعُهُ؛ وقتی که قائم علیه السلام قیام کند، رفاقت و برادری برقرار شود، به طوری که هر کس دست به جیب برادرش کرده و به قدر نیاز بدون ممانعت از آن برمی دارد»(۳).

کوتاه سخن اینکه یک اقتصاد سالم ضدّ طبقاتی بر اساس عدل و مساوات اسلامی برقرار می گردد(۴).

۵ – امنیت و برکت و وفور نعمت و عدالت

در جهان مفاهیم و واژه هایی بهتر از عدالت، برکت، امنیت و وفور نعمت نداریم. در حکومت درخشان حضرت مهدی علیه السلام تمام این مفاهیم به نحو احسن محقق می گردد. امام باقرعلیه السلام فرمود:

۱- ۳۲۲. منتخب الاثر، ص ۱۶۸.

۲- ۳۲۳. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۰۷.

۳- ۳۲۴. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۳ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۳.

۴- ۳۲۵. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

«در آن زمان اگر پیرزنی از مشرق به مغرب برود، کسی به او کاری ندارد»(۱).

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم علیه السلام قیام کرد، داوری به عدالت می کند و ظلم و جور از میان می رود، راه ها امن می شود، زمین برکت های خود را آشکار می سازد، هر حقّی به صاحبش برمی گردد، و همه مردم معتقد به اسلام می شوند»(۲).

پیامبر خداصلی الله علیه وآله در ضمن گفتاری فرمود:

«تُنَعَّمُ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يُنَعَّمُوا مِثْلَها قَطُّ تُؤْتِى الأَرْضُ أُكُلَها (كُنُوزَها) وَلا تَدَّخِرُ مِنْهُمْ شَيْئاً وَالمالُ يَوْمَئِذٍ كَدَوْسٍ يَقُومُ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يا مَهْدِيُّ أَعْطِنِي فَيَقُولُ خُذْ؛ آن چنان در میان امّت من وفور نعمت می شود که مثل آن هرگز نبوده است، زمین گنج ها و میوه های خود را آشکار می سازد و از آنها چیزی کم نکند، و مال و ثروت همچون چیزی است که زیر دست و پا افتاده باشد. شخصی می آید و می گوید: ای مهدی علیه السلام از اموال به من بده. امام به او می فرماید: بگیر»(۳).

و در عبارت دیگر فرمود:

«خداوند باران را از آسمان همواره بر آنها بفرستد و از زمین چیزی از گیاه نماند مگر اینکه سبز گردد»(۴).

۱- ۳۲۶. المجالس السنیه، ج ۵، ص ۷۰۶.
۲- ۳۲۷. همان، ص ۱۱۰ - کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۶۵.
۳- ۳۲۸. همان، ص ۷۲۲؛ کشف الغمه، ج ۳ ص ۳۸۲.
۴- ۳۲۹. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۷۶ - ۳۹۰.

حضرت رضا علیه السلام در ضمن روایتی فرمود:

«وقتی که قائم علیه السلام ظهور کند، نورش جهان را روشن می کند، ترازوی عدالت بین مردم قرار می دهد، هیچ کس به کسی ظلم نمی کند، زمین برای او درنَوَردیده می شود. (یعنی به هر جای زمین برود، فوری و آسان است) و او سایه ندارد و...».

باز نقل شده که: در سال قیام آن حضرت، بیست و چهار بار باران ببارد که آثار و برکات آن دیده شود(۱). جالب اینکه، وفور نعمت و به عبارت دیگر، اقتصاد خوب و خودکفایی در حدّی است که مردم بی نیاز می شوند و کسی برای صدقه و انفاق خود، شخص نیازمندی را پیدا نمی کند، چرا که همه مردم خودکفا و بی نیازند(۲).

علاوه بر این پیشرفت ها، پیشرفت های دیگری نیز در شهرسازی و راه سازی و نوسازی و توسعه نهضت سوادآموزی و پیشرفت قضایی و در یک کلمه پیشرفت در همه زمینه ها به وجود می آید(۳).

کوتاه سخن آنکه: یک نهضت به تمام معنی پر از صفا و صمیمیت در دنیا به وجود خواهد آمد. امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم ما - علیه السلام - قیام کند، سراسر زمین به نور پروردگارش روشن می شود، یعنی عدل و داد در سراسر زمین تا آنجا که طبیعت زمین پذیرا باشد، اجرا خواهد شد»(۴).

۱- ۳۳۰. کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۵۶ و ۴۴۶؛ اعلام الوری، ص ۴۲۹.

۲- ۳۳۱. همان، ج ۳ ص ۳۶۵.

۳- ۳۳۲. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۱۱ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۴- ۳۳۳. تفسیر نور الثقلین، ذیل آیه ۸۶، سوره زمر.

۶ – توجّه کامل به اماکن مقدّسه و توسعه شهرها و بهداشت

توضیح

از آنجا که اماکن مقدّسه مانند مسجد و... پایگاه مرکزی برای عبادت و تعلیم و تعلّم در جهت تکامل نفوس است، امام قائم علیه السلام در این جهت نیز توجّه خاص دارد، به طوری که امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی قائم ما – علیه السلام – ظهور کند، در پشت کوفه مسجدی می سازد که هزار در دارد، و خانه های کوفه به دو نهر کربلا متّصل می گردد»(۱).

ایجاد مسجد بزرگی در پشت کوفه (صحرای نجف) در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده، که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«گویا حسنی(۲) را (در کوفه) با حسینی (ظاهراً منظور امام قائم علیه السلام است) می بینم که حسنی با یارانش با حسینی بیعت می کنند و در اطراف آن حضرت هستند، تا در جمعه دوم مردم گویند نماز پشت سر امام قائم علیه السلام مساوی با نماز پشت سر رسول خدا صلی الله علیه وآله است، امّا بر اثر کثرت جمعیت در مسجد کوفه جا پیدا نمی شود. امام علیه السلام به پشت کوفه رفته و خطّ مسجد بزرگی را می کشد که آن مسجد هزار در دارد، تا مصلّای بزرگ و فراگیر برای همه جمعیت باشد»(۳).

در نوسازی و شهرسازی، خانه های کوفه به خانه های کربلا متّصل می شوند(۴). کوتاه سخن اینکه: آن چنان شرایط زندگی سالم در تمام

۱– ۳۳۴. اثبات الهداه، ج ۷ ص ۱۰۹؛ بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۳۰؛ کشف الغمّه، ج ۳ ص ۳۶۱.

۲– ۳۳۵. منظور، سید حسنی است که شرح قیام او را قبلاً ذکر کردیم.

۳– ۳۳۶. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

۴– ۳۳۷. همان، ص ۳۳۷.

ابعادش در زمان حکومت امام عصر - ارواحنا له الفداء - فراهم خواهد شد، که به فرموده امام صادق علیه السلام:

«یک مرد در این عصر چنان عمر طولانی می کند که دارای هزار فرزند می شود»(۱).

امام باقر علیه السلام فرمود:

«وقتی قائم علیه السلام قیام کند، به کوفه می رود و چهار مسجد را در آنجا ویران می نماید. هر مسجدی که مُشرف بر خانه های مردم باشد(۲) ویران می کند، راه ها را وسیع می نماید».

به این ترتیب می بینیم حتّی اگر مسجد هدف غیر اسلامی داشت، ویران می شود. آری هر مانعی را که در راه ها است، از میان برمی دارد و عوامل ناپاکی، نادرستی و حتی ناودان هایی را که موجب این کثافت ها می شوند از بین می برد، هر بدعتی را نابود و هر سنّت نیکی را احیا می سازد، قسطنطنیه (واقع در ترکیه) و کوه های گیلان و چین را فتح می کند...(۳). جالب اینکه، در این عصر درخشان، امکانات یک فرد صالح و مؤمن، پرنده را از هوا فرود می آورد و او آن را ذبح کرده و می پزد و از گوشتش بهره مند می شود(۴).

۱- ۳۳۸. اعلام الوری، ص ۴۳۴.

۲- ۳۳۹. گویا منظور چهار مسجدی است که دشمنان اهل بیت علیهم السلام هر یک از آن را برای تشویق به نام یکی از دشمنان یا شرکت کنندگان در خون امام حسین علیه السلام ساختند که عبارتند از: مسجد ثقیف {به نام مغیره بن شعبه ثقفی} و مسجد اشعث (به نام اشعث بن قیس، سرکرده منافقین) و مسجد جُریر (به نام جریر بن عبد اللّه، مخالف امام علی علیه السلام) و مسجد سمّاک (به نام سمّاک بن مخزمه اسدی، که از فرمانروایان جنگ صفین است). - تهذیب، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳- ۳۴۰. اعلام الوری، ص ۴۳۲ - بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۴- ۳۴۱. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۴۶.

در میان این امور، آنچه که بسیار مهم است و امور دیگر مقدّمه و وسیله آن است، تکمیل نفوس و بالا بردن سطح معلومات و معنویات است، که هدف تمام پیامبران و اولیای الهی همین بوده است. (البته در پرتو تکمیل نفوس، سایر مواهب مادّی نیز به دست می آید).

ما وقتی که آیه ۵ سوره قصص «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الأَرْضِ...» را که در مورد حکومت حضرت ولی عصر – ارواحنا له الفداء – می باشد، تحت مطالعه قرار می دهیم، واژه مستضعف را در روایات امامان علیهم السلام می نگریم، می بینیم بیشتر روایات، مستضعف را به معنی کم عقل، کم سواد، هدایت نشده، بی خبر از قرآن و ناتوانی در فکر و شناخت گرفته اند(۱).

امام باقر علیه السلام در معنی مستضعف فرمود:

«اَلَّذِينَ لا يَجِدُونَ حِيلَةً وَلا يَهْتَدُونَ سَبِيلاً، لا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةَ الكُفْرِ وَلَمْ يُهْتَدُوا فَيُدْخِلُوا فِي الإِيمانِ فَلَيْسَ هُمْ مِنَ الكُفْرِ وَالإِيمانِ؛ آنان که چاره ای ندارند و به راه هدف، هدایت نمی یابند، توانایی تشخیص تزویر کفر را ندارند و راهی به هدایت نبرده اند، مادام که ایمان نیاورده اند، آنها نه کافر و نه مؤمن هستند»(۲).

نتیجه می گیریم که اهمّ هدف امام قائم علیه السلام تکمیل نفوس و آگاه کردن مردم و خط دادن به آنها و هدایت کامل معنوی و علمی آنها و نجات دادن آنها از استضعاف در جهت معنی و فکر و اندیشه است.

۱– ۳۴۲. این روایات در معانی الاخبار، ص ۲۰۰ به بعد آمده است.

۲– ۳۴۳. معانی الاخبار، ص ۲۰۳.

در اینجا سخن را کوتاه کرده و آن را با اشعار ذیل و چند سخن از بزرگان پایان می بریم.

سراسر صحن آن آرامگه جنات موعودی

بعینه چون بهشت کردگار آن ساحت غَبِرا

نه دردی هست و نه رنجی نه آلامی نه اسقامی

نه سودایی تنی افزون شود، نه کاهش صفرا

هزاران گل شکفته گردد از آسیب گل چینان

به صد شادی کنار گل کشد صد عندلیب آوا

چریدی و چمیدی در امان ز آسیب صیّادان

غزال کوهی و آهوی دشتی، شادر در صحرا

و بالاخره به فرموده امام صادق علیه السلام:

«فَیا طُوبی لِمَنْ أَدْرَکَهُ وَکانَ مِنْ أَنْصارِهِ وَالوَیْلُ کُلُّ الوَیْلِ لِمَنْ ناواهُ وُخالَفَهُ وَخالَفَ أَمْرَهُ وَکانَ مِنْ أَعْدآئِهِ؛ ای خوشا به سعادت آن کس که امام مهدی علیه السلام را درک کند و از یاورانش شود، و ای وای از هر جهت، وای بر کسی که با او مبارزه و مخالفت کند و از فرمانش سرپیچی نماید و در صف دشمنانش قرار گیرد»(۱).

و به قول ابن عباس رحمه الله صحابی معروف پیامبر صلی الله علیه وآله و مفسّر بزرگ:

«فَطُوبی لِمَنْ أَدْرَکَ زَمانَهُ؛ خوشا به سعادت کسی که زمان ظهور قائم علیه السلام را درک کند»(۲).

۱- ۳۴۴. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۸۳.

۲- ۳۴۵. همان، ص ۱۱.

و به فرموده امام علی علیه السلام:

«آیه «وَنُرِیدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ الوارِثِینَ»؛ می خواهیم بر آنان که در زمین مستضعف شمرده شدند، منّت نهیم و آنها را امامان و وارثان زمین قرار دهیم. در مورد آل محمّد است که مهدی علیه السلام پس از رنج وسختی آنها، نهضت کند و به آنها عزّت بخشد و دشمنان آنان را خوار نماید»(۱).

دولت کریمه

یکی از دعاهایی که شب های ماه مبارک می خوانیم، دعای افتتاح است. این دعا را حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - به محمّد بن عثمان (دومین نائب خاص از نوّاب اربعه) تعلیم داده و او منتشر نموده است. سیّد بن طاووس رحمه الله در اقبال خود در ذکر اسناد دعاهای ماه رمضان، دعای افتتاح را پس از ذکر یک سلسله از ناقلین، به محمّد بن عثمان می رساند که محمّد بن عثمان رحمه الله آن را از امام زمان علیه السلام گرفته است.

علامه مجلسی رحمه الله در زاد المعاد نیز همین سند را نقل کرده و آن را سندی معتبر می داند و می گوید: امام زمان علیه السلام آن را برای شیعیان نوشته است که هر شب ماه رمضان بخوانند، فرشتگان می شنوند و برای خواننده آن استغفار می کنند. نکته جالب اینکه: در این دعای شریف به طور جامع به ویژگی های حکومت حضرت مهدی علیه السلام که به

ص:۲۳۱

۱- ۳۴۶. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۱۰.

عنوان «دولت کریمه» خوانده شده، اشاره شده است. توجّه عمیق به معنی این دعا برای منتظران مهدی علیه السلام لازم است.

دولت کریمه عبارت از تشکیل دولت اسلامی است که تمام افراد آن از مزایای حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند و در پرتو آن دولت، توحید و ایمان در سراسر زمین حکومت می کند.

حضرت رضا علیه السلام در انتظار رسیدن چنین حکومتی، دو آیه از قرآن را ذکر فرمود:

«وَارْتَقِبُوا إِنِّی مَعَکُمْ رَقِیبٌ»؛ شما در انتظار بمانید، من هم در انتظارم»(۱). «فَانْتَظِرُوا إِنِّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِینَ»؛ منتظر باشید، من هم با شما منتظرم»(۲).

گرچه آیه اوّل از قول حضرت هودعلیه السلام و آیه دوم از قول حضرت شعیب علیه السلام به قوم خود است، ولی حضرت رضا علیه السلام آن را به ظهور امام زمان علیه السلام تأویل فرمودند که همه باید در انتظارش باشیم، و فرمود:

«این انتظار نیکو انتظاری است»(۳).

توجّه امام علیه السلام به مکه، کوفه و قم

توضیح

یکی از شؤون یک حکومت جهانی، و یا فراهم آوردن مقدّمات آن، استفاده از مراکز استراتژیکی و مهم از نظرات مختلف، به خصوص از نظر معنوی است. این مراکز همچون پایگاه و هسته های اصلی هستند که می توان از آنها به عنوان فراهم آوردن اسباب کار استفاده کرد.

۱- ۳۴۷. سوره هود، آیه ۹۳.

۲- ۳۴۸. سوره اعراف، آیه ۷۱.

۳- ۳۴۹. توضیح بیشتر در کتاب «بیان حقیقت» که در شرح همین دعای شریفه است.

در روایات مربوطه به حضرت مهدی علیه السلام سه مرکز به خصوص اسم برده شده: مکّه، کوفه و قم، که اینها در پیشبرد نهضت جهانی حضرت مهدی علیه السلام اثر بسزایی دارند. ما در اینجا با رعایت اختصار، شرحی درباره این سه مرکز ذکر می کنیم، تا رهنمودی برای مسلمین و آینده سازان منتظران حضرت مهدی علیه السلام و روز به روز بر رونق این سه مرکز در ابعاد مختلف بیفزایند.

مکّه مرکز اوّلین جرقّه های انقلاب جهانی حضرت مهدی علیه السلام

در روایات می خوانیم: حضرت مهدی علیه السلام در مکّه کنار کعبه ظهور و خروج می کند(۱). هنگام ظهور به کعبه تکیه می کند و صدایش را بلند می نماید که:

«هان ای مردم جهان! هرکس می خواهد به آدم و شیث علیهما السلام بنگرد، به من بنگرد. هرکس می خواهد به ابراهیم و اسماعیل علیهما السلام بنگرد، به من بنگرد. هرکس می خواهد به موسی و یوشع علیهما السلام بنگرد، به من بنگرد. هرکس می خواهد به عیسی و شمعون علیهما السلام بنگرد، به من بنگرد. هرکس می خواهد به محمد و امیر مؤمنان علی علیهما السلام بنگرد، به من بنگرد. هرکس می خواهد به حسن وحسین علیهما السلام بنگرد، به من بنگرد. هرکس می خواهد به امامان از فرزندان حسین - علیهم السلام - بنگرد، به من بنگرد. به ندای من پاسخ مثبت دهید، من از آنچه که آنها خبر داده اند و آنچه که خبر نداده اند، به شما خبر می دهم»(۲).

۱- ۳۵۰. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۱۲۹.

۲- ۳۵۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۹.

خلاصه این روایت این است که تمام صفات پیامبران بزرگ و رسولان و اوصیای آنها در وجود من جمع است، من غیر از آنچه آنها آورده اند، شما را به زیادتر از آن آشنا می کنم، و اهداف آنها را تکمیل می نمایم. شما پیرو هر دینی هستید، گمشده شما در وجود من است، به گرد من جمع شوید که به هدف کامل زندگی خود خواهید رسید.

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

منظور از آیه «وَأَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَی النّاسِ یَوْمَ الحَجِّ الأَکْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِی ءٌ مِنَ المُشْرِکِینَ؛ و این اعلامی است از ناحیه خدا و پیامبرش به (عموم) مردم در روز حجّ اکبر (روز عید قربان) که خداوند و پیامبر او از مشرکان بیزارند»(۱). خروج قائم علیه السلام و دعوت او از مردم به سوی رهبری خود است»(۲).

ناگفته نماند: امام باقر علیه السلام در این حدیث یکی از مصادیق روشن این دعوت عمومی را بیان می فرماید، که در آن وقت این دعوت به صورت کامل جامه عمل می پوشد و تحقّق عینی می یابد.

موضوع دیگر اینکه: یاران امام زمان علیه السلام پس از ظهور در مکّه (چنان که قبلاً گفتیم) به آن حضرت می پیوندد، که از جمله آنها ۳۱۳ نفر یاران خاص هستند و سرانجام ده هزار نفر شده و به سوی مدینه رهسپار می شوند...(۳).

موضوع دیگر اینکه: امام زمان علیه السلام مسجد الحرام را خراب کرده، به

۱- ۳۵۲. سوره توبه، آیه ۳.

۲- ۳۵۳. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۹۹.

۳- ۳۵۴. اعلام الوری، ص ۴۳۱.

خود برمی گرداند، همچنین مقام حضرت ابراهیم علیه السلام را به جای اصلی خود برمی گرداند.

در این مورد امام صادق علیه السلام فرمود:

«وقتی که قائم علیه السلام قیام کند، مسجد الحرام را ویران نماید، تا به جای اصلی خود برگردد. مقام ابراهیم علیه السلام را به محل اصلی خود می گذارد، دست های کلیدداران خائن را قطع کرده و در کعبه آویزان می نماید و بر آنها می نویسد: اینها دزدان کعبه هستند.(۱) و سه هزار نفر از خائنان و چپاول گران مکّه را در شش نوبت به قتل می رساند»(۲).

از این مطالب نتیجه می گیریم که نخستین جرقّه های انقلاب جهانی آن حضرت در مکّه بروز می کند. و به این ترتیب می بینیم آن حضرت مسائل تشریفاتی و تزیینی و فرعی را از بین برده و مردم را در ابعاد اصلی حج که مهم ترین آن بُعد سیاسی و عبادی آن است، متوجّه می سازد. با توجه به اینکه در اسلام، بُعد سیاسی نیز عبادت است.

این یک درس بزرگی است برای طرفداران مهدی علیه السلام که مکّه این مرکز استراتژیکی و مهمّ دنیای اسلام، را به صورت کانون آتشفشان عدالت و معنویت و اتّحاد بر ضدّ استکبار جهانی درآورند و آن را آماده ظهور امام عصر – ارواحنا له الفداء – کنند و از زیر یوغ استکبار خارج نمایند.

در اینجا سخن را رها کرده و به گفتار پر مغز امام خمینی قدس سره که در پیام

۱– ۳۵۵. اعلام الوری، ص ۴۳۱ – اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۵ – ۱۱۸.

۲– ۳۵۶. همان، ص ۴۳۱.

مهمّ خود به مسلمانان در آستانه برگزاری کنگره عظیم جهانی حج ۱۴۰۴ ه.ق (چهارم شهریور ۱۳۶۳) ابلاغ فرموده، اشاره می کنیم:

«... ابعاد مختلف این فریضه الهی عظیم سرنوشت ساز حجّ بواسطه انحراف های حکومت های جور در کشورهای اسلامی و آخوندهای فرومایه کشورهای اسلامی و کج فهمی های بعضی از معمّمین و مقدّس نماها در تمام کشورهای اسلامی در پرده ابهام باقی مانده است، کج فهمانی که حتّی با تشکیل حکومت اسلامی مخالف و آن را از حکومت طاغوت بدتر می دانند.

... از همه ابعاد حج، مهجورتر و مورد غفلت تر، بُعد سیاسی این مناسک عظیم است، که دست خیانت کاران باری مهجوریت آن بیشتر در کار بوده است و هست و خواهد بود و مسلمانان امروز و در این عصر که عصر جنگل است، بیشتر از هر زمان، موظّف به اظهار آن و رفع ابهام از آن هستند.

... روزی که ولی اللّٰه الأعظم امام عصر - ارواحنا له الفداء - ظاهر شوند و در کعبه ندای عدالت سر دهند و برخلاف ظالمان و کافران فریاد کشند، همین آخوندها هستند که او را تکفیر و از ستمگران پشتیبانی می نمایند(۱).

... مراتب معنوی حج که سرمایه حیات جاودانه است

۱- ۳۵۷. جالب اینکه در روایات آمده اوّلین دسته ای که با قیام امام زمان علیه السلام مخالفت می کنند، علما هستند. {ظاهراً مراد همین دسته از علمای درباری می باشند}.

و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود.

... اگر در این کنگره جهانی که همه اقشار ملّت های مظلوم اسلامی از هر قشر و ملّت و دارای هر زبان و مسلک و هر رنگ و قشر، ولی با روش واحد و لباس مشابه، دور از هر آلایش و آرایش اجتماع نموده اند، مسائل اسلامی اسلام و مسلمین و مظلومان جهان از هر فرقه حل نشود، حکومت های مستکبر و زورگو نیز جایشان ننشینند، از اجتماعات کوچک منطقه ای و محلی کاری بر نخواهد آمد و راه حل فراگیری به دست نخواهیم آورد.

... بیتی که برای قیام، تأسیس آن هم قیام ناس وللنّاس، پس باید برای همین مقصد بزرگ در آن اجتماع نمود و منافع ناس را در همین مواقف شریف تأمین نمود و رمی شیاطین بزرگ و کوچک را در همین مواقف بزرگ انجام داد، مجرّد کلید دارای بیت و سقایت حجّاج و عمارت مسجد الحرام کافی نیست و مربوط به مقصد نیست، ساده بودن بیت و مسجد همچون زمان ابراهیم علیه السلام و صدر اسلام و بهم پیوستن مسلمین در آن مکان بی آلایش و وافدین بی پیرایشش هزاران مرتبه بالاتر از تزیین کعبه و بناهای مرتفع عظیم و غافل شدن ازمقصد اصلی که قیام ناس وشهود منافع ناس است می باشد».

ص:۲۳۷

«أَجَعَلْتُمْ سِقايَةَ الحاجِّ وَعِمارَةَ المَسْجِدِ الحَرامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالیَوْمِ الآخِرِ وَجاهَدَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ لا یَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لا یَهْدِی القَوْمَ الظّالِمِینَ»(۱).

گویی این آیه در عصرما نازل شده و گویای حال ماست، در عصر حاضر سرگرمی به سقایت ومعیشت حجّاج وبه عمارت و تزیین مسجد الحرام و غفلت از ایمان به خدا و روز قیامت و کناره گیری از جهاد فی سبیل اللّه را شعار خود قرار داده اند و کسانی که به این آیه عمل کنند، آنها را ظالم می خوانند.

و آیه ۳، سوره توبه «وَأَذانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ..» درست برخلاف رفتار آخوندهای درباری و تأمین کننده منافع شیطان بزرگ آمریکا است... که فتوا می دهند حجّ باید از این مسائل به دور باشد... مسأله، مسأله حضور در محضر است و شاهد جمال محبوب، گویی گوینده از خود در این محضر بی خود شده و جواب دعوت را تکرار می کند و دنباله آن سلب شریک به معنی مطلق آن می نماید.

باید متوجّه باشند که حجّ آنها حج ابراهیمی - ابوالانبیاء صلوات اللّه علیه - باشد و حج محمّدی «وَإِلّا ما أَکْثَرَ الضَّجِیجَ وَأَقَلَّ الحَجِیجَ»(۲)؛ چقدر ناله کن زیاد است ولی حاجی حقیقی کم است...».

از خداوند تعالی پیروزی اسلام و خذلان کفر و بیداری مسلمانان و تعهّدشان را در پیشبرد مقاصد اسلامی خواستارم(۳).

ص:۲۳۸

۱- ۳۵۸. آیا سیراب کردن حجّاج و آباد کردن مسجد الحرام را همانند عمل کسی قرار دادید که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و در راه او جهاد کرده است؟ {این هر دو} هرگز نزد خدا مساوی نیستند و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی کند. (توبه، آیه ۱۹).

۲- ۳۵۹. اشاره به سخن امام باقر علیه السلام - مناقب آل ابی طالب، ج ۴ ص ۱۸۴.

۳- ۳۶۰. نقل فرازهایی از پیام حضرت امام رحمه الله از روزنامه اطلاعات، شماره ۷۳۸۷، پنجشنبه هشتم شهریورماه صفحه سوم که به مناسبت ایام حج بیان فرمودند.

روح اللّه الموسوی الخمینی رحمه الله

نتیجه اینکه مسلمانان دوستدار حضرت قائم علیه السلام باید به مکّه و کعبه و حجّ اهمّیت فراوان بدهند و فلسفه حج را درک کنند و اجرا نمایند و بدانند که عرفات مرکز شناخت و مشعر مرکز شعور و منی مرکز عشق و قربانی و ترور شیاطین تجسّم یافته است، در این صورت کمک بزرگی به فراهم شدن اسباب کار در مورد ظهور آن حضرت کرده اند. در اینجا این مطلب را با سخنی از وصیت امام علی علیه السلام به دو فرزندش امام حسن و امام حسین علیهما السلام پایان می بریم:

«اَللَّهَ اَللَّهَ فِی بَیْتِ رَبِّکُمْ لا تَخْلُوهُ ما بَقِیتُمْ فَإِنَّهُ إِنْ تُرِکَ لَمْ تُناظَرُوا؛ خدا را، خدا را، در مورد خانه پروردگارتان (کعبه) آن را تا زنده هستید، خلوت نکنید؛ زیرا اگر این خانه ترک شود، کرامت و عزّت خود را (از طرف خدا و مردم) از دست خواهید داد»(۱).

آری باید مسلمانان با طرح جامع ایجاد کشورهای اسلامی اداره امور حج، با موج عظیم میلیونی، همه ساله مسلمانان را خطّ بدهند و نتایج سودمندی از این مرکز عبادی سیاسی بگیرند و بدانند که مراسم حج تنها بُعد عبادی آن نیست، وگرنه امام حسین علیه السلام روز هشتم ذی الحجه حج را رها نمی کرد و به سوی جهاد نمی رفت.

۱- ۳۶۱. نهج البلاغه، نامه ۴۷.

ناگفته نماند که مدینه نیز از مراکز مهم در رابطه با حکومت حضرت مهدی علیه السلام است که آن حضرت با یاران خود از مکّه به مدینه آمده و در آنجا جمعیت های زیادی به آن حضرت می پیوندند و عدّه ای از مخالفان سرکوب می شدند. (از اینکه مدینه را مستقلاً ذکر نکردیم چون آن را جزء حجاز و در قلمرو مکّه به حساب آوردیم).

اینک به این روایت توجه کنید: امام صادق علیه السلام فرمود:

«مکّه، حرم خدا و حرم رسول خدا و حرم علی علیهما السلام است و یک نماز در مکّه معادل با صدهزار نماز است، انفاق یک درهم در مکّه معادل با انفاق با صدهزار است، مدینه حرم خدا و رسول خدا و امام علی علیهما السلام است و یک نماز در آن معادل با هزار نماز، و انفاق یک درهم در آن معادل انفاق هزار درهم است»(۱).

روایات دیگری نیز در شأن و مقام مدینه آمده، که برای رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری شد.

کوفه مقرّ حکومت حضرت مهدی علیه السلام

قبلاً گفتیم، امام قائم علیه السلام پس از ظهور از مکّه به مدینه آمده و در آنجا همراه ده ها هزار نفر از همراهان به سوی کوفه رهسپار می شوند و مقرّ حکومت آن حضرت کوفه است، یعنی همان محلّی که مقرّ حکومت امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام بود. امام باقر علیه السلام فرمود:

۱- ۳۶۲. تهذیب، شیخ طوسی.

«گویی قائم علیه السلام را می بینم در کوفه (نجف) که از مکّه به آنجا آمده، در حالی که پنج هزار فرشته که جبرئیل در طرف راست و میکائیل در طرف چپ و مردم باایمان در حضورش هستند، و آن حضرت لشکرها را در شهرها گروه گروه پراکنده می کند(۱). در کوفه حدود ده هزار نفر که «بَتَریه» نام دارند، جلو آن حضرت را می گیرند و به او می گویند: از همانجا که آمده ای، برگرد، ما نیازی به فرزندان فاطمه علیها السلام نداریم، امام علیه السلام با آنها جنگ می کند و همه آنها را به هلاکت می رساند، آن گاه وارد کوفه شده و هر منافق شکّاک را می کشد و کاخ های عظیم ظلم و ستم را ویران می سازد و جنگ افروزان را به قتل می رساند تا خداوند خشنود گردد»(۲).

آن حضرت در کوفه به توسعه راه ها و خیابان ها و شهرها و مساجد می پردازد، ۲۷ نفر که اصحاب کهف، یوشع، سلمان، ابودجانه و مالک اشتر - علیهم الرحمه - در میانشان است، در نجف به آن حضرت می پیوندند و در صف یاران آن حضرت قرار می گیرند.

بالاخره آن چنان در جهت ظاهر و باطنِ مردم به طور سریع و وسیع کار را به پیش می برد، که خداوند سراسر زمین را به نور الهی روشن می کند و دیگر مردم نیازی به نور خورشید ندارند، ظلمت و تاریکی (ظلم و فساد) از بین می رود، یک نفر مرد در زندگی خود آن قدر عمر می کند که دارای هزار فرزند می شود...(۳).

۱- ۳۶۳. اعلام الوری، ص ۴۳۰.

۲- ۳۶۴. همان، ص ۴۳۲.

۳- ۳۶۵. همان، ص ۴۳۳ - ۴۴۴.

موضوع دیگر توسعه دادن به شهر کوفه است که خانه های کوفه به رود کربلا متّصل می شود و مسجد باشکوهی در پشت کوفه ساخته می شود که هزار در دارد. وسعت کوفه به حدّی می شود که اگر مردی در کوفه سوار بر استر راه وار بشود تا خود را به نماز جمعه برساند، نماز جمعه را درک نمی کند، در صورتی که در کوفه سکونت دارد(۱).

به این ترتیب می بینیم: کوفه (که عبارت دیگر آن شامل نجف و عراق است) پایگاه حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است، همان جایی که در طول تاریخ پایگاه مردان بزرگ چون ادریس، نوح، ابراهیم، عیسی و حضرت علی و امامان دیگر - علیهم السلام - بوده است. در روایات آمده، امام صادق علیه السلام فرمود:

«کوفه باغی از باغ های بهشت است، قبر حضرت نوح و ابراهیم و ۳۷۰ پیامبر دیگر و ۶۰۰ وصیّ - علیهم السلام - و قبر سرور اوصیا امیر المؤمنین علی علیه السلام در کوفه است»(۲).

قبر مردان بزرگی همچون حضرت مسلم رحمه الله نماینده اوّل امام حسین علیه السلام و قبر هانی و مختار نیز در کوفه می باشد. و حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه ۵۰ سوره مؤمنون فرمود:

«در آیه: «وَأَوَیْناهُما إِلی رَبْوَهٍ ذاتِ قَرارٍ وَمَعِینٍ؛ ما حضرت عیسی و مادرش مریم - علیهما السلام - را پناه دادیم در مکانی بلند و خوب». منظور از «ربوه» کوفه، «قرار» مسجد و «معین» فرات است»(۳).

۱- ۳۶۶. ارشاد اهل القبله الی ما ورد فی الکوفه، ص ۲۰ به نقل از بحار.
۲- ۳۶۷. همان. {هم اکنون نجف اشرف به کوفه متصل شده است}.
۳- ۳۶۸. همان.

موضوع دیگر اینکه: مهم ترین مسجد، پس از مسجد اعظم کوفه، مسجد سهله است که در حدود سه کیلومتری شمال غربی مسجد کوفه قرار گرفته است. در روایات آمده: حضرت ادریس پیامبرعلیه السلام، در این مکان (که اکنون مسجد سهله است) خیّاطی می کرد، و حضرت ابراهیم علیه السلام از آنجا به سوی عمالقه بیرون رفت و...

امام صادق علیه السلام فرمود:

«گویا می بینم حضرت قائم علیه السلام را در مسجد سهله همراه خانواده خود. سپس فرمود: هیچ پیامبری مبعوث نشد مگر اینکه در این مسجد نماز خواند...

یکی از یاران به نام ابوبصیر رحمه الله عرض کرد: آیا امام قائم علیه السلام همواره و همیشه در این مسجد خواهد بود؟

فرمود: آری. مسجد سهله خانه امام قائم علیه السلام است(۱).

عرض کرد: (امامان) بعد از قائم علیه السلام (دوران رجعت) چطور؟ حضرت فرمود: آنها نیز تا آخر دنیا در این مکان سکونت خواهند کرد»(۲).

از این حدیث استفاده می شود: در دوران رجعت، پس از قائم علیه السلام سایر امامان علیهم السلام نیز همین مکان را پایگاه مرکزی خود قرار می دهند.

در مورد فضایل و مقدّس بودن سرزمین کوفه روایات بسیار به ما رسیده است. و همچنین در مورد اهل کوفه، امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- ۳۶۹. اَما اِنَّهُ {مسجد سهله} مَنْزِلُ صاحِبُنا اِذا قامَ بِاَهْلِهِ (تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۲).
۲- ۳۷۰. ارشاد اهل القبله، ص ۷۲ الی ۷۶ به نقل از بحار.

«مؤمنین کوفه حجّت مردم سایر بلاد هستند، و نیز خداوند قم و اهلش را حجّت بر سایر مردم قرار داد».

و یک قسمت از روایات حاکی است که هیچ کس قصد سوء به کوفه نداشته، مگر اینکه به هلاکت رسیده. کوفه محل امن است و خداوند بلا را از آن رفع نموده است. و در روایتی که مرحوم صدوق رحمه الله در کتاب معانی الاخبار نقل می کند. امام کاظم علیه السلام فرمود:

«رسول خداصلی الله علیه وآله می فرمود: خداوند چهار سرزمین را اختیار و امتیاز بخشید، چنان که در قرآن فرمود: «وَالتِّینِ وَالزَّیْتُونِ وَطُورِ سِینِینَ وَهذَا الْبَلَدِ الأَمِینِ»؛ سوگند به انجیر و زیتون و طور سینا و این شهرِ باامن». منظور از تین، مدینه است و منظور از زیتون، بیت المقدس است و منظور از طور سینین، کوفه است و منظور از شهر با امن مکّه می باشد»(۱).

و در موضوع دفع و رفع بلا از این شهر روایات بسیار است، از جمله در نهج البلاغه آمده که امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«گویی تو را می بینم ای کوفه، که همچون چرم بازار عکاظ که مالش داده و کشیده می شود، محل تاخت و تاز حوادث و حمله قرار می گیری. من به طور حتم می بینم که هر ستمگری به تو نظر سوئی داشت، خدا او را گرفتار می سازد و یا به قتل می رساند»(۲).

همان گونه که حضرت علی علیه السلام فرمود، همان طور شد. کسانی که

۱- ۳۷۱. ارشاد اهل القبله، ص ۲۹.

۲- ۳۷۲. نهج البلاغه، خطبه ۴۷.

قصد خیانت به این شهر را داشتند، همه ذلیل و به هلاکت رسیدند.

جنایت کار معروف، «زیاد» جذام گرفت، شکم حجّاج پر از مار شد، عمر بن هبیره و پسرش یوسف به برص مبتلا شدند، عبید اللَّه بن زیاد و مصعب و ابوالسّرایا به قتل رسیدند(۱). شرکت کنندگان در خون حضرت مسلم و امام حسین علیهما السلام هر یک به دست مختاررحمه الله مفتضحانه به دَرَک واصل شدند.

به هرحال این شهر پرسابقه ومقدّس و در کنارش حوزه علمیه نجف اشرف و قبر مقدّس حضرت علی علیه السلام، این شهر حماسه ها و خاطره ها، پایگاه مرکزی حکومت مهدی علیه السلام قرار می گیرد، و با توجّه به موقعیت استراتژیکی سرزمین عراق و اتّصال آن به سوریه و فلسطین و سپس سرزمین حجاز، و از یک طرف به ترکیه و شهرهای مسلمان نشین شوروی سابق و ایران و... مرکز بسیار مناسبی در جهان اسلام برای مرکز حکومت جهانی اسلام و برای مرکزیت حکومت جهانی است، نتیجه اینکه طرفداران امام قائم علیه السلام باید عراق را از لوث طاغوتیان پاک سازند و حوزه علمیه نجف را توسعه دهند و زمینه ساز خوبی برای ورود امام قائم علیه السلام باشند.

قم، آشیانه اهل بیت علیهم السلام و مرکز نشر اسلام

در مورد قم و فضیلت این سرزمین مطالب بسیاری گفته شده است، از جمله امام صادق علیه السلام فرمود:

«برای خدا حرمی است و آن مکّه است؛ و برای پیامبرصلی الله علیه وآله

۱- ۳۷۳. منهاج البراعه، ج ۴، ص ۲۶۶.

حرمی است و آن مـدینه است؛ و برای علی علیه السـلام حرمی است و آن کوفه است؛ و برای ما حرمی است و آن قم است؛ و به زودی بانویی از فرزندان من در آن سـرزمین دفن شود که نامش فاطمه علیها السـلام است، هر کس او را زیارت کند بهشت بر او واجب می شود». امام صادق علیه السلام این سخن را قبل از تولد امام کاظم علیه السلام فرمود(۱).

و نیز در ضمن گفتاری امام صادق علیه السلام فرمود:

«مردم قم یـاور قائم علیه السـلام و خواهان حقّ ما هسـتند، آن گاه امام صادق علیه السـلام سـرش را به سوی آسـمان بلنـد کرد وعرض کرد: خدایا این مردم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده».

موضوع دیگر در قم وجود حوزه علمیه مقـدّسه است، که توسّط آن اسـلام به جهان منتشـر شـده و می شود. و همچنین حـدود ۴۴۴ امامزاده در این شـهر مدفون هسـتند و اصـحاب ائمه علیهم السـلام و علما و مراجع و شـهدای بزرگ که هریک بر رونق و صفای معنوی این شهر افزوده است، تا آنجا که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«دری از بهشت در قم گشوده می شود»(۲).

امام صادق علیه السلام فرمود:

«پیش از ظهـور مهـدی علیه السـلام، قم مرکز علم و دانش می گردد و از آنجـا به تمـام شـهرها در شـرق و غرب، علم و دانش منتشر

۱- ۳۷۴. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

۲- ۳۷۵. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

می شود و حجّت خداوند بر همه مردم تمام می گردد و کسی نمی ماند که از این سرزمین بهره مند نشده باشد»(۱).

قم چندین نام دارد از جمله نام های آن:

«مجمع انصار القائم علیه السلام = محل تجمّع یاران امام زمان علیه السلام»،

«ماوی الفاطمیّین = پناهگاه منصوبین به فاطمه زهرا علیها السلام»،

«بلد الأئمّه وبلد شیعه الأئمه علیهم السلام = شهر امامان و شهر پیروان آنان) «مقصم الجبّارین، مذاب الجبّارین = شکننده ستمگران جبّار و خُرد کننده آنها» و... که همه این نام ها از روایات گرفته شده است)(۲).

امام رضا علیه السلام فرمود:

«مردی از قم برمی خیزد ومردم را به سوی حق دعوت می کند، گروهی همراه او هستند، همچون پاره آهن، طوفان های تند حوادث آنها را از پای درنمی آورد و از جنگ خسته نمی شوند و نمی ترسند و توکّلشان بر خدا است و عاقبت نیک برای پرهیزکاران است»(۳).

و بالاخره امام صادق علیه السلام فرمود:

«اهل خراسان بزرگان ما هستند و اهل قم یاران ما هستند و اهل کوفه اوتاد (مردان استوار) ما هستند»(۴).

سابقه درخشان قم و ورود حضرت رضا علیه السلام به قم و دوستی مردم

۱- ۳۷۶. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.
۲- ۳۷۷. در این باره به ج ۶۰، بحار الانوار، ص ۲۱۰ به بعد رجوع شود.
۳- ۳۷۸. سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.
۴- ۳۷۹. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴.

قم با امامان معصوم علیهم السلام در هر زمان، حوزه علمیه قم و مراجع بزرگ تقلید و علمای برجسته که از قم برخاسته اند، قبر منوّر حضرت معصومه علیها السلام در قم، همه و همه بر شکوه این مرکز می افزاید، و هم اکنون که از نشانه هایش پیداست، زمینه سازی فرهنگی و معنوی و سیاسی و غیره که از ناحیه ساکنان و علمای قم برای قیام جهانی مهدی علیه السلام می شود، در جای دیگر سراغ نداریم.

مسجد جمکران پایگاه عظیم حضرت مهدی علیه السلام در قم

حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - به این مرکز توجّه خاص دارد، و وجود مسجد مقدّس جمکران در قم (چند سالی نمی گذرد که مرکز قم خواهد شد) به دستور امام زمان علیه السلام توسط یک شخص صالح به نام حسن بن مثله جمکرانی رحمه الله ساخته شده، وی می گوید: در شب هفده ماه رمضان سال ۳۷۳ هجری قمری در سرای خود خوابیده بودم، ناگاه گروهی نصف شب به سرای من آمده و مرا بیدار کردند و گفتند: برخیز امام زمان علیه السلام تو را خواسته! برخاستم و همراه جماعت به همان مکانی که اینک مسجد است، رفتیم. دیدم امام زمان علیه السلام با گروهی روی تختی نشسته و فرمود:

«برو به حسن بن مسلم بگو: چند سالی است این زمین را زراعت می کنی و ما خراب می کنیم، دیگر اجازه نداری در این زمین زراعت کنی، این زمین شریفی است خداوند این زمین را برگزیده است و اگر دیگر بار اینجا را کشت کنی، عذابی به تو خواهد رسید».

عرض کردم: مردم مرا تصدیق نمی کنند، نشانه ای قرار بده. فرمود:

«ما در اینجا علامتی می گذاریم، به مردم بگو: بدین مکان رغبت نمایند و آن را عزیز دارند و در آن چهار رکعت نماز بخوانند... در آخر فرمود: هرکس این نماز (امام زمان علیه السلام) را در این مکان بخواند، گویا در کعبه نماز خوانده است».

حسن بن مثله رحمه الله و گروهی دیگر سخن امام زمان علیه السلام را اطاعت کردند و در آنجا مسجد ساختند که هم اکنون با اضافه کردن مساجد و بناهای دیگر بر تجلیل و عظمت جمکران افزوده شده است(۱).

به این ترتیب مرکزیت قم و توجّه امام زمان علیه السلام به این مرکز و نشانه های معنوی، حوزه و مدارس علمیّه که جدّاً دانشگاه حضرت صادق علیه السلام است، همه و همه حکایت از آن می کند که هنگام ظهور امام علیه السلام این مرکز با توسعه بیشتر و عمیق تر در نشر اسلام راستین و فقه جعفری در خدمت حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفداء - قرار می گیرد. بنابراین باید به قم اهمّیت فراوان داد، و زمینه سازان قیام حضرت مهدی علیه السلام این مرکز را هیچ گاه از یاد نبرند و با حمایت های خود بر رونق آن بیفزایند...

ضمناً ناگفته نماند که یکی از بلاد بسیار مقدّس از نظر اسلام، بیت المقدس است، مسجد اقصی در این شهر قرار دارد که دومین معراج گاه پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است. و شاید بتوان احتمال داد که

۱- ۳۸۰. شرح این مطلب را در کتاب «حضرت معصومه علیها السلام فاطمه دوم»، نوشته نگارنده، از ص ۱۹۱ تا ۲۰۲ بخوانید.

شکست و هلاکت دجّال با دار و دسته اش در بیت المقدس توسط حضرت مهدی علیه السلام و یارانش، یک جهتش پاک کردن سرزمین مقدّس بیت المقدّس از لوث وجود صهیونیست ها و اشغالگران قدس است.

به این موضوع نیز باید توجّه داشت که در احکام اسلامی نماز مسافر در چهار مسجد (یعنی مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه وآله و مسجد کوفه و حائر (حرم) امام حسین علیه السلام) حالت تخییر دارد، یعنی هم می تواند تمام بخواند و هم می تواند قصر (شکسته) بخواند. این دستورها حاکی است که این مکان های مقدّس برای مسلمانان همچون وطن است و بعضی از فقها تخییر نماز مسافر در چهار شهر یعنی مکه و مدینه و کربلا و کوفه را جایز دانسته اند(۱).

به هرحال باید دست استکبار جهانی را از این مکان های استراتژیکی ومقدّس قطع واین مراکز را برای استقبال از امام قائم علیه السلام آماده ساخت.

۱- ۳۸۱. عروه الوثقی، آخر کتاب الصّلوه، ص ۳۴۸.

فصل هشتم خودسازی در عصر غیبت حضرت مهدی علیه السلام

اشاره

با مطالعه این کتاب نتیجه می گیریم که: مسلمانان بایـد هشیار و بیـدار باشـند و فراموش نکننـد و بداننـد که انگیزه غیبت آن حضـرت چه بوده و فوایـد آن چیست؟ انتظار یعنی چه؟ یاران خاصّ حضـرت مهـدی علیه السـلام بایـد دارای چه ویژگی ها و شرایطی باشند؟

امکانـات دنیـای اسـلام بسـیار وسـیع است و بـا به کـارگیری صـحیح آن می توان به حکومت جهانی رسـید. برای تحقّق چنین طرحی، نیـاز به برنامه ریزی جامع و جهاد و مبارزه خسـتگی ناپـذیر و پی گیر و هشـیاری است. هـدف مشـخّص است نه کور، بنابراین، این گام ها به سوی روشنایی برداشته می شود.

توجّه به اماکن مقدّسه و شـهرهای با اهمّیت و صدور انقلاب به این سرزمین ها و بالاخره آمادگی فرهنگی و اقتصادی و رزمی و تشـکیل ارتش هـای میلیونی و راه انـدازی نهضت هـای جهـانی در همه سـرزمین ها همچون صـدر اسـلام باشـد، که هر فرد مسلمان مانند یک سرباز جانباز حکومت اسلامی عمل کند.

اتّحاد و برادری و رعایت حقوق همدیگر مسلمانان در تمام زمینه ها، با توجّه به اینکه توحید و نفی شرک مطلق و همچنین تقوا و پاکی و خلوص در این امور که سنگ اول این ساختمان عظیم را تشکیل می دهد، باید از مهم ترین برنامه ها باشد.

علمای اخلاق می گویند: مراحل تکامل، چهار پایه دارد: کشف و شناخت؛ استخراج و عمل؛ فردسازی؛ جامعه سازی. به راستی که درست گفته اند. اگر این مراحل به طور صحیح طی شود، آن وقت است که ما در مسیر انتظار هستیم.

خلاصه جمع بندی کتاب در یک کلمه، آمادگی و تلاش پی گیر در تمام ابعاد اسلامی است، توجّه به تاریخ اسلام و معانی آیات قرآن و روایات معصومین علیهم السلام ما را در این جهت کمک بسزایی می کند، چنان که گفتیم: مهم ترین هدف امام قائم علیه السلام پس از ظهور، تهذیب و تکمیل نفوس است که در پرتو آن سایر امتیازات نیز به دست می آید.

خودسازی و پاک سازی

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَنْ سَرَّ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَصْحابِ القآئِم فَلیَنْتَظِرْ وَلیَعْمَلْ بِالوَرَعِ وَمَحاسِنِ الأَخْلاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ فَجِدُّوا وَانْتَظِرُوا هَنِیئاً لَکُمْ أَیَّتُهَا العِصابَهٌ المَرْحُومَهِ؛ هر کس دوست دارد تا از یاران قائم علیه السلام باشد، باید در انتظار ظهور باشد، و حتماً باید کارهایش بر اساس تقوا، پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین کسی منتظر امام علیه السلام است، و دراین راه بکوشید و آماده باشید،

ص:۲۵۲

گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شماست»(۱).

علمای اخلاق می گویند: انسان وقتی که صبح از خواب برمی خیزد تا شب که می خوابد، باید چهار چیز را حفظ کند: مشارطه، مراقبه، محاسبه و محاکمه. یعنی نخست متعهّد باشد که در کارهایش گناه وارد نشود. دوم مواظب باشد که این حالت ادامه یابد. سوم در آخر کار خود را به حساب بکشد که مبادا در حسابش بدهکار خدا باشد. چهارم در صورت بدهکاری نفس خود را به محاکمه بکشد و بازخواست نماید و به جبران بدهکاری بپردازد.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«آیا می خواهید شما را به زرنگ ترین زرنگ ها و احمق ترین احمق ها خبر دهم؟ عرض کردند: آری. فرمود: زیرک ترین زیرک ها کسی است که خود را برای بعد از مرگ به حساب بکشد، و احمق ترین احمق ها کسی است که از هوای نفس پیروی کند و آرزوی امان و رحمت الهی را داشته باشد(۲).

امام علی علیه السلام در ضمن خطبه ای فرمود:

«آیا در قیامت نفوس انسان ها حتّی به مقدار خردل (ذرّه) مورد بازخواست نیستند؟»(۳).

قرآن در سوره نساء آیه ۱ می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلَیْکُمْ رَقِیباً»؛ خداوند مراقب کارهای شماست».

۱- ۳۸۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰.
۲- ۳۸۳. سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۵۰.
۳- ۳۸۴. همان.

و در روایات آمده:

«إِنَّهُ یَنْشُرُ لِلعَبْدِ فِی کُلِّ حَرَکَهٍ مِنْ حَرَکاتِهِ وَإِنْ صَغُرَتْ ثَلاثَهَ دَواوِینٍ، الأَوَّلُ: «لِمَ»؛ الثّانِی: «کَیْفَ»؛ الثّالِثُ: «لِمَنْ»؛ هنگام انجام عمل هر قدر هم کوچک باشد سه دفتر برای ثبت خصوصیات آن گشوده می شود: اوّل: چرا؟، دوم: چگونه؟، سوم برای چه کس؟».

یعنی انگیزه عمل، چگونگی و کیفیت آن وهدف نهایی آن چیست؟

بنابراین باید منتظران حضرت مهدی علیه السلام و زمینه سازان انقلاب جهانی به رهبری آن حضرت این امور را رعایت کنند، که پایه و سنگ اول است. باید توجّه داشت که اعمال ما را در هر ماه یک روز یا چند روز به خدمت امام زمان علیه السلام می برند و آن حضرت آنها را می بیند(۱)، بسیار باید توجه داشت که مبادا ما مورد نفرین امام علیه السلام گردیم.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«مَنْ ماتَ وَهُوَ عارِفٌ لِإِمامَتِهِ لَمْ یَضُرُّهُ تَقَدُّمُ هذَا الأَمْرِ أَوْ تَأَخُّرُهُ وَمَنْ ماتَ عارِفاً بِإِمامَتِهِ کانَ کَمَنْ کانَ مَعَ القآئِمِ فِی فِسْطاطِهِ؛ هرکس بمیرد ولی شناخت به امامت (حضرت قائم علیه السلام) داشته باشد، دیر و یا زود شدن ظهورش، به او ضرر نمی رساند، و هرکس شناخت به امامت او داشته باشد و بمیرد، مانند کسی است که همراه قائم علیه السلام در میان خیمه او است»(۲).

بنابراین ما هم اکنون می توانیم با خودسازی، از یاران نزدیک امام قائم علیه السلام باشیم.

۱- ۳۸۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۱۹.

۲- ۳۸۶. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۴۰.

نشانه های عالی انتظار

بعضی از علمای بزرگ برای درجه عالی انتظار با استفاده از روایات، دوازده نشانه ذکر کرده و نشانه دوازدهم را چنین شرح می دهند: از علامات انتظار، مهیّا بودن برای ورود محبوب است و مهیّا بودن به چند چیز است:

۱ – عزم حقیقی بر یاری و متابعت آن حضرت علیه السلام

۲ – متّصف شدن به صفات نیک و دوری از هرگونه آلودگی اخلاقی

آئینه شو جمال پری طلعتان طلب

جاروب کن تو خانه و پس میهمان طلب

۳ – مواظبت در طاعات و انجام واجبات و مستحبّات و ترک محرمات و مکروهات

۴ – تهیه سلاح

۵ – مرابطه و مرزداری

۶ – مواظبت در خواندن عهدنامه بزرگ و کوچک (که در کتاب زاد المعاد مذکور است)(۱)

ظلم نکردن، اعانت به ظلم نکردن، هشیاری، توجّه و شناخت افراد نیرنگ باز و توطئه گر از جمله اموری است که باید به آن توجّه داشت.

رعایت حقوق برادران

از مهم ترین امور در زندگی محبّان و منتظران قائم علیه السلام رعایت حقوق برادران

۱– ۳۸۷. نور الابصار فی فضیله الانتظار {تألیف: سید ابوالقاسم دهکردی}، ص ۶۷.

و مسلمانان است. در این باره بهتر است پای سخن پرمغز و دلنشین امام صادق و امام باقر علیهما السلام بنشینیم: امام باقر علیه السلام به جابر جعفی رحمه الله فرمود:

«ای جابر! آیا کسی که ادعای تشیّع می کند، برای او این قول که دوست اهل بیت علیهم السلام هستم، کافی است؟! سوگند به خدا، شیعه ما نیست مگر کسی که پرهیزکار بوده و اطاعت از خداوند کند.

شیعیان ما را به این صفات بشناسید: تواضع و خشوع، امانت داری، بسیار در یاد خدا بودن، اهل نماز و روزه بودن، احترام به پدر و مادر کردن، مهربانی کردن به همسایگان مستمند و بدهکار ویتیمان، راست گو بودن، آنها تلاوت قرآن می کنند و زبانشان را کنترل می نمایند و برای خودشان در همه چیز امین هستند...

ای جابر! «ما تَنالُ وِلایَتَنا إِلّا بِالعَمَلِ وَالوَرَعِ؛ به ولایت و دوستی ما، جز از راه عمل و پرهیزکاری نمی توانی برسی»(۱).

امام باقرعلیه السلام به یکی از یارانش به نام سعید بن حسن رحمه الله فرمود:

«آیا در میان شما این روش هست که کسی از شما به حضور برادر دینی اش برود، دست در جیب او کند و به اندازه احتیاج خود، از آن پول بردارد و صاحب پول از آن جلوگیری نکند؟

سعید عرض کرد: نه چنین کسی را سراغ ندارم.

۱- ۳۸۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۷۴ {باب الطّاعه والتقوی}.

امام علیه السلام فرمود: بنابراین اخوّت و برادری در کار نیست.

سعید عرض کرد: آیا در این صورت ما در هلاکت هستیم؟

امام علیه السلام فرمود: عقل این مردم هنوز تکمیل نشده است(۱). (تکلیف به حساب اختلاف درجات عقل مختلف می شود)».

امام صادق علیه السلام در ضمن گفتار می فرماید:

«ما أَقَلَّ وَاللَّهِ مَنْ یَتَّبِعُ جَعْفَراً مِنْکُمْ، إِنَّما أَصْحابِی مَنِ اشْتَدَّ وَرَعَهُ وَعَمِلَ لِخالِقِهِ وَرَجا ثَوابَهُ فَهؤُلآءِ أَصْحابِی؛ سوگند به خدا چقدر پیروان جعفر از شما کم شده اند، بدانید که یاران من کسانی هستند که در پاکی وپرهیزکاری محکم باشند وکارهایشان را برای خدا انجام دهند و امید به پاداش خدا داشته باشند، اینها اصحاب و یاران من هستند»(۲).

در موردی حقوق برادران دینی به حدیث جالب و جامع ذیل که امام صادق علیه السلام برای یکی از یارانش «معلّی بن خُنَیس» در موارد هفت گانه زیر شرح داده اند، توجّه کنید:

معلّی بن خنیس رحمه الله می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: حقّ مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود:

«هفت حق واجب است که اگر یکی از آنها را تباه کنـد، از ولایت و اطاعت خداوند خارج شده و خداوند از او بهره (طاعت و بندگی) ندارد.

عرض کردم: آنها چیست؟ فرمود: من بر تو نگرانم، می ترسم آنها را تباه سازی و بدانی و عمل نکنی.

۱- ۳۸۹. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۴ {باب حق المؤمن علی اخیه}.

۲- ۳۹۰. همان، ص ۷۷.

عرض کردم: لا قوّه إِلّا باللَّه! فرمود: آسان ترین آنها این است که:

۱ – آنچه را برای برادر مسلمانت دوست بداری که برای خودت دوست می داری، و نپسندی برای او آنچه را که برای خود نمی پسندی.

۲ – از خشمگین کردن برادر مسلمانت (یا از خشم) دوری کنی، و آنچه را که مورد رضایتش است انجام دهی و اوامرش را اطاعت کنی.

۳ – با جان و مال و زبان و دست وپای خود او را یاری کنی.

۴ – چشم و راهنما و آئینه او باشی.

۵ – تو سیر نباشی و او گرسنه، تو سیراب نباشی و او تشنه، و تو پوشیده نباشی و او برهنه.

۶ – اگر دارای خدمتکار باشی و برادر مسلمانت خدمتکار نداشته باشد، بر تو واجب است که خدمتکارت را بفرستی تا لباس های او را بشوید و غذایش را آماده کند و فرشش را بگستراند.

۷ – اورا از مسؤولیت های سوگندهایش رها سازی، دعوتش را اجابت کنی، در بیماری او را عیادت نمایی، بر جنازه اش حاضر شوی، اگر دانستی که او حاجتی دارد در ادای حاجت او شتاب کنی، تأخیر در روای حاجت او نکنی که او اظهار آن کند، بلکه زودتر به رفع نیازش بپردازی.

ص:۲۵۸

سپس امام صادق علیه السلام گفتارشان را با این جملات پایان دادند: «فَإِذا فَعَلْتَ ذلِکَ وَصَلْتَ وِلایَتَکَ بِوِلایَتِهِ وَوِلایَتِهِ بِوِلایَتِکَ؛ وقتی چنین کردی، دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده ای»(۱).

در اینجا این فصل را با حدیث عرفانی ذیل پایان می بریم. حضرت موسی بن عمران علیه السلام به خدا عرض کرد:

«پروردگارا آیا کسی را مثل من گرامی داشته ای آنجا که سخن خود را به من شنوانده ای؟

خداوند فرمود: «بدانکه برای من بندگانی هست که در آخر الزمان می آیند، آنها به من از نسبت به تو نزدیکترند، زیرا من با تو با واسطه بودن هفتاد هزار پرده حجاب سخن می گویم ولی هر گاه (بنده من در آخر الزمان) روزه بگیرد، و بر اثر روزه لبهایش سفید و رنگش زرد گردد این هفتاد هزار پرده را هنگام افطار آنها برمی دارم». (و این چنین به آنها نزدیک می شوم)(۲).

روزی که سر از پرده برون خواهی کرد

دانم که زمانه را زبون خواهی کرد

گر زیب و جمال از این فزون خواهی کرد

یا رب چه جگرها است که خون خواهی کرد

ص:۲۵۹

۱- ۳۹۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۹ - در این باره روایات جالب دیگری نیز آمده که در این کتاب از ص ۱۶۹ تا ۱۷۴ ذکر شده است.

۲- ۳۹۲. تفسیر روح البیان برسوئی، ذیل آیه ۳، سوره مؤمن.

نتیجه اینکه علاقه منـدان و یاران امام مهـدی علیه السـلام باید کاملاً خود را وظیفه شـناس و پایبند به اسـلام و متعهّد و مسؤول بدانند و همواره مراقب احوال و کارهای خود باشـند، و از انحرافات دوری جسته و پناه به خدا ببرند و مو به مو احکام اسلام را عمل نمایند، تا شایستگی سربازی آن حضرت را پیدا کنند.

مبارزه و جهاد و یاد خدا و رسول صلی الله علیه وآله:

یاران و منتظران مهـدی علیه السـلام به خصوص باید به امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و مبارزه با انحرافات و دشـمنان و آگاهی از جریانات جهان اهمیّت خاصـی بدهند و همواره در صحنه حضور داشته باشند. بدانند که بزرگترین و مهمترین عامل نهضت امام حسـین علیه السـلام، دو عامل امر به معروف و نهی از منکر بوده است. و بدانند که در بررسـی جهاد و جنگ های پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله چنین به دست می آید که در طول تاریخ بشـر هیچ کس وهیچ ژنرالی مانند پیامبرصلی الله علیه وآله با دشمن نجنگیده است (منظور وسعت و دامنه جنگ نیست، بلکه منظور اشتغال به کار جنگ است).

دراین بررسی می بینیم پیامبرصلی الله علیه وآله در حدود ۵/۷ سال کار جنگی (در ده سالی که در مدینه بود) در این مدت ۶۴ یا ۶۵ فعالیت جنگی دارد که اگر بر روزها تقسیم کنیم هر ۴۵ یا ۵۰ روز یک لشکرکشی می کند. عثمان بن مظعون که انزوا و عبـادت در گوشه و کنار کوه ها را اختیار کرده بود، به پیامبر خـدا صـلی الله علیه وآله عرض کرد: دلم می خواهـد بیابان گرد باشم و کنار کوه ها به عبادت مشغول شوم.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود:

«لا تَفْعَلْ فَإِنَّ سِیاحَهَ أُمَّتِی الغَزْوَهُ وَالجِهادُ؛ چنین نکن، سیاحت و بیابان گردی امّت من، جنگ و جهاد است»(۱).

و پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ جَهَّزَ غازِیاً بِسِلْکٍ أَوْ إِبْرَهٍ، غَفَرَ اللّهُ لَهُ ما تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَما تَأَخَرَّ؛ هرکس جنگجویی را تجهیز کند، هرچند به این اندازه که نخی در سوراخ سوزن او کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را می آمرزد»(۲).

و نیز فرمود:

«حَرْسُ لَیْلَهٍ فِی سَبِیلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ لَیْلَهٍ یُقامُ لَیْلَها وَیُصامُ نَهارَها؛ نگهبانی یک شب در راه خداوند، بهتر است از عبادت هزار شب که روزش را انسان روزه بگیرد»(۳).

علاقه مندان و یاوران حضرت مهدی علیه السلام هیچ گاه نباید خدا و رسول و آلش علیهم السلام و روش آنها را فراموش کنند، بلکه باید همواره آنها را در نظر داشته باشند. در گفتاری پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«ما مِنْ قَوْمٍ اجْتَمَعُوا فِی مَجْلِسٍ فَلَمْ یَذْکُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَلَمْ یُصَلُّوا عَلی نَبِیِّهِمْ إِلّا کانَ ذلِکَ المَجْلِسُ حَسْرَهً وَوَبالاً عَلَیْهِمْ؛ هر گروهی که در مجلسی اجتماع کنند ولی در آن یاد خدا نکنند و درود بر پیامبرش نفرستند، آن مجلس حتماً مایه حسرت، وِزر و وبال (سنگینی بر گردن) آنها خواهد بود»(۴).

۱- ۳۹۳. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰.

۲- ۳۹۴. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳- ۳۹۵. نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۵۵.

۴- ۳۹۶. تفسیر نور الثقلین، ج ۴، ص ۳۰۱.

ایستادگی در سختی ها و آزمایش ها

به این نکته مهم بایـد توجه داشت که در زمـان غیبت و در آسـتانه ظهور امام قائم علیه السـلام، مردم مسـلمان در سـخت ترین آزمـایش هـا قرار می گیرنـد و زیر و رو می شونـد. در چنین وضـعی، نگهـداری آتش در کـف دست آسـان تر است از حفظ ایمان. در این مورد یکی از یاران امام باقر علیه السـلام به نام جابر جعفی رحمه الله از امام باقر علیه السـلام پرسید: فرج شما چه وقت است؟ امام باقر علیه السلام فرمود:

«هَیْهـاتَ، هَیْهـاتَ لاـ تَکُونُ فَرَجُنـا حَتّی تَغَرْبَلُوا ثُمَّ تَغَرْبَلُوا ثُمَّ تَغَرْبَلُوا - یَقُولُها ثَلاثاً - حَتّی یَذْهَبَ الکَدِرْ وَیَبْقَی الصَّفْوُ؛ هیهات! هیهـات! فرج مـا نرسـد تـا غربال شویـد، باز هم غربال شویـد و باز هم غربال شویـد، تا اینکه کـدورت ها برود و صافی و صـفا بماند»(۱).

یعنی وقتی مسلمانان با هم با کمال صفا و اتّحاد و صمیمیت زندگی کردند، به فرج امامشان خواهند رسید. همین مطلب را امام صادق علیه السلام نیز به شکل دیگر فرمود. شخصی از آن حضرت پرسید: آن آزمایش ها چیست؟ امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود:

«وَلَنَبْلُوَنَّکُمْ بِشَیْ ءٍ مِنَ الخَوْفِ وَالجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الأَمْوالِ وَالأَنْفُسِ وَالثَّمَراتِ وَبَشِّرِ الصّابِرِینَ؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، زیان مالی و جانی و کمبود میوه ها آزمایش می کنیم و بشارت دِه استقامت کنندگان را»(۲).

سپس فرمود:

۱- ۳۹۷. اثبات الهداه، ج ۷، ص ۲۴.

۲- ۳۹۸. سوره بقره، آیه ۱۵۵.

«ترس از زمامداران فاسق و... است، گرسنگی به خاطر گرانی است، زیان مالی از کسادی تجارت و کم رونقی آن است، و زبان جانی به مرگ های سریع است، و کمبود میوه ها بر اثر نقص کشاورزی و کمبود برکت در میوه ها است، آن گاه فرمود: بشارت بده استقامت کنندگان به نزدیک شدن ظهور قائم علیه السلام را»(۱).

البته بسیاری هم هستند که طاقت این آزمایش را نداشته و از این غربال امتحان بیرون می افتند، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود:

«سَتَخْرُجُ مِنَ الغَرْبالِ خَلْقٌ کَثِیرٌ؛ به زودی افراد بسیاری از غربال خارج شوند»(۲).

معرفت امام علیه السلام و پیروی از آن حضرت

باید قبل از قیام مهدی علیه السلام او را شناخت و از او پیروی کرد، چنان که امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«خوشا به سعادت آن فردی که قائم علیه السلام فرمود: ما را قبل از قیامش شناخته و به او اقتدا کرده است، دوست او را دوست داشته و از دشمن او بیزاری بجوید، و امامان قبل از او را نیز ولیّ و سرپرست خود را بشناسد، چنین افرادی دوستان من هستند و دوستی ومِهر مرا به خود جلب کرده اند و گرامی ترین امّت من نزد من هستند»(۳).

ص:۲۶۳

۱- ۳۹۹. کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۵۹ - اعلام الوری، ص ۴۲۷.

۲- ۴۰۰. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۸.

۳- ۴۰۱. غیبت شیخ طوسی رحمه الله، ص ۲۷۵.

چنان که امام قائم علیه السلام در فرازی از توقیع خود به شیخ مفید که قبلاً ذکر شد، می فرماید:

«ما به اخبار شما آگاهی کامل داشته و هیچ مطلب کوچکی از اخبار شما از ما پنهان نیست، و گرنه آن چنان در سختی قرار می گرفتید که دشمنان شما، شما را تار و مار می کردند»(۱).

بنابراین باید ما همواره به یاد امام عصر – ارواحنا له الفداء – باشیم و به او اقتدا کنیم، او نیز حتماً به یاد ما هست و ما را یاری خواهد کرد.

امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمود:

«لا یَکُونُ العَبْدُ مُؤْمِناً حَتّی یَعْرِفَ اللّهُ وَرَسُولَهُ وَالأَئِمَّهَ کُلَّهُمْ وَإِمامَ زَمانِهِ وَیَرُدَّ إِلَیْهِ وَیُسَلِّمُ لَهُ ثُمَّ قالَ: کَیْفَ یَعْرِفُ الآخَرُ وَهُوَ یَجْهَلُ الأَوَّلَ؛ مؤمن نیست مگر کسی که خدا و پیامبر و همه امامان علیهم السلام و امام زمانش را بشناسد و به او مراجعه کرده و تسلیم فرمان او باشد. سپس فرمود: چگونه ممکن است کسی امام آخر را بشناسد، ولی نسبت به امام اول (حضرت علی علیه السلام) جاهل باشد»(۲).

آری امامان، همه از یک نور و یک ریشه اند و همه معلّمان قرآن و اسلامند و باید به همه معتقد بود و شناخت و معرفت واقعی به همین است به اضافه تسلیم بودن در برابر اوامر آنها و عمل به فرموده های آنها و الگو قرار دادن روش و منش آنان!

درست است که پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شد امام

۱- ۴۰۲. احتجاج طبرسی رحمه الله، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲- ۴۰۳. اصول کافی، ج ۱ {کتاب الحجه باب معرفه الامام والرد الیه، حدیث ۲}.

قائم علیه السلام ظهور می کند، امّا این مربوط به مخالفان امام و گنه کاران دور از امام علیه السلام است. امّا شیعیان و علاقه مندان به امام علیه السلام هر قدر گنه کار باشند، به همین اندازه ظهور امام علیه السلام به تأخیر می افتد، چنان که در فرازی از توقیع امام زمان علیه السلام به شیخ مفید رحمه الله آمده:

«اگر شیعیان ما - که خداوند توفیقشان دهد - همگان در پیمانی که با ما داشتند، متّحد می شدند، هرگز برکت دیدار ما از آنها تأخیر نمی افتاد، و هر چه زودتر سعادت دیدار ما را با معرفت کامل پیدا می کردند، ولی آنچه باعث این دوری وسلب این توفیق دیدار شده خبرهایی است که از اعمال ناپسند آنان به ما می رسد»(۱).

مسأله رهبری

یکی از مسائل مهم در زمان غیبت، مسأله رهبری و توجّه به تشکیل حکومت های صالح در کشورهای اسلامی است، رهبر صالح است که می تواند چرخ های انقلاب را به حرکت درآورد و اسلام را به طور صحیح اجرا نماید و در پرتو آن قوانین اسلام زنده شوند، تا زمینه ساز سازنده ای برای قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام به وجود آید.

در این باره حضرت علی علیه السلام فرمود:

«در حکم خدا و اسلام بر مسلمانان واجب و لازم است که هیچ کاری انجام ندهند و قدمی پیش و پس نگذارند، قبل از

۱- ۴۰۴. احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۵.

آنکه امامی را برگزینند، امامی عفیف و خوب و پارسا که احکام قضاوت وسنّت پیامبرصلی الله علیه وآله را خوب بشناسد، اموالشان را جمع کند و حج و نماز جمعه شان را برپا دارد و مالیات های اسلامی را بستاند»(۱).

از سوی دیگر امامان ما، ما را با تأکید از قبول رهبران ناشایست برحذر داشته اند، امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند فرموده است:

«حتماً آنان را که امامان ستمگر انتخاب می کنند کیفر می کنم گرچه خود نیکوکار و پارسا باشند، ولی مردمی را که امامت عادلان را برگزینند، می بخشم، گرچه خود ستمگر باشند»(۲).

امام کاظم علیه السلام در گفتگوی خود با صفوان شتردار در پایان فرمود:

«فَمَنْ أَحَبَّ بَقآئَهُمْ فَهُوَ مِنْهُمْ وَمَنْ كانَ مِنْهُمْ فَهُوَ كانَ وِرْدَ النّارِ؛ هرکس ماندن رهبران ناشایست را دوست بدارد، جزء آنهاست و هرکس جزء آنها باشد، در میان آتش دوزخ خواهد بود»(۳).

قرآن در سوره هود آیه ۱۱۳ می فرماید:

«وَلا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَما لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيآءَ ثُمَّ لا تُنْصَرُونَ؛ تکیه بر ستمگران نکنید (و به آنها وابسته نشوید) که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد و در آن حال جز خدا هیچ کس سرپرستی نخواهید داشت و یاری نمی شوید».

آری! وابستگی و تکیه بر ظالمان است که همه چیز انسان را بر باد

۱- ۴۰۵. الحیاه، ج ۲، ص ۳۹۵.

۲- ۴۰۶. همان، ص ۳۹۶.

۳- ۴۰۷. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۳۱.

می دهـد. اسـتقلال فرهنگی، اقتصـادی، نظـامی و سیاسـی را از انسان می گیرد و انسان را برده می سازد، چنان که قرن هاسـت مستضعفین در طول تاریخ به این موضوع گرفتارند، باید به فکر باشند و خود را از این گرفتاری نجات بخشند.

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

«وقتی روز قیامت می شود، منادی نـدا می دهـد: کجا هسـتند سـتمکاران، و کجا هسـتند یاران سـتمکاران و کسانی که خود را شبیه آنهـا سـاخته انـد؟! حتی آنـان که برای آنها قلمی تراشـیده انـد و یا دواتی از آنها را لیقه کرده انـد (یعنی پنبه ابریشـمی یا پارچه به دوات آنها گذارده اند) همه آنها را در تابوتی از آهن قرار می دهند، سپس در میان جهنم پرتاب می شوند»(۱).

سرنوشت غم انگیز انـدلس و امپراطور عظیم اسـلامی عثمانی که در مدّت کوتاهی از مسـلمانان گرفته شد و قطعه قطعه گردید و... همه بر اثر اعانت به ظالمان و یا وابستگی به آنها بوده است.

به هر حال منتظران و یاران مهدی علیه السلام باید در این جهت حتماً خود و جامعه خود را بسازند و استقلال همه جانبه بیابند، تا در وقت خروج آن حضرت آنها را در اختیار امام علیه السلام بگذارند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ظالم و یاور ظالم و راضی به کار ظالم هر سه شرکت در ظلم دارند»(۲).

۱- ۴۰۸. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳۱.

۲- ۴۰۹. همان، ص ۱۲۸.

روزی آن حضرت به یکی از یارانش به نام «عذافر» فرمود:

«به من خبر رسیده تو برای ابوایوب و ربیع (دو نفر از ظالمان آن عصر) کار می کنی؟ آیا در این فکر هستی که روز قیامت به عنوان اعوان الظَّلَمه (یاران ظالم) مورد خطاب گردی، در این وقت حالت چگونه است؟».

عذافر از گفتار امام علیه السلام به سختی نگران شد و از شدّت ناراحتی مشت به خود کوبید و در سکوت غمباری فرو رفت، وقتی امام علیه السلام این حالت را از او دید، به او فرمود:

«ای عذافر! تو را از آن ترساندیم که خداوند مرا از آن ترسانیده است».

فرزند عذافر می گوید: پدرم از غصه و ناراحتی، پس از چند روز از دنیا رفت(۱).

آری مسلمانان پاکدل از سخن امامشان این چنین تحت تأثیر قرار می گرفتند و از خوف خدا به لرزه در می آمدند. ابویعفور گوید: در حضور امام صادق علیه السلام بودم، در این هنگام یکی از اصحاب وارد شد، از آن حضرت پرسید: گاهی فشار زندگی باعث می شود که دستگاه ظلم عبّاسی مرا به بنّایی ساختمان یا پاک کردن نهر و یا اصلاح کلنگ و تیشه دعوت می کند، من هم برای تأمین رزق و روزی قبول می کنم، آیا جایز است؟ امام علیه السلام فرمود:

۱- ۴۱۰. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۸.

«من دوست نـدارم طنـابی از آنهـا را گره بزنی، یا سـر مشـکی از آنها را ببنـدی و در برابر همه مـدینه را به من بدهنـد. نه حتّی خطّی برای آنها با قلم بکِشی. بدان که کمک کنندگان ظالمان در روز قیامت در میان خیمه ای از آتش هستند، تا خداوند بین بندگان قضاوت نماید»(۱).

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«هرکس تازیـانه ای را در کنـار حـاکم سـتمگر حمـل کنـد (به عنوان فرمـان بردار او) خداونـد آن تازیـانه را در روز قیامت به صورت مار و افعی از آتش در می آورد، که طول آن هفتاد زرع است، آن گاه خداوند آن مار را در آتش جهنم، مسلّط بر او می کند تا او را عذاب دهد»(۲).

منتظران مهدی علیه السلام باید بدانند که از هدف های اصلی امام قائم علیه السلام ریشه کَن کردن ظلم است، بنابراین نه خود ظالم باشـند و نه به هیـچ عنوان کمک به ظلم کننـد، خواه آن ظالم در محـدوده خاص باشـد و یا ظالمی به صورت ابر قـدرت باشد. این امور است که زمینه های سازنده برای ظهور آن حضرت را پدید می آورد و نباید از آن غفلت نمود.

توجّه به شناخت قرآن و اجرای آن

از امور اصلی و هر روزه ای که حتماً باید منتظران مهدی علیه السلام به آن ا

۱- ۴۱۱. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۹.
۲- ۴۱۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۳۰ - در این باره روایات دیگر که جمعاً ۱۷ حدیث می شود، نقل شده است.

همّیت دهنـد، انس گرفتن بـا قرآن و عمل به آن اسـت(۱). در مـورد شـناختن مفـاهیم قرآن و اجرای آن، مگر نه این است که قرآن و عترت علیهم السـلام در کنار هم هستند، امام زمان علیه السلام قرین قرآن است، اگر خدای نکرده قرآن مهجور گردد، درست برعکس راه امـام علیه السـلام قـدم برداشـته شـده است، اگر آیات عـذاب، آیات رحمت، آیات عبرت، آیات سیاسـی، آیـات عبـادی، آیـات تـذکّر و... را بـا کمـال دقّت توجه کننـد و هر روز بخواننـد و معانی آن را در ذهن خود ترسـیم نماینـد، خواهند فهمید که با این کار چقدر سریع و آگاه به سوی فرج امام علیه السلام گام برداشته اند.

در اینجـا برای اینکـه هم از قرآن اسـتفاده کرده باشـیم و هم طرز اسـتفاده از آن را دریـابیم و هم از دسـتورات محکم قرآن در جهت زمینه سازی برای حکومت صالحان مطلبی بدانیم، به دو فراز زیر از قرآن نوجه کنید. در آیه ۷۵ سوره نساء می خوانیم:

«وَمـا لَکُمْ لا تُقاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللَّهِ وَالمُسْتَضْعَفِینَ مِنَ الرِّجالِ وَالنِّساءِ وَالوِلْدانِ الَّذِینَ یَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هـذِهِ القَرْیَهِ الظّالِمِ أَهْلُهـا وَاجْعَـلْ لَنـا مِنْ لَـدُنْکَ وَلِیّاً وَاجْعَلْ لَنا مِنْ لَـدُنْکَ نَصِیراً؛ چرا در راه خـدا و در راه نجات مستضـعفین از مردان و زنان و کودکان،

۱- ۴۱۳. حضرت علی علیه السلام در وصیت خود به امام حسن و امام حسین علیهما السلام می فرماید: «خدا را، در مورد قرآن مواظب باشـید، مبادا دیگران از شـما پیشـی گیرند. - نهج البلاغه، نامه ۴۷. پیامبر اکرم صـلی الله علیه وآله فرمود: اگر شـنیدید کسـی در مساجـد شـعر می خوانـد (که جنبه اسـلامی و سازنـدگی نـدارد)، به او بگویید: «فَضَّ اللَّهُ فاکَ إِنَّما نُصِبَتِ المَساجِدُ لِلقُرْآنِ؛ خدا دهانت را بشکند، همانا مساجد برای آموزش قرآن به وجود آمده است». - تهذیب، ج ۳، ص ۲۵۹.

پیکار و مبارزه (با مستکبران) نمی کنید و در راه نجات مستضعفین که می گویند: خدایا مارا از این شهر (مکه) که اهلش ستمگر است، بیرون ببر و برای ما از طرف خودت سرپرست و یاور قرار بده، اقدام نمی نمایید»؟

این آیه به ما می گوید: نباید بی تفاوت باشیم، باید برای خدا و نجات مستضعفین پیکار کنیم، مستضعفانی که خدا پرستند و دنبال رهبر شایسته اند و از ستم و ستمگران ناخشنودند، چنین افراد را باید کمک کرد و نجات داد. تعبیر به «ما لکم = چرا» یک نوع استفهام انکاری است، حاکی است که حتماً باید مسلمانان در راه نجات مستضعفان، نه تنها بپاخیزند، بلکه باید پیکار کنند.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله با بیانات جذّاب و پرمحتوای خود شاگردان مکتب اسلام را به گونه ای ساخته بود که در مبارزه با دشمن کارشان چنان اوج گرفت، که طبق روایات هفت نفر از فقرای انصار به حضور پیامبر صلی الله علیه وآله آمده و عرض کردند: بر اثر تهی دستی وسیله ای برای شرکت در جهاد نداریم، شما وسیله ای از شمشیر و نیزه و مرکب در اختیار ما بگذارید، تا در جهاد شرکت کنیم. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله چون وسیله در اختیار نداشت، جواب منفی به آنها داد. آنها به قدری ناراحت شدند که اشک در چشم هایشان حلقه زده بود، و کم کم به گریه تبدیل شد و سخت گریستند و بعدها به «بکّائون = گریه کنندگان» معروف شدند. این آیه در وصف این افراد مخلص نازل شد(۱):

۱- ۴۱۴. مجمع البیان، ج ۵، ص ۶۰، ذیل آیه فوق.

«وَلا عَلَى الَّذِينَ إِذا ما أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ، قُلْتَ لا أَجِدُ ما أَحْمِلُكَمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَناً أَلّا يَجِدُوا ما يُنْفِقُونَ(۱)؛ و نیز اشکالی نیست بر آنها که نزد تو (پیامبر صلی الله علیه وآله) آمدند که آنها را مرکبی برای میدان جهاد سوار کنی، گفتی: مرکبی که شما را بر آن سوار کنم، ندارم. از نزد تو بازگشتند در حالی که چشمانشان اشکبار بود، از این رو که چیزی را نداشتند تا در راه خدا انفاق کنند».

آری این چنین تعلیمات قرآن که دو نمونه اش را ذکر کردیم، اثر می بخشد. فرزندان و شاگردان قرآن باید این چنین تربیت گردند تا منتظر واقعی امام زمان علیه السلام شوند، پس باید با قرآن مأنوس بود و این درس ها را از آن آموخت(۲).

زنان باید احساس مسؤولیت کنند

در این مسیر زنان که نیمی از جامعه را تشکیل می دهند، باید نقش سازنده داشته باشند، بدانند که آنها نیز موظّفند دوش به دوش مردان برای زمینه سازی ظهور امام قائم علیه السلام و برای خودسازی و پاک سازی محیط و قهرمان پروری که آن هم زمینه سازی است، تلاش عمیق و پی گیر و خستگی ناپذیر بنمایند.

وقتی در جنگ احد بسیاری از مسلمانان کشته شدند و شخص رسول خدا و امام علی علیهما السلام سخت مجروح گردیدند، شایع شد که پ

۱- ۴۱۵. سوره توبه، آیه ۹۲.

۲- ۴۱۶. توجه به نهج البلاغه نیز که می توان گفت یک کتاب انقلابی و برای زمینه سازی تحریر شده، باید مورد توجه قرار گیرد.

یامبر صلی الله علیه وآله نیز شهید شده، زنان مسلمان به خصوص خیلی ناراحت شدند، از خانه ها بیرون آمدند و به تحقیق پرداختند.

یکی از این زنان انصار (مسلمان مدینه) از مدینه بیرون آمده و سراسیمه به سوی احد رهسپار شد، در راه مردی را دید که از جبهه برمی گردد، از او پرسید: آیا به پیامبر صلی الله علیه وآله آسیبی وارد شده است؟ آن مرد به جای جواب سؤال زن به او گفت: ای خواهر! پدر شما کشته شده است.

زن تکان ملایمی خورد، باز طولی نکشید پرسید: آیا پیامبر صلی الله علیه وآله سالم است؟ آن مرد به جای جواب سؤال زن به او گفت: ای خواهر! برادر شما نیز کشته شده است.

زن تکان مختصری عارضش شد، ولی بار دیگر به حال آمد و پرسشش را تکرار کرد، مرد برای بار سوم گفت: ای خواهر! شوهر شما کشته شده است.

زن باز تکانی خورد، امّا این بار با خشم و گستاخی گفت: من نمی خواهم بدانم چه کسانی از من کشته شده اند، فعلاً احتیاجی به اینها ندارم، خواهش می کنم بگویید: پیامبر صلی الله علیه وآله در کمال سلامتی است؟ آن مرد در جواب گفت: پیامبر صلی الله علیه وآله در کمال سلامتی است.

ناگهان صورت زن از خوشحالی برافروخته شد و با حالی سرشار از عشق به اسلام، قاطعانه گفت: بنابراین قربانی ما هدر نشده است»(۱).

۱- ۴۱۷. داستانهایی از تاریخ، نوشته سید غلامرضا سعیدی،ج ۲، ص ۴۶.

یعنی اگر من سه قربانی (پدر و برادر و شوهرم) را در راه خدا داده ام به هدر نرفته، چرا که رهبر عزیز اسلام پیامبر صلی الله علیه وآله زنده است و همین افتخار مرا بس.

این چنین زنان قهرمان در صدر اسلام بسیار بودند، هم اکنون نیز باید زنان مسلمان این چنین نقش گویا و زاینده و بالنده داشته باشند و بدانند که گردش چرخ انقلاب ها (بدون آن به فرج امام زمان علیه السلام نزدیک نخواهیم شد) نیمی به دوش زنان است و زن باید خود را درک کند و بداند مسؤولیتی بس سنگین دارد و قبلاً نیز در این باره سخن گفتیم.

الگوی زنان مسلمان باید افرادی مانند خدیجه و زینب کبری علیهما السلام باشد، زینب علیها السلام در شرایط سخت نهضت امام حسین علیه السلام سه کار مهم را به عهده گرفت:

۱ - حمایت از رهبرش امام حسین علیه السلام تا زنده بود و سپس از امام سجاد علیه السلام.

۲ - حفظ یتیمان و سرپرستی از آنها.

۳ - رساندن پیام شهیدان در کوفه و شام، و با بیانات کوبنده و پرمحتوا در هر جا سخن از آنان گفت. این سه امر مهم را به خوبی انجام داد و مرام آنها را زنده نگه داشت.

توجه به جمعه و جماعات

شکی نیست که از مهم ترین عوامل پیروزی، اتّحاد و اجتماع و بهم پیوستگی است که به راستی یک اهرم بسیار قوی برای حرکت

دادن سریع چرخ های انقلاب است. منتظران امام مهدی علیه السلام باید به آن توجّه کامل داشته باشند و بدانند (چنان که قبلاً گفتیم) آن حضرت اماکن مقدّسه را توسعه می دهد، از جمله مسجد کوفه را، تا جمعیت در آن جا بگیرند.

ما وقتی نماز را هر روز می خوانیم، وقتی آن را تجزیه و تحلیل می کنیم، می بینیم نماز بر اساس جمع و جماعت تشریع شده است، مثلاً در سوره حمد واژه های «نَعْبُدُ = تنها تو را می پرستیم»، «نَسْتَعِینُ = تنها از تو کمک می جوییم» و «اِهْدِنا = ما را هدایت کن» همه به صورت جمع به کار رفته است. و در پایان نماز، سلام بر جمع شده «اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ = سلام بر شما»؛ این نشانه آن است که انزوا و گسیختگی از اجتماع، از اسلام به دور است، اینک به چند روایت زیر توجّه کنید.

۱ – پیامبر خدا صلی الله علیه وآله تصمیم گرفت مردمی را که در منزل های خود نماز می خوانند و در جماعت شرکت نمی کنند، خانه هایشان را آتش بزنند. نابینایی به حضور پیامبر خداصلی الله علیه وآله رسید، عرض کرد: من شب کور هستم، صدای اذان جماعت را می شنوم، ولی کسی نیست که دستم را بگیرد و مرا به مسجد برساند تا در جماعت شرکت کنم و با شما نماز بخوانم. پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«از منزل خود تا مسجد طنابی بکش، آن طناب را بگیر و با راهنمایی آن، خود را به مسجد برسان و در جماعت شرکت کن»(۱).

۱– ۴۱۸. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷، – تهذیب، ج ۲، ص ۲۶۶.

۲ – امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس درباره جماعت مسلمانان به اندازه یک وجب مانع شود، تعهّد ایمان از گردنش ساقط می گردد»(۱).

۳ – امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«... وَأَلْزِمُوا عَمّا عَقَدَ عَلَیْهِ حَبْلُ الجَماعَهِ؛ به آنچه را که پیوند جماعت بر آن گره خورده است، بپیوندید و آن را رها نکنید»(۲).

۴ – در مورد نماز جمعه، این نماز عبادی سیاسی و این میتینگ هفتگی پرشور مسلمین و این اجتماع دشمن شکن و نفاق برانداز، امام باقر علیه السلام فرمود:

«مَنْ تَرَکَ الجُمُعَهَ ثَلاثَ جُمَعٍ مُتَوالِیَهٍ، طَبَعَ اللَّهُ عَلی قَلْبِهِ؛ هرکس (بدون عذر شرعی) سه بار پشت سر هم نماز جمعه را ترک کند، خداوند مهر بر قلبش می زند(۳). (یعنی چنین کسی آن چنان در عناد و نفاق و بی ایمانی فرو می رود که خداوند حسّ تشخیص را از او می گیرد و او را کوردل می کند)».

باز فرمود:

«سوگند به خدا! به من خبر رسید که یاران پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در روز پنج شنبه برای روز جمعه (و انجام نماز جمعه و سایر آداب) مهیّا می شدند»(۴).

۵ – امام صادق علیه السلام فرمود:

«هرکس به سوی مسجد گام برمی دارد، به هر چیز خشک

۱- ۴۱۹. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۷.

۲- ۴۲۰. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱.

۳- ۴۲۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۳۸.

۴- ۴۲۲. همان، ج ۳، ص ۲۳۶.

و تری در راه گام بگذارد، زمین آن تا طبقه هفتم برای او تسبیح خدا می گویند»(۱).

در مورد نظم و پاکیزه نگهداشتن مسجد نیز روایاتی بسیار آمده، از جمله پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«صف های خود را منظّم کنید، در حالی که شانه هایتان در ردیف همدیگر باشد، تا شیطان در شما نفوذ نکند»(۲).

نیز فرمود:

«هرکس روز پنج شنبه و شب جمعه، مسجد را جارو کند و ذرّه ای خاک از آن مسجد بر سر و صورت او بنشیند، خداوند او را می آمرزد»(۳).

در این مورد، روایات دیگری نیز در کتاب تهذیب شیخ طوسی رحمه الله صفحه ۲۵۶ آمده است. به این ترتیب: باید علاقه مندان به ظهور امام مهدی علیه السلام به اجتماع و جماعت و نماز جمعه و پرکردن مساجد، اهمّیت فوق العاده بدهند، تا در پرتو آن، عوامل استقبال از امام مهدی علیه السلام فراهم شود و موجب خودسازی خودشان گردد. امامان معصوم ما - علیهم السلام - از هر فرصتی برای تهذیب و پاک سازی پیروانشان استفاده می کردند.

۱- ۴۲۳. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۴.

۲- ۴۲۴. همان.

۳- ۴۲۵. همان، ص ۲۵۵.

فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران

۱. قرآن کریم / چهار رنگ - رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

۲. قرآن کریم / وزیری خط نیریزی / الهی قمشه ای

۳. قرآن کریم / وزیری (با ترجمه) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

۴. قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

۵. نهج البلاغه / وزیری سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

۶. نهج البلاغه / جیبی سید رضی رحمه الله / محمد دشتی

۷. کلیات مفاتیح الجنان / وزیری خط افشاری / الهی قمشه ای

۸. کلیات مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۹. کلیات مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۱۰. منتخب مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۱۱. منتخب مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای

۱۲. منتخب مفاتیح الجنان محمد حسینی موحد

۱۳. ارتباط با خدا واحد تحقیقات

۱۴. آئینه اسرار حسین کریمی قمی

۱۵. آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات

۱۶. آقا شیخ مرتضای زاهد محمد حسن سیف اللهی

۱۷. آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش

۱۸. از زلال ولایت واحد تحقیقات

۱۹. امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

۲۰. امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

۲۱. امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

۲۲. انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

۲۳. انتظار و انسان معاصر عزیز اللّه حیدری

۲۴. اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی

۲۵. با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

۲۶. پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی

۲۷. پرچم هدایت محمد رضا اکبری

۲۸. تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۲۹. تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری

۳۰. تاریخ سید الشهداءعلیه السلام شیخ عباس صفایی حائری

۳۱. تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی) / واحد تحقیقات

۳۲. تاریخچه مسجد مقدس جمکران (عربی) / واحد تحقیقات

ص:۲۷۸

۳۳. تاریخچه مسجد مقدس جمکران (انگلیسی) / واحد تحقیقات

۳۴. تاریخچه مسجد مقدس جمکران (اردو) / واحد تحقیقات

۳۵. تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی

۳۶. جلوه های پنهانی امام عصرعلیه السلام حسین علی پور

۳۷. چهل حدیث /امام مهدی درکلام امام علی سید صادق سیدنژاد

۳۸. حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

۳۹. حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۰. ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

۴۱. خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

۴۲. خورشید غایب / مختصر نجم الثاقب رضا استادی

۴۳. خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۴۴. دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

۴۵. داستانهایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۴۶. داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

۴۷. در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

۴۸. درکربلا چه گذشت؟ /ترجمه نفس المهموم شیخ عباس قمی / کمره ای

۴۹. دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

۵۰. رسول ترک محمدحسن سیف اللهی

۵۱. زیارت ناحیه مقدّسه واحد تحقیقات

۵۲. سحاب رحمت شیخ عباس اسماعیلی یزدی

۵۳. سرود سرخ انار الهه بهشتی

۵۴. سقّا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

۵۵. سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی

۵۶. سیمای مهدی موعودعلیه السلام در شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۷. ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد اللّه هاشمی شهیدی

۵۸. عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

۵۹. عطر سیب حامد حجّتی

۶۰. عقد الدرر (عربی) المقدس الشافعی

۶۱. علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

۶۲. علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

۶۳. فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

۶۴. فرهنگ اخلاق شیخ عباس اسماعیلی یزدی

۶۵. فرهنگ تربیت شیخ عباس اسماعیلی یزدی

۶۶. کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۶۷. کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

۶۸. کمال الدین و تمام النعمه شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان

۶۹. کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

۷۰. گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

۷۱. گفتمان مهدویت آیت اللّٰه صافی گلپایگانی

۷۲. گنجینه نور و برکت / ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی

۷۳. مشکاه الانوار علّامه مجلسی رحمه الله

۷۴. مفرد مذکر غائب علی مؤذنی

۷۵. مکیال المکارم / دو جلد موسوی اصفهانی/ حائری قزوینی

۷۶. منازل الآخره / زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله

۷۷. منشور نینوا مجید حیدری فر

۷۸. مهدی علیه السلام تجسّم امید و نجات عزیز اللّٰه حیدری

۷۹. مهدی منتظرعلیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب

۸۰. مهدی موعودعلیه السلام / ترجمه جلد ۱۳ بحار علّامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای

۸۱. مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی

۸۲. میثاق منتظران / شرح زیارت آل یس سید مهدی حائری قزوینی

۸۳. ناپیدا ولی با ما (فارسی) / واحد تحقیقات

۸۴. ناپیدا ولی با ما (انگلیسی) / واحد تحقیقات

۸۵. ناپیدا ولی با ما (بنگالا) / واحد پژوهش

۸۶. نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

۸۷. نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

۸۸. نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

۸۹. و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

۹۰. وظایف منتظران واحد تحقیقات

۹۱. ویژگیهای حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

۹۲. هدیه احمدیه / جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۹۳. هدیه احمدیه / نیم جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله

۹۴. یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

۹۵. یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

۹۶. ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد شیخ عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتابهای فوق، می توانید با نشانی:

قم – صـندوق پستی ۶۱۷ ، انتشارات مسـجد مقـدس جمکران مکاتبه و یا با شـماره تلفن های ۷۲۵۳۷۰۰ ، ۷۲۵۳۳۴۰ – ۰۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹